

فرهنگ سعدي پژوهي

«از ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۵ شمسي»

دکتر کاووس حسن‌لي

عضو هیأت علمي دانشگاه شیراز

سعدیا خوشتر از حدیث تو نیست
تحفه روزگار اهل شناخت
آفرین بر زبان شیرینت
کاین همه شور در جهان انداخت

درباره سخن‌سرای بلندآوازه زبان پارسی، سعدی شیرازی و آفرینش‌های ارزشمند او، نوشته‌های گوناگونی پدید آمده است، اما در میدان سعدی‌پژوهی، هنوز جای بسیاری از پژوهش‌های بایسته و مطالعات بنیادی خالی است. یکی از ضروری‌ترین پژوهش‌ها، شناسایی و معرفی همه نوشته‌هایی است که در پیوند با سعدی به نگارش درآمده است. بویژه آنکه هنوز حتی فهرست ساده‌ای از کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط به سعدی به چاپ نرسیده است. این کتاب، همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید به بررسی انتقادی مقاله‌ها و کتاب‌هایی پرداخته که در سده چهارده (از سال ۱۳۰۰ تا پایان ۱۳۷۵ خورشیدی) در پیوند با سعدی در ایران پدید آمده، یا از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شده است. در این پژوهش بیش از ۷۰۰ مقاله و نزدیک به ۱۵۰ کتاب بازیابی و بررسی شده است. برای بازجست مقاله‌ها ۴۵۸۸ شماره از ۹۲ عنوان نشریه کاویده شده و در مجموع ۵۳۷۷۳ صفحه (مقاله و کتاب) شناسایی و معرفی شده است. با توجه به اینکه بیشتر کتاب‌شناسی‌ها و مقاله‌شناسی‌های موجود، تنها به فهرست‌نویسی از مشخصات عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها بسنده می‌کنند و بسیاری از پرسش‌ها بی‌پاسخ رها می‌شود، برای کاهش این نقایص، در این کتاب، پس از بازیابی و شناسایی مقاله‌ها و کتاب‌ها، همه این نوشته‌ها بر بنیاد طرحی منظم و یکدست و با روشی منطقی، به گونه‌ای گسترده معرفی و نقد و بررسی شده است.

همچنین در این کتاب افزون بر شناسایی نوشته‌ها، به بررسی و بازیافت تأثیرات و تأثرات آنها نیز پرداخته شده است، تا در روند سعدی‌پژوهی از انجام پژوهش‌های همگون و پدید آمدن نوشته‌های تکراری و همسان کاسته شود. پیش از آنکه سعدی‌پژوهی را در آینه کتاب حاضر بازنگری کنیم و از منظر آمارها و جدول‌ها به چگونگی این نوشته‌ها نگاه کنیم، جایگاه سعدی و شخصیت او را از دیدگاه برخی از اهل قلم باز می‌نگریم: جایگاه بلند سعدی در ادب پارسی آشکارتر از آن است که نیازی به یادآوری و تأکید داشته باشد. زیرا سخنان روشن او، بی‌هیچ‌گمانی، گسترده‌تر از گفته‌های هر سخنور دیگر در ذهن و زبان فارسی‌زبانان جاری است.^۱ اگر آثار دیگر سعدی را وانهیم و تنها سه آفریده گرانبه‌ای او (گلستان، بوستان و غزلیات) را نگاه کنیم، با سه شاهکار بی‌مانند ادبی رویه‌رو هستیم، که با روانی و شیوایی تمام، بنیادی‌ترین شیوه‌های پندار، رفتار و کردار درست آدمی را به او می‌نمایانند و از همان آغاز پیدایش خود، به روشنی بر فرهنگ مردم پرتو افکنده‌اند. بداهت این حضور بی‌وقفه، همان‌گونه که اشاره شد، ما را از هر یادآوری دیگری بی‌نیاز می‌کند. دانشوران، اندیشمندان و نویسندگان نامدار ایرانی درباره بلندی جایگاه او بسیار سخن رانده‌اند، اما کوتاهی گفتار ما، حتی بازگویی گوشه‌ای از آن عظمت شگرف را نیز، برنمی‌تابد.

تو بزرگی و در آینه کوچک نمای

بهتر آن است که سخن را دراز نکنیم و به چهره سعدی، در آن سوی مرزهای ایران نگاهی بیفکنیم: بیرون از مرزهای زبان پارسی و در آن سوی فرهنگ ایرانی نیز، سعدی بیش از همه سخنوران دیگر ایرانی، اندیشمندان را به شگفتی همراه با ستایش، برانگیخته است، و این هنگامی است که هنوز از همه شگرفی و شگفتی سعدی، بیش از اندکی، شناخته نشده است. آنچه در پی می‌آید، از آن همه، نیست "الا يك از هزاران":

- ارنست رنان، زبان‌شناس، مورخ، منتقد و نویسنده فرانسوی درباره او گفته است: "سعدی واقعا یکی از نویسندگان ماست. ذوق سلیم و تزلزل‌ناپذیر او، لطف و جاذبه‌ای که به روایاتش روح و جان می‌بخشد، لحن سخریه‌آمیز و پرعطوفتی که با آن معایب و مفاسد بشریت را ریشخند و طعن می‌کند. این همه اوصاف که در نویسندگان شرقی بندرت جمع می‌آید، او را در نظر ما عزیز می‌دارد. وقتی آثار سعدی را می‌خوانیم، گویی با یک نویسنده اخلاقی و حکمت‌آموز رومی یا یک منتقد بذله‌گو و شوخ‌طبع قرن شانزدهم سر و کار داریم."^۲

- باریه دومنار، در مقدمه ترجمه فرانسوی بوستان می‌نویسد:
"در آثار او [سعدی] مواردی هست که لطف طبع هوراس، سهولت بیان اوید، قریحه بذله‌گویی رابله و سادگی لافونتن را می‌توان یافت."^۳

همچنین درباره نفوذ سعدی در اروپا می‌نویسد: "از تمام گویندگان شرقی، سعدی شاید تنها شاعری است که می‌تواند مورد درک و دریافت اروپاییان قرار گیرد ... علت این اعتبار و افتخار این است که سعدی در گلستان جامع جمیع صفات و مواهبی است که جمال‌شناسی نوین خواستار آن است."^۴

- هانری ماسه نویسنده فرانسوی کتاب "تحقیق درباره سعدی" می‌نویسد: "[ما غربیان] وقتی آثار شاعران بزرگ ایران را می‌خوانیم، با وجود همه نوع آنان، فکری ناآشنا در آنها می‌یابیم. در آثار سعدی، حتی با خواندن ترجمه آنها، این تباين از بین می‌رود؛ با خواندن کتاب‌های سعدی این پیوستگی دائم و معتدل عقل و تخیل، این فلسفه عقل سلیم و این اخلاق کاملاً عملی که با سبکی بسیار هموار، بیان شده است، مشاهده می‌گردد."^۵

- سر ویلیام جونز، از اولین شرق‌شناسان انگلیسی، که برای نخستین بار دستور زبان فارسی را به انگلیسی نوشت، درباره سعدی می‌نویسد: "تا یکی دو قرن قبل، آثار سعدی در اروپا تحریم و ممنوع می‌شد، چون که شعله آزادی و تعقل با روشنایی خیره‌کننده‌ای در آنها می‌درخشید."^۶

- رینلد نیکلسون، که از بزرگ‌ترین استادان، محققان و مترجمان ادب و فرهنگ ایران و اسلام و از شیفتگان سعدی است، سروده‌ای در وصف سعدی با نام "سعدی ای هوراس پارس" پرداخته و در آن حقیقت‌جویی، بینش انسانی و شیرینی بیان سعدی را ستوده است.^۷

- امرسون که "پدر ادبیات آمریکا" لقب گرفته است، در سال ۱۸۴۲، شعر بلندی با نام "سعدی" و در وصف بلندی جایگاه او سروده و او را از دیگر شاعران برتر توصیف کرده است.^۸

همه شاهدان عالم به تو عاشقند سعدی

البته تنها سخن‌شناسان و سخن‌سرایان نبوده‌اند که در غرب، از انگاره‌ها و اندیشه‌های سعدی بهره برده‌اند، بلکه گاهی اندیشمندان سیاسی و رهبران جامعه نیز، شیفته عظمت او شده‌اند، و از آن جمله "سعدی کارنو" است که در سال ۱۸۸۷ به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شد. خالی از لطف نخواهد بود اگر نوشته دکتر جواد حدیدی را درباره پیوند کارنو و خاندانش با سعدی، بازنگری کنیم: "سعدی کارنو که در سال ۱۸۳۷ در فرانسه به دنیا آمده بود، بعد از یک سلسله فعالیت‌های ارزشمند و درخشان به نمایندگی مجلس، سپس به وزارت کار و در سال ۱۸۸۷ با اکثریت قاطع آرا به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شد. در مدتی که این مسؤولیت را

بر عهده داشت، اقتصاد آشفته فرانسه را سر و سامان بخشید. هم اکنون خیابان‌های متعددی در شهرهای بزرگ فرانسه به نام او " سعدی کارنو" نامیده می‌شود. او خود درباره وجه تسمیه خود نوشته است که:

نیای وی " لازار کارنو" Lazare Carnot به سعدی عشق می‌ورزید و تحت تأثیر آنچه در گلستان در سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان خوانده بود، افکاری آزادی‌خواهانه داشت. و در انقلاب فرانسه و اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور نقش بسیار مهمی داشت.

کارنو در جنگ‌های پس از انقلاب فرانسه هم مسؤولیت‌های خطیری گرفت و در همه آنها موفق شد. تا آنجا که او را " کارنوی کبیر" و " طراح پیروزی" نامیدند. ولی آنگاه که ناپلئون به قدرت رسید و مانند پیشروان خود راه استبداد و خودکامگی پیش گرفت با او نیز سر ناسازگاری گذاشت و کنج عزلت گزید...

لازار کارنو، به یاد شاعر شیراز، فرزند مهتر خود را که در گیرودار حوادث بعد از انقلاب به دنیا آمده بود، سعدی نامید. ولی وی مدت کوتاهی پیش نزیست و در کودکی درگذشت. کارنو فرزند دوم خود را نیز سعدی نامید. او هم در جوانی در اثر ابتلا به بیماری وبا درگذشت. " هیولیت کارنو"، برادر کهنتر او، که وی را بسیار دوست می‌داشت و از مرگ او سخت متأثر شده بود، به پیروی از پدر و به یاد برادر، نخستین فرزند خود را سعدی نامید و این سعدی همان کسی است که در سال ۱۸۸۷ به ریاست جمهوری فرانسه برگزیده شد. او نیز فرزند بزرگ خود را سعدی نامید و این " سعدی کارنو" چهارم با درجه افسری به ارتش فرانسه پیوست. چنین بود سرگذشت یکی از بزرگ‌ترین سیاستمداران فرانسوی. این سرگذشت به داستان شبیه‌تر است تا به واقعیتی تاریخی، امری که نشان می‌دهد، اندیشه‌های سعدی تنها در پرورش افکار شاعران و نویسندگان کارگر نبوده، بلکه سیاستمداران و رهبران جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌داده است.^۹

زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی نگاه‌دار که جز فیض آسمانی نیست

اگر آنچه که گوشه‌ای از آن نوشته شد، برای دوستداران سعدی، شادی‌آفرین و غرورافزا باشد، ناچار باید به واقعیت تلخی، در آن روی سکه سعدی‌شناسی نیز نظر انداخت و با یک شگفتی آمیخته به شرمساری یادآوری کرد که، برای استاد مسلم سخن‌سرایی و در برابر این همه حقی که از سوی او بر گردن جامعه فرهنگی ما سنگینی می‌کند، متأسفانه هنوز:

- حتی کلیات آثار او با مقابله نسخه‌بدل‌های معتبر، به گونه‌ای علمی تصحیح نشده است.

- کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی او تهیه نشده است.

- فرهنگ موضوعی آثار او سامان نیافته است.

- زیبایی‌شناسی آثار او کاویده نشده است و ...

کم‌توجهی به سعدی، آنگاه آشکارتر می‌شود که بدانیم در بزرگ‌ترین لغت‌نامه فارسی مرحوم دهخدا، درباره حافظ بزرگ، بحق ۵۳ ستون مطلب نوشته شده است.

اما با کمال شگفتی و تأسف درباره سعدی باید گفت: تنها یک ستون! نوشته شده و این در حالی است که برای شاعری چون " اثیرالدین اخسیکتی" ۱۶ ستون مطلب نوشته شده است.^{۱۰}

* * *

با آنکه برخی گمان می‌کنند زندگی و شخصیت سعدی نسبت به سخنوران زبان پارسی، ابهام کمتری دارد، باید گفت این‌چنین نیست. شاید درباره هیچ‌یک از سخن‌سرایان ایرانی به اندازه سعدی اختلاف نظر وجود نداشته باشد: اختلاف در زمان تولد، نام، وجه تخلص، مذهب، اندیشه، تاریخ درگذشت و

۱. تاریخ تولد

در مورد زمان تولد سعدی، در منابع گوناگون نزدیک به چهل سال اختلاف دیده می‌شود: برخی تولد او را تا سال ۵۷۰ قمری به عقب برده و برخی تا ۶۱۵ به پیش کشیده‌اند.^{۱۱}

۲. نام سعدی

نام سعدی را برخی شرف‌الدین، برخی مُشرف‌الدین، برخی مُشرف‌الدین، برخی مصلح‌الدین، برخی ابومحمد عبدالله و ... نوشته‌اند.^{۱۲}

۳. وجه تخلص

تخلص سعدی را برخی برگرفته از نام " سعدبن زنگی"، برخی دیگر از نام " سعدبن ابی‌بکرین سعدبن زنگی" و برخی دیگر از قبیله " بنی سعد" و ... دانسته‌اند.^{۱۳}

۴. مسافرت‌ها

برخی همه حکایت‌های بوستان و گلستان را واقعی پنداشته و سعدی را به هر شهر و دیاری که در گلستان و بوستان از آن نامی برده شده، سیر داده‌اند. برخی، همه حکایت‌ها را واقعی ندانسته و مسافرت سعدی را به بعضی از این مکان‌ها بعید و گاهی غیرممکن انگاشته‌اند.^{۱۴} برخی حتی اصل مسافرت‌های سعدی را رد کرده و همه آنها را ساختگی پنداشته‌اند.^{۱۵}

۵. مذهب

گروهی سعدی را " شیعه خالص" دانسته و با ذکر دلایلی بر نظر خود تأکید ورزیده و برخی با ذکر دلایلی دیگر بر سنی بودن او پای فشرده‌اند، از میان نوشته‌های مختلف، تنها به چند نمونه اشاره می‌شود:

آقای صدرالدین محلاتی نوشته است: " سعدی یکی از عرفای بزرگ شیعه بوده است. بهترین دلیل و قاطع‌ترین شاهد بر تشیع سعدی ابیاتی است که در آداب وضو می‌گوید... شیخ از مفاخر عالم تشیع و از زمره عرفای شیعه مذهب است."^{۱۶}

همچنین آقای کشاورز صدر با یادکرد چند دلیل او را " شیعه خالص" نامیده است.^{۱۷}

و آقای امیراسماعیل آذر نوشته است: " گر چه او را اهل تسنن می‌دانند، لیک آنچه در مقدمه بوستان آمده، نشانگر این است که او شیعه و مخلص آل‌عبا است."^{۱۸}

اما آقای الطاف حسین‌حالی نوشته است: "مذهب وی چنانکه از کلامش هویداست تسنن بوده."^{۱۹}

و آقای دکتر احمد احمدی با یادکرد دلایلی نوشته است: "ظاهراً با قطع و یقین می‌توان گفت که سعدی مذهب اشعری دارد و این گفته از دو راه قابل اثبات است..."^{۲۰}

دکتر مهدی محقق نیز بر همین نظر پای فشرده است:

"شکی نیست که او هم مانند هزاران فقیه و محدث و راوی و مقری و ادیب و متکلم و فیلسوف و خطیب و واعظ و مذکر که در مدارس و معاهد علمی حوزه‌های تمدن اسلامی تربیت شده بودند، پیرو مکتب کلامی اشعری بوده است."^{۲۱}

۶. تصوف

گروهی او را از عرفای بزرگ دانسته، مقام پیری و ارشاد به او داده و عرفان را بارزترین صفت و برجسته‌ترین عنوان او انگاشته‌اند.

"- عرفان بالاترین صفات و برجسته‌ترین عناوینی است که قبل از هر چیز باید سعدی را بدان معرفی کرد."^{۲۲}

"منظر اندیشه‌های سعدی فضایی وسیع‌تر از تصوف و افکار وی بالاتر از سطح قیود و آداب صوفیان است. چنانکه از آثار و افکارش پیداست این مراحل را پشت سر گذاشته و خود را به مقام مشاهده و ارشاد رسانیده است".^{۲۳}

"سعدی یکی از عرفای بزرگ شیعه بوده است. بهترین دلیل و قاطع‌ترین شاهد بر تشیع سعدی ابیاتی است که در آداب وضو می‌گوید...".^{۲۴}

و گروهی در مقابل، اندیشه‌های عرفانی او را بسیار کمرنگ نشان داده‌اند:

"نمی‌توان قاطعانه اظهار داشت که سعدی جزو عرفا بوده است. شبلی معتقد است که با اینکه سعدی را جزء عرفای بزرگ به حساب آورده‌اند، ولی حقیقتاً او صوفی نبوده و تلاشی هم برای پیشبرد و توسعه عرفان نکرده، بلکه گرایش خاصی به شیوه ملاحا داشته است...".^{۲۵}

"سعدی به تصوف تشکیلاتی متعلق نیست، سرسپرده هیچ پیری نشده و زندگی خانقاهی را نیز نپذیرفته است".^{۲۶}

"... با مطالعه مجموع آرا و نظرات او در کلیات، سعدی را نمی‌توان صوفی مخلص دانست. تعالیم عرفای صوفی تا آنجا مورد پسند سعدی است که در تعدیل اخلاق اجتماع نافع واقع شود، لیکن به طور کلی تابع عقاید عرفانی نشده".^{۲۷}

"سعدی هر چند که نسبت به شیخ شهاب‌الدین سهروردی علاقه و تکریم بسیار نشان می‌داد، به سهروردیه انتسابی نداشت و خود هم مرجع ارشاد و تبلیغ نشد و نیز با آنکه بعضی از اشعار او از مضامین عالی عرفانی مشحون است، سخن وی سراسر اختصاص به صوفیه ندارد".^{۲۸}

"اساساً بی هیچ تردیدی می‌توان گفت که عقل دنیادار بیش از تصوف، خصیصه اصلی اوست، البته احساسات و علائق دینی فراوان است، ولی این احساسات و علائق علی‌الرسم از نوعی کاملاً واقعی است و اغلب فاقد آن کیفیت رویایی خاص نویسندگان صوفی است".^{۲۹}

۷. جبر یا اختیار

برخی سعدی را پیرو مذهب اشعری و قائل به جبر مطلق پنداشته و بر نظر خود تأکید ورزیده‌اند: "شکی نیست که او هم مانند هزاران فقیه و محدث و ... که در مدارس و معاهد علمی حوزه‌های تمدن اسلامی تربیت شده بودند، پیرو مکتب کلامی اشعری بوده است و یکی از اصول مهم این مکتب عقیده به قضای محتوم و قدر ازلی و سعادت و شقاوت ذاتی است".^{۳۰}

و یا "گفته خود سعدی است در گلستان و بوستان و قصاید و غزلیات، که بر اساس آنها قضا و قدری حتمی بر جهان حاکم است و بشر هم یکسره محکوم این تقدیر تغییرناپذیر است و از روی جبر محتوم، در این گردونه هستی حرکت می‌کند و او را کمترین اختیاری نیست [!]"^{۳۱}.

گروهی دیگر با استناد به آثار سعدی، و رد پندار کسانی که او را جبری انگاشته‌اند، سعدی را اندیشمندی متعادل معرفی کرده‌اند. از آن جمله دکتر حیدر رقابی با نقد برخی از این نظرات و با یادکرد نمونه‌هایی از سخنان سعدی نوشته‌است:

"در همه این مثال‌ها، گرایش شاعر به سوی اختیار و آزادی است. بنابراین چگونه می‌تواند سنگینی اندیشه سعدی بر مسئله جبر مطلق باشد؟".^{۳۲}

هانری ماسه نوشته است: "حس می‌کنیم که سعدی بین "جبر" - که سنت و رسوم بر وی تحمیل می‌کند و "اختیار" که از الهام قلبی او سرچشمه می‌گیرد- در تکاپوست".^{۳۳}

و سیلستر دوساسی معتقد است که: "سعدی آموزگار اخلاقی است که میان دو نظر مخالف قرار دارد: یکی اعتقاد به سرنوشت و تقدیر و قضا که بشر را به حالت موجودی کاملاً منفعل و پذیرنده درمی‌آورد و دیگر استقلال و اختیار که آدمی را به تمام و کمال به خود وامی‌گذارد و ظاهراً از حیطة قدرت الهی بیرون می‌کشد".^{۳۴}

۸. پیکره سعدی

برخی او را مردی "تاور و درشت اندام" دانسته و برای نظر خود به دلایلی متوسل شده‌اند.^{۳۵} و برخی دیگر گفته‌اند: "اندام وی کوتاه و لاغر و سرش تاس بوده".^{۳۶}

همچنین نوشته‌اند: "مرد کوتاه‌قد و باریک‌اندامی بود که از چشمانش برق شادی و مهربانی ساطع بود".^{۳۷}

۹. سال درگذشت

سال درگذشت سعدی به اختلاف از سال ۶۹۰ تا ۶۹۵، در منابع مختلف نوشته شده است.^{۳۸}

۱۰ - خانه منسوب به سعدی

و بالاخره درباره خانه منسوب به سعدی و درستی یا نادرستی آن نیز بین صاحب‌نظران اختلاف است.^{۳۹}

* * *

گذشته از اختلافات فراوانی که درباره زندگی و اندیشه سعدی وجود دارد، برخی از نویسندگان نیز، درباره سعدی و آثار او داوری‌هایی کرده‌اند که گاهی بکلی نادرست، گاهی غیرمستند و بی‌پایه و گاهی غریب و شگفت‌آور است.

این گونه داوری‌ها در دو کرانه گسترده‌اند: یک سوی آن گزاره‌گویی‌هایی است که از سر شیفتگی‌های بیرون از منطق پرداخته شده‌است و سوی دیگر آن، نوشته‌هایی که از سر بی‌دانشی یا بی‌ذوقی پدید آمده‌اند. در این مجال اندک، از گروه نخست می‌گذریم و تنها به برخی از نوشته‌های گروه دوم اشاره می‌کنیم:

- آقای تقی رفعت درباره کارکرد افکار و آثار سعدی در جامعه امروزی نوشته‌اند: "ما در خود و محیط خود یک سلسله نقایص جسمانی و معنوی احساس می‌نماییم که سعدی اولین حرف آنها را هم بر زبان نیاورده و بالاخره ما در عهدی زندگی می‌کنیم که اطفال ۱۳ ساله مدارس امروزی در علوم و فنون متنوع، به مراتب از سعدی داناترند ...".^{۴۰}

چنانچه این عبارتها را حتی با عبارتهایی که از اندیشمندان غیرایرانی نقل شد، برابر بنهیم درجه اعتبار آن به روشنی نمایان می‌شود.

تنها دو مورد از آن موارد را باز می‌نگریم: سرویلیام جونز انگلیسی: "تا یکی دو قرن قبل، آثار سعدی در اروپا تحریم و ممنوع می‌شد، چونکه شعله آزادی و تعقل با روشنایی خیره‌کننده‌ای در آنها می‌درخشید".^{۴۱}

پروفیسور یان ریپکا: "یکی از آرمان‌های برجسته او اخوت تمام انسان‌هاست و عرفان او نیز از راه تشویق به زندگی فعالانه و متعادل به خدمت توده مردم درآمده است، او با شیوه ویژه خود به تسامح، بی‌عدالتی، استثمار و خشکه‌اندیشی و خشکه‌پارسایی تاخته است. ولی موفقیت و کامیابی بی‌ظیر و پایای سعدی بیشتر از همه در جهان‌شمولی او و نیز فلسفه مناسب اخلاقیش نهفته است".^{۴۲}

آقای دکتر اسماعیل خویی و آقای ضرابی در گفت‌وگویی که در کتاب "جدال با مدعی" به چاپ رسیده است، نه تنها سعدی را شاعر نمی‌دانند، بلکه او را فردی محافظه‌کار، سازشکار، مرتجع و ... معرفی می‌کنند.^{۴۳}

راستی شگفت‌آور است که کسی چون "باربیه دومنار" فرانسوی با شناخت درست از سعدی در آن سوی مرزهای زبان فارسی می‌گوید:

" در آثار او [سعدی] مواردی هست که لطف طبع هوراس، سهولت بیان اوید، قریحه بذله‌گویی رابله و سادگی لافونتن را می‌توان یافت".^{۴۴}

و همچنین معتقد است که: " سعدی در گلستان جامع جمیع صفات و مواهبی است که جمال‌شناسی نوین خواستار آن است".^{۴۵} ولی آقای دکتر اسماعیل خوبی شاعر، سعدی را - با آن همه نبوغ شاعری و آفرینش هنری - نشناخته و مرتکب داوریهایی بی‌پایه‌ای شده است.

* * *

علاوه بر این نوع داوریهایی کلی ناشایست، دریافت‌های ناقص و گاهی نادرست از آثار سعدی نیز در بسیاری از نوشته‌ها به چشم می‌خورد، تنها به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- در کتاب "شناسایی سعدی" موارد متعددی از این گونه دریافت‌ها دیده می‌شود. از آن جمله یکی آنکه با استناد به بیت زیر: "همای بر همه مرغان از آن شرف دارد که استخوان خورد و جانور نیازارد"^{۴۶} نوشته است: "از این فرد شعر که از شیخ است، چنین می‌نماید که وی گوشت‌خوار نبوده [!]".^{۴۶} و نیز با نقل بیت:

"مرا در نظامیه ادرار بود شب و روز تلقین و تکرار بود"

درباره معنی "ادرار" در پاورقی نوشته شده است: "ادرار یعنی درجه اجتهاد یا استادی در علوم و فنون [!]".^{۴۷} شیخ جابری انصاری در کتاب "زندگانی شیخ سعدی" درباره "کوسه بودن" سعدی نوشته است: "معروف است وقتی با یکی از علما سرگرم مناظره بوده، عالم در جواب او به برهان و دلیل درمانده و به پرخاش گفته: من به قدر موی سر تو درس خوانده‌ام. سعدی فوراً کلاه از سر گرفته و گفته: فضیلت آخوند معلوم شد. و گذشته از دلایل نقلی، دلیل تضمینی هم بر کوسج بودنش از باب جدال سعدی با مدعی می‌توان یافت که گوید: ز نخش گرفتم، گریبانم درید. و نمی‌گوید: ریشم را گرفت" [!]".^{۴۸} آقای دکتر محمود افشار درباره ترجیع بند مشهور سعدی: "ای سرو بلند قامت دوست به به که شما یلت چه نیکوست" نوشته‌اند:

"تنها چیزی که از نظر انتقاد توجه مرا جلب کرد این است که در ترجیع‌بند، شاعر بهتر است که یک موضوع معین یا افلاً مرتبی را پیروی کند... من نیز در ترجیع‌بند خود چنین کرده‌ام، یعنی خوابی را در چند غزل نقل کرده و آنها را به وسیله بند برگردان (ترجیع‌بند) به هم پیوسته‌ام. سعدی این کار را نکرده است. بندهای مختلف ترجیع بند او مشوش است. این پراکندگی به اندازه‌ای است که حتی برای خواننده، گاهی این اندیشه پیش می‌آید که آیا شاعر این ترجیع‌بند را در وصف زیبایی مرد سروده یا زن. برای نمونه به چند شعر مخالف و مختلف آن اشاره می‌کنیم:

یا چهره بیوش یا بسوزان بر روی چو آتشت سپندی

که محققاً چهره‌پوشیدن کار زن بوده است [!] ولی این سه شعر دیگر پنداری در وصف مرد است:

آن برگ گل است یا بناگوش یا سبزه به گرد چشمه نوش

من ماه ندیده‌ام کله‌دار من سرو ندیده‌ام قباپوش

نازک بدنی که می‌نگنجد در زیر قبا چو غنچه در پوست ...

همچنین تعریف از ساق پای زنان می‌کنند، نه مردان که زیبایی ندارد، چنان‌که در این شعر فرماید:

بس دیده که شد در انتظارت دریا و نمی‌رسد به ساق ...

در شعری دیگر ظاهراً به زیبایی مرد نظر داشته و مانند اینکه مرد معینی در دستگاه پادشاهان ترک و مغول فارس مورد توجهش بوده است، می‌گوید:

شاید که به پادشه بگویند ترک تو بریخت خون تاجیک

و بالاخره در بند آخر، آنجا که گوید:

شد موسم سبزه و تماشا برخیز و بیا به سوی صحرا

ظاهراً نظر به رفیق مردانه داشته، چه با توجه به وضع آن زمان، بعید به نظر می‌آید، به معشوقه‌ای خطاب شود: برخیز و بیا به سوی صحرا".^{۴۹}

(برای آگاهی بیشتر از این مقاله و نقد آن، رک. همین مقاله در بخش مقاله‌ها از همین کتاب).

علی‌دشتی در مقاله "دروغ مصلحت‌آمیز..."، درباره جمله "دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز" (در حکایت اول از باب اول گلستان) نوشته است: "همین جمله" دروغ مصلحت‌آمیز "برای مسموم کردن اخلاق جامعه ایرانی به قدر حکومت‌های استبدادی چنگیز و تیمور و سایر دربارهای فجایع‌آلود سلاطین خودخواه و بداخلاق ایران مؤثر بوده است...".^{۵۰} (برای آگاهی بیشتر از این مقاله و نقد آن، رک. همین مقاله و تأثیرات و پاسخ‌های آن در بخش مقاله‌ها، از همین کتاب).

* * *

درباره سعدی، سخنان بدون دلیل و سند نیز بسیار گفته‌اند که برای رعایت اختصار تنها به دو سه نمونه اشاره می‌شود:

- " [سعدی] ۱۸ زبان آسیایی می‌دانسته".^{۵۱}

- " سعدی از صوفیان نقشبندی بود".^{۵۲}

- شرح دیدار سعدی و همام تبریزی در حمام تبریز و مناظره ساختگی و سخیف آنها.^{۵۳}

نگاهی به " سعدی پژوهی " در آینه کتاب حاضر

با توجه به آنچه گفته شد و با نگاهی به آنچه درباره سعدی نوشته شده است، نتایج زیر به دست می‌آید: با آنکه پژوهش‌های انجام گرفته بسیار ناچیزتر از آن است که بایسته می‌نماید، اما همین مقدار اندک نیز دچار عیب و نقص‌های فراوان است بویژه آنکه به علت نبود کتاب‌شناسی و بی‌اطلاعی و گاهی بی‌توجهی نویسندگان و پژوهش‌گران از پژوهش‌های انجام گرفته پیشین، بارها و بارها مقاله‌ها و نوشته‌هایی با موضوعات همانند و تکراری پدید آمده است، مقاله‌هایی که گاهی جز در شیوه‌انشاپردازی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.

برای نمونه سه موضوع "مقایسه سعدی و حافظ"، "امور اجتماعی و تربیتی در آثار سعدی" و "تأثیرپذیری سعدی از قرآن و حدیث" به ترتیب موضوع نزدیک به ۲۶ و ۵۹ و ۱۷ مقاله از مقاله‌هاست. و این، غیر از موارد همانندی است که در کتابها آمده است. جالبتر آنکه در بسیاری از این نوشته‌های همانند، نوشته پیشین کامل‌تر و جامع‌تر نیز بوده است. آیا چنانچه پژوهشگری هم بخواهد، در این گرفتاری‌های فراگیر، پیشینه موضوع مورد نظر خود را بازیابی کند، چقدر امکان دسترسی به همه نوشته‌های پیشین را خواهد داشت؟

چگونه می‌تواند از موضوع همه مجله‌ها و نشریه‌های گذشته، با خبر شود؟
از کجا بداند، در کدام نشریه، و در چه شماره‌ای از آن، درباره موضوع مورد نظرش، مطلبی نوشته شده است؟
"زمان شتابان" به کدام پژوهشگر اجازه می‌دهد که برای بازجست موضوع مورد نظرش، همه مجله‌ها و نشریه‌ها را ورق بزند و بکاود و ...

آیا تا زمانی که امکان آگاهی و دسترسی آسان به نوشته‌های پیشین، برای پژوهشگر فراهم نباشد، می‌توان او را به خاطر تکراری بودن و تازه نبودن نوشته‌اش، به آسانی، نکوهش کرد؟!

این بنده برای اینکه اندکی از این بار گران را از روی دوش پژوهشگران بردارد، خود را ناگزیر دید برای تهیه کتاب حاضر به اندازه توان خویش بکوشد، کوششی فراگیر و توان‌سوز؛ سرکشی به بایگانی‌های غبارآلود و ناقص مجله‌ها و نشریات کتابخانه‌های مختلف، برای بازجست همه نوشته‌ها و مطالعه هر نوشته سست یا استوار و چکیده‌نویسی، تنظیم و بررسی آنها و ... و آنچه پیش رو دارید حاصل این تلاش است. حاصل تلاش در راهی نو، بلند و بی‌پایان. و راستی کیست که بتواند در این چنین راهی تلغزد؟! *

همان گونه که گفته شد کتاب‌شناسی‌ها و مقاله‌شناسی‌های موجود، تنها به فهرست مشخصات عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها بسنده می‌کنند. این فهرست‌ها اگرچه کارکردی بسیار سودمند دارند و بسیاری از گره‌ها را برای خوانندگان خود می‌گشایند، اما گره‌هایی را نیز ناگشوده رها می‌کنند.^{۵۴}

نگارنده این اثر، با یک روش تازه کوشیده است تا حد توان و امکان، گره‌های بیشتری را بگشاید و اطلاعات افزون‌تری در اختیار خواننده بگذارد و او را از بسیاری از جستجوهای بی‌نیاز کند.

اکنون پرونده سعدی‌پژوهی را در سده چهارده بر بنیاد فرایندهای این رساله، با شتاب برگ می‌زنیم: در سال ۱۲۹۶ هنگامی که علی‌اصغر طالقانی مقاله "مکتب سعدی" را در روزنامه "زبان آزاد" منتشر کرد و به بهانه تجدید به سعدی تاخت و "کلیات او را تنزل‌بخش نامید" و تقی رفعت هم در روزنامه "تجدد" از سخنان او حمایت کرد، شیفتگان سعدی با پرخاش به او و هم‌فکرانش به پاسخ‌گویی پرداختند که ملک‌الشعراي بهار در رأس این گروه قرار داشت.^{۵۵}

شاید بتوان گفت همین درگیری و بعضی از نظرات بحث‌آفرین عبدالعظیم قریب در مقدمه گلستان استنساخ خود که در سال ۱۳۱۰ منتشر شد، برخی از اندیشمندان ما را به فکر اقدام جدی‌تری انداخت و آن برگزاری نخستین گردهم‌آبی رسمی بود، با عنوان "جشن هفت‌صدمین سال تصنیف گلستان و بوستان" که در سال ۱۳۱۶ برگزار شد. مقاله‌های این مجلس بزرگداشت (۱۷ مقاله) به همت حبیب یغمایی در شماره ۱۱ و ۱۲ مجله تعلیم و تربیت همان سال و بعد در کتاب "سعدی‌نامه" گرد آمد.

در تاریخ سعدی‌پژوهی ۴ نقطه عطف تا به امروز وجود دارد.

اول: همین سال ۱۳۱۶ است که بدان اشاره شد.

دوم: سال ۱۳۳۱ که آرامگاه سعدی با بنای تازه افتتاح می‌شود و توجهاتی را برمی‌انگیزد.

سوم: سال ۱۳۵۰ که به بهانه هفت‌صدمین سال درگذشت سعدی و هشت‌صدمین سال درگذشت حافظ، کنگره جهانی بزرگداشت سعدی و حافظ در شیراز برگزار می‌شود.

چهارم: سال ۱۳۶۳ که مجلس بزرگداشت سعدی به مناسبت هشت‌صدمین سالگرد تولد او در شیراز برگزار می‌شود و اینک در دو بخش مقاله‌ها و کتاب‌ها تاریخچه سعدی‌پژوهی را در ایران، به گونه‌ای آماری باز می‌نماییم.

۱. بخش مقاله‌ها

مقاله‌ها را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان بررسی کرد. در این مجال اندک از دو زاویه به این مقاله‌ها می‌نگریم:
اول: از دیدگاه زمانی، دوم: از دیدگاه موضوعی.

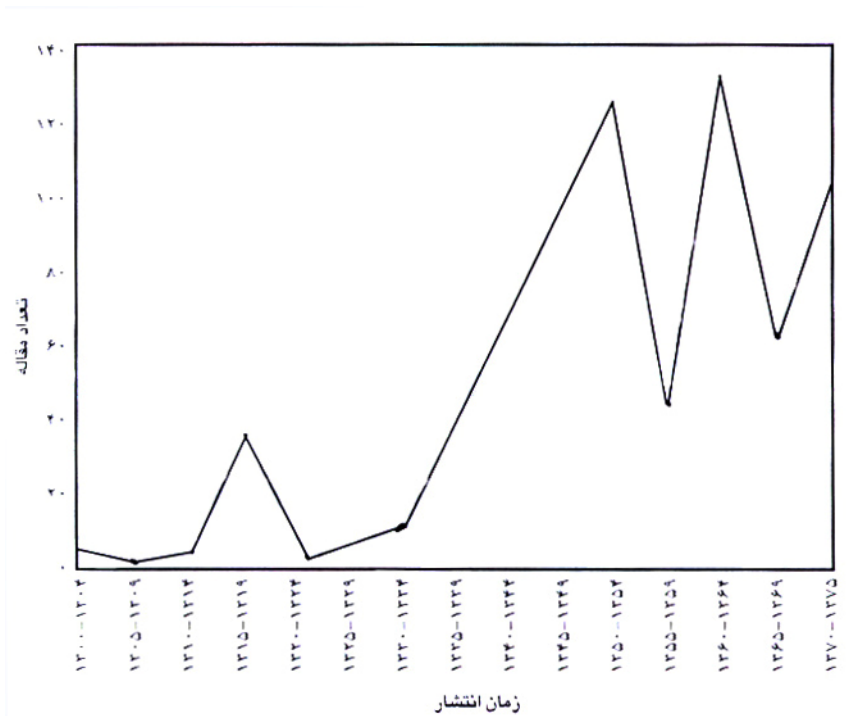
اول: بررسی مقاله‌ها از دیدگاه زمانی

از نظر زمانی از مجموع ۶۹۴ مقاله که تاریخ چاپ آنها مشخص بوده است، نموداری کشیده‌ایم که نتیجه‌های شایان توجهی را نشان می‌دهد (نمودار شماره ۱).

جدول شماره ۱. توزیع زمانی مقاله‌ها

زمان	تعداد مقاله	درصد
۱۳۰۰-۱۳۰۴	۸	۱/۱۵
۱۳۰۵-۱۳۰۹	۳	۰/۴۳
۱۳۱۰-۱۳۱۴	۵	۰/۷۲
۱۳۱۵-۱۳۱۹	۳۳	۴/۷۵
۱۳۲۰-۱۳۲۴	۷	۱
۱۳۲۵-۱۳۲۹	۹	۱/۲۹
۱۳۳۰-۱۳۳۴	۱۲	۱/۸۷
۱۳۳۵-۱۳۳۹	۲۱	۴/۴۶
۱۳۴۰-۱۳۴۴	۴۳	۶/۱۹
۱۳۴۵-۱۳۴۹	۷۲	۱۰/۳۷
۱۳۵۰-۱۳۵۴	۱۳۰	۱۸/۷۳
۱۳۵۵-۱۳۵۹	۴۶	۶/۶۳
۱۳۶۰-۱۳۶۴	۱۳۵	۱۹/۴۵
۱۳۶۵-۱۳۶۹	۵۵	۷/۹۲

«نمودار شماره ۱»



این نمودار توزیع زمانی مقاله‌ها را از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۵ پنج سال، پنج سال نشان می‌دهد. در این نمودار سه فراز دیده می‌شود:

۱. فراز مربوط به ردیف چهارم نمودار (۱۳۱۵-۱۳۱۹).
۲. فراز مربوط به ردیف یازدهم نمودار (۱۳۵۰-۱۳۵۴).
۳. فراز مربوط به ردیف سیزدهم نمودار (۱۳۶۰-۱۳۶۴).

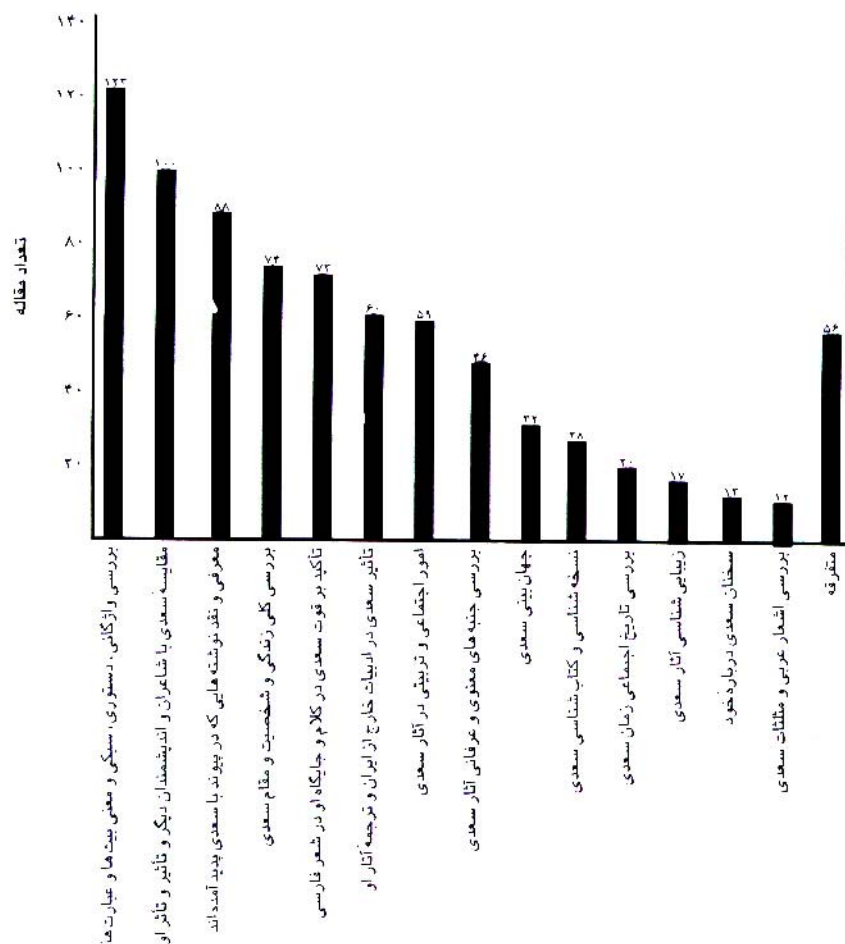
جالب است بدانیم که زمان سه کنگره بزرگداشت سعدی که پیشتر از این، بدان اشاره شد در همین سه فراز نمودار واقع شده‌اند. به عبارتی دیگر جلب توجه پژوهشگران به سعدی، در این سه مراسم سراسری، باعث افزایش چشمگیر مقاله‌ها در زمان‌های نزدیک به برگزاری مراسم شده است و تنها بخشی از این مقاله‌ها مربوط به کنگره‌های مذکور بوده است: از مجموع ۱۳۵ مقاله مربوط به ردیف سیزدهم نمودار (سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴) و از مجموع ۱۳۰ مقاله مربوط به ردیف یازدهم نمودار (سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴) و از مجموع ۳۳ مقاله مربوط به ردیف چهارم نمودار (سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۹) به ترتیب ۵۷، ۲۶ و ۱۳ مقاله در مجموعه مقالات آن کنگره‌ها چاپ شده و بقیه در نشریات دیگر درج گردیده است. و این خود تذکری است به دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور که با برگزاری چنین مجالسی و با ایجاد انگیزه‌هایی برای پژوهشگران در جهت تقویت امور پژوهشی و برای روشن کردن نقاط تاریک فرهنگی و ادبی بکوشند.

منحنی این نمودار با مسائل اجتماعی سیاسی کشور هم بی‌ارتباط نیست: به عنوان مثال در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ که کشور ایران دست‌خوش نابسامانی‌ها، درگیری‌ها و تغییرات سیاسی است و مسائلی چون رقابت کشورهای بیگانه، مسائل حزب توده و جبهه ملی و دولت مصدق و ... در کشور جریان دارد منحنی این نمودار تنزل یافته است. و یا در سال‌های بین ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹ که مبارزات انقلاب اسلامی و پیروزی آن، همه موضوعات را تحت‌الشعاع خود قرار داده است، منحنی نمودار نیز به شدت فرو افتاده است.

دوم: بررسی مقاله‌ها از دیدگاه موضوعی

برای تحلیل منطقی مطلب، توزیع ۸۰۰ مقاله را در نموداری با ۱۵ عنوان موضوع نشان داده‌ایم (تنها اندکی از مقاله‌ها به ضرورت در دو موضوع محاسبه شده‌اند).

«نمودار شماره ۲»



جدول شماره ۲ - توزیع موضوعی مقاله‌ها

شماره	عنوان مقاله	تعداد مقاله	درصد
۱	بررسی واژگانی، دستوری، سبکی و معنی بیت‌ها و عبارات‌ها	۱۲۲	۱۵/۲۵
۲	مقایسه سعدی با شاعران و اندیشمندان دیگر و تأثیر و تأثر او	۱۰۰	۱۲/۵
۳	معرفی و نقد نوشته‌هایی که در پیوند با سعدی پدید آمده‌اند	۸۸	۱۱
۴	بررسی کلی زندگی و شخصیت و مقام سعدی	۷۴	۹/۲
۵	تأکید بر قوت سعدی در کلام و جایگاه او در شعر فارسی	۷۳	۹/۱۲
۶	تأثیر سعدی در ادبیات خارج از ایران و ترجمه آثار او	۶۰	۷/۵
۷	امور اجتماعی و تربیتی در آثار سعدی	۵۹	۷/۳۸
۸	بررسی جنبه‌های معنوی و عرفانی آثار سعدی	۴۶	۵/۷۵
۹	جهان‌بینی سعدی	۳۲	۴
۱۰	نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی سعدی	۲۸	۳/۵
۱۱	بررسی تاریخ اجتماعی زمان سعدی	۲۰	۲/۵
۱۲	زیبایی‌شناسی آثار سعدی	۱۷	۲/۱۲
۱۳	سخنان سعدی درباره خود	۱۳	۱/۶۲
۱۴	بررسی اشعار عربی و مثلثات سعدی	۱۲	۱/۵
۱۵	متفرقه	۷	۷
	جمع	۸۰۰	۱۰۰

در این نمودار (نمودار شماره ۲) مشخص شده است که بیشترین مقاله‌ها به ترتیب در موضوعات زیر به نگارش در آمده‌اند:

۱. بررسی واژگانی، دستوری، سبکی و معنی بیت‌ها و عبارات‌ها: ۱۲۲ مقاله
 ۲. مقایسه سعدی با شاعران و اندیشمندان دیگر و تأثیر و تأثر او: ۱۰۰ مقاله
 ۳. معرفی و نقد نوشته‌هایی که در پیوند با سعدی پدید آمده است: ۸۸ مقاله
 ۴. بررسی کلی زندگی، شخصیت و مقام سعدی: ۷۴ مقاله
 ۵. تأکید بر قوت سعدی در کلام و جایگاه او در شعر فارسی: ۷۳ مقاله
 ۶. تأثیر سعدی در ادبیات خارج از ایران و ترجمه آثار او: ۶۰ مقاله
 ۷. امور اجتماعی و تربیتی در آثار سعدی: ۵۹ مقاله
 ۸. بررسی جنبه‌های معنوی و عرفانی آثار سعدی: ۴۶ مقاله
- حالب توجه است بدانیم، کمترین مقاله‌ها متأسفانه در موضوع زیبایی‌شناسی آثار سعدی نگاشته شده است و شایسته است از این پس با توجه جدی‌تری به این موضوع اساسی و این ویژگی ارزشمند آثار سعدی پرداخته شود.

بی‌اطلاعی و گاهی بی‌توجهی نویسندگان از پژوهش‌های انجام گرفته پیشین، موجب پدید آمدن بسیاری از مقاله‌ها و نوشته‌های همانند و تکراری است.

با بررسی‌ها و پرسش‌هایی که از برخی صاحبان این گونه مقاله‌ها کردم اغلب به بی‌اطلاعی از پژوهش‌های پیشین اعتراف می‌کردند. برای نمونه تنها به نام و تاریخ انتشار برخی از مقاله‌ها که موضوع و متن آنها بسیار همانند است، اشاره می‌شود: (بدون یادکرد نام نویسنده مقاله)

الف: "سنجش سعدی و حافظ"

۱. تحقیق در آثار سعدی و حافظ و مقایسه آنها (۱۳۳۳).
۲. مقایسه شعر سعدی و حافظ (۱۳۳۲).
۳. مقایسه‌ای بین شیخ اجل سعدی شیرازی و خواجه بزرگوار حافظ (۱۳۵۰).
۴. مقایسه سبک‌شناسی غزل سعدی و حافظ (۱۳۷۰).
۵. حق سعدی بر گردن حافظ (۱۳۶۴).
۶. تأثر حافظ از سعدی - سه قسمت (۱۳۳۵).
۷. اقتفای حافظ از سعدی (۱۳۵۶).
۸. بررسی متوازی سعدی و حافظ - چند قسمت (۱۳۷۲).
۹. مشکل عشق از نظر سعدی و حافظ (۱۳۴۱).
۱۰. زبان سعدی، در مقایسه با حافظ (۱۳۳۶).
۱۱. جهان‌بینی تحلیلی سعدی و جهان‌بینی ترکیبی حافظ - دو قسمت (۱۳۵۰).
۱۲. سعدی و حافظ دو نابغه شیراز (۱۳۶۸).
۱۳. سعدی - حافظ (۱۳۵۰).
۱۴. سعدی و حافظ (۱۳۵۲).
۱۵. سعدی و حافظ (۱۳۴۸).
۱۶. سعدی و حافظ (۱۳۶۸).
۱۷. غزل حافظ - غزل سعدی (۱۳۵۶).
۱۸. پرورش گوهری از سعدی در صدف حافظ (۱۳۷۱).
۱۹. مقابله دو غزل از سعدی با غزل‌های حافظ ... (۱۳۵۶).
۲۰. بررسی و مقایسه غزل‌های سعدی و حافظ (۱۳۵۰).

ب: امور اجتماعی در آثار سعدی:

از موضوعات دیگری که توجه بسیاری از سعدی‌پژوهان را جلب کرده، موضوع مسائل اجتماعی در آثار سعدی است. عنوان برخی از این مقاله‌ها نشان‌گر همانندی و تکراری بودن بسیاری از آنهاست:

۱. اندیشه‌های اجتماعی سعدی (۱۳۵۶).
 ۲. مقدمه‌ای بر اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سعدی (۱۳۶۷).
 ۳. نگاهی به اندیشه‌های اجتماعی و سجایای اخلاقی سعدی (۱۳۷۵).
 ۴. نگاهی جامعه‌شناختی به سعدی - دو قسمت (۱۳۷۴).
 ۵. سعدی و امور اجتماعی (۱۳۶۴).
 ۶. جمعیت در آثار شیخ سعدی - دو قسمت (۱۳۷۲).
 ۷. مبنای و زمینه‌های مردم‌شناسی در گلستان (۱۳۷۲).
 ۸. زبان سعدی و پیوند آن با زندگی (۱۳۶۴).
 ۹. سعدی و فرهنگ مردم (۱۳۶۴).
 ۱۰. سعدی و فلسفه زندگی (۱۳۶۴).
 ۱۱. شیخ سعدی و تصور او از یک جامعه آرمانی (۱۳۶۴).
 ۱۲. سعدی مرد بشردوست (۱۳۴۹).
 ۱۳. کشورداری و سیاست در نگارش سعدی (۱۳۶۴).
 ۱۴. آیین مدیریت در نظر سعدی (۱۳۶۴).
 ۱۵. جنبه اجتماعی و اخلاقی در آثار سعدی (۱۳۶۱).
- البته در بسیاری از مقاله‌های دیگر به گونه پراکنده درباره مسائل اجتماعی در آثار سعدی توضیحاتی داده شده است و اینها تنها برخی از نوشته‌هایی بود که مستقیماً در موضوع مسائل اجتماعی پرداخته شده بود.

ج: تأثیرپذیری سعدی از قرآن و حدیث:

۱. تأثیر قرآن و حدیث در آثار سعدی (۱۳۵۴).
 ۲. تأثیر قرآن در آثار سعدی (۱۳۶۴).
 ۳. تأثیر متون فرهنگ اسلامی بویژه قرآن در آثار شیخ سعدی (۱۳۶۴).
 ۴. قرآن و حدیث در آثار سعدی (۱۳۶۴).
 ۵. نظری به احادیث و اخبار در آثار سعدی (۱۳۶۸).
 ۶. نمونه‌هایی از مضامین قرآن‌کریم در اشعار سعدی (۱۳۷۴).
 ۷. پرتویی از دقایق بلاغی قرآن‌کریم در آثار سعدی (۱۳۷۳).
- جالب توجه است که بدانیم پیش از انتشار همه این مقاله‌ها در سال ۱۳۳۶ حسین‌علی محفوظ در کتاب "متن‌بی و سعدی" به گونه‌ای گسترده تأثیرپذیری سعدی را از ۱۰۴ آیه و ۱۰۰ حدیث بازنموده است. (متن‌بی و سعدی، دکتر حسین‌علی محفوظ، تهران، ۱۳۳۶ شمسی، صص ۸۰-۱۳۱).

نگاهی به جدول رویکردها

همان‌گونه که پیشتر از این گفته شد هنگام مطالعه مقاله‌ها و کتاب‌ها، هر چه از آثار سعدی مستقیماً در آن مقاله یا کتاب نقل شده بود، به شمارش درآمد و در بخش "رویکرد به آثار سعدی" نوشته شد، تا خوانندگان گرامی بتوانند میزان رویکرد به آثار سعدی را در موضوعات گوناگون به سادگی ببینند. (یادآوری: کتاب‌هایی که متن آثار سعدی یا گزیده آن بودند در بخش "رویکرد به آثار سعدی" به

شمارش نیامده‌اند. به عبارت دیگر، در این بخش تنها مواردی از سخنان و سروده‌های سعدی به شمار آمده است که نویسندگان مقاله‌ها یا کتاب‌ها در نوشته خود به عنوان نمونه از آنها بهره برده‌اند. در نتیجه کتاب‌هایی که متن یا گزیده گلستان، بوستان، غزلیات، کلیات و ... " بوده‌اند از این شمار بیرون رفته‌اند).

اکنون مجموع این رویکردها (۲۵۲۵۷ مورد) را در جدولی نمایش داده‌ایم (جدول شماره ۳). مقایسه ردیف‌های نخستین این جدول با ردیف‌های نخستین جدول شماره ۴- جدول موضوعی کتاب‌ها (بر بنیاد آثار سعدی) - نتیجه بسیار جالبی را نشان می‌دهد: در جدول رویکردها به ترتیب: گلستان، بوستان و غزلیات در ردیف نخست جدول نشست‌اند و ۸۸/۱۴٪ رویکردها تنها مربوط به این سه ردیف است. در جدول موضوعی کتاب‌ها نیز به همین ترتیب: گلستان، بوستان و غزلیات در سه ردیف نخست جای گرفته‌اند و ۸۱٪ کتاب‌ها تنها مربوط به این سه ردیف است. (البته در محاسبه ۸۱٪، ردیف ششم جدول منظور نشده است).

در جدول رویکردها، قصاید (ردیف چهارم) با اختلاف زیادی پس از غزلیات قرار دارد و در جدول موضوعی کتاب‌ها نیز تقریباً با اختلافی در همین حدود " قصاید و بقیه آثار سعدی " در ردیف پنجم جای گرفته است.

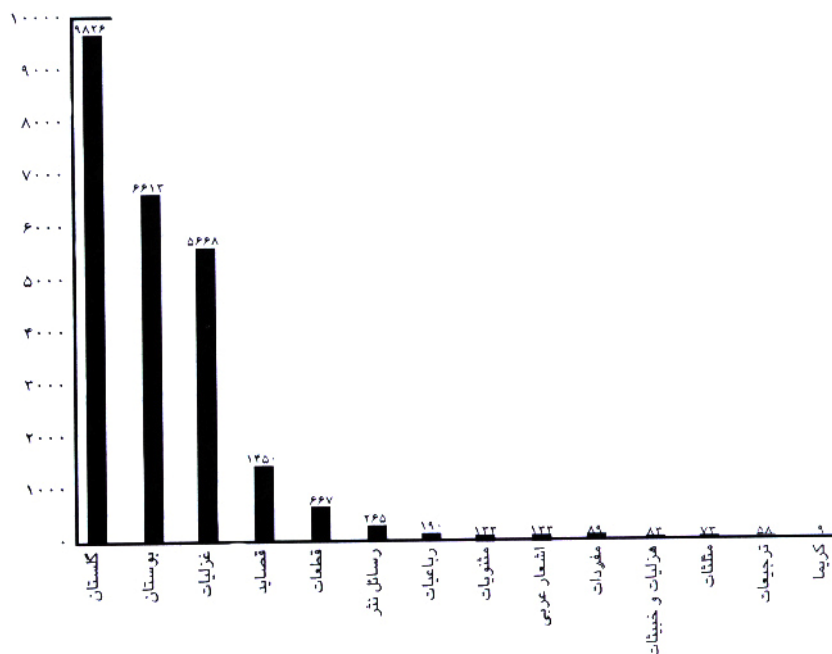
جدول شماره ۳ - رویکردها

شماره	نام اثر	رویکرد مقاله‌ها	رویکرد کتاب‌ها جمع رویکردها	درصد
۱	گلستان	۴۶۵۶	۹۸۲۶	۳۸/۹
۲	بوستان	۴۰۱۹	۶۶۱۳	۲۶/۸
۳	غزلیات	۲۱۳۶	۵۶۶۸	۲۲/۴۴
۴	قصاید	۷۲۰	۱۴۵۰	۵/۷۴
۵	قطعات	۴۱۵	۶۶۷	۲/۶
۶	رسائل نثر	۱۷۸	۲۶۵	۱/۰۴
۷	رباعیات	۱۵۵	۱۹۰	۰/۷۵
۸	مثنویات	۱۱۲	۱۳۳	۰/۵
۹	اشعار عربی	۸۵	۱۳۳	۰/۵
۱۰	مفردات	۶۱	۸۹	۰/۳۵
۱۱	هزلیات و خبیثات	۷۶	۸۳	۰/۳۲
۱۲	مثلثات	۶	۷۳	۰/۲۸
۱۳	ترجیعات	۲۲	۵۸	۰/۲۲
۱۴	کریمیا	۵	۹	۰/۰۳
۱۵	جمع	۱۲۶۱۰	۲۵۲۵۷	۱۰۰

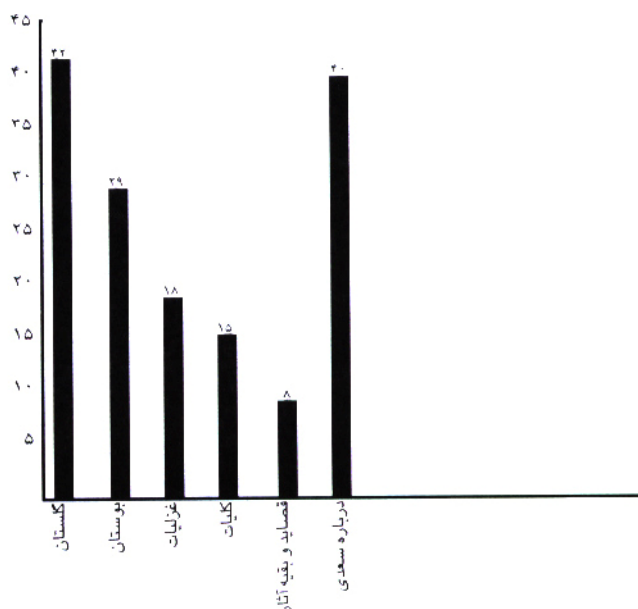
جدول شماره ۴ - جدول موضوعی کتاب‌ها (بر بنیاد آثار سعدی)

موضوع	تعداد کتاب	درصد کلی درصد بدون محاسبه ردیف ششم
گلستان	۲۷/۶۳	۳۷/۵
بوستان	۱۹/۰۷	۲۵/۸۹
غزلیات	۱۱/۸۴	۱۶/۷
کلیات	۹/۸۶	-
قصاید و بقیه آثار	۵/۲۶	۷/۱۴
درباره سعدی	۲۶/۳۱	-
جمع	۱۰۰	-

«نمودار شماره ۳»



«نمودار شماره ۴»



۲. بخش کتابها

پیش از آغاز سده چهارده، سه کار درخور توجه درباره سعدی و آثار او منتشر شده که هر سه آنها به دست غیرایرانیان سامان یافته است. چنانچه از شروحي که بر آثار سعدی نوشته شده (مانند شرح سودي بر بوستان و گلستان، یا شروح هندی و ...) بگذریم، موارد زیر نامبردني هستند:

۱. "بوستان" به تصحيح، شرح و ترجمه آلماني "گراف" که در سال ۱۸۵۸ (۱۲۳۶ ش) در وین منتشر شده است. حدود هفتاد سال پس از گراف، يك پژوهشگر ایرلندي به نام "واپتکینگ" همین روش را برای تصحيح غزلیات سعدی به کار برده است.
 ۲. "تحقیق درباره سعدی" نوشته "هانري ماسه" فرانسوي که در سال ۱۹۱۹ (۱۲۹۷ ش) در پاریس منتشر شده است. وقتي هانري ماسه کتاب خود را منتشر کرد، هنوز هیچ تحقیق مفصلي درباره سعدی انجام نگرفته بود. پس نخستین امتیاز این کتاب به گفته شادروان دکتر یوسفی فضل تقدم آن در بهتر شناساندن سعدی و آثارش به مغرب زمین است. مؤلف این کتاب درباره محیط زندگی، مسافرتها، اندیشه و ارزش سخن سعدی به گسترده‌گی سخن گفته است. بخش "کتاب‌شناسی سعدی" از سودمندترین بخش‌های این کتاب است، در این بخش نزدیک به ۴۵۰ اثر معرفی شده و این نخستین پژوهش کتاب‌شناسی سعدی است که انجام گرفته است.

مقایسه سعدی با بسیاری از شاعران و اندیشمندان اروپایی، از دیگر ویژگی‌های این کتاب است. البته برخی از داورهای او نشانه ناآشنایی يك نویسنده غربی با روح يك شاعر شرقی است. (برای آگاهی بیشتر، رك. کتاب یاد شده، در همین فرهنگ).

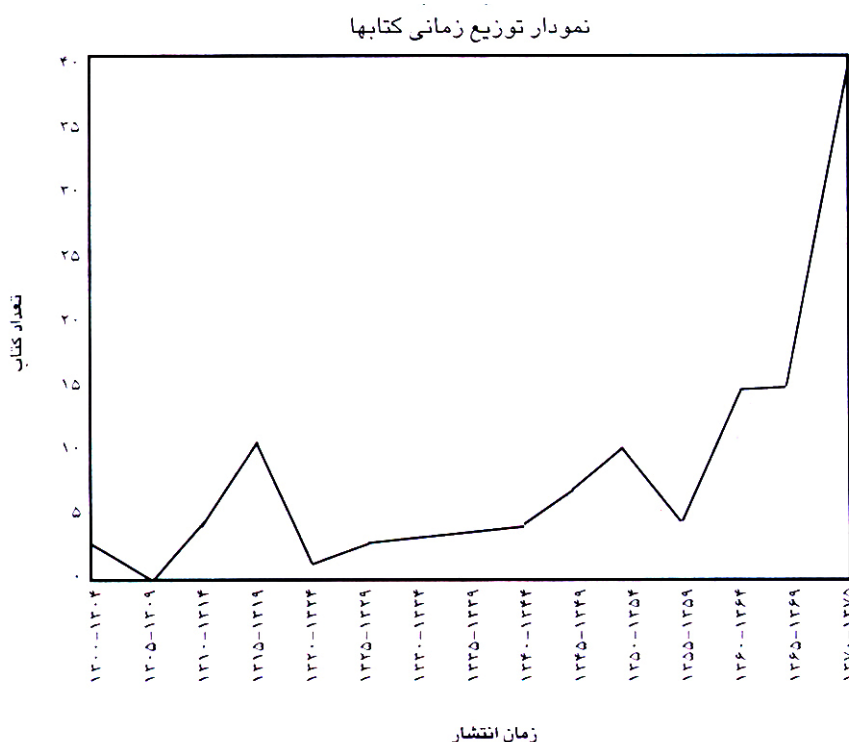
۳. "حیات سعدی" نوشته الطاف حسین‌حالی هندی، که در ربع آخر سده سیزدهم به زبان اردو نگاشته و در هند منتشر شده است. در این کتاب احوال سعدی و آثار او نقد و بررسی شده است. با نگاهی گذرا به نمودار توزیع زمانی کتاب‌های چاپ شده در سده چهارده (نمودار شماره ۵) افت‌وخیزهایی مقطعی دیده می‌شود. چنان که در بخش مقاله‌ها گفته شد خود، فرایند عوامل گوناگونی از دوره‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و گاه اقتصادی این مملکت است و تحلیل و بررسی آن از حوصله این گفتار بیرون است. (شایسته است جامعه‌شناسان و مورخان ما به عنوان موضوعی ویژه، بدان پردازند).

صرف‌نظر از فراز و نشیب‌های مقطعی، منحنی نمودار، سیر صعودی و بویژه در دو دهه اخیر صعود پرشتابی را نشان می‌دهد و این روند موجب امیدواری و خرسندی سعدی‌دوستان است، اما آن روی دیگر سکه، گویای واقعیت دیگری است که شادی و سرور ما را می‌کاهد.

جدول شماره ۵ - توزیع زمانی کتابها

زمان	تعداد کتاب	درصد
۱۳۰۰-۱۳۰۴	۲/۳	۳
۱۳۰۵-۱۳۰۹	۰/۷۶	۱
۱۳۱۰-۱۳۱۴	۲/۳	۳
۱۳۱۵-۱۳۱۹	۹/۲۳	۲
۱۳۲۰-۱۳۲۴	۱/۵	۳
۱۳۲۵-۱۳۲۹	۲/۳	۴
۱۳۳۰-۱۳۳۴	۲/۷	۳
۱۳۳۵-۱۳۳۹	۲/۷	۴
۱۳۴۰-۱۳۴۴	۲/۸۵	۵
۱۳۴۵-۱۳۴۹	۶/۱۵	۸
۱۳۵۰-۱۳۵۴	۸/۴۶	۱۱
۱۳۵۵-۱۳۵۹	۲/۸۵	۵
۱۳۶۰-۱۳۶۴	۱۱/۴۵	۱۵
۱۳۶۵-۱۳۶۹	۱۱/۴۵	۱۵
۱۳۷۰-۱۳۷۵	۳۰/۷۶	۴۰

«نمودار شماره ۵»



راست آن است که از نظر کیفی، در دو دهه اخیر این منحنی روندی وارونه پیدا می‌کند، زیرا بیشترین کتاب‌های این دوره در دو گروه زیر جای می‌گیرند:

الف: چاپ‌هایی از آثار سعدی که با خوشنویسی و تزئینات و تابلوهای نقاشی، به زیور طبع (!) آراسته شده است و با آنکه کوشش هنرمندان و پدیدآورندگان آنها پسندیده و ارجمند است، اما از جنبه خاص پژوهشی و علمی گرهی نمی‌گشاید.

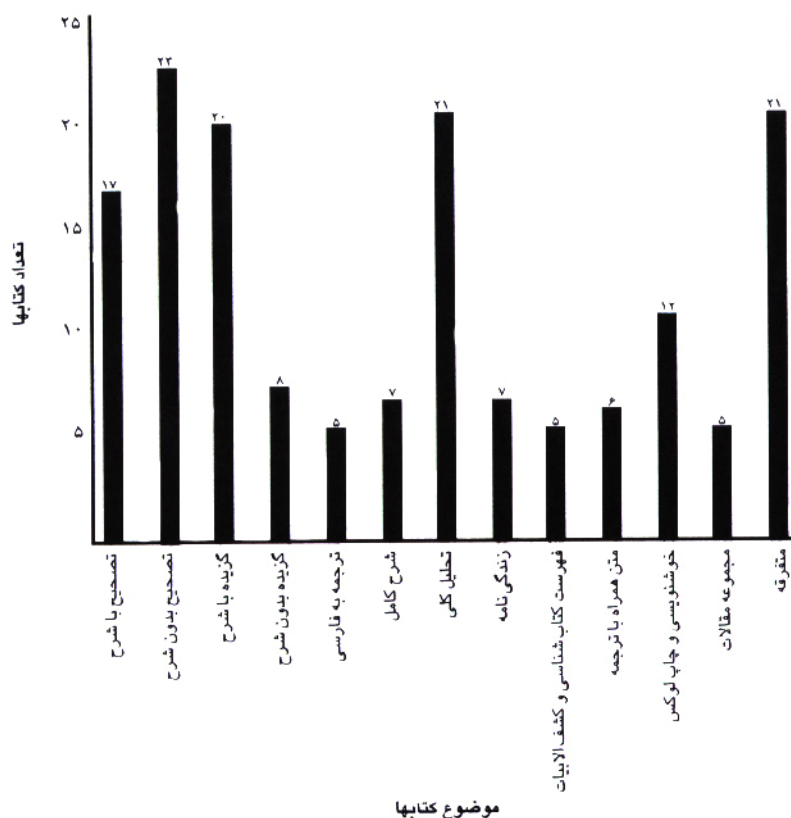
ب: چاپ‌های پرغلت و شتابزده آثار سعدی که بی‌هیچ دقت و مسؤولیتی صورت پذیرفته است و گزیده‌های بدون شرح یا گزیده‌هایی با شرح ناقص و آثاری که گاهی با ویراستاری جدید، یا احياناً افزودن مقدمه‌ای یا فهرستی و مواردی از این دست، راهی بازار کتاب شده‌اند. هر چند این گونه از آثار نیز خالی از فایده نیستند و رویکرد به گزیده‌ها همراه با توضیح، در پی نیازی است که بویژه با افزایش دانشجویان در دوره اخیر پدید آمده است، اما سخن در این است که هنوز آن طرح بنیادینی که باید برای شناختی تازه از سعدی درافکنده شود، رخ ننموده است و جای آثار ژرف‌کاوی در موضوعات زیر خالی است:

۱. تصحیح منتقدانه و عالمانه کلیات سعدی بر پایه ذوق سلیم و بر اساس ذهن و زبان سعدی.
۲. تدوین کتاب‌شناسی کامل سعدی.
۳. بررسی ساختار حکایت‌های گلستان و بوستان از دیدگاه فن حکایت‌پردازی و داستان‌نویسی با نگاهی تازه.
۴. زیبایی‌شناسی گسترده آثار سعدی.
۵. بررسی اندیشه‌ها و انگاره‌های سعدی با یک نگاه ژرف و به دور از شیفتگی‌های غیرعلمی.
۶. بازجست پیشینه حکایت‌های سعدی و بررسی تأثیرپذیری او از آثار ادبی پیش از خود.
۷. بررسی تأثیر زبان سعدی در پالایش و تکامل زبان فارسی.
۸. تهیه فرهنگ موضوعی آثار سعدی و

جدول شماره ۶ - توزیع موضوعی کتابها

عنوان	تعداد کتابها	درصد
تصحیح با شرح	۱۷	۱۰/۷۶
تصحیح بدون شرح	۲۳	۱۴/۵۵
گزیده با شرح	۲۰	۱۲/۶۶
گزیده بدون شرح	۸	۵/۶
ترجمه به فارسی	۵	۳/۱۶
شرح کامل	۷	۴/۴۳
تحلیل کلی	۲۱	۱۳/۲۹
زندگی‌نامه	۷	۴/۴۳
فهرست کتاب‌شناسی و کشف‌الابیات	۵	۳/۱۶
متن همراه با ترجمه	۶	۳/۷۹
خوشنویسی و چاپ لوکس	۱۲	۷/۵۹
مجموعه مقاله	۵	۳/۱۶

«نمودار شماره ۶»

نگاهی دیگر به وضعیت کتاب‌های منتشر شده
در سده چهارده

۱. دهه نخست (۱۳۰۹-۱۳۰۰)

در دهه نخست سده چهارده، دو کتاب در خور یادآوری، به چاپ رسیده است: یکی کتاب "بدایع" سعدی است که به همت "لوکاس کینگ" بر بنیاد نسخه‌های مختلف خطی تصحیح شده و نسخه‌بدل‌ها در پاورقی هر غزل آمده است (این کتاب به کوشش تقی ارانی در سال ۱۳۰۴ منتشر شده است). و دیگری کتاب "گلستان سعدی" که میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله آن را در سال ۱۳۰۲ منتشر کرده است. نکته جالب توجه این نسخه این است که ملک‌خان این گلستان را با خط پیشنهادی خود که برای اصلاح خط فارسی مطرح نموده، چاپ کرده است و همه حروف در این خط به صورت مقطع و گسسته نوشته شده است.

دهه دوم (۱۳۱۹-۱۳۱۰)

از کتاب‌های این دهه، کتاب‌های زیر دارای ارزش و تأثیرگذاری بیشتر بوده‌اند.

۱. "گلستان" به تصحیح و حواشی و مقدمه گسترده عبدالعظیم قریب گرکانی که در واقع نخستین کار جدی بر روی گلستان است و او از نخستین کسانی است که در ایران به پژوهش درباره اعتبار نسخه‌های کلیات پرداخته است. مقدمه گلستان استنساخی او در بسیاری از نوشته‌های پس از خود تأثیر گذاشته و تحسین گروهی و خشم گروهی دیگر را برانگیخته است.

۲. "سعدی‌نامه" (مجموعه مقالات جشن هفت‌صدمین سال تألیف بوستان و گلستان). این کتاب به کوشش حبیب یغمایی در سال ۱۳۱۶ منتشر شده، در این مجموعه، مقاله‌هایی ارزشمند چون مقاله‌های علامه قزوینی، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایمی و ... به چشم می‌خورد.

۳. "حیات سعدی" از الطاف حسین‌حالی. این کتاب به دست سیدنصرالله سروش ترجمه و در سال ۱۳۱۶ به چاپ رسیده است.

۴. "سخن سعدی" از قاسم توپسرکانی، در این کتاب به جای انشاپردازی‌های معمول زمان، به معرفی مختصر کلیه آثار سعدی و تحلیل و بررسی آنها پرداخته شده است (سال ۱۳۱۸).

۵. "تعلیم و تربیت در نظر سعدی"، از محمد جناب‌زاده، در این کتاب با بهره‌گیری فراوان از آثار سعدی، آرای او با نگره‌های تازه تربیتی و روان‌شناسی سنجیده شده است (سال ۱۳۱۷).

۶. گلستان و بوستان به تصحیح محمدعلی فروغی که کاربردی‌ترین کتاب‌ها در پژوهش‌های سعدی‌شناسی بوده است (سال ۱۳۱۶).

گفتنی و جالب توجه است که تنها در سال ۱۳۱۶، (بجز تصحیح آثار سعدی) هفت کتاب درباره سعدی منتشر شده و این از اتفاقات خوب آن سال است که تا دهه اخیر دیگر تکرار نشده است. علاوه بر ۴ کتابی که در بالا یاد شد، سه کتاب زیر از آن جمله است.

"زندگانی سعدی" از بدیع پاک‌دین، "سرگذشت شیخ بزرگوار سعدی"، از شیخ جابری، "گلستان سعدی از روی نسخه ۷۲۰"، از حبیب یغمایی.

دهه سوم (۱۳۲۹-۱۳۳۰)

۱. "مواظ و بقیه آثار سعدی" (بجز بوستان و گلستان) به تصحیح محمدعلی فروغی (سال ۱۳۳۰).
۲. "کلیات سعدی" - مجموع آثار به تصحیح محمدعلی فروغی (سال ۱۳۳۰).
۳. "بوستان" به تصحیح عبدالعظیم قریب گرکانی با مقدمه‌ای نسبتاً گسترده (سال ۱۳۳۸).
۴. "سعدی چه می‌گوید"، از احسان معتقد (۱۳۳۶).

دهه چهارم (۱۳۳۹-۱۳۴۰)

در میان کتاب‌های منتشر شده در این دهه، ۵ کتاب ارزشمند و تأثیرگذار، شایسته یادآوری است.

۱. "متن‌بندی و سعدی" نوشته حسین‌علی محفوظ (سال ۱۳۳۶).
- این کتاب کامل‌ترین پژوهشی است که تا زمان انتشار آن با موضوع ادبیات تطبیقی، درباره سعدی پدید آمده است. با آنکه نام کتاب "متن‌بندی و سعدی" است، در آن سرچشمه‌های الهام سعدی در ادبیات عربی کاویده شده و ۱۰۴ آیه، ۱۰۰ حدیث، ۸۷ مثل عربی، ۱۴ حکایت و قصه عربی، ۱۲۵ سروده عربی و ۱۰۴ سروده از سرودهای متن‌بندی که با ۹۵۸ مورد از سروده‌های سعدی اشتراک مضمون داشته، یافته و بازنموده شده است.
- برخی از نظرات محفوظ را بعضی از صاحب‌نظران در مقاله‌هایی نقد کرده‌اند. (رک. کتاب یاد شده در بخش کتاب‌ها، در همین فرهنگ).
۲. "گلستان سعدی، تصحیح متن علمی و انتقادی ..."، رستم موسی اوغلی علی‌یف (۱۹۵۹ م، ۱۳۳۶ ش). در این کتاب برای نخستین بار نسخه‌های مختلف خطی، چاپی و شرح‌های گلستان، به گونه‌ای گسترده مقابله شده و نسخه‌بدل‌ها با ذکر مأخذ در پاورقی نشان داده شده است.
۳. "قلمرو سعدی" از علی دشتی (سال ۱۳۳۸).
- این کتاب از جنجالی‌ترین کتاب‌هایی است که درباره سعدی نوشته شده. در این کتاب نویسنده بدون پرداختن به تاریخ و محیط اجتماعی و عصر سعدی، شخصیت، زبان، هنر و سبک سخن و اندیشه او را از لایه‌های آثارش بازشناخته و معرفی کرده است. برخی از داورها و تناقض‌گویی‌های نویسنده در دو بخش یازده و پانزده کتاب، بسیاری از شیفتگان سعدی را برآشفته و به پاسخ‌گویی کشانده است. (برای آگاهی بیشتر، رک. کتاب یاد شده، در بخش کتاب‌ها).
۴. "مکتب سعدی" از کشاورز صدر (سال ۱۳۳۸).
- این کتاب از دو بخش تشکیل شده: یک بخش آن مجموعه‌ای از مقالات نویسندگان مختلف درباره سعدی است و بخش دوم آن گزیده‌ای است از آثار سعدی با یک فهرست موضوعی، و ارزش کار بیشتر در همین فهرست موضوعی است.
۵. مقایسه سعدی و حافظ از نظر غزل‌سرایی و سبک، ح. صدر حاج سیدجواد (۱۳۳۲).
- این کتاب تنها کتاب مستقلی است که با موضوع سنجش غزل‌های سعدی و حافظ فراهم آمده است.

دهه پنجم (۱۳۴۹-۱۳۵۰)

از کتاب‌های منتشر شده در این دهه آثار زیر سزاوار یادآوری است.

۱. "متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، به ضمیمه صد و بیست فهرست" از مظاهر مصفا (سال ۱۳۴۰).
- ارزش اصلی این اثر در فهرست‌های منظم شده است که چنانچه با دقت بیشتری انجام می‌گرفت به کمال مطلوب نزدیک‌تر بود.
۲. چاپ عکس "گلستان سعدی" به خط یاقوت مستعصمی، به کوشش بدری آتابای (سال ۱۳۴۶).
- در مقدمه کتاب آمده: "این نسخه در تاریخ ۶۶۸ قمری یعنی تقریباً ۱۲ سال پس از تألیف گلستان و ۲۳ سال پیش از مرگ سعدی کتابت شده ...".
۳. "گلستان با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌ها و بیت‌ها" از دکتر خلیل خطیب‌رهبر (سال ۱۳۴۶).
۴. "مکتب عرفان سعدی"، نوشته صدرالدین محلاتی (سال ۱۳۴۶).
۵. "گلستان سعدی با مقابله ۷ نسخه خطی و ۱۰ نسخه چاپی" بدون ذکر نسخه‌بدل‌ها - از نورالله ایران‌پرست (سال ۱۳۴۸).
۶. ترجمه "شرح سودی بر گلستان" که به دست خوش‌نیت، چاوشی و کاظمی انجام گرفته است (سال ۱۳۴۹).
۷. "شرح گلستان"، از دکتر محمد خزائلی - چاپ دوم این کتاب در سال ۱۳۴۸ انجام گرفته و تصور می‌کنم چاپ نخست آن هم در همین دهه انجام گرفته باشد.
۸. "گلستان سعدی"، از دکتر محمدجواد مشکور (سال ۱۳۴۲).
۹. "سعدی‌نامه یا بوستان"، تهیه متن انتقادی، تحقیق و توضیح: رستم علی‌یف (سال ۱۳۴۷).
- این اثر نخستین چاپ بوستان سعدی است که ضمن مقابله نسخه‌های مختلف خطی و چاپی، اختلاف نسخه‌ها در پاورقی با یادکرد مأخذ آورده شده است. چنانچه آقای علی‌یف در متن کتاب به ادعای خود در رعایت امانت و وفادار می‌ماندند از ارزش آن بویژه، از نظر قدمت آن در تصحیح علمی بوستان، کاسته نمی‌شد.

دهه ششم (۱۳۵۹-۱۳۶۰)

در این دهه کتاب‌های زیر شایسته یادآوری است.

۱. "مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی" این کتاب که شامل مجموعه مقاله‌های کنگره جهانی سعدی در سال ۱۳۵۰ است، به همت آقای دکتر منصور رستگار فراهم آمده است.
۲. "شرح بوستان"، دکتر محمد خزائلی (احتمالاً سال ۱۳۵۲).
۳. "بوستان سعدی"، تصحیح با معنی لغات از نورالله ایران‌پرست (سال ۱۳۵۲).
۴. ترجمه "شرح سودی بر بوستان" از دکتر بهروز (سال ۱۳۵۲).
۵. "حکمت سعدی"، از کیخسرو هخامنشی (سال ۱۳۵۲)، می‌توان گفت پاسخ‌نامه‌ای است به کتاب "قلمرو سعدی" از علی دشتی.
۶. "شرح و تصحیح مثلثات شیخ اجل سعدی"، از محمدجعفر واجد شیرازی، (تاریخ چاپ در کتاب مشخص نیست. احتمالاً در همین دهه به چاپ رسیده است).
- این کتاب تنها کتاب مستقلی است که به تصحیح و شرح مثلثات سعدی پرداخته است.
۷. بوستان سعدی، توضیح محمدعلی ناصح، به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر (سال ۱۳۵۴).
۸. غزلیات سعدی به تصحیح نورالله ایران‌پرست. بدون ذکر نسخه‌بدل‌ها (سال ۱۳۵۵).
۹. کتاب ارزشمند و ماندگار "بوستان سعدی"، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی (سال ۱۳۵۹).

دهه هفتم (۱۳۶۹-۱۳۶۰)

از کتاب‌های منتشر شده در این دهه آثار زیر اهمیت بیشتری داشته‌اند:

۱. غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمایی (سال ۱۳۶۱).
۲. کلیات افصح‌المتکلمین سعدی شیرازی، محمدتقی فصیح‌الملک متخلص به شوریده، به کوشش محسن رضانی (سال ۱۳۶۱).
۳. "شناختی تازه از سعدی" با ترجمه و اعراب‌گذاری اشعار عربی، از آقای دکتر جعفر مؤید شیرازی (سال ۱۳۶۲).
۴. از ارجمندترین کتاب‌هایی است که درباره سعدی نوشته شده، آقای دکتر مؤید برای نخستین بار اشعار عربی سعدی را تصحیح و اعراب‌گذاری کرده و با نثری شیوا به فارسی برگردانده است. این کتاب به عنوان کتاب برگزیده سال ۱۳۶۳ معرفی شده است.
۵. "تحقیق درباره سعدی"، از هانری ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی (سال ۱۳۶۴).
۶. سه جلد کتاب "ذکر جمیل سعدی"، مجموعه ۵۷ مقاله و تعدادی سروده که در کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سال وفات سعدی ارائه شده است.
۷. "گزیده و شرح قصاید سعدی"، از دکتر جعفر شعار (سال ۱۳۶۵).
۸. "دیوان غزلیات سعدی"، با شرح لغات و ابیات از دکتر خلیل خطیب‌رهبر (سال ۱۳۶۶).
۹. "گلستان سعدی"، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی (سال ۱۳۶۸).
۱۰. "گزیده غزلیات سعدی"، شرح و توضیح دکتر حسن انوری (سال ۱۳۶۹).
۱۱. "فهرست چاپ‌های آثار سعدی در شبه قاره"، سید عارف نوشاهی (سال ۱۳۶۳).
۱۲. این کتاب، نخستین کتاب مستقلی است که به گونه‌ای گسترده، آثار مختلف سعدی را که در هند و پاکستان چاپ شده، معرفی کرده و به همت مرکز تحقیقات ایران و پاکستان منتشر شده است.
۱۳. "سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان"، احمد منزوی (سال ۱۳۶۳).
۱۴. این کتاب، نخستین کتابی است که به گونه مستقل نسخه‌های خطی آثار سعدی را که در پاکستان بوده، معرفی کرده و به همت مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منتشر شده است.
۱۵. "زندگی و رنج‌های سعدی"، خسرو معتضد (سال ۱۳۶۸).
۱۶. نویسنده در این کتاب به گونه‌ای خیالی، داستان زندگی سعدی و مسافرت‌هایش را به نگارش درآورده است. در این اثر، برای نخستین بار شخصیت‌هایی چون "طغان"، "منیرالزمان"، "ضوء‌المکان" و ... وارد زندگی سعدی شده‌اند.
۱۷. "شکوه سعدی در غزل"، انتخاب و شرح عبدالحمید آیتی (سال ۱۳۶۹).
۱۸. "مواعظ و حکم سعدی در بوستان و گلستان با ترجمه و معادل‌های فرانسوی"، دکتر ابراهیم شکورزاده، ۱۳۶۵.
۱۹. ارزش این اثر در ترجمه و معادل‌بازی ۵۲۰ عبارت و بیت گلستان و بوستان در زبان فرانسه است.

دهه هشتم (سال ۱۳۷۵-۱۳۷۰)

از کتاب‌های منتشر شده در این دهه کتاب‌های زیر از اهمیت بیشتری برخوردارند:

۱. کلیات نفیس سعدی - با خط شکسته - خوشنویس نامعلوم - به کوشش درخشنده بانو زعیمی (سال ۱۳۷۰).
۲. "سیم‌دل مسکین"، صدویک غزل از سعدی، از ستراک مانوکیان ایتالیایی (سال ۱۳۷۰).
۳. "گزیده گلستان سعدی"، با شرح و توضیح دکتر حسن انوری (سال ۱۳۷۱).
۴. "کلیات شیخ اجل سعدی"، به خط میرزا فتحعلی حجاب شیرازی و مقدمه دکتر اسلامی ندوشن (سال ۱۳۷۲).
۵. "گلستان ژاپنی"، ترجمه هاشم رحب‌زاده (سال ۱۳۷۲).
۶. این کتاب بررسی تطبیقی گلستان سعدی است با کتاب "چوره‌زوره گوسا". اثر "کنکو"، اندیشمند و روحانی بودایی سده چهاردهم میلادی که کتابش را حدوداً ۱۰۰ سال پس از گلستان سعدی نگاشته است. با توجه به مشترکات فراوان مضمون میان گلستان و "چوره‌زوره گوسا"، مترجم برای هر قطعه از کتاب "کنکو" به علت نداشتن عنوان - مصراع یا عبارتی مناسب از گلستان را عنوان قرار داده است.
۷. "تکوین غزل و نقش سعدی"، از دکتر محمود عبادیان (سال ۱۳۷۲).
۸. در این کتاب نیز به شکلی نو غزل فارسی و سپس غزل سعدی بر مبنای جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناسی بررسی شده است.
۹. "گزیده بوستان"، با توضیح دکتر سید محمود طباطبایی (سال ۱۳۷۲).
۱۰. "سعدی"، از ضیاء موحد (سال ۱۳۷۳).
۱۱. در این کتاب درباره ارزش کلام سعدی، برخی پژوهش‌هایی که در زبان فارسی درباره سعدی انجام گرفته، زندگی، سبک سخن و زمان سعدی توضیح داده شده است. و چند اثر نوشته شده درباره سعدی معرفی شده است.
۱۲. "گزیده و شرح بوستان سعدی"، دکتر حسن انوری (سال ۱۳۷۵).
۱۳. "از سعدی تا آراگون"، از دکتر جواد حدیدی (سال ۱۳۷۳).
۱۴. از کتاب‌های ارزشمندی است که در موضوع ادبیات تطبیقی نوشته شده است. و در آن بررسی تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه، ویژه نقش سعدی در این تأثیرگذاری، با یادکرد نمونه‌هایی از ادبیات فرانسه و فارسی بازنموده شده است.
۱۵. این کتاب به عنوان کتاب برگزیده سال ۱۳۷۴ معرفی شده است.
۱۶. "گلستان سعدی"، نسخه علمی انتقادی از روی دو نسخه قدیمی یکن، دکتر برات زنجانی (سال ۱۳۷۳).
۱۷. "برگزیده و شرح آثار سعدی"، پرویز اتابکی (سال ۱۳۷۴).
۱۸. "سعدی‌شناسی"، نقد و تحلیل بوستان و گلستان، دکتر امیر اسماعیل‌آذر (سال ۱۳۷۵).
۱۹. نخستین کتابی است که با هدف زیبایی‌شناسی، به تحلیل ادبی و هنری حکایت‌ها پرداخته است.

روش و منابع پژوهش

برای تدوین این کتاب ابتدا نوشته‌های مختلفی که در پیوند با سعدی، پدید آمده است، به شیوه‌های زیر بازبازی شد:

الف: مقاله‌ها

برای بازجست مقاله، آثار زیر به دقت بررسی شده است:

۱. مجله‌های ادبی و فرهنگی.
۲. با توجه به اینکه بیشتر مقاله‌های مربوط به سعدی، معمولاً در مجله‌های ادبی و فرهنگی به چاپ رسیده، ابتدا همه شماره‌های این گونه از مجله‌ها با دقت بررسی شده است. در این بررسی ۴۲۸۰ شماره از ۲۸ عنوان مجله ادبی کاویده شده که با احتساب

شماره‌های پراکنده از نشریه‌های دیگر و روزنامه‌ها^{۵۶} این رقم به ۴۵۸۸ شماره و ۹۲ عنوان نشریه افزایش می‌یابد^{۵۷}، در مجموع این شماره‌ها ۵۲۸ مقاله یافته شده است.

از میان این ۹۲ عنوان نشریه، ده مجله زیر بیشترین مقاله‌های مربوط به سعدی را منتشر کرده‌اند (۲۷۲ مقاله از ۵۲۸ مقاله یاد شده):

یغما، ارمغان، وحید، مهر، راهنمای کتاب، گوهر، آینده، رنگین‌کمان، ایران‌نامه و مجله دانشکده ادبیات تبریز.

۲. کتاب‌هایی که مقاله درباره سعدی داشته‌اند یا بخشی از مطالب آنها به گونه‌ای مستقل در پیوند با سعدی بوده است.

تعداد ۱۷۰ مقاله از مجموع مقاله‌ها در کتاب‌هایی چون چشمه روشن، فن نثر، تاریخ ادبیات، گنج سخن، ذکر جمیل سعدی و ... بازیافته شده است.

۳. فهرست مقالات فارسی ایرج افشار (۵ جلد).

۴. فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی (۸۶ شماره).

۵. مجله نمایه (۶۵ شماره).

ب: کتاب‌ها

برای شناسایی کتاب‌ها از راه‌های زیر اقدام شده است:

۱. بررسی "فهرست کتاب‌های چاپی فارسی"، از خان‌بابا مشار.

۲. بررسی کتاب "مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی..."، از خان‌بابا مشار.

۳. بررسی جلد‌های مختلف "کتاب‌شناسی ملی ایران"، از انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۴. بررسی "کتاب‌های ایران"، از حسین بنی‌آدم.

۵. بررسی "کتاب‌شناسی ده ساله"، از ایرج افشار.

۶. بازبینی فهرست کتابخانه‌های مختلف.

۷. ارسال نامه به همه ناشران کشور، از طریق مرکز سعدی‌شناسی و درخواست فهرست کتاب‌هایی که در پیوند با سعدی منتشر کرده‌اند.

۸. پرس‌وجو از صاحب‌نظران، استادان و سعدی‌شناسان.

همه مقاله‌ها و کتاب‌های بازیافته شده با شیوه‌ای ویژه به شرح زیر بررسی شده است.

می‌دانیم که، عنوان بسیاری از مقاله‌ها، گویای موضوع مقاله نیست، به عبارت دیگر عنوان بسیاری از مقاله‌ها یا با متن مقاله کاملاً بی‌ارتباط است و یا با آن پیوند چندانی ندارد و تنها زمانی می‌توان از مطالب مقاله آگاهی یافت که یا خود مقاله و یا چکیده‌ای از آن دیده شود.

برای همین منظور، در این پژوهش، برای همه مقاله‌ها و کتاب‌ها، بخشی با عنوان "مضامین اصلی" در نظر گرفته شد تا در این بخش محوری‌ترین مطالب آن مقاله یا کتاب، بازنموده شود.

خواهنده، با نگاه به این بخش، می‌تواند همه نوشته اصلی را در آینه کوچک‌تری ببیند، و از دست برخی عنوان‌های گنگ، بی‌ربط و فریبنده رها شود.

برخی از مقاله‌ها یا کتاب‌ها به منابع مورد استفاده خود اشاره‌ای نکرده و فهرست منابعی که در پایان برخی از مقاله‌ها یا کتاب‌ها نوشته شده، با منابع واقعی استفاده شده در آن نوشته، سازگاری ندارد.

به همین دلیل برای همه مقاله‌ها و کتاب‌ها بخشی به عنوان "منابع اصلی" در نظر گرفته شد تا منابع اصلی و واقعی مورد استفاده آن نوشته، معرفی شود.

بخش "رویکرد به آثار سعدی" به این منظور فراهم آمده است، تا دانسته شود، کدام یک از آثار سعدی توجه بیشتری را برانگیخته است و هر یک از این آثار در چه موضوعاتی بیشتر مورد استفاده بوده است.

یادآوری می‌نماید تنها مواردی به عنوان رویکرد به شمار آمده است که در آن نوشته مستقیماً بخشی (جمله‌ای، مصرع‌ی، بیتی و ...) از سعدی استفاده شده باشد. به عنوان مثال: اگر در مقاله‌ای از متن گلستان ۵ بار استفاده شده، در بخش رویکردها نوشته شده: "گلستان ۵ بار" اما اگر از متن استفاده نشده و تنها به آن اشاره شده، به عنوان رویکرد به شمار نیامده است.

بسیاری از مقاله‌ها و کتاب‌ها دست‌کم نیاز به یک بررسی کوتاه و نقد مختصر داشت. موضوع برخی تازه بود، روش برخی علمی و مستند بود، تحلیل برخی ژرف‌نگرانه و استوار بود و ... در مقابل، برخی از این نوشته‌ها، تنها یک انشاپردازی غیرمستند بود، برخی گزاره‌گویی خلاف واقع بود، برخی پر از اظهارنظرهای غیرعملی و خلاف ذوق سلیم بود و متن برخی، هیچ پیوندی با عنوان آن نداشت

و ...

توضیح درباره بعضی از این ویژگی‌ها، برای نگارنده بایسته می‌نمود. از سویی دیگر، برای اینکه خواننده ناگزیر نباشد به همراه بخش‌های دیگر، توضیحات این بنده را هم مطالعه کند، جسارت ورزید و برای همه مقاله‌ها و کتاب‌ها، بخش مستقلی با عنوان "اشاره" در نظر گرفت، تا شیوه‌ای یکدست و همانند در سر تا سر این اثر پیش گرفته باشد.

ممکن است در برخی از موارد، آنچه زیر عنوان "اشاره" آمده، نه نقدی درخور توجه باشد و نه نظری درخور تأمل. این یادداشت‌ها از قلمی بی‌ادعا، در مجالسی بسیار اندک تراویده است و عذرخواهی نگارنده‌اش را در واژه واژه خود به همراه دارد.

هنگام اظهار نظر در این بخش، کوشیده شد که نویسندگان مقاله یا کتاب مورد نظر، فراموش شود تا نام بلند این افراد و قدر گران آنان، قلم را به وحشت نیندازد و آن را از چرخیدن باز ندارد.

اما امروز با آنکه در برابر بسیاری از این بزرگان عرق شرمساری بر پیشانی این قلم نشسته است، باز هم بیم آن می‌رود که برخی از آنان گستاخی‌اش را نبخشند. با آنکه می‌داند: "با کریمان کارها دشوار نیست".

آخرین بخش هر مقاله یا کتاب، در این اثر، بخشی است که "تأثیرات و پاسخ‌ها" نامیده شده است.

در این بخش چنانچه نوشته‌هایی، مقاله یا کتاب مورد نظر را نقد کرده و یا از آن بهره برده باشند، با مشخصات کامل معرفی شده‌اند و چنانچه موردی یافت نشده باشد، این بخش حذف شده است.

این بخش علاوه بر آنکه تا حدودی، میزان تأثیرگذاری هر نوشته را می‌نماید، این امکان را هم برای خواننده فراهم می‌کند تا چنانچه خواهد، چگونگی تأثیرگذاری و گاهی بررسی این نوشته را در آینه آثار دیگران هم ملاحظه کند. (در خور یادآوری است که "تأثیرات و پاسخ‌ها" تنها در حوزه همین پژوهش است و مقاله‌ها یا کتاب‌هایی که از نظر زمانی یا موضوعی از دایره این کتاب بیرون بوده‌اند، در

تأثیرات و پاسخ‌ها نیز به آنها اشاره‌ای نشده است).

۱. در بخش کتاب‌ها، معمولاً از چاپ نخست کتاب استفاده شده است. اما در موارد اندکی که به چاپ نخست دسترسی نبود از چاپ‌های دیگر استفاده شده و تنها در این صورت در "سرعنوان" آن کتاب، پس از سال انتشار، نوبت چاپ در پراکنش نوشته شده است.

۲. برای آشنایی خواننده با شیوه نگارش مقاله و کتاب مورد نظر، معمولاً قطعاتی از آن نوشته در بخش "مضامین اصلی" بازنویسی شده و برای پرهیز از درازای سخن، جمله‌ها یا عبارتهایی از این نقل‌قول‌ها حذف شده است.

همچنین برای ایجاد یکدستی در سراسر این نوشته، با دخالت در رسم‌الخط نقل‌قول‌ها، این موارد به گونه‌ای همسان بازنویسی شده است. (از همه نویسندگان محترمی که در نوشته آنها به دلایل یاد شده، دخالت کرده‌ام، پوزش می‌خواهم).

۳. عنوان مقاله‌ها، نویسندگان و نشریات در این رساله، برابر است با آنچه در مآخذ مورد مطالعه نوشته شده است. به همین دلیل ممکن است برای مقاله‌ای نوشته شده باشد: "عبدالحسین زرین‌کوب، یغما، دوره هفتم، سال ششم، شماره چهار ... و برای مقاله‌ای دیگر از همین نویسنده نوشته شده باشد: "دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، رنگین‌کمان، شماره ۶۳ ...".

در مورد کتاب‌ها نیز همین طور است. چنانچه نویسنده‌ای مثلاً عنوان دکتری داشته باشد ولی این عنوان همراه اسم او بر روی کتاب یا مقاله مورد نظر نوشته نشده باشد. در فهرست عنوان این رساله نیز نوشته نشده است.

۴. برخی از سروده‌های سعدی در بعضی آثار او تکرار شده است، مثلاً برخی از شعرهای رسائل نثر در گلستان نیز به کار رفته است. در این گونه موارد، چنانچه صاحب مقاله یا کتاب مآخذ خود را معرفی نکرده، برای شمارش "رویکردها" مآخذ مشهورتر در نظر گرفته شده است. البته تعداد این موارد اندک است.

۵. شمارش نمونه‌ها، در بخش "رویکردها" بر اساس کلیات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی است (بجز خبیثات و هزلیات و کریمات). به همین دلیل مثلاً قطعاتی که در نسخه‌های دیگر زیر عنوان "صاحبه" و در نسخه فروغی زیر عنوان قطعات آمده، در رویکردها به عنوان قطعات به شمار آمده است. همچنین همه رساله‌های نثر که با عنوان‌های مجالس پنج‌گانه، رساله عقل و عشق، تقریرات ثلاثه و ... آمده، به عنوان رسائل نثر به شمار آمده است.

۶. آنچه زیر عنوان "تأثیرات و پاسخ‌ها" آمده، فهرست نوشته‌هایی است که از مقاله یا کتاب مورد نظر استفاده و یا آن را نقد کرده‌اند. و این فهرست محدود در حوزه همین پژوهش است. به عبارت دیگر چنانچه مقاله یا کتابی در آثاری بجز آنچه در این پژوهش مورد نظر بوده است، تأثیر داشته، در فهرست "تأثیرات و پاسخ‌ها" از آن نامی به میان نیامده است. برای نمونه، در کتاب "نقد ادبی" دکتر عبدالحسین زرین‌کوب از برخی از این مقاله‌ها و کتاب‌ها استفاده و یا درباره آنها داوری شده، اما چون کتاب "نقد ادبی" از حوزه این پژوهش بیرون بوده، در فهرست "تأثیرات و پاسخ‌ها" از آن نامی برده نشده است.

۷. کتاب‌هایی که بخش مستقلی از مطالب آنها در پیوند با سعدی است، آن بخش مستقل در قسمت مقاله‌ها بررسی شده است. کتاب‌هایی چون: چشمه روشن، گنجینه سخن، تاریخ ادبیات و ... و کتاب‌هایی چون "جدال با مدعی" که بخش مستقلی درباره سعدی نداشته، اما مطلب غیرمستقل مربوط به سعدی، به دلایلی شایان توجه بوده، به عنوان مقاله بررسی شده است. همچنین مقاله‌هایی که منحصراً درباره سعدی نیست، اما بخش عمده‌ای از آن به سعدی اختصاص دارد، در مجموعه مقاله‌ها به شمار آمده و بررسی شده است.

۸. در "فهرست مقالات فارسی" ایرج افشار و نیز در "فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی" برخی از مقاله‌ها در زیر نام سعدی معرفی شده، که یا هیچ ارتباطی با سعدی ندارد و یا ارتباط آن بسیار کمتر از آن است که قابل توجه باشد، این گونه مقاله‌ها، از حوزه این پژوهش بیرون رفته‌اند. برای نمونه می‌توان به دو مقاله زیر اشاره کرد:

الف: "فهرست‌نامه اهم متون کشاورزی به زبان فارسی"، از ایرج افشار (نشریه مسائل کشاورزی ایران، شماره ۲، زمستان ۱۳۵۹) در جلد چهارم فهرست مقالات ایرج افشار (ص ۵۵۷) با ارجاع شماره ۴۶۰ به سعدی پیوند داده شده است، در حالی که هیچ ارتباطی با سعدی ندارد.

ب: "یادداشتی بر گلستان رباعی" از پژمان شهبازی (روزنامه کیهان، پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۷۲) در "فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی"، در پیوند با سعدی دانسته شده، در حالی که هیچ ارتباطی با سعدی ندارد. این نوشته کوتاه، نقد و بررسی کتاب "گلستان رباعی" از نساء حمزه‌زاده است.

برخی از مقاله‌ها در چند بخش و در چند شماره از مجله‌ها یا روزنامه‌ها چاپ شده و بعضی از این بخش‌ها بسیار کوتاه و ناچیز است. (مانند مقاله "چرا نام بعضی از شاعران به یادها مانده است" از علوی مقدم در روزنامه ندای یزد). اما بنابر روش این مجموعه نوشته هر مجله یا روزنامه (هر چند بخش کوچکی از یک مقاله باشد)، مستقلاً معرفی شده است.

۶. با آنکه برای بازیابی همه نوشته‌های مربوط به سعدی، بسیار کوشیده شد، اما به دلیل نقص بایگانی نشریات کتابخانه‌های کشور، هنوز متن تعداد کمی از مقاله‌ها را نتوانسته‌ام ببینم. از همه کسانی که به این مقاله‌ها دسترسی دارند، خواهشمند است مرا یاری فرمایند.

پی‌نوشت

۱. دکتر غلامحسین یوسفی تنها از متن گلستان حدود پانصد نمونه از سروده‌ها و عبارتهای سعدی را که گونه مثل دارند، یافته و فهرست آنها را باز نموده است. رک. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۷۸۴-۷۶۸.
۲. مقام سعدی در ابیات فرانسه [۲]، جلال ستاری، مهر، سال یازدهم، شماره ۲، خرداد ۱۳۴۴، صص ۱۲۳-۱۲۲.
۳. سعدی در اروپا، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، از کتاب یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، جاویدان، ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، ص ۱۷۹.
۴. مقام سعدی در ادبیات فرانسه [۲]، ...، ص ۱۱۹.
۵. تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، توس، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، ص ۳۴۵.
۶. سعدی و امرسون، فرهنگ جهان‌پور، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی-آمریکا) سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۶۹۲.
۷. سعدی‌شناسی، دکتر امیر اسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، ص ۱۱.
۸. سعدی و امرسون، فرهنگ جهان‌پور، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی-آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۰۴-۶۹۶ - آقای جهان‌پور این سروده بلند را به فارسی برگردانده است.
۹. از سعدی تا آراگون، دکتر جواد حدیدی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳، صص ۳۰۵-۳۰۳، با اندکی تصرف و تلخیص.
۱۰. آقای دکتر ضیاء موحد نیز به موضوع سعدی در لغت‌نامه دهخدا اشاره کرده‌اند، رک. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۷-۲۶.
۱۱. برخی از این اختلاف‌نظرها را در منابع زیر می‌توان دید:
 - زمان تولد و اوایل زندگی سعدی، عباس اقبال، سعدی‌نامه، ۱۳۱۶، ص ۱۱.
 - ممدوحین سعدی، محمد قزوینی، سعدی‌نامه، ۱۳۱۶، ص ۱۶۴.

- شناسایی سعدي، م.ر. هزار شيرازي، ۱۳۱۷، ص ۱.
- گلستان سعدي، عبدالعظيم قريب گرگاني، ۱۳۱۰، مقدمه كتاب.
- تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، ترجمه دكتور غلامحسين يوسفی و دكتور محمدحسن مهدي اردبيلي، ص ۱۵.
- مكتب سعدي، كشاورز صدر، چاپخانه كاويان، ۱۳۳۸، ص ۱.
- تاريخ ادبيات در ايران، ج ۳/۱، دكتور ذبيح‌الله صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ پنجم)، صص ۵۹۲-۵۸۲.
۱۲. برخي از اين اختلاف نظرها را در منابع زير مي‌توان ديد:
- تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، ص ۱۷.
- شناسایی سعدي، م.ر. هزار شيرازي، ص ۱۷.
- متني و سعدي، حسين‌علي محفوظ، ۱۳۳۶، ص ۵.
- تاريخ ادبيات در ايران، ج ۳/۱، دكتور ذبيح‌الله صفا، صص ۵۸۷-۵۸۶.
۱۳. برخي از اين اختلاف نظرها را در منابع زير مي‌توان ديد:
- تاريخ ادبيات در ايران، ج ۳/۱، دكتور ذبيح‌الله صفا، صص ۵۸۹-۵۸۸.
- سخن سعدي، قاسم تويسرگاني، شركت طبع كتاب، ۱۳۱۸، صص ۳-۴.
- چرا سعدي را سعدي خوانده‌اند، محمدمحيط طباطبايي، مجله وحيد، دوره نهم، شماره ۲، ارديبهشت ۱۳۵۰، صص ۱۷۱ و ۳۲۱-۳۲۰.
- ممدوحين سعدي، محمد فزويني، سعدي‌نامه، ۱۳۱۶.
- نکاتي در سرگذشت سعدي، محمدمحيط طباطبايي، ذکر جميل سعدي، ج ۳، صص ۲۱۱-۱۸۷.
- حيات سعدي، الطاف حسين‌حالي، ترجمه سيدنصرالله سروش، ۱۳۱۶، ص ۱.
۱۴. برخي از اين اختلاف نظرها را در منابع زير مي‌توان ديد:
- تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، صص ۱۰۱-۵۸.
- سالشمار سفرهاي سعدي، جان بويل، ترجمه اوانس اوانسيان، راهنماي كتاب، سال هيچدهم، شماره ۱۲-۱۰، دي تا اسفند ۱۳۵۴، صص ۷۹۷-۷۸۵.
- زندگي و رنج‌هاي سعدي، خسرو معتضد، ۱۳۶۸.
- حيات سعدي، الطاف حسين‌حالي، صص ۲۷-۱۰.
- سعدي را بشناسيد، علي‌نقي بهروزي، كتاب‌فروشي معرفت شيراز، ۱۳۵۵، صص ۱۱-۱.
- سعدي چه مي‌گويد، احسان معتقد، ۱۳۱۶، صص ۱۴-۷.
۱۵. آيا سعدي جهانگرد بود، ناصر پورپيراز، ايران فردا، شماره ۲۹، دي ۱۳۷۵، صص ۵۹-۵۶.
۱۶. مكتب عرفان سعدي، صدرالدين محلاتي، انتشارات دانشگاه شيراز، ۱۳۴۶، صص ۷۱ و ۷۲.
۱۷. مكتب سعدي، كشاورز صدر، چاپ كاويان، ۱۳۳۸، صص ۳۰-۳۶.
۱۸. در بوستان ادب فارسي، ذکر جميل سعدي، اميراسماعيل آذر، مجله پليس انقلاب، سال ششم، شماره شصت و پنجم، تير ۱۳۶۶، ص ۵۰.
۱۹. حيات سعدي، الطاف حسين‌حالي، ص ۳۱.
۲۰. سعدي و حسن و قبح افعال، دكتور احمد احمدي، ذکر جميل سعدي، ج ۳، صص ۸۱-۷۹.
۲۱. سعدي و قضا و قدر، دكتور مهدي محقق، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، ۱۳۵۲، ص ۳۶۳.
۲۲. اشارات توحيد و عرفاني و سخنان صوفيانه سعدي، خليل رحايي، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، ۱۳۵۲، ص ۲۰۵.
۲۳. مكتب عرفان سعدي، صدرالدين محلاتي، ص: ب (از مقدمه).
۲۴. همان، ص ۷۱.
۲۵. ادبيات ايران در زمان سلجوقيان و مغولان، يان ريپكا، ترجمه يعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۴، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۲۶. نظري به شخصيت سعدي و بعضي عوامل مؤثر در آن، محمود صناعي، ايران‌نامه، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۷۴.
۲۷. جهان‌بيني در نظر سعدي [۱]، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ايران، سال بيست‌وهشتم، ۱۳۵۲، ص ۱۹۱.
۲۸. گلستان زاپني، هاشم رجب‌زاده، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲، ص ۱۳.
۲۹. تاريخ ادبي ايران، ج ۲، ادوارد براون، ترجمه غلامحسين صدي‌افشار، انتشارات مرواريد، ۱۳۵۱، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.
۳۰. سعدي و قضا و قدر، دكتور مهدي محقق، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، ۱۳۵۲، ص ۳۶۳.
۳۱. سعدي و حسن و قبح افعال، دكتور احمد احمدي، ذکر جميل سعدي، ج ۱، ص ۷۹.
۳۲. سعدي و فلسفه زندگي، دكتور حيدر رقابي، ذکر جميل سعدي، ج ۲، ص ۱۵۵.
۳۳. تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، ص ۲۴۳.
۳۴. مقام سعدي در ادبيات فرانسه [۲]، جلال ستاري، مهر، سال يازدهم، شماره ۲، خرداد ۱۳۴۴، ص ۱۱۶.
۳۵. پيكره شيخ سعدي، حبيب يغمايي، يگما، سال بيست‌وسوم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۴۹، ص ۲۴۹.
۳۶. شناسایی سعدي، م.ر. هزار شيرازي، ۱۳۱۷، ص ۳۱.
۳۷. جهان‌بيني سعدي در نظر ديگران، ل. کرانمر - بينگ، ترجمه دكتور رضي معظمي، مجله جهان‌نو، سال شانزدهم، شماره دوم، دي ۱۳۴۰، صص ۳۶-۳۴.
۳۸. برخي از اين اختلاف نظرها را در منابع زير مي‌توان ديد:
- تاريخ درست درگذشت سعدي، سعيد نفيسي، مجله دانشکده ادبيات تهران، سال ششم، شماره ۱، مهر ۱۳۳۷، صص ۸۲-۶۴. (در اين مقاله روايت درگذشت سعدي از حدود ۷۰ مأخذ نقل شده است).
- درباره سال درگذشت سعدي، دكتور محمد دبیرسايقي، مجله وحيد، دوره نهم، شماره مسلسل ۸۹، ارديبهشت ۱۳۵۰، صص ۱۹۴-۱۹۰.
- تاريخ ادبيات در ايران، دكتور ذبيح‌الله صفا، ج ۳/۱، صص ۶۰۰-۵۹۸.
۳۹. برخي از اين اختلاف نظرها را در منابع زير مي‌توان ديد:
- خانه سعدي در شيراز، محمدمحيط طباطبايي، يگما، سال بيست‌وششم، شماره دوم، ارديبهشت ۱۳۵۲، صص ۹۱-۸۳.
- خانه سعدي در شيراز، علي‌نقي بهروزي، يگما، سال بيست‌وششم، شماره چهارم، تير ۱۳۵۲، صص ۲۲۵-۲۲۱.
- خانه سعدي و قبر سيبويه در شيراز، محمدمعلي معيري، ايران‌آباد، شماره دوم، ارديبهشت ۱۳۳۹، صص ۳۲-۳۰.
۴۰. چشم‌انداز شعر نو فارسي، دكتور حميد زرین‌کوب، توس، ۱۳۵۸، ص ۲۸.
۴۱. سعدي و امرسون، فرهنگ جهان‌پور، ايران‌نامه، ص ۶۹۲.

۴۲. ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، یان ریپکا، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۴، صص ۱۱۱-۱۱۰.
۴۳. جدال با مدعی، دکتر اسماعیل خوبی، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶ (چاپ دوم)، صص ۱۰۹-۱۰۷.
۴۴. سعدی در اروپا، دکتر عبدالحسین زرین کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، ص ۱۷۹.
۴۵. مقام سعدی در ادبیات فرانسه [۲]، جلال ستاری، مهر، سال یازدهم، شماره ۲، خرداد ۱۳۴۴، ص ۱۱۹.
۴۶. شناسایی سعدی، م.ر. هزار شیرازی، ۱۳۱۷، ص ۱.
۴۷. همان، ص ۲.
۴۸. سرگذشت شیخ بزرگوار سعدی، محمدحسین شیخ جابری انصاری، اصفهان، ۱۳۱۶، صص ۱۱-۱۰.
۴۹. ترجیع‌بندهای سعدی و خواجه کرمانی و انتقاد از روش سعدی در آن، دکتر محمود افشار، مجله آینده، دوره چهارم، شماره ششم، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۴۰۸-۴۰۷.
۵۰. دروغ مصلحت‌آمیز، علی دشتی، آینده، سال نخستین، شماره ۳، مهر ۱۳۰۴، ص ۱۵۶.
۵۱. شناسایی سعدی، م.ر. هزار شیرازی، ص ۷.
۵۲. سعدی و تصوف، عبدالعلی دستغیب، پیام نوین، دوره هشتم، شماره ۸، بهمن ۱۳۴۵، ص ۲۳.
۵۳. از جمله نوشته‌هایی که داستان دیدار سعدی و همام تبریزی را به گونه‌ای سبک و سخیف پرداخته‌اند، کتاب " دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۳، محمدحسین رکن‌زاده - آدمیت"، (انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۹، صص ۱۰۹-۱۰۷) است.
۵۴. خوشبختانه اخیراً به همت برخی از مؤسسه‌های فرهنگی، اطلاعات جامع کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی در نمایه‌ها، به گونه‌ای شایسته منتشر می‌شود.
۵۵. برای آگاهی بیشتر، رک. از صبا تا نیما، جلد دوم، یحیی آرین‌پور، انتشارات زوار، ۱۳۷۲، (چاپ چهارم)، صص ۴۶۶-۴۳۶.
۵۶. درخور یادآوری است که برای بازیابی مقاله‌ها، شماره‌های مختلف روزنامه‌ها را جستجو نکرده‌ام. تنها مقاله‌هایی از روزنامه‌ها، که در فهرست مقالات معرفی شده و یا از راه‌های دیگر آنها را باز شناخته‌ام، در این مجموعه به شمار آمده است.
۵۷. عنوان نشریه‌ها به شرح زیر است:
۱. آشنا، ۲. آموزش و پرورش، ۳. آیش، ۴. آینده، ۵. آینه پژوهش، ۶. ادبستان، ۷. ارمغان، ۸. اطلاعات (روزنامه)، ۹. اطلاعات علمی، ۱۰. اطلاعات ماهانه، ۱۱. ایران (روزنامه)، ۱۲. ایران آباد، ۱۳. ایران امروز، ۱۴. ایران‌شناسی، ۱۵. ایران فردا، ۱۶. ایران‌نامه، ۱۷. ایندو ایرانیکا، ۱۸. پژوهشگران، ۱۹. پلیس انقلاب، ۲۰. پیام آسمانی، ۲۱. پیام زن، ۲۲. پیام نو، ۲۳. پیام نوین، ۲۴. تابان، ۲۵. تحقیقات اسلامی، ۲۶. تقدم، ۲۷. تلاش، ۲۸. تماشای زندگی، ۲۹. جمعیت (فصل‌نامه)، ۳۰. جهان‌نو، ۳۱. چیستا، ۳۲. خبر (روزنامه)، ۳۳. خرد و کوشش، ۳۴. خواندنی‌های تاریخی، ۳۵. دانشکده ادبیات اصفهان، ۳۶. دانشکده ادبیات تبریز، ۳۷. دانشکده ادبیات تهران، ۳۸. دانشکده ادبیات شهید بهشتی، ۳۹. دانشکده ادبیات کرمان، ۴۰. دانشکده ادبیات مشهد، ۴۱. دنیای سخن، ۴۲. راهنمای کتاب، ۴۳. رشد آموزش ادب فارسی، ۴۴. رنگین‌کمان، ۴۵. ره‌آورد، ۴۶. سال‌نامه کشور ایران، ۴۷. سخن، ۴۸. سروش، ۴۹. سلام (روزنامه)، ۵۰. سیمرغ، ۵۱. شاهد، ۵۲. صنعت چاپ، ۵۳. عبرت، ۵۴. عصر (روزنامه)، ۵۵. فروهر، ۵۶. فرهنگ فارس، ۵۷. قدس (روزنامه)، ۵۸. کابل، ۵۹. کاوه، ۶۰. کیوتر صلح، ۶۱. کتاب‌پاز، ۶۲. کلک، ۶۳. کمیته، ۶۴. کنگره تحقیقات، ۶۵. کیهان (روزنامه)، ۶۶. کیهان فرهنگی، ۶۷. گزارش، ۶۸. گل‌چرخ، ۶۹. گوهر، ۷۰. مجله روشن‌دل، ۷۱. مسجد، ۷۲. مشکوه، ۷۳. مناطق آزاد، ۷۴. مهر، ۷۵. نامه آستان قدس، ۷۶. نامه پارسی، ۷۷. نامه فرهنگستان، ۷۸. ندای یزد (روزنامه)، ۷۹. نشر دانش، ۸۰. نشریه رشد جوان، ۸۱. نشریه مدرسه عالی علوم اراک، ۸۲. نگین، ۸۳. وحید، ۸۴. هستی، ۸۵. هلال، ۸۶. همشهری (روزنامه)، ۸۷. هنر (روزنامه)، ۸۸. هنر و مردم، ۸۹. هوخ، ۹۰. یادگار، ۹۱. یغما.

بخش نخست مقاله‌ها

۱

آتش معیشت را آب آسمان کشد و آتش معصیت را آب دیدگان کشد، روزنامه کیهان، پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۳، ص ۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش آثار سعدي و توضیحی کوتاه درباره زندگی، تحصیلات و مسافرت‌های او. ۱-۲. معرفی کتاب "کلیات سعدي" به تصحیح محمدعلی فروغی از انتشارات سعدي. ۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلی فروغی. ۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. رسائل نثر ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته هیچ سخن تازه‌ای در بر ندارد و کتاب مورد نظر نیز به گونه‌ای ناقص معرفی شده است. تنها سخن تازه در این نوشته این است که مرحوم فروغی به عنوان "دکتر محمدعلی فروغی" معرفی شده است! عنوان نوشته هم هیچ ارتباطی با متن آن ندارد.

آثار سعدي در کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی ایران، کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدي)، شماره ۱۰، دي ۱۳۶۳، صص ۳۵-۲۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی کتاب "آثار سعدي در کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی ایران" که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش با مقدمه دکتر حداد عادل منتشر کرده است. با یادکرد عباراتی از مقدمه کتاب. ۲. منابع اصلی: ۲-۱. کتاب معرفی شده در مضامین اصلی. ۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد. ۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته، تنها به معرفی کوتاه کتاب یاد شده در مضامین اصلی پرداخته و برجستگی ویژه‌ای ندارد.

آثار سعدي و سخنوران افغانستان، عبدالقیوم قویم، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۷۷-۲۶۰. چاپ‌های دیگر: ۱. مجله ادب، سال نوزدهم، شماره ۱-۲، سرطان (تیر) ۱۳۵۰، صص ۴۸-۳۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی کوتاه سعدي و تأثیر سخن او در افغانستان (صص ۲۶۱-۲۶۰). ۱-۲. بیان چگونگی تأثیرپذیری سعدي از افغانی‌ها: "شیخ اجل در ضمن مطالعات دامنه‌دار خویش به کتب منظوم و منثور دری نظر داشته و از بعضی از آنها متأثر شده است. یکی از نویسندگانی که قبل از سعدي می‌زیست و روش وی در نگارش نثر مسجع مورد نظر سعدي واقع گردید، خواجه عبدالله انصاری هروی است. همچنان سعدي به اشعار شاعران بزرگ افغانستان از قبیل سنایی غزنوی، مولوی بلخی و ظهیر فاریابی، نظر داشته است." (صص ۲۶۲-۲۶۱). ۱-۳. یادآوری نمونه‌هایی از اشعار همانند سعدي و سنایی، سعدي و ظهیر فاریابی، سعدي و بیدل [نویسنده به استناد تذکره شمع انجمن، زادگاه بیدل را در افغانستان می‌داند.] و ذکر نام چند تن از شاعران و دانشمندان متأخر افغانستان که به آثار سعدي تمایل و التفات داشته‌اند به همراه نمونه‌ای از تأثیرپذیری آنها، کسانی چون: واصل (میرزا محمدنبی دبیرالملک)، غلاممحمد طرزی، محمدحسن متخلص به شامل، خلیل‌الله خلیلی، ملک‌الشعرا بیتاب، سالک چاه‌آبی، محمدحسین شهید، رحیم‌الهام (صص ۲۷۴-۲۶۲).

۴-۱. بررسی و معرفی ترجمه‌های آثار سعدي به زبان "پنبتو": بوستان دپنبتو ترجمه زرغونه دختر دین محمد کاکر و گلسته (ترجمه گلستان) از عبدالقادر ختک، ترجمه شرح گلستان از نقیب‌احمد دیوبندی، ترجمه گلستان از امیرمحمد انصاری (صص ۲۷۵-۲۷۴). ۱-۵. معرفی یک نسخه "چاپ عکسی بوستان" و یک نسخه "چاپ حروفی بوستان" در کابل (صص ۲۷۷-۲۷۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. تذکره‌الشعرا دولت‌شاه سمرقندی. ۲-۲. سخندان فارس از مولانا محمدحسین آزاد. ۲-۳. کتاب‌های درسی افغانستان (قرائت دری صنف پنجم، ششم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم). ۲-۴. گلستان، به کوشش سعید نفیسی. ۲-۵. گلستان، به سعی و اهتمام عبدالعظیم قریب گرگانی. ۲-۶. بوستان، چاپ عکسی کابل. ۲-۷. دیوان سنایی، به اهتمام مدرس رضوی. ۲-۸. متن کامل دیوان سعدي، به کوشش مظاهر مصفا. ۲-۹. قلمرو سعدي، علی دشتی. ۲-۱۰. دیوان ظهیر فاریابی، به اهتمام هاشم رضی. ۲-۱۱. بهارستان جامی. ۲-۱۲. دیوان جامی، ویراسته هاشم رضی. ۲-۱۳. کلیات بیدل، طبع کابل. ۲-۱۴. تذکره شمع انجمن. ۲-۱۵. مجله ژوندون کابل. ۲-۱۶. اشعار واصل از طالب قندهاری. ۲-۱۷. دیوان طرزی. ۲-۱۸. تاریخ ادبیات دری از ژویل. ۲-۱۹. دیوان خلیلی. ۲-۲۰. مجله عرفان کابل.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۶ بار، غزلیات ۵ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. ارزش این مقاله در بیان تأثیر و تأثر و مقایسه شعر سعدی با شاعران افغانی با ذکر کامل نشانی مأخذ است. بویژه بخش آخر (معرفی ترجمه‌ها) از نقاط قوت این مقاله است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. ستایش سخنوران باختر زمین از سعدی، علی سامی، کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، صص ۲۵۴-۲۵۲. ۲-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۵۹. ۳-۵. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۰. ۴-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعرا، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۰. ۵-۵. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۶۲.

آثار عربی سعدی و اغراض آن، دکتر جعفر مؤید شیرازی، خرد و کوشش، شماره اول، دوره هفتم، تابستان ۱۳۵۷، صص ۴۰-۳۱.

* این مقاله یک بار دیگر در کتاب شناختی تازه از سعدی (انتشارت نوید، ۱۳۶۲، صص ۹۷-۸۹) و نیز در کتاب سیمای سعدی (انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶، صص ۸۶-۷۹) به چاپ رسیده است. برای آگاهی از مضامین اصلی این مقاله، رک. "شناختی تازه از سعدی"، در بخش کتاب‌ها از همین مجموعه.

... آدم به آدم می‌رسد، دکتر عبدالکریم گلشنی، فصلنامه هنر، شماره ۲، زمستان ۱۳۶۱، و بهار ۱۳۶۲، صص ۶۲-۵۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره برخی از وقایع سفر آدم‌الثاریوس به ایران، از جمله توقف او و همراهانش در "شماخی" و آشنایی الثاریوس با محب‌علی، درخواست محب‌علی از الثاریوس برای شناساندن "گلستان" به هموطنان غربی‌اش و ترجمه گلستان به زبان آلمانی به دست الثاریوس (صص ۵۹-۵۶). "اگر بتوان محب‌علی و امام‌قلی را از جمله نخستین ایرانیانی دانست که به آموختن زبان آلمانی پرداخته‌اند، باید برای الثاریوس سهم بیشتری قائل شد. زیرا وی با ترجمه گلستان شیخ سعدی به آلمانی، نه تنها خدمت بزرگی در معرفی ادبیات فارسی به جهان غرب نمود، بلکه هموطنانش او را از نخستین ایران‌شناسان آلمانی می‌دانند ... الثاریوس به هنگام بازگشت از اصفهان ... به شماخی رسید و دوستان قدیمش، جلیل منجم، محب‌علی ملا و امام‌قلی ... به استقبالش شتافتند ... هر یک قطعه‌ای به رسم یادگار به خط خود نوشتند و به او تقدیم کردند. این نوشته‌ها نشانه‌هایی است از پیوند عواطف آدم‌هایی که در سیصد و پنجاه سال پیش همدیگر را یافتند و باز هم به هم رسیدند ... کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد" (صص ۶۰).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. سفرنامه آدم‌الثاریوس.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. ندارد.

۴. **اشاره:** ۱-۴. از دیدگاه سعدی‌پژوهی نکته در خور توجهی که در این مقاله آمده، بیان چگونگی آشنایی آدم‌الثاریوس، نخستین مترجم آلمانی گلستان است با این کتاب و پیشنهاد اولیه ترجمه کتاب مذکور که از سوی "محب‌علی" در "شماخی" به او شده است.

آرمان‌گرایی در شعر پارسی، محمدعلی مهمید، برگرفته شده از کتاب "ده شب" (شب‌های شاعران و نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران و آلمان) به کوشش ناصر مؤذن، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷، صص ۲۴۵-۲۳۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح کوتاهی درباره آرمان‌خواهی در ادبیات فارسی (صص ۳۳۲-۳۳۱).

۱-۲. بررسی برخی از نظرات آرمان‌خواهانه فردوسی در شاهنامه (صص ۳۳۸-۳۳۲).

۱-۳. گفتاری زیر عنوان "سعدی آرمان‌گرای و آرمان‌آموز بزرگ"، با توضیح درباره محتوای انسانی آثار سعدی، از جمله: "با ایمان و اعتقاد راسخ توان گفت که در هیچ یک از آثار منظوم و منثور جهان از انسان به حدی که سعدی بزرگ از وی به نام "آدمی"، "خلق"، و "انسان" نام برده، یاد نشده است، از این روی توان باور داشت که وی از پیشگامان انسان‌گرایی نه در ایران، بل در جهان است. اگر قدیمی‌ترین انسان‌گرای اروپا را پترارک بدانیم، سعدی نزدیک به یک قرن پیش از وی می‌زیسته و با اعلام و آموزش انسان‌گرایی مشروط و مردمی، در تاریخ این اندیشه، قدیمی‌ترین سابقه را پدید آورده است (صص ۳۳۹). به خلاف آنچه قشربندی‌اندیشان گمان برده‌اند، در حریم و مقام والای انسانی سعدی، حتی تصور مداحی برای تقرب به درگاه ارباب زور و زر و سخن‌فروشی را راه نیست" (صص ۳۴۰).

۱-۴. توضیح درباره "انسان‌گرایی" در شعر سعدی (صص ۳۴۵-۳۴۱)، از جمله: "نگرش و ادراک سعدی در این عرصه فکری، در دوران‌هایی که انسان می‌بایست نعل‌بند ستوران سرهنگان خودی باشد، یا گوسفندوار در قربانگاه‌های تهاجم و تعدی بیگانگانی چون تازیان و مغولان، سر به زیر تیغ اسارت و حقارت نهد، یک جهش و عروج نادر فکری باید تلقی شود ... انسان سعدی، زیبا به خصال و اخلاق انسانی اوست نه به سخن گفتن ... (۳۴۱) صداقت و صمیمیت سعدی در پاسداری از انسان در همه شوون زندگی، در جوشش چشمه آینه‌گونه و گواری کلامش مشهود است ..." (صص ۳۴۳).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. شاهنامه فردوسی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. بوستان ۱۰ بار، قصاید ۱۰ بار، غزلیات ۷ بار، گلستان ۶ بار، رسائل نثر ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. این نوشته در واقع متن یک سخنرانی است که در مراسم شب‌های شاعران و نویسندگان در انجمن فرهنگی ایران و آلمان ایراد شده، سخنران با توضیح درباره آرمان‌گرایی، سروده‌های دو سخن‌سرای نامی ایران، یعنی فردوسی و سعدی را با تأکید بر ارزش‌های والای انسانی آنها مورد بررسی قرار داده است. در بخش مربوط به سعدی، هر چند سخن چندان تازه‌ای بیان نشده، اما استنادات مکرر به آثار سعدی و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، تربیتی و انسانی آثار سعدی در شناسایی روشن‌تر این شاعر توانمند ایرانی برای مخاطبان سودمند بوده است.

آمریکا یا باید به شرایط جدید یونسکو تن دهد و یا ...، دکتر رضا فیض، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۳، صص ۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره چگونگی تصویب "کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدی" در کنفرانس عمومی سازمان یونسکو و بازتاب این مصوبه.

۱-۲. تأکید بر اهمیت بزرگداشت مقام سعدي.
۱-۳. توضیح درباره سازمان یونسکو و روابط آمریکا با این سازمان.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.
۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته تنها متن گفتگویی است که دکتر رضا فیض نماینده ثابت ایران در یونسکو (سال ۱۳۶۳) با خبرگزاری جمهوری اسلامی داشته و به کوتاهی درباره تصویب طرح کنگره یاد شده و اهمیت آن سخن گفته است. و بدان جهت که در فهرست مقالات مطبوعات بدان اشاره شده، در اینجا معرفی شد.

آیا سعدي يك جهانگرد بود ، ناصر پورپیرار، ایران فردا، شماره ۲۹، دي ۱۳۷۵، صص ۵۶-۵۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش و جاودانگی آثار سعدي با اشاره‌ای به مقصود مقاله: "حالا هم که می‌خواهم بگویم آنچه درباره شیخ اجل می‌دانیم، زاینده تلقین زیرکانه خود شیخ است که علی‌البدل خویش را به بازار برده، ذره‌ای غبار بر گلستان و بوستان و غزلیاتی نخواهد نشانند که تاکنون سرآمد سخن در سراسر جهان بوده است. قدر و اعتبار این آثار و مؤلف آن چه شیخ ما آن گونه باشد که گمان می‌بریم و چه این گونه شود که می‌گویم ابدي است" (ص ۵۶).

۱-۲. اشاره به زندگی آمیخته به ابهام سعدي و اظهار شگفتی از این همه ابهام و تناقض، از جمله: "حیرت آور است، همین شیخ که اقصای عالم گردیده، در افواه عوام و بارگاه خاص محترم بوده، به کم ۸۵ سال برخوان این جهان نشسته، به اعزاز و اکرام، از وزرا و صاحبان دیوان عنایتی دیده و ارادتت شنیده، خانقاه و مطبخ و خوابگاهی بر گذری کرده و نذر رهگذران [؟]، به درستی معلوم نیست کجا و چه سال وداع جهان گفته، میراث‌بری ندارد، زنی او را شوی خویش نمی‌داند و شیونی نمی‌کند، شهری به هم نمی‌ریزد و همان‌گونه که در حیات، استاد و مرادی نداشته، در وداع، شاگرد و مریدی ندارد ...". (ص ۵۶)

۱-۳. اظهار تردید در مورد شهرت سعدي در زمان خویش: "چگونه ممکن است محقق قیس که در جست‌وجوی شعر برای جنگ خویش است، به کار سعدي دست نمی‌یابد ولی نوجوان طلبه‌ای در کاشغر از آن سخن می‌گوید؟" (ص ۵۶).

۱-۴. اشاره به برخی از تناقضات تاریخی موجود در حکایت‌های گلستان و طرح یک زندگی‌نامه تازه برای سعدي، که در آن همه سفرهای سعدي مردود دانسته شده است: "باری در سراسر زندگی شیخ ابهامی است آزردهنده که چون خارش بی‌دلیل تن، خیال‌خوار است. آیا برای شیخ سرگذشتی دیگر می‌توان آورد که به حقیقت نزدیک‌تر باشد؟ برای این کار بیش از همت، جسارت به کار می‌آید، که ورزیده‌ایم؛ باری دشوار نیست شیخ صالحی را در شیراز فرض کنیم که جوانی را در اواخر دهه دوم قرن هفتم هجری آغاز کرده است، به شوخ‌بازی، شراب‌خواری و هزلیات سرایی، ذهن تیز، ناآرام و شنگولی دارد. لطایف و ظرایفی می‌گوید و در ستایش عشق و زیبایی، زبان توانایی دارد و نه فقط در ستایش این‌ها که در چشیدنشان نیز دست و دل و کامی باز دارد ...".

شیراز معتدل بوده است و بر گذرگاه ... [کاروانیان] به شب گرد هم می‌آمدند، علمای عبوری، زندان، ملاحان، پيله‌وران، جهان‌گردان بی‌خانمان خوش‌گذران ... می‌گفتند و می‌شنیدند و به شب در بی‌خودی مستی لاف می‌زدند و خیال می‌بافتند و به قول شیخ اجل دروغ‌هایی می‌گفتند که خاص جهان‌دیدگان است. از سرزمین‌های دور می‌گفتند، از قهرمانی‌ها که کرده‌اند، عجایبی که دیده‌اند، پند و اندرزهایی که شنیده‌اند ... ذهن تشنه شیخ صالح در این داستان‌های غریب از آدمیان غرب [غریب؟] و سرزمین‌های غریب‌تر آبشخوری گوارا می‌یافت. رد این گونه پنداری‌های شبانه مونسان شیخ را در گلستان و بوستان بسیار می‌یابیم ... اما شباب نمی‌ماند و شیخ نه فقط به نام، فطرتاً نیز صالح است. به هوشیاری کسی دیگر است. ذهن آراسته‌اش او را به جدال با نفس می‌خواند ... کسی در او غلغله می‌کرد که کناره‌گیر و پنج روز مانده را دریاب و چنان که عمر به سردی می‌رفت، عطش شب‌زنده‌داری در او می‌نشست الا به تفکری که شب‌زنده‌داران تنها با آن مانوسند و سرانجام نیز شیخ صالح تصمیم خود را می‌گیرد ... (صص ۵۷-۵۸).

چاره این است که شیخ صالح چند سالی از چشم خلق پنهان بماند، به آموختن و تألیف بپردازد و آن زمان که از سویی خاطره آن شیخ صالح بی‌اعتبار از اذهان پاک شد و از سویی دیگر دستار کلام از سوقات سفر پر، می‌توان شیخ اجل مصلح‌الدین سعدي شیرازی را از پس سی سال سیر و سیاحت جهان و کسب علم و فیض در نظامیه به شیراز خواند، آن ذخیره را که به آن چند سال غیبت فراهم شده، یک‌یک عرضه کرد و آب رفته را به جوی بازگرداند. این سناریوی کاملی است که با احوال و زندگی شیخ منطبق می‌شود و شیخ آن را به اجرا می‌گذارد ...

واقعیت این است که سعدي جميل جاري در ذکر برائت و صداقت سعدي، از آنجا که با باریک شدن محققانه در احوال شیخ در تضاد می‌افتد، سعدي است عیب و رنجی است تلف. شیخ ما اگر از سیاحت واقعی در میکده و عشرت‌سراهای شیراز به بلوغ و نبوغ و خلود رسیده باشد، بسیار برتر است از آن شیخی که از یک سفر خیالی و دروغین سی‌ساله به گرد جهان بازگشته باشد.

باری شیخ صالح پیشین، شاید هفت، هشت‌سال به خودسازی، بی‌آنکه سوادِی از خود ظاهر کند، می‌گذراند. بسیار محتمل است که این همان دورانی باشد که می‌گویند شیخ در بقعه و جوار ابن‌ابی‌الخفیف به سر برده است. در این ایام کلام را به شیوایی و استادی آرایش می‌دهد، متنبری می‌خواند، خواجه عبدالله انصاری را می‌خواند ... بالاخره در حوالی سال ۶۵۰ ظهور می‌کند، با بوستان و گلستانش که به طرزی ناشیانه ولی در نهایت فصاحت کلام می‌خواهد به همه القا کند که من از سیر سی‌ساله جهان می‌آیم و هیچ ربطی به آن شیخ صالح شوخ و الواط ندارم.

اما در عامه ناس خردی است که کرانه ندارد. این حرف‌ها را به ظاهر می‌پذیرند و زیر لب می‌خندند، شیخ سعدي را ستایش می‌کنند ولی مشهود است که باور نمی‌کنند ... " (ص ۵۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. آثاری که درباره زندگی سعدي نوشته شده، از جمله ممدوحین سعدي از علامه قزوینی، تاریخ ادبیات یان ریپکا، سفرنامه ابن‌بطوطه، مقدمه محمدعلی فروغی بر کلیات و ... (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۴۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته برای نخستین بار طرح تازه‌ای برای زندگی سعدي انگاشته شده است.

درباره تناقضات تاریخی و غیرتاریخی در آثار سعدي پیش از این، نوشته‌های متعددی پدید آمده و پرسش‌ها و شگفتی‌های مطرح شده در این مقاله، موضوع تازه‌ای نیست. راستی خالی از شگفتی هم نیست که همه مراحل زندگی شخصیت بزرگ و نامداری چون سعدي مورد اختلاف صاحب‌نظران است (نام، تاریخ تولد، کودکی، وجه تخلص، مسافرت‌ها، اندیشه، مذهب، تاریخ درگذشت و ...). با آنکه در زندگی سعدي این همه اختلاف و ابهام وجود دارد، آیا طرح تازه‌ای که به نظر آقای ناصر پورپیرار رسیده، به سادگی پذیرفتنی است؟ و آیا بر ابهام‌های موجود می‌افزاید یا از آن می‌کاهد؟

آیا شاعری مانند سعدي که در جوانی خود، با شور شاعرانه‌اش، توجه بسیاری از آشنایانش را برمی‌انگیخته، می‌تواند آنقدر ناشناس باشد که مدتی خود را مخفی کند و بعد از آن به عنوان شخص دیگری ظهور کند و آشنایان و زیرکان شهر او را شناسند، یا بشناسند و ساکت بمانند و مثلاً صوفي پاک‌نهادی چون سیف فرغانی که بیشتر عمرش را در سده هفتم زیسته و معاصر سعدي بوده در

آسیای صغیر به اشعار او دست یابد و با شیفتگی تمام این همه او را بستاید (رک). " سعدی و سیف فرغانی" از ذبیح‌الله صفا و " سیف فرغانی و سعدی" از ضیاءالدین سجادی، در همین مجموعه).

- آیا برخی از گفته‌های نویسنده مقاله مورد نظر به اغراق نیامیخته است، مثلاً آیا حجم بوستان سعدی به قدری است که " فقط رونویس به خط مقبول آن، دو سالی عمر می‌برد؟! (ص ۵۹). و آیا منصفانه است بگوییم: " اولاً دانسته‌های شیخ از جهان فرهنگی زمان خود بسیار نازل‌تر از کسی است که سی سال در آن جهان سیاحت و تلمذ کرده باشد و دوماً [!] همان دانسته‌های اندک نیز غلط، مغشوش و پریشان است " (ص ۵۸) و ...

با این همه، حداقل سود این نوشته و نوشته‌هایی از این دست، ایجاد انگیزه برای بازنگری متون و سؤال، تأمل و پژوهش است. گفتنی است که برخی از شیفتگان شیرازی سعدی پس از انتشار این مقاله پرخاشگرانه، نویسنده مقاله را به باد انتقاد و ناسزا گرفتند اما بیشتر این پاسخ‌ها خالی از یک روش علمی است (رک. تأثیرات و پاسخ‌ها).

آقای پورپیرار موضوع مقاله خود را به گونه‌ای گسترده‌تر در هیأت کتابی با نام " مگر این پنج روزه " در خرداد ۱۳۷۶ در ۲۰۷ صفحه، منتشر ساخته‌اند و آقای حسن امداد در کتابی به نام " جدال مدعیان با سعدی " برخی از نظرات او را پاسخ گفته‌اند (جدال مدعیان با سعدی، حسن امداد، انتشارات نوید، ۱۳۷۷).

۴-۲. نشانی مآخذ و نمونه‌های شاهد در این مقاله مشخص نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. جدال مدعی با سعدی، محمدمهدی مدرس، روزنامه خبر (نگاه پنج‌شنبه)، پنج‌شنبه دوم اسفند ۱۳۷۵.

ص ۸. ۵-۲. نقدی بر نقدی، [سعدی معلم اخلاق بود نه یک جهانگرد]، جهانشاه سی‌سختی، روزنامه خبر (نگاه پنج‌شنبه)، پنج‌شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۷۵، ص ۸. ۵-۳. پاسخی به کلوخ‌اندازان، جمال پیمان، روزنامه خبر (نگاه پنج‌شنبه)، پنج‌شنبه ۹ اسفند ۱۳۷۵، ص ۸.

۵-۴. سعدی سخن‌ساز است نه خیال‌پرداز، سید محمدرضا علوی، روزنامه خبر (نگاه پنج‌شنبه)، پنج‌شنبه ۹ اسفند ۱۳۷۵، ص ۸. ۵-۵. گفتم، گفت، محمدامین فصحتی، روزنامه خبر (نگاه پنج‌شنبه)، پنج‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۵، ص ۸.

آیین مدیریت در نظر سعدی، منوچهر مظفریان، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۴۱-۲۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به پیشینه توجه به مدیریت و رهبری در مآخذ و منابع فرهنگی فارسی (ص ۲۳۱).

۱-۲. بیان نظرات سعدی در مدیریت و رهبری (صص ۲۲۵-۲۳۲): " سعدی در عصر رواج تملق و چاپلوسی و در زمانی که سنت ادب فارسی وسیله کسب نام و نان و هجو این و آن است و زورمندان تهی از دانش به قصاید بلند مدح و ستایش خو گرفته‌اند، با حق‌گویی گستاخانه‌ای که مسلک مسلم اوست، توانایان عصر خود را درس رهبری مبتنی بر انسانیت می‌دهد ... سر فصل برنامه مدیریت سعدی، عدالت و رفاه خلق است و این مضمون آسمانی که از تز رهبری اسلامی مایه می‌گیرد و در دستورات علی(ع) به اعمال خود به روشنی تأکید می‌شود، در قصاید فارسی سعدی جای آشکاری دارد (ص ۲۳۲). ... به نظر سعدی، هوش و تدبیر و خردمندی ... تسلط بر نفس و گریز از میل جنسی ... و نرمخویی و شکیبایی ... ایجاد امنیت و سرکوبی ماجراجویان ... جلب جهانگردان و مسافران از صفات و وظایف رهبر است " (صص ۲۳۵-۲۳۲).

۱-۳. تشریح سازمان اداری مورد نظر سعدی: " سازمان اداری مورد نظر سعدی، نمونه‌ای از همان سازمان‌های ابتدایی زمان خود اوست. تشکیلات داورى زیر اداره مستقیم شاه است ... نظام استخدامی که سعدی، پیشنهاد می‌کند بر استخدام کارمندان خدا ترس مبتنی است ... به زعم او منعمی و به اصطلاح چشم و دل سیری، یکی از شرایط استخدام است ... عجله در استخدام کارمندان را مذموم می‌شمارد ... مواد مثبت شخصیت کارمند، خردمندی، پاکیزه‌دینی، نیکوسیرتی، روشن‌قیاسی، سخن‌سنجی، مقدار مردم‌شناسی است ... و تأمین آسایش کارمندان، ایجاد رفاه بازنشستگان را شرط بالا رفتن کارآیی و ثمربخشی کار در سازمان می‌داند و شاید در زمان خود در ارائه این تدبیر مبتکر بوده است ... لزوم نظارت و کنترل در امر جهانبانی و ... حمایت زندانیان مورد نظر سعدی است " (صص ۲۳۸-۲۳۵).

۱-۴. بیان آیین صلح و آشتی و روش جنگ و ستیز در نظر سعدی (صص ۲۴۱-۲۳۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. (نشانی مآخذ مشخص نشده است)

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۵۱ بار، قصاید ۳ بار، گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بررسی و تفکیک نظرات سعدی در امور اجتماعی با استناد به آثار او و تبیین نظرات او به گونه یک آرمان‌شهر، از وجوه امتیاز این پژوهش است. اما اگر چه عمده نظرات سعدی درباره موضوع مورد بحث در بوستان نموده شده، در آثار دیگر سعدی بویژه در گلستان و قصاید نیز بسیاری از موارد دیگر را که روشنگر نظرات سعدی در امور اجتماعی است می‌توان یافت و باز نمود، که در این پژوهش به آنها کمتر پرداخته شده است.

۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

آیین در اشعار فرخی، سعدی، حافظ همراه با پیشنهادی در زمینه بررسی آماری - تطبیقی، ریکاردوزیولی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۵۶-۲۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. "غزل با سعدی به اولین مرحله شیوه کلاسیک خود می‌رسد (ص ۲۳۱). کیفیت که در آثار سعدی، بیشتر مورد دقت و ستایش قرار گرفته مربوط به زبان شعری او یعنی همان سهل و ممتنع است و کمتر به طور جدی تجزیه و تحلیل شده است. در حقیقت مطالعات قابل توجهی به خصوصیات اخلاقی و روحی سعدی اختصاص داده شده و کمتر بحث تحقیقی درباره زبان شعری او مشاهده می‌شود. شاید از همین روست که به غزلیات سعدی کمتر از بوستان و گلستان و قصاید توجه‌ای شده است " (صص ۲۳۲-۲۳۱).

۱-۲. " در این بررسی ابیات را با روش غیرمعمول، یعنی بر اساس برخی جدول‌های تکنیکی می‌خوانیم تا ببینیم که، آیا به این طریق امکان دارد در زمینه سبک سعدی نظرهای تازه‌ای به دست آورد یا نه. " (ص ۲۳۲).

۱-۳. " بعد از کمی مطالعه و تأمل به این نتیجه رسیدیم: ابیاتی که کلمه " آیین " را دربر می‌گیرد، برای تحقیق و بررسی ما می‌تواند مناسب باشد. این جدول دربرگیرنده سؤالاتی چون سؤالات زیر است:

چه چیز با آیین مقایسه می‌شود؟ چه عناصری نما و کالبد مادی آیین را مشخص می‌کند؟ با چه صفات و اسامی آیین توصیف می‌شود؟ و ... " (صص ۲۳۴-۲۳۳).

۱-۴. پس از شرح جزئیات روش کار و ذکر پرسش‌هایی که در جدول مذکور طرح شده، نویسنده مقاله یازده بیت از فرخی، سی‌وهشت بیت از سعدی و چهل بیت از حافظ را که در آنها از واژه آئینه استفاده شده برای بررسی خود برگزیده، آنها را بر اساس جدول‌های تکنیکی خود کاویده و نتایج به دست آمده را با هم مقایسه کرده، مثلاً در مورد آئینه‌های سعدی می‌نویسد: "برمی‌گردیم به سعدی، کافی است به پاسخ‌های سؤال شماره یک نگاهی بیندازیم تا متوجه شویم چگونه نقش و ارزش مقایسه‌ای آئینه تغییر کرده است، آنچه در ابیات فرخی فقط به صورت یک استثنا بود در ابیات سعدی به صورت یک قاعده درمی‌آید و در ۲۲ بیت از ۲۸ بیت هیچ شیئی با آئینه مقایسه نمی‌شود، و آئینه در تشبیهات، در استعارات و در ارسال مثل‌ها موجود نیست. جهان بی‌روح طبیعت تقریباً به طورکلی جای خود را به جهان بشری می‌دهد. عملکرد اصلی آئینه در اکثر موارد منعکس کردن معشوق است. دنیای آئینه در اشعار سعدی نسبت به بعد مصنوعی و صوری ابیات فرخی جنبه‌های طبیعی‌تر و عادی‌تر دارد و علاوه بر اینکه وسیله‌ای برای انعکاس یا بیان واقعیت انسانی می‌باشد به سرچشمه مستقیم آشنایی الهی نیز تبدیل می‌شود... حافظ هم توجه صوری فرخی را نسبت به اشکال و رنگ‌های اشیا و هم توجه عقلی سعدی را نسبت به مسائل روحی انسان مد نظر دارد و با تکیه بر جنبه‌های جهان‌بینی دو شاعر آنها را تلفیق و غنی کرده. حافظ تقریباً در هر ۲/۵ کلمه یک واژه جدید به کار می‌برد و در حالی که سعدی تقریباً در هر سه کلمه یک واژه جدید استفاده می‌کند. بنابراین ابداع واژه‌ها (قاموسی) در ابیات سعدی نسبت به ابیات حافظ ضعیف‌تر است. واژه‌نامه حافظ در مقابل واژه‌نامه سعدی هم از نظر مقدار و تنوع و هم از نظر معنای واژه‌ها غنی‌تر است. آئینه سعدی بیشتر به این دنیا مربوط است و صحنه‌اش حالت افقی دارد، در حالی که آئینه حافظ بیشتر به آن دنیا مربوط می‌شود و صحنه‌اش حالت عمودی دارد... (صص ۲۵۵-۲۳۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. دیوان فرخی، دیوان سعدی، دیوان حافظ.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲۸ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. نخستین ویژگی این مقاله، تازگی روش پژوهش آن است. نویسنده با ترسیم جدول‌ها و طرح پرسش‌های فراوان و بررسی آماری - تطبیقی برای یک واژه و بسامدهای آن، به نتایج آماری جالبی دست می‌یابد و با مقایسه آمار به دست آمده به گونه‌ای علمی و عملی اشعار نمونه را کاویده و با ورود به جزئیات سبک‌شناسی می‌کند. البته همراه این مقاله فهرست مفصلی از واژه‌های ابیات فرخی، سعدی و حافظ و همچنین جدول‌های آماری و بسامدی الفاظ مورد استفاده سه شاعر وجود داشته که بنابر توضیح اولیه، "به سبب محدودیت اوراق" همراه مقاله چاپ نشده است. این‌گونه از پژوهش‌ها که رنگ تحقیقات علمی جدید را دارد برای پژوهشگران ایرانی که در بررسی‌های خود بیشتر به کلیات می‌پردازند و در نتیجه بیشتر گفته‌ها و نوشته‌های آنان همانند و تکراری می‌شود، بسیار سودمند است.

۴-۲. در مقالات و نوشته‌های مربوط به سعدی بیشتر رویکردها به "معنای شعر" اوست، این پژوهش به "صورت شعر" سعدی پرداخته و از این نظر جالب توجه است.

الف

اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی (۳) ، دکتر سید حسن‌سادات ناصری، گوهر، سال چهارم، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۵، صص ۴۸۲-۴۸۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش‌های پیشین مقاله که درباره تاریخ اتابکان و زندگی اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی بوده است و توضیح درباره آرامگاه اتابکان فارس و مدرسه عضدی (صص ۴۸۳-۴۸۲).

۱-۲. توضیح درباره "شخصیت و اهمیت اتابک ابوبکر در آبادانی و رعایت حال علما، عباد و بلاد" با یادکرد مباحث سعدی درباره او - سه مورد از گلستان، پنج مورد از بوستان، یک مورد از قصاید عربی، دو مورد از قصاید فارسی و یک مورد از قطعات (صص ۴۸۹-۴۸۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان، به تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب گرکانی. ۲-۲. بوستان، به تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب گرکانی. ۲-۳. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۵ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، قطعات ۱ بار، اشعار عربی ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. دنباله این نوشته (بخش ۴) در شماره ۹، مجله گوهر (آذر ۱۳۵۵، صص ۷۴۹-۷۴۳) به چاپ رسیده است. ر.ک. بخش چهارم مقاله.

اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی (۴) ، دکتر سید حسن‌سادات ناصری، گوهر، سال چهارم، شماره ۹، آذر ۱۳۵۵، صص ۷۴۹-۷۴۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش پیشین مقاله (بخش ۳: گوهر، سال چهارم، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۵، صص ۴۸۹-۴۸۲) و نقل بخش‌هایی از دو قصیده سعدی در مرثیه اتابک ابوبکر و ستایش و نعت محمد بن سعد بن ابوبکر (صص ۷۴۴-۷۴۳).

نقل پنج صفحه از کتاب "المعجم فی معاییر اشعارالعجم" در احوال و ستایش اتابک سعدبن‌زنگی و وصف اتابک ابوبکر (صص ۷۴۹-۷۴۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. المعجم فی معاییر اشعارالعجم، شمس قیس رازی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته و بخش پیشین این نوشته بخش‌هایی از یک مقاله مفصل است که در چندین شماره از مجله گوهر به چاپ رسیده است. موضوع اصلی مقاله همان‌گونه که از نام آن پیداست بررسی زندگی و شخصیت و حکومت اتابک ابوبکر بن سعدبن‌زنگی است. و در این دو شماره مورد نظر از اشعار سعدی تنها برای شناختن بیشتر ابوبکر بن سعدبن‌زنگی استفاده شده و موضوع تازه یا تحلیل ویژه‌ای درباره سعدی یا اشعار او در این نوشته نیست.

احتجاجات و... امروز دو مرده... ، هنر یغمایی و محمد قزوینی، یغما، سال یازدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۳۷، صص ۴۷-۴۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. طرح پرسشی از طرف هنر یغمایی و درخواست توضیح درباره معنی بیت " امروز دو مرده پیش گیرد مرکن - فردا گوید تربی از اینجا برکن "

۱-۲. توضیح علامه قزوینی درباره معنی بیت یاد شده، از جمله: " معنی تقریبی به نظر اینجانب (والله اعلم بحقیقه الحال) چنین می‌آید که می‌خواهد بگوید: شخصی متقلب بدقول امروز که محتاج است و می‌خواهد از تو چیزی قرض بکند یک مرکن دو مرده (یعنی تغار بزرگی را که آذوقه دو مرد را جا می‌گیرد) پیش گیرد ... و فردا که می‌خواهی مطالبه طلب خود را از او بکنی، می‌گوید یک ترب (یعنی پست‌ترین و بی‌قیمت‌ترین چیزها را که لابد آن وقت ترب بوده در شیراز) از این زمین بکن و عوض طلبت بردار و ببر ... در هر صورت این شعر چندان لطیف و علوی ندارد ... " (ص ۴۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. توضیح ارزشمند علامه قزوینی، توضیحی است که قبلاً در یک نامه خصوصی برای آقای غلامرضا فرخ‌منش نوشته شده است.

احتجاجات و... بنی‌آدم اعضای یکدیگرند ، علی صدرات نسیم، یغما، سال دهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۳۶، ص ۵۲۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره نادرستی صورت مصراع " بنی‌آدم اعضای یکدیگرند " و تأکید بر اینکه وجه درست این مصراع به صورت زیر است و نگارنده، در یکی از نسخه‌های خطی کلیات سعدی مصراع را این گونه یافته‌اند: " بنی‌آدم اعضای یک پیکرند ".

۱-۲. عبارتی از واجد شیرازی که نظر علی صدرات نسیم را درباره مصراع بالا تأیید کرده‌اند.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. یک نسخه خطی از کلیات سعدی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. درباره " مصراع " مورد نظر، بین سعدی‌شناسان اختلاف است، برخی با ذکر دلیل بر درست بودن صورت " یک پیکرند " تأکید ورزیده‌اند و برخی بر درست بودن صورت " یکدیگرند ". بجز علی صدرات نسیم و واجد شیرازی که در این نوشته به نظر آنها اشاره شد، محمد خزائلی، شارح گلستان و بوستان، " نیز در گروه اول و مجتبی مینوی، حبیب یغمایی و ذبیح‌الله صفا در گروه دوم قرار دارند.

مجتبی مینوی و حبیب یغمایی در نوشته‌ای نظر صدرات نسیم را مردود دانسته و بر صورت مرسوم مصراع (... اعضای یکدیگرند) پای فشرده‌اند (رک). احتجاجات و ... بنی‌آدم اعضای یکدیگرند، مجتبی مینوی، حبیب یغمایی، یغما، سال یازدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۳۷، (صص ۴۶-۴۵).

با توجه به اینکه در نسخه‌های مختلف خطی گلستان، مصراع مورد نظر به صورت " بنی‌آدم اعضای یکدیگرند " نوشته شده، و معنی آن نیز دچار خلل نیست، بهتر است تا نسخه معتبری که صورت دیگری از آن را ضبط کرده باشد، به دست نیامده است، همین صورت معمول پذیرفته آید.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. احتجاجات و سؤالات ... ، بنی‌آدم اعضای یکدیگرند، مجتبی مینوی، یغما، سال یازدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۳۷، صص ۴۶-۴۵.

احتجاجات و... بنی‌آدم اعضای یکدیگرند ، مجتبی مینوی و حبیب یغمایی، یغما، سال یازدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۳۷، صص ۴۶-۴۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نوشته‌ای از مجتبی مینوی در رد نوشته علی صدرات نسیم (یغما، سال دهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۳۶، ص ۵۲۴)، با تأکید بر درستی صورت مصراع " بنی‌آدم اعضای یکدیگرند "، در شعر سعدی به جای " ... یک پیکرند " و یادکرد نمونه‌های مشابهی از رسائل " بولس طرسوسی " مروج بزرگ مذهب عیسوی (ص ۴۵).

۱-۲. توضیحی از حبیب یغمایی برای تأیید مصراع یاد شده به صورت " بنی‌آدم اعضای یکدیگرند "، از جمله: " در بیست سال قبل که با مرحوم فروغی، کلیات سعدی را برای تجدید چاپ آماده می‌کردیم، نسخه‌های بسیار معتبر و قدیم که تاریخ کتابت آنها از ۷۱۷ و ۷۲۴ به بعد بود، در اختیار داشتیم، که در همه این نسخه‌ها قطعه معروف " بنی‌آدم اعضای یکدیگرند " به همین عبارت نوشته شده و تاکنون هیچ نسخه‌ای از قدیم و جدید، خطی و چاپی به نظر اهل ادب نرسیده که به عبارتی جز این باشد.

نکته دیگر اینکه در اینجا کلمه " یکدیگرند " معنی عام دارد، و اگر به جای " یکدیگرند " فرض و تصور کنیم که " یک پیکرند " باید باشد (و چنین حقی نداریم) نه تنها مضمونی که در کمال بلندی است، سقوط می‌کند، بلکه لطف معنی مصراع دوم هم که پیوستگی تمام به مصراع اول دارد، از میان می‌رود ... " (ص ۴۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی. ۲-۲. احتجاجات و ... بنی‌آدم اعضای یکدیگرند، علی صدرات نسیم، یغما، سال دهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۳۶، ص ۵۲۴.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه مجتبی مینوی و حبیب یغمایی در تأیید مصراع مورد نظر به صورت " بنی‌آدم اعضای یکدیگرند "، دلایلی را مطرح کرده‌اند.

با آنکه " بنی‌آدم اعضای یک پیکرند " صورت زیبایی از مصراع است، اما به دلیل آنکه نسخه‌های معتبر، آن را تأیید نمی‌کند و صورت معمول آن (بنی‌آدم اعضای یکدیگرند) نیز صورتی پذیرفتنی است، شایسته است تا زمانی که نسخه‌ای معتبر صورت دیگری را از این مصراع تأیید نکرده است، همان صورت معروف را ساخته ذهن سعدی بدانیم.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. معرفی چند مورد از منابع اشارات سعدی، محمود امید سالار، ایران نامه (مجله تحقیقات ایران شناسی)، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۶۷، صص ۲۶۴-۲۶۱. ۵-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۴. ۵-۳. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۶۸. ۵-۴. باز هم درباره " بنی‌آدم ... " محمود امید سالار، مجله ایران‌شناسی، سال پنجم، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۲، صص ۵۴۱-۵۳۵. ۵-۵. برگزیده و شرح آثار سعدی، پرویز اتابکی، نشر فرزانه، ۱۳۷۴، ص ۲۶.

احتجاجات و... خلیلی‌الهی اشهی ...، امیری فیروزکوهی، یغما، سال سی‌ویکم، شماره دهم، دی ۱۳۵۷، صص ۴۳۶-۴۳۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. این نوشته که به صورت يك نامه تنظیم شده، نقدي است بر يکي از نظرات آقای دکتر جعفر مؤیدشیرازی در مقاله "مثلثات سعدي، حافظ و شاه‌داعي" (یغما، سال سي و یکم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۷، صص ۴۹۵-۴۸۹). در مقاله یاد شده، دکتر مؤید به واجد شیرازی برای تصحیح قیاسی کلمه "الهدی" به "الهوی" (بیت نخست مثلثات سعدي) ایراد گرفته‌اند. آقای دکتر امیری در بخشی از نامه خود نوشته‌اند: "هر گاه طبق نظر ایشان [دکتر جعفر مؤید] به جای "هوی"، "هدی" را قبول کنیم. دیگر عبارت "ولکن" در مصراع بعدي که مفید معنی استدراک از گفته اول و در حقیقت استغفار از گفته و عقیده قبلی است، معنی نخواهد داشت. زیرا شاعر در مقام بیان این اعتقاد است که بگوید: ای دو دوست من هر چه که هوی و "عشق" بیشتر مورد اشتها و میل است و در حقیقت برای ما صلاحیت افزون‌تری دارد، اما آن کس را که خداوند هدایت کند و از شیرینی هوی و عشق منصرف گرداند، رستگار است ... " (ص ۶۳۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مثلثات سعدي، حافظ و شاه‌داعي [۱] ، دکتر جعفر مؤید شیرازی، یغما، سال سي و یکم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۷، صص ۴۲۱-۴۱۷.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. مثلثات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. همان گونه که در بخش مضامین اصلی اشاره شد، این نوشته نقدي است بر نقد دکتر جعفر مؤیدشیرازی در مورد تصحیح بیت نخست مثلثات سعدي.

آقای محمدجعفر واجدشیرازی در کتاب مثلثات سعدي (ص ۲) درباره "هوی یا هدی" در بیت زیر:

خلیلي الهوي اشهي و اصلح و لکن من هده الله افلح

نوشته‌اند: "در چند نسخه که دیده‌ام همه هدی نوشته‌اند، ولی از جهت معنی درست نیست، زیرا استدراک و استثناء از هدی به هدایت خدا وجهی ندارد. از این رو دانسته می‌شود که در اصل هوی بوده و به مشابهت صورت کتبی آن را هدی نوشته‌اند ...".

آقای دکتر مؤیدشیرازی با ذکر دلایلی صورت اصلی بیت را که ضبط همه نسخه‌هاست (خلیلي الهدي ...) درست‌تر دانسته و گفته‌اند: "این که ایشان کلمه "الهدی" را در مصراع اول به "الهوی" بدل کرده‌اند، نادرست است" (مثلثات سعدي، حافظ و شاه داعي، دکتر جعفر مؤید شیرازی).

در این نوشته آقای امیری فیروزکوهی تصحیح واجد شیرازی را پسندیده و نظر دکتر مؤید را رد کرده‌اند.

آقای دکتر مؤید شیرازی مجدداً در مقاله‌ای با همان نام (مثلثات سعدي، حافظ و شاه داعي، مجله آینده، سال ششم، شماره ۵ و ۶، شهریور و مهر ۱۳۵۹، صص ۴۷۵-۴۷۱) با دلایل مستند و منطقی و پذیرفتنی از نظر پیشین خود دفاع کرده‌اند.

به نظر این بنده نیز، تا هنگامی که يك متن دچار اشکال صوري یا معنایی نباشد، سزاوار نیست واژه‌های آن را به ذوق خود تغییر دهیم. با توجه به اینکه در بیت مورد نظر "الهدی" به شهادت دلایل منطقی دکتر مؤید، کاملاً درست و در خدمت مقصود شاعر است و در هیچ کدام از نسخه‌های موجود هم گونه‌ای دیگر ضبط نشده، شایسته و بایسته است بیت را به همان گونه درست خود حفظ کنیم.

۵. **تأییرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مثلثات سعدي، حافظ و شاه داعي، دکتر جعفر مؤید شیرازی، آینده، سال ششم، شماره ۵ و ۶، شهریور و مهر ۱۳۵۹، صص ۴۷۵-۴۷۱.

احتجاجات و... درباره اشعار سعدي ، جعفرزاده و محمدجعفر واجد شیرازی، یغما، سال دهم، شماره پانزدهم، خرداد ۱۳۳۶، صص ۱۴۱-۱۳۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. پرسش آقای جعفرزاده در مورد معنی چهار بیت از غزل‌های سعدي.

۱-۲. توضیح آقای واجد شیرازی در مورد معنی بیت‌های مورد نظر. ابیات یاد شده به شرح زیر است:

۱. سعدي فغان از دست ما لایق نبود ای بی‌وفا طاقتمی‌آرم جفا کار از فغانم می‌رود

۲. هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن اگر خلاف کنم سعديا به سوي تو باشم

۳. نه آن چنان به یاد تو مشغولم ای بهشتی‌روي که یاد خویشتم در ضمیر می‌آید

۴. چنانست دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در مورد معنی بیت دوم از ابیات یاد شده، آقای واجد شیرازی يك بار دیگر توضیحی مشروح‌تر داده‌اند (رك. احتجاجات و... هزاربادیه سهل است، یغما، سال بیست‌ویکم، شماره ششم، شهریور ۱۳۴۷، ص ۲۸۳).

در مورد ابیات دیگر نیز به کوتاهی توضیح داده شده و اشتباه سؤال‌کننده، در مورد بیت سوم نیز تصحیح شده است.

احتجاجات و... درباره اشعار سعدي ، حبیب یغمایی، یغما، سال دوازدهم، شماره سوم، خرداد ۱۳۳۸، صص ۱۴۱-۱۴۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. پرسش یکی از خوانندگان در مورد معنی يك بیت از جامی و چهار بیت از سعدي.

۱-۲. پاسخ آقای حبیب یغمایی (بدون ذکر نام) به سؤال خواننده.

ابیات مورد نظر به شرح زیر است:

۱. نخستین ابوبکر پیر مرید عمر پنجه بر پیچ دیو مرید

۲. ملك را دو خورشید طلعت غلام به سر بر کمر بسته بودی مدام

دو پاکیزه‌پیکر چو حور پری چو خورشید و ماه از سه دیگر بری

۳. به دعوی چنان ناوگ انداختی که عذرا به هر يك يك انداختی

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان، به تصحیح محمدعلی فروغی، ۱۳۱۶.

۲-۲. بوستان، به تصحیح عبدالعظیم قریب، ۱۳۲۸.

۲-۳. حد همین است...، جلال‌الدین همایی، سعدي‌نامه، حبیب یغمایی، ۱۳۱۶.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۳ بار.

۴. **اشاره:** در این نوشته کوتاه درباره معنی چند بیت یاد شده توضیح داده شده و در مورد معنی بیت "به دعوی... با یادکرد نظرات جلال‌الدین همایی، عبدالعظیم قریب و محمدعلی فروغی نوشته شده: "در تصحیح بوستان سعدي به امر محمدعلی

فروغی طاب‌تراه در معنی این بیت از کتاب‌ها و فرهنگ‌ها و از اهل ادب استمداد جستیم و بالاخره هم معنایی که با ذوق سلیم موافق افتد، نیافتیم، و باید گفت که این بیت پیچیده‌ترین ابیات بوستان است."

احتجاجات و... دور جوانی گذشت ، عبدالصمد امیرشقایق - عباس زریاب‌خویی، یغما، سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۴۵، صص ۴۴۵-۴۴۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. طرح سه پرسش مبسوط از طرف عبدالصمد امیرشقایق که سومین پرسش آن درباره معنی مصراع دوم از بیت زیر است: دور جوانی گذشت، موی سیه شد سپید - برق یمانی بجست، گرد نماند از سوار (صص ۴۴۳-۴۴۱).
- ۱-۲. پاسخ دکتر عباس زریاب‌خویی به هر سه پرسش و توضیح درباره معنی مصراع دوم از بیت یاد شده.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد (بخش مربوط به سعدی).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. توضیحات دکتر عباس زریاب‌خویی درباره بیت مورد نظر، کوتاه و ارزنده است.

احتجاجات و... مرد خردمند... ، علی جعفری و حبیب یغمایی، یغما، سال یازدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۳۷، ص ۴۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. طرح پرسشی از طرف علی جعفری درباره سراینده قطعه معروف: "مرد خردمند هنرپیشه را ... و پاسخ حبیب یغمایی که: "این بنده هم چون دیگران مطمئن بودم، قطعه از سعدی است، اما پس از وصول این نامه، هر چه کلیات سعدی را تصفح کردم، نیافتم. در محضر بزرگان اهل ادب هم موضوع مطرح شد و گوینده شناخته نشد ..."
 ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
 ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.
 ۴. **اشاره:** ۴-۱. سخن تازه‌ای ندارد.
- احتجاجات و ... - معنای بیتی از سعدی ، احمد احمدی و سید محمد فرزانه، یغما، سال یازدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۳۷، صص ۲۸۱-۲۸۲.**
- * در فهرست مقالات افشار زیر عنوان "معنی بیتی از سعدی" آمده است. چاپ‌های دیگر: ۱. مقالات فرزانه، تهران، ۱۳۵۶، صص ۴۳۱-۴۲۹ (زیر عنوان "معنای بیتی از سعدی" با حذف پرسش احمد احمدی).**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. انتقاد احمد احمدی از توضیح عبدالعظیم قریب درباره بیت "همچنان از نهیب برد عجز ... و درخواست توضیح بیت یاد شده.
- ۱-۲. پاسخ سیدمحمد فرزانه به پرسش و درخواست احمد احمدی درباره بیت یاد شده: "این دو بیت همچنان که جناب استاد قریب در حاشیه گلستان محشی و مصحح خویش تقریب فرموده‌اند، محل تأمل و بحث است و معنایی هم که ایشان استظهار می‌فرمایند، همچنان که دبیر فاضل آقای احمد احمدی مرقوم داشته‌اند از جهات متعدد بعید به نظر می‌رسد زیرا:
اولاً ظاهر و متبادر از عبارت "طفل دایه" در شعر مورد بحث "جنس نبات" و تعبیر خود شیخ علیه‌الرحمه در مقدمه گلستان "بنات نبات" است نه "طفل انسانی"، و ثانیاً ترکیب سخن در بیت مزبور از چنان تشبیهی که استاد معظم‌له بیان می‌کنند ابا دارد و بعلاوه آنچه معهود و مشهور است "طفل دایه انسانی" را "نهیب بردالعجوز" از شیر باز نمی‌دارد و یا شیر را بر وی ناگوار نمی‌سازد بلکه به عکس او را بیشتر به پستان مادر می‌چسباند تا از شیر سیرتر بخورد و بر طراوت بیفزاید و نیز طبعاً گونه اطفال از اثر سرما "بنفش" می‌شود نه اینکه "لطافت و سرخی و بنفشی" چهره طفل ناشی از آن باشد که "از نهیب بردالعجوز" شیر نخورده است، و از این همه گذشته بعد از تشبیه بلیغی که در بیت اول از گل و سنبل شده است جا و جهتی ندارد که استاد سخن طرح تشبیهی دیگر آن هم چنین تشبیهی را با چنان عبارت ناساز و نارسا بریزد. و بالجمله چنانکه عرض شد معنی اول از دو معنی بیت که استاد قریب بیان می‌فرمایند از چندین جهت غریب و بعید و لفظاً و معنأً مخدوش و مغشوش می‌نماید و معنای صحیح و فصیح و بلیغ، و به نظر بنده، خالی از غبار و کامل عیار بیت همان است که استاد معظم‌له به "بعضی" نسبت داده‌اند یعنی "گل و سنبل آن در غایت لطافت و کمال بود در صورتی که هنوز بهار نرسیده و اطفال و شاخ و گیاه (یا به تعبیر شیخ علیه‌الرحمه: طفل دایه) از پستان ابر (یا به عبارت صحیح‌تر: از شیر مادر زمین) سیر نشده بود ... " (صص ۲۸۲-۲۸۱).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان، عبدالعظیم قریب گرکانی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. بیت یاد شده از گلستان سعدی، همواره مورد بحث و گفتگوی صاحب‌نظران بوده است. این نوشته متن يك پرسش و پاسخ است درباره بیت یاد شده. مرحوم سید محمد فرزانه، برای روشن شدن بیت در همین یادداشت کوتاه، توضیحات مفیدی داده و ابهام آن را زدوده‌اند.
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تحقیقاتی درباره کلیات سعدی، مجتبی مینوی، یغما، سال یازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۳۷، ص ۳۸۵.

احتجاجات و... هزار بادیه سهل است ، محمدجعفر واجد شیرازی، یغما، سال بیست و یکم، شماره ششم، شهریور ۱۳۴۷، ص ۲۸۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. طرح پرسش رضا صدیق‌زاده درباره معنی "به سوی تو باشم" در بیت زیر از سعدی: هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن - اگر خلاف کنم سعدیا به سوی تو باشم.
- ۱-۲. پاسخ محمدجعفر واجد شیرازی به پرسش بالا با طرح احتمال دو معنی برای بیت مورد نظر.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. بیت یاد شده در این نوشته، از بیت‌هایی است که تأمل بسیاری را برانگیخته است. آقای واجد شیرازی در این نوشته کوتاه دو معنی برای آن تصور کرده‌اند. اما در معنی دوم بی‌گمان باید بخش دوم مصراع دوم را به صورت منفی "اگر خلاف کنم سعدیا، نه سوی تو باشم) خواند، تا معنی نوشته شده درست آید، زیرا در معنی دوم برای مصراع دوم نوشته‌اند: " ... و اگر دعوی و

حجت وجهی برخلاف حقیقت کنم و این سخن از دل و جان خود نگویم نه سویی تو رو آورده، بلکه از راه قرب حضرتت به دور افتاده باشم."

" احتذاء " یا تقلید ادبی در گلستان سعدی ، دکتر غلامرضا افراسیابی، مجله دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۷۳، صص ۶۲-۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره معنی لغوی و اصطلاحی احتذاء و بررسی پیشینه آن در کتاب‌های علوم بلاغی عربی و فارسی و اشاره به اصل " توارد " در آثار ادبی (صص ۴۶-۴۵).

۱-۲. اشاره به عوامل تأثیر پذیری سعدی از ادبیات عرب، از جمله: " سعدی مدتی از عمر پربرت خود را در مراکز فرهنگی عربی گذرانیده و ضمن تکمیل تحصیلات ادبی، ساعاتی را نیز با دیوان سرایندگان عرب و برخی از سخنوران معاصر خویش به پایان آورده و بناچار تحت تأثیر افکار و شیوه بیان سخنوران متقدم و متأخر قرار گرفته است... من بنده با تکیه بر تدریس چند ساله گلستان در دانشگاه شیراز... به تأثیرپذیری‌های سعدی و پیروی وی از نویسندگان و شاعران عربی زبان، اشاراتی می‌کنم و به عنوان پیش‌درآمدی بر تحقیقات بعدی، گام‌هایی هر چند کوتاه می‌نهم..." (ص ۴۷).

۱-۳. تأکید بر تأثیرپذیری‌های سعدی از امثال و حکم عربی و آیات و احادیث و اشاره به برخی از پژوهش‌هایی که در این موضوع انجام گرفته است (صص ۴۸-۴۷).

۱-۴. نقل هفتاد مورد از سخنان و سروده‌های سعدی با یادکرد " نظیر " هر کدام از این موارد در ادبیات عرب. برای برخی از سخنان سعدی، بیش از یک گونه همانند (نظیر) بیان شده است.

۱-۵. توضیحی کوتاه درباره نمونه‌های ارائه شده در مقاله، از جمله: " هر چند ... در مقابل سخن بلند سعدی، سخنانی مشابه و نظیره‌هایی متناسب ارائه کرده‌ام، در عین حال با نگرشی منصفانه به اصل "احتذاء" عین سخن را از آن حکمران ملک سخنوری، سعدی شیرازی می‌دانم. زیرا سعدی با آگاهی تام و تمام از این اصل، عروس مفاهیم پیشین را گاهی آگاهانه و به صورت تقلید حسن و یا به گفته دیگران و به عنوان " توارد " در لباسی زیباتر و برانده‌تر از کهن، مفاهیم متقدم، در جلوه آورده و خطبت آن عروس به نام خویش خوانده است " (ص ۵۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی. ۲-۲. در بخش " زیرنویس " مقاله در ۸۰ شماره به ذکر منابع مورد استفاده پرداخته شده که تعداد اندکی از آنها تکراری است. این منابع شامل کتاب‌هایی چون امثال و حکم عربی، دیوان‌های شاعران عرب، مقامات و ... است و بیش از همه از " تهفةالبهیه " استفاده شده است ...

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۷۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بررسی تأثیرپذیری‌های سعدی از آثار پیش از خود موضوع بسیاری از نوشته‌های مربوط به سعدی بوده است و گسترده‌تر از همه حسین‌علی محفوظ در کتاب متنبی و سعدی به این موضوع پرداخته است. اما در این مقاله پژوهشگرانه، به جای تکرار مکررات، همگونی‌ها و نظایر هفتاد مورد از اشعار و عبارات گلستان در آثار پیش از سعدی و در متون معتبر عربی باز یافته و با یادکرد نشانی این عبارات و سروده‌ها باز نموده شده است. بیشتر این "نظیر"ها بازیافته نگارنده مقاله است و به موارد اندکی از آنها در آثار دیگر (از جمله شروح گلستان) اشاره شده است. ویژگی دیگر نمونه‌های باز نموده شده در این مقاله، این است که همگونی این موارد کاملاً روشن و مسلم است و این طور نیست که تنها در پندار نگارنده نقش بسته باشد.

۴-۲. پرهیز از انشاپردازی‌های درازدامن و اشاره به پیشینه‌های پژوهشی (از جمله در صص ۴۷ و ۴۸) از ویژگی‌های ارزشمند این نوشته است.

۴-۳. بهره‌وری از منابع متعدد و یادکرد نشانی مآخذ و نمونه‌های شاهد از دیگر ویژگی‌های این مقاله است. هر چند نقل نشانی این مآخذ یکدست نیست، برای نمونه در پاورقی شماره ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ... به ذکر دقیق مآخذ (انتشارات، سال انتشار، شماره صفحه و ...) پرداخته شده در حالی که در پاورقی شماره ۴ و ۵ و ۸ و ... تنها به ذکر یک نام بسنده شده است. یا مثلاً پاورقی شماره ۲۲ (علی‌بن ابیطالب، امیرالمؤمنین(ع))، هیچ‌گونه توضیح تازه‌ای ندارد. زیرا در متن مقاله (ص ۴۹) هم نوشته شده: " امیرالمؤمنین علی (ع) فرماید ... " در ص ۵۰، س ۶، نیز نشانی حدیث نبوی بر خلاف شیوه کلی مقاله، که نشانی‌ها در پایان مقاله آمده در جلو حدیث نوشته شده است و ...

۴-۴. این مقاله نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است (هرچند اندک)؛ از جمله: ص ۴۶، س ۱۱: الضاعتین (الصناعتین) و ص ۴۸، س ۶ کاغذ (کاغذرز؟) و ص ۵۱، س ۳: ماجرای (ماجرای) و ...

اخلاق سیاسی از نگاه سعدی ، دکتر رضا مصطفوی، روزنامه کیهان، مرداد ۱۳۷۰، ص ۶.
* این نوشته قسمت‌هایی از بخش دوم مقاله‌ای است که با عنوان " سعدی، معلم اخلاق " در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان (دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۱۴۹-۱۲۴) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده در همین مجموعه.

ادبیات تطبیقی فارسی ، دکتر شهریار نقوی، هلال، جلد ۱۹، شماره ۱۲، فروردین ۱۳۵۱، شماره مسلسل ۱۲۲، صص ۳-۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان و تأکید بر ضرورت مطالعه در زمینه ادبیات تطبیقی فارسی ایران و شبه‌قاره و زبان‌های محلی آن سرزمین (ص ۳).

۱-۲. بررسی نفوذ زبان فارسی در اردو و پیروی سخنوران آن زبان از شاعران فارسی (صص ۴-۳). از جمله: " ۲۵ الی ۷۵ درصد کلمات در زبان‌های مختلف شبه قاره فارسی است و تعداد زیادی از تشبیهات و استعارات و اعلام فارسی در آنها به چشم می‌خورد. زبان اردو از همه بیشتر تحت تأثیر فارسی قرار گرفته و رسم‌الخط و در حدود ۶۰ درصد کلمات و تشبیهات و استعارات و اعلام و عروض و اقسام نظم و نثر و قواعد علم بدیع و تعداد زیادی از وندها و ضرب‌المثل‌ها را از فارسی اخذ نموده است. صدها اثر منظوم و منثور فارسی به زبان اردو ترجمه شده و این تراجم نیز باعث گسترش نفوذ فارسی در آن زبان شده است..." (ص ۴).

۱-۳. نقل نمونه‌هایی از سروده‌های گویندگان اردو که از شاعران ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند (ص ۴).

۱-۴. ذکر نام چند نفر از شاعران اردو که به اسامی سخنوران ایران نامیده شده‌اند: " میر بربعلی متخلص به انیس مرثیه‌گوی معروف اردو، بنابر کلام ارزنده زمی‌اش " فردوسی هند " لقب یافت. شیخ ابراهیم ذوق به علت استادی در قصیده نگاری " خافانی هند " خوانده شد. حسن دهلوی به سبب مشابهت خاص کلامش با سعدی شیرازی، " سعدی هند " نام یافت ... " (ص ۵).

۱-۵. گفتاری زیر عنوان " سعدی و امیرخسرو دهلوی " (صص ۶-۵). " امیرخسرو دهلوی در ۷۴ زمینه هم طرح با سعدی شیرازی غزل‌ها سروده و شماره غزل‌هایش که در استقبال از غزل‌های سعدی گفته ۹۷ غزل می‌باشد. علاوه بر آنکه در آثار دو شاعر نامدار، سعدی و خسرو، اتحاد طرح غزل‌ها زیاد به چشم می‌خورد، یک نوع وحدت نظری و یگانگی فکری و معنوی نیز به حد اعلی وجود دارد و این امر گوینده این حقیقت است که امیرخسرو بنا بر عقیدت خاصی که به سعدی داشته و بر اساس تحت تأثیر قرار گرفتن وی در قبال علو مقام شعر سعدی، خسرو از افکار بلند او هم استفاده‌های سرشاری کرده است ... " (ص ۵).

۱-۶. نقل نمونه‌هایی از سرودهای ظهوری ترشیزی، غالب دهلوی، اقبال لاهوری، خان بهادر رضا علی وحشت و ... که متأثر از شاعران ایرانی چون حافظ، مولوی، سعدی و ... بوده‌اند (صص ۶-۸).

۱-۷. گفتاری زیر عنوان " اثر پذیري فارسي از زبان‌هاي شبه قاره " و توضیح کوتاهی درباره عوامل و تاریخچه اثرپذیری فارسی از زبان‌های شبه‌قاره و ورود واژه‌های آن دیار در زبان فارسی (ص ۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان برخی از شاعران ایران و شبه قاره هند، (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ر.ک. مضامین اصلی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۹ بار، گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. منطقه هند و پاکستان از دیرباز یکی از بسترهای گسترش و نفوذ زبان و ادبیات فارسی بوده است.

با توجه به شکوفایی و گسترش زبان و ادب فارسی در شبه قاره و پیدایش شاعران و نویسندگانی بلند پایه در آن سرزمین، بررسی زبان و سبک این شاعران و نویسندگان و تأثیر آنها در زبان و ادبیات فارسی ایران، از اقدامات بایسته است. در این مقاله ارزشمند، نگارنده گوشه‌ای از این واقعیت را کاویده و برخی از این تأثیر و تأثرات را باز نموده است. می‌توان این نوشته را به عنوان مقدمه‌ای برای یک پژوهش گسترده و ژرف‌نگرانه با موضوع ادبیات تطبیقی این دو سرزمین به شمار آورد. نگارنده مقاله در این باره نوشته‌اند: " مطالعه در زمینه ادبیات تطبیقی فارسی ایران و فارسی شبه‌قاره و زبان‌های محلی آن سرزمین مانند اردو، سانسکریت، بنگالی، سنڌی، پنجابی، گجراتی، پشتو، کشمیری و غیره موضوعی است بسیار وسیع و در عین حال خیلی جالب و بررسی آن بخصوص برای پژوهندگان ایرانی کار بسیار ارزنده و لازم به شمار می‌رود " (ص ۳).

ارتباط افکار خواجه و مولانا - الف (۲)، دکتر سید حسن سادات ناصری، مجله وحید، سال ششم، شماره ۱۰، آبان ۱۳۴۸، صص ۹۸۷-۹۷۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش‌های پیشین مقاله که از متون گذشته، درباره تأثیر مولوی و شهرت او مطالبی نقل شده بود و توضیح درباره ارتباط شیخ سعدی با مولوی: " شیخ اجل، استاد غزل، افصح‌المتکلمین سعدی شیرازی با سلطان‌العاشقین مولانا جلال‌الدین معاصر بود و با افکار و آثار او آشنایی داشت و چنانکه مشهور است، او را در ضمن سفرها با مولانا خداوندگار اتفاق دیدار افتاده است.

بنا به تحقیق استاد علامه اجل جناب آقای بدیع‌الزمان فروزانفر، از روایت افلاکی در مناقب‌العارفین و روایت مؤلف عجایب‌البلدان که در مجلد چهارم روضات‌الجنات، طبع ایران، ص ۲۰۰، آمده و قطعاً روایت اخیر در اصل مأخوذی غیر از مناقب‌العارفین افلاکی داشته است، به آسانی نمی‌توان در ملاقات شیخ و مولانا تردید کرد " (ص ۹۷۷).

۱-۲. نقل روایت افلاکی درباره درخواست شعر از سوی ملک شمس‌الدین هندی از سعدی و ارسال غزلی از مولوی وسیله سعدی و شرح دیدار سعدی و مولوی در قونیه (صص ۹۷۹-۹۷۸).

۱-۳. یادکرد روایت عجایب‌البلدان به نقل از روضات‌الجنات، درباره شرح دیدار سعدی و مولوی و مشاعره آنها (صص ۹۸۰-۹۷۹).
۱-۴. مقابله و مقایسه برخی از سروده‌های همانند سعدی و مولوی (صص ۹۸۷-۹۸۰). با این توضیح که: " ابیات و نکات بسیاری را از آثار شیخ توان جست که اشاره بدین ملاقات و هم اقتباس و بهره‌ور آمدن سعدی از سخنان مولوی می‌کند یا تواردهایی را در سخنان این هر دو بزرگ به معاینه می‌آورد " (ص ۹۸۰).

۱-۵. اشاره به نظر مرحوم فروزانفر درباره قطعه‌ای در بوستان: " استاد فروزانفر در رساله تحقیق در احوال و زندگانی مولانا، عقیده دارند داستان مشهور بوستان سعدی (شنیدم که مردی است پاکیزه بوم ...) درباره مولانا به نظم در نیامده است ... " (ص ۹۸۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. رساله تحقیق در احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین، بدیع‌الزمان فروزانفر. ۲-۲. مناقب‌العارفین افلاکی، به تصحیح و حواشی تحسین یازیچی. ۲-۳. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۴. گلستان سعدی، به تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب گرکانی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۱ بار، گلستان ۳ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخشی از یک مقاله مفصل است که آن مقاله ارتباط مولوی با معاصرانش و نفوذ و تأثیر او را در قرن هفتم و هشتم بررسی کرده است.

این بخش از مقاله درباره ارتباط شیخ سعدی و مولوی است. نگارنده با بهره‌گیری از " رساله تحقیق در احوال و زندگی مولانا جلال‌الدین " از بدیع‌الزمان فروزانفر و با استناد به اقوالی از افلاکی در مناقب‌العارفین و روایتی از عجایب‌البلدان به نقل از روضات‌الجنات، تلاش کرده است تا داستان دیدار سعدی و مولوی را تأیید کند و سپس با مقابله سروده‌های همانندی از سعدی و مولوی، احتمال پیوند و ارتباط این دو شخصیت بزرگ ادبی را به یقین نزدیک کند. اما حقیقت آن است که برای موضوع یاد شده نه می‌توان به قول مناقب‌العارفین و روضات‌الجنات تکیه مسلم کرد و نه ابیات همانندی که برای نمونه بیان شده است، نشانه‌های محکمی برای این ارتباط هستند. بویژه آنکه بیشتر این سروده‌ها از مضامین شایع شعر فارسی نیز هستند. برای نمونه آیا دو بیت زیر ممکن است نشانی برای این ارتباط باشند که در ص ۹۸۳ مقاله مثال آورده شده است.

مولوی:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

سعدی:

ما را نظر به خیر است از عشق خواریان آن کو به شرکند میل، او خود بشر نباشد

۴-۲. استناد به آثار تاریخی و اشعار سعدی و تلاش برای بازیافت حقیقت از متن برخی اسناد تاریخی و یادکرد نشانی منابع و نمونه‌های شاهد از ویژگی‌های این مقاله است.

ارتباط سعدی و نزاری و تأثیر نزاری بر حافظ، سید علی مجتهدزاده، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۲۷-۲۲۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بحثی درباره ارتباط نزاری با سعدی از قول تذکره‌های عرفات، ریاض‌الشعرا، مجالس‌العشاق، خلاصه‌الافکار، سفینه خوشگو و ...: " نزاری با سعدی رفاقت و صحبت داشته است ... دوره شهرت سعدی با دوره سخنوری نزاری مقارن بوده است. این شاعر قهستانی از همان آغاز، سخنان شیخ شیراز را که همگان چون کاغذ زر می‌بردند سرمشق سخنسرایي خویش قرار داده و تا آنجا که من اطلاع دارم در دو جا از دیوانش نام سعدی را برده و اصلاً در غزل سبک سعدی را تتبع می‌نموده است و بیش از سی غزل به پیروی سعدی با همان وزن و قافیه سروده ... " (صص ۳۲۱-۳۲۰).

۱-۲. ذکر نمونه‌هایی از پیروی نزاری از شیخ سعدی، قطعه‌هایی از نزاری در وصف سعدی و جواب نزاری به یکی از قصاید سعدی (صص ۳۲۵-۳۲۱).

۱-۳. یادکرد احتمال دیدار سعدی و نزاری قهستانی: " [نزاری] در دربار صاحب دیوان شمس‌الدین جوینی وزیر با تدبیر مغول و ممدوح سعدی مقرب بوده و حتی در التزام رکاب او به مسافرت می‌رفته ... شاید در ضمن یکی از همین سفرها در التزام رکاب صاحب دیوان بوده است که با سعدی ملاقات کرده باشد. " (صص ۳۲۶-۳۲۵).

۱-۴. شرح ملاقات نزاری با سعدی به نقل از سفینه خوشگو، و اشاره به مصاحبت سعدی و نزاری از قول تاریخ حسامی قهستانی (صص ۳۲۶-۳۲۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. تذکره‌ها از جمله: تذکره عرفات، ریاض‌الشعرا، مجالس‌العشاق، خلاصه‌الافکار و خلاصه‌الاشعار. ۲-۲. تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال. ۲-۳. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی. ۲-۴. بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قایبات و قهستان، تألیف آیتی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۰ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله از نظر تنوع موضوع، روش استدلال و استناد به منابع کهن ارزشمند است، هر چند قول سفینه خوشگو و تاریخ حسامی چندان مستند و قابل اعتماد نیست.

۴-۲. نشانی شواهد ناقص است، مثلاً ابیاتی که از سعدی بیان شده با ذکر نشانی است، ولی اشعار نزاری بدون ذکر نشانی نوشته شده است.

۴-۳. در عنوان مقاله نوشته شده: " ارتباط سعدی و نزاری و تأثیر نزاری در حافظ " در حالی که در متن مقاله به حافظ و تأثیر نزاری بر او، هیچ گونه اشاره‌ای نشده است.

ارزیابی اشعار عربی سعدی، پروفیسور احسان عباس، ترجمه دکتر جعفر مؤید شیرازی، آینده، سال دهم، شماره ۱۰ و ۱۱، دی و بهمن ۱۳۶۲، صص ۶۵۹-۶۵۴.

چاپ‌های دیگر: ۱. شناختی تازه از سعدی، همراه با متن مصحح و معرب اشعار عربی و ترجمه فارسی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۱۱۵-۱۰۹. ۲. سیمای سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱، صص ۹۵-۸۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره نویسنده به آشنایی‌اش با اشعار سعدی به وسیله دکتر جعفر مؤید شیرازی و تأکید بر ارزش سخن سعدی (صص ۶۵۵-۶۵۴).

۱-۲. توضیح درباره اشعار عربی سعدی، از جمله: " می‌خواهم به قطع و یقین بگویم، آنچه از شعر عربی سعدی به ما رسیده است، جز اندکی از سروده‌های او را نشان نمی‌دهد ... تبحر چنین گوینده‌ای در زبان عربی، آن هم با شیوه‌های قرآنی، سبب می‌شود که در سرودن به عربی تردید و قصوری بر وی عارض نگردد ... " (ص ۶۵۵).

۱-۳. تأکید بر بهره‌مندی‌های سعدی از قرآن کریم (صص ۶۵۶-۶۵۵) نتیجه اینک: " روشن است که تعبیرات قرآنی به صورتی مؤثر در روح سعدی جوشش داشته و آن کس که بر این حد از آگاهی نسبت به زیبایی سبک قرآنی دست یافته باشد، ممکن نیست از دریافت اسرار ادبیات عرب بیگانه باشد " (ص ۶۵۶).

۱-۴. اشاره به برخی از تجاوزات نحوی در اشعار سعدی و بیان دلایل احتمالی آن، از جمله: تصحیف متن به وسیله کاتبان و به کار گرفتن صیغه‌های قیاسی: " اما حقیقت دیگری نیز در میان است، که از قضیه تصحیف و تحریف فراتر می‌رود. به گمان من سعدی، صیغه‌های قیاسی را به کار می‌برد، گو اینکه معمول نباشند ... و حتی در شعر سعدی حقیقت دیگری را در می‌یابیم که از موضوع صیغه‌های قیاسی تجاوز می‌کند و به موضوعی دقیق‌تر می‌رسد و آن کوششی است که برای رام ساختن ترکیب و تعبیر عربی به کار می‌برد، تا آن را برای مفاهیمی که در دل او نشسته و در فارسی به آسانی ادا می‌شود، موافق و ملائم سازد ... کوشش بازی‌گرانه در نکته‌پردازی، نشانه روشنی است که شعر سعدی را مشخص می‌نماید. کوششی که برای نوآوری در صورت شعری به کار می‌رود و ضامن تفرد و ساز و برگ اصالت است ... " (ص ۶۵۷).

۱-۵. شرح برخی از ویژگی‌های ارزشمند سروده‌های عربی سعدی (ص ۶۵۸).

۱-۶. اشاره به دو نوع داوری که موجب ستم بر اشعار عربی سعدی می‌شود: یکی وقتی که این سروده‌ها با سروده‌های همانند آن در اشعار فارسی مقایسه شود، یکی وقتی که این سروده‌ها با اشعار بلند عربی (سروده دیگران) مقایسه شود (ص ۶۵۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. اشعار عربی سعدی، شرح و توضیح دکتر جعفر مؤید شیرازی. ۲-۲. اشعار عربی ۱۹ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته که از قلم یکی از دانشمندان عرب زبان تراویده است، بیانگر جایگاه ارزش سروده‌های عربی سعدی است. نویسنده با رعایت انصاف، به کوتاهی نظری ناقدانه به اشعار عربی سعدی انداخته و در ضمن داوری‌های خود نظرات دکتر جعفر مؤید شیرازی را که درباره سروده‌های عربی سعدی بیان شده، تأیید کرده است. در این نوشته هم‌چنین برخی از دلایل تجاوزات نحوی در اشعار عربی سعدی بررسی و با ذکر ابیاتی باز نموده شده است.

۴-۲. عبارات نخستین (سطر سوم تا دهم) در چاپ دچار جایجایی و اختلال شده است.

از چالش سعدی تا ساختار زبانی و بیانی شاهنامه، دکتر نصرالله امامی، مجله دانشگاه شهید بهشتی " پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی "، شماره ۱۲-۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۲، صص ۷۷-۵۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به قول مشهوری که گفته‌اند سعدی فردوسی را به خواب می‌بیند و فردوسی بیت " خدا کشتی آن جا که ... " را به گونه‌ای دیگر می‌سراید:

برد کشتی آنجا که خواهد خدای وگر جامه بر تن درد ناخدای

و تأکید بر ذوق سازندگان این داستان (ص ۵۸).

۱-۲. تأکید بر چالش سعدی با فردوسی و ارزش مقایسه انتقادی و بی‌غرضانه سعدی و فردوسی (ص ۵۹).

۱-۳. بررسی جنبه‌های حماسی در کلام سعدی: "کوشش برای حماسی نشان دادن شعر سعدی، کاری عبث است. بحث کردن در حماسه‌سرایی سعدی - با توجه به باب پنجم بوستان - و سخن گفتن از نثر و بیان حماسی سعدی، چیزی جز تحمیل‌های حماسی بر این شاعر غیرحماسی نیست ... بر خلاف آنچه بهانه حماسی نشان دادن سعدی بوده است، بسیاری از شخصیت‌های حماسی در بوستان رنگ می‌بازند و تحقیر می‌شوند ... کاربرد واژه‌هایی چون برگستان، ترکش، جوشن، خشت و خفتان در بوستان و یا در یک بافت غیر منسجم و دور از حال و هوای واقعی حماسه نیز، توان و قدرت خود را ندارد و نمی‌تواند از نظر حماسی دارای ارزشی باشد ... بیان روابط علت و معلولی و تأمل در حالات درونی شخصیت‌ها، یکی از رازهای کامیابی فردوسی است و این نکته‌ای است که هرگز با اجمالی که در بوستان وجود دارد، سازگار نیست. متن حماسی از نظر جهان‌بینی و ویژگی‌هایی دارد که در بوستان نشانی از آنها دیده نمی‌شود" (صص ۶۱-۶۰).

۱-۴. سنجش بیت "خدا کشتی آنجا که خواهد برد ... از سعدی و بیت "برد کشتی آنجا که خواهد ..." که گفته‌اند فردوسی در خواب به سعدی گفته است (صص ۶۲-۶۱).

۱-۵. بررسی ویژگی‌های بیان حماسی، با تکیه بر شاهنامه فردوسی و تحلیل موسیقیایی و زیبایی‌شناسی کلام فردوسی و بازنمود قدرت و وسعت گزینش واژگان در شاهنامه (صص ۷۲-۶۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۳، ۲-۲. سعدی و فردوسی، دکتر منصور رستگار فسایی (ذکر جمیل سعدی، ج ۲)، ۲-۳. شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته مفصل ویژگی‌های حماسی کلام فردوسی با دقت کاویده شده و در مقدمه آن (۵ صفحه) بوستان سعدی با شاهنامه فردوسی از نظر جنبه‌های حماسی سنجیده شده است. البته مقدمه باب پنجم بوستان و چالش سعدی با دیگران در بیان حماسه، بهانه نوشته‌های بسیاری شده و پیش از این نوشته نیز ادعای سعدی در حماسه مورد نقد برخی از صاحب‌نظران قرار گرفته است. مقایسه تحلیلی واژگان بیت سعدی با بیتی که از زبان فردوسی در پاسخ به آن ساخته شده، از بخش‌های مفید مقاله است.

از دیدن تا سرودن، قدمعلی سرامی، تحقیقات اسلامی، دوره ششم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰، صص ۲۹۲-۲۷۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به نخستین چاپ‌های آثار سعدی و گرامی‌داشت فروغی و یغمایی به عنوان نخستین کسانی که برای نشر کلیات سعدی همت گماشتند (ص ۳۷۵).

۱-۲. توضیح درباره ویژگی‌های شخصیتی و ادبی سعدی و شرح تناقض‌گرایی‌های او: "سعدی، شاعر آزمون‌های خویش است، آنچه بر قلم وی رفته است حاصل تجارب عملی او در روند زندگانی است. سخن او شیرین و شورانگیز است ... تکیه‌گاه خیال او همواره واقعیت است (ص ۳۷۵). شعر او ... سخن عشق است ... دریافت‌های بصری مایه و اساس کار هنری اوست ... محتوای بیشترین سروده‌های او به چشم سر و سر قابل رؤیت است و راز جهانگیر شدن آثار وی یکی هم همین جنبه بصری آنهاست ... اگر بیدل، شاعر آینه‌هاست، شعر سعدی خود آئینه‌ای است که در آن با انسان قرن هفتم هجری و دنیای او دیدار توانیم کرد (ص ۳۷۶). سعدی جهانگردی جهان‌شناس است ... آزاده‌ای افتاده است که جز بندگی خدا، هیچ طوقی به گردن ندارد ... جامع اضداد است (ص ۳۷۷). هنر بارز سعدی آشتی دادن همه متضادها با هم است ... در اندیشه او جبر و اختیار، فقر و غنا، لذت و الم، نیک و بد، زشت و زیبا و همه دوگانگی‌های بشری به یگانگی رسیده‌اند ... سعدی از نظرگاه اقتصادی هم حامی فقرا و هم مدافع اغنیاست ... از دیدگاه فلسفی به جبر و اختیار با هم باور دارد به باور او آنچه روابط با جهان را سامان می‌دهد از سویی تقدیری و از سوی دیگر تدبیری است" (ص ۳۷۹). "بی‌گمان او ذاتیت متناقض عالم را به مدد تجربه‌های دور و دراز خویش و میانجی سیر مداوم در آفاق و انفس دریافته است ... از نظر سلوک فردی، شیخ به هنجارهای ضد و نقیض سر فرو می‌آورد، هم شیفته خط و خال ظاهری و هم دل‌باخته خط و خال باطنی است. از دیدگاه دینی هم اهل مسامحه و اغماض است و همین باعث آمده است که پیروی از مذهب تسنن کسی از شیعیان را بر او نشورانده است (ص ۳۷۹) این تناقض‌گرایی شیخ همه سویه است چندان که در نظام عاطفی روان وی نیز نمودی آشکار دارد (ص ۳۸۰) زندگانی عملی وی هم گواه بر تناقض‌گرایی اوست (ص ۳۸۲) او نه تنها می‌تواند قیل و قال مدرسه را با شور و حال خانقاه درآمیزد که بر پیوند زدن میان خانقاه و دربار نیز تواناست ... می‌توان گفت ستایه‌های سعدی آمیخته‌ای از نیش و نوشند (ص ۳۸۲). اخلاقی که سعدی در ترویج آن کوشا است نیز اخلاقی خشک و جزمی نیست ... نه نیکی را جز در جای خود می‌پسندد و نه از بدی وقتی بجا باشد، می‌پرهیزد.

پاره‌ای از سعدی‌شناسان به دلیل عدم درک تناقض‌گرایی او، چون اخلاق مورد نظر وی را خالی از جزمیت دیده‌اند، از این بابت که او، دروغ مصلحت‌آمیز را بر راست فتنه‌انگیز برتر نهاده، به وی خرده گرفته‌اند. فی‌المثل هانری ماسه صاحب کتاب ارجدار "تحقیق درباره سعدی" ... این دانشمند فراموش کرده است که آبخور اخلاق شیخ اخلاق اسلام است که همواره بر راستگویی تأکید ورزیده و به پیروان خویش سفارش کرده است که "قولوا الحق و لو علی انفسکم" ... (ص ۳۸۳). شگفت است که این محقق باریک‌بین با وجود انبوهی شواهد منظوم و منثور در کلیات سعدی، در تأیید و تبلیغ اخلاق جوانمردی و ایثار، به این لغزش دچار شده است (ص ۳۸۴). رابطه الفاظ و معانی در سروده‌های سعدی هم خالی از تناقض‌گرایی نیست. شیوه سهل و ممتنع که آثار این سراینده بدان ممتاز است، نیز نمایشگر تناقض جوهری ذهن و ضمیر اوست و همین ویژگی است که پرداخته‌های سعدی را مطلوب طبایع خاص و عام کرده است ... آشکارترین نمایه تناقض‌گرایی سعدی، سرگردانی او میان دو قطب عشق و عفت است ... شیخ دائماً در حال گذار از عشق‌های مجازی به عشق حقیقی است (ص ۳۸۴). به باور شیخ جمال ازل را تنها در آئینه‌زار عالم می‌توان دید (ص ۳۸۵). عشق از دیدگاه سعدی معلول زیبایی است. پیداست آن که چشم‌های خود را بر زیبایی‌ها می‌بندد، راه عشق را به دل خویش سد کرده است ... محتوای غزل‌های سعدی در اکثر موارد عاشقانه و عارفانه توأمند ... همین ویژگی اندرونی است که غزل‌های شیخ را از غزل‌های دیگر شاعران ممتاز می‌کند (ص ۳۸۶) برای سعدی میان مجاز و حقیقت برزخی وجود ندارد و این هر دوان در سیوررت خویش رفته رفته با هم به یگانگی می‌رسند (ص ۳۸۷).

حس بصری این شاعر شدیداً تحریک‌پذیر است. او آئینه‌ای است که هرچه رویاروی وی قرار می‌گیرد آن را در خود متجلی می‌بیند و انفعالی که بعد از این تجلی در روان سعدی به حاصل می‌آید مانا و ماندگار است ... میان احساسات بصری و انفعالات روانی وی برزخی وجود ندارد (ص ۳۸۹). سعدی مفسر تناقض‌های فرهنگی است که با آن زندگی کرده است و برترینشان تناقض میان دوست داشتن و دیگر داشتن‌ها است. ... در کلیات به آرا آشکارا متناقضی در زمینه‌های گوناگون فرهنگ بشری از جمله فلسفه، اخلاق، تعلیم و تربیت، سیر و سلوک صوفیانه و اقتصاد باز می‌خوریم. این دوگانه‌نگری‌ها، همه و همه حاکی از آن است که شاعر اندیشه‌های خود را زیسته است ... (ص ۳۹۱).

از دیدگاه روان‌شناختی نیز سعدی به یکی از دو گروه درون‌گرایان و برون‌گرایان تعلق ندارد، بل میان آن دو در آئیند و روندی دنباله‌دار است. همین تردید بی‌گسست است که زندگی را در چشم او می‌آراید ... اگر تابلو بی‌نظیر "جدال سعدی با مدعی" بر سر توانگری و درویشی را، لختی به تماشا بنشینیم، همه‌سویگی دوگانگی روانی این شاعر بر ما هر چه آشکارتر خواهد شد (ص ۳۹۲). "یکی از خدمات سعدی به فرهنگ ایرانی - اسلامی خودمان و حتی فرهنگ تودرتوی بشری، بی‌گمان، توانایی بی‌مانندی است که در نمایش یک‌پارچگی عشق، اعم از حقیقی و مجازی و اصغر و اوسط و اکبر، از خود نشان داده است (ص ۳۹۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲۶ بار، گلستان ۱۷ بار، بوستان ۱۰ بار، قصاید ۶ بار، رباعیات ۳ بار، قطعات ۱ بار. ۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله از واقع‌گرایانه‌ترین مقالاتی است که درباره اندیشه‌های متفاوت سعدی نگاشته شده است. نویسنده در سراسر مقاله با تأکید و باز نمود نمونه‌های متناقض در آثار سعدی آنها را نشان صداقت و بی‌آلایشی سعدی می‌داند و "حاکمی از آن که شاعر، اندیشه‌های خود را زیسته است و همه پندارهای او منتهی بی‌چون و چرای کردارهای اوست." (ص ۳۹۱). بویژه بررسی جبر و اختیار (ص ۳۷۸) و عشق مجازی و حقیقی (صص ۲۸۹-۳۷۸) و توجیه تناقض‌های موجود در کلیات سعدی برای شناخت شخصیت واقعی سعدی سودمند است. هر چند نمونه‌هایی مانند آنچه برای علاقه سعدی به شیراز ارائه شده (صص ۳۸۱-۳۸۰) تناقضی با هم ندارند.

۴-۲. بجز دو اشاره کوتاه به کتاب "تحقیق درباره سعدی از هانری ماسه" نه به منابع مورد مطالعه و استفاده شده، اشاره شده است و نه به نشانی مثال‌های شاهد.

از سخنان سعدی چه دانی، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۴۹، پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳ و ۲۷ و ۳۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به تصحیحات گلستان و انتقاد از شیوه آنها، از جمله: "به درستی معلوم نیست که چه عاملی موجبات این اشتباه را برای مرحوم ذکاءالملک فروغی پیش آورده که ادعا کند، با مقابله و استنساخ از چند نسخه قدیمی گلستان پیش از سعدی در تصنیف گلستان مرارت برده است... در حقیقت دیوان سعدی در اصل غلط نبوده که جماعتی به تصحیح آن اقدام نمایند و مانند مرحوم عبدالعظیم قریب به سبب این کار گوی افتخار و سعادت را نیز بریابند (ص ۲۲). شایسته این بود که دیوان‌های خطی مختلف به همان صورت اصلی عکس‌برداری یا استنساخ می‌شد و نظرات نویسندگان در حاشیه کتاب ذکر می‌گردید ... " (ص ۲۳).

۱-۲. نقل داستان "جامع کاشغر" از گلستان سعدی و انتقاد تاریخی عباس اقبال از این حکایت و پاسخ نگارنده به انتقاد عباس اقبال (صص ۲۳، ۲۷).

۱-۳. اشاره به برخی از سروده‌های اولیه سعدی (ص ۳۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. مقاله "زمان تولد و اوایل زندگانی سعدی"، عباس اقبال (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قطعات ۷ بار، گلستان ۳ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله نظرات محمدعلی فروغی، عبدالعظیم قریب و عباس اقبال مورد انتقاد قرار گرفته است. نویسنده به شیوه تصحیح متون اشکال گرفته و می‌نویسد: "دیوان سعدی در اصل غلط نبوده که جماعتی به تصحیح آن اقدام نمایند (ص ۲۲). شایسته این بود که دیوان‌های خطی مختلف به همان صورت اصلی عکس‌برداری یا استنساخ می‌شد و نظرات نویسندگان در حاشیه کتاب ذکر می‌گردید ... " (ص ۲۳).

اولاً منظور از اصطلاح "تصحیح" در متون قدیم، تصحیح سخنان نویسندگان یا شاعر اصلی نیست، بلکه تصحیح متن نوشته شده به دست کاتبان است که در طول تاریخ برخی از واژه‌ها و عبارات آن دگرگون شده است.

ثانیاً بهترین شیوه استفاده عمومی از متون کهن همین روش امروزی تصحیح و چاپ است نه "عکس‌برداری و حاشیه‌نویسی" بر آن، و این از بدیهی‌ترین اصول استفاده از نسخه‌های قدیم است. و چنانچه انتقادی باشد باید مربوط به عدول از شیوه درست و علمی تصحیح باشد نه اصل مسلمی که همگان آن را پذیرفته‌اند.

ثالثاً با قبول برخی اشکالاتی که در کلیات سعدی به تصحیح مرحوم فروغی وجود دارد، باید پذیرفت که تا امروز هنوز هم این اثر ارزشمند، شایع‌ترین، کاربردی‌ترین و مناسب‌ترین متن کلیات سعدی است. و بی‌گمان خود نگارنده مقاله هم برای سلسله مقاله‌های خود که درباره سعدی نوشته از این کتاب بهره‌مند بوده است.

شاید شایسته و منصفانه نباشد عنوان مقاله‌ای که در آن از بزرگانی چون فروغی، قریب و اقبال انتقاد می‌شود، "از سخنان سعدی چه دانی؟" باشد.

- البته این بدان معنا نیست که این بزرگان سعدی‌شناس درباره سعدی اشتباه نکرده باشند - نگارنده همین مقاله ۶ ماه پس از انتشار این مقاله در مقاله‌ای دیگر (سعدی‌نامه، رنگین‌کمان، شماره ۷۷، پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰)، با توضیحاتی سخن خود را تصحیح و به ویژگی‌های مثبت این‌گونه از آثار تأکید کرده و نوشته است: "محققانی که با تطبیق نسخه‌های خطی آثار سعدی به تهیه نسخه‌های جدیدی پرداخته‌اند، عموماً جز اشتیاق به انجام یک خدمت عمومی، انگیزه دیگری نداشته‌اند و کار ایشان به نسبت‌های مختلف به توضیح نظریات سعدی کمک کرده، حداقل آثار سعدی را بیش از پیش در دسترس عامه قرار داده است... در حقیقت هدف اصلی این محققان، تصحیح اشتباهات و تصرفاتی بوده که احتمالاً به توسط منشیان و خوش‌نویسان قرن گذشته در آثار سعدی صورت گرفته و علی‌الظاهر منظور ایشان تصحیح اشتباهات سعدی یا انتقاد از کار وی نبوده است."

۴-۲. نگارنده مقاله از اشکال تاریخی عباس اقبال بر داستان جامع کاشغر ایراد گرفته‌اند، اما پاسخی که داده‌اند، پاسخ به آن انتقاد نیست. اقبال در بخشی از انتقاد خود نوشته‌اند: "سلطان محمد خوارزمشاه، دولت قراختاییان را به سال ۶۰۷ هجری به کلی از کاشغر برانداخته و در این تاریخ سعدی یا متولد نشده و یا طفلی خردسال بوده... " (ص ۲۳). ولی نگارنده در پاسخ به این عبارت نوشته‌اند: "... به سبب همین اعتقادات و نکته‌گیری‌ها [از معاصران سعدی] بوده که آثار سعدی حتی از عیوب جزئی مبری گردیده است... بنابراین تردیدی ندارد که داستان جامع کاشغر از نظر معاصرین سعدی که با واقعه صلح خوارزم و ختا فقط پنجاه سال فاصله داشته است، عیبی نداشته که انتقاد نشده... با این ترتیب داستان جامع کاشغر را می‌توان مدرک تحقیق در بیوگرافی سعدی قرار داد، به این معنی که سعدی هم به کاشغر مسافرت کرده و هم در سال ۶۵۶ هجری که به نقل داستان پرداخته، سن ظاهری وی با جزئیات داستان تطبیق می‌کرده است." از این پاسخ به راحتی می‌توان دریافت که نگارنده محترم مقاله، اصلاً منظور مرحوم اقبال را درنیافته‌اند.

۴-۳. عبارات پایانی مقاله با اصل مقاله پیوند لازم را ندارد.

۴-۴. نشانی مأخذ نقل‌قول‌ها و همچنین نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

از سعدی تا آراگون، ع روح‌بخشان، نامه فرهنگستان، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۴، صص ۱۴۷-۱۴۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب " از سعدي تا آراگون " تأليف جواد حديدى، با اشاره‌اي کوتاه به پيشينه ادبيات تطبيقى و نگاهي گذرا به مطالب كتاب ياد شده، از جمله: " به عقیده نویسنده [حديدى] دو ملت ايران و فرانسه از اوایل سده هفدهم به يكديگر نزديك شده‌اند و به همین دليل كتاب وي داد و ستد فرهنگي ايران و فرانسه را در مدت چهار قرن در برمي‌گيرد و به دوره‌اي مشخص يا شاعري معين اختصاص نيافته است. اما، در عين حال، كتاب داراي ساختاري مشخص است و تقسيم‌بندي مطالب آن برحسب تقويم رویدادهای ادبی و پیدایش مکتب‌های ادبی در دوره‌های گوناگون انجام گرفته و به دو بخش متمایز تقسیم شده است

... كتاب " از سعدي تا آراگون " که حاصل سي سال کار و تحقيق نویسنده است و کمتر نکته‌اي را در زمينه تأثیر ادبيات فارسي در فرانسوي نادیده و نگفته گذاشته است، چشم‌اندازي تازه و باور نکردني در برابر دیدگان خواننده مي‌گشايد و نکته‌اي از راز ديريابي و جاودانگي زبان و ادب فارسي را آشکار مي‌کند ... اين اثر منسجم و خواندني ... فقط يك کمبود دارد و آن مقدمه يا ديباچه‌اي است به زبان فرانسه که امید است در چاپ بعد بدان افزوده شود " (ص ۱۴۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. كتاب از " سعدي تا آراگون " جواد حديدى، مرکز نشر دانشگاهي، ۱۳۷۳.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين نوشته به کوتاهی كتاب " سعدي تا آراگون " را معرفي کرده و جز آن سخن تازه‌اي مطرح نکرده است. كتاب ياد شده از ارزشمندترين کتاب‌هاي پديد آمده در موضوع ادبيات تطبيقى است (رک. كتاب ياد شده در بخش کتاب‌ها، در همین مجموعه).

از سعدي تا جامي ، يادگار، سال پنجم، شماره هشتم و نهم، فروردين و ارديهشت ۱۳۲۸، صص ۱۵۴-۱۵۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفي ترجمه علي‌اصغر حکمت از جلد سوم تاريخ ادبي ايران تأليف ادوارد براون (صص ۱۵۴-۱۵۳)، از جمله نوشته‌اند: " فضل ترجمه جناب آقاي حکمت در اين است که علاوه بر رعایت کمال امانت در حفظ نوشته‌هاي مؤلف معظم‌له هر جا لازم بوده است، اشتباهات متن را در حاشيه رفع و حواشي مفصل مفيدى بر ترجمه خود افزوده‌اند. به طوري که اين ترجمه به جهاتي بر اصل کتاب مزيايي ذي‌قيمتي پيدا کرده است " (ص ۱۵۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. تاريخ ادبي ايران، ادوارد براون، ترجمه علي‌اصغر حکمت، ۱۳۲۷.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين نوشته معرفي کوتاهی است از ترجمه مورد نظر و اظهار نظر نویسنده درباره كتاب ياد شده منحصر به عبارتي است که در بخش مضامین اصلی (۱-۱) نوشته آمد.

از سعدي چه مي‌دانيم ، دکتر جعفر مؤيد شيرازي، خرد و کوشش، دوره ششم، بهار ۱۳۵۴، صص ۲۷-۲۸. چاپ‌هاي ديگر: ۱. شناختي تازه از سعدي همراه با متن ... ، دکتر جعفر مؤيد شيرازي، انتشارات لوکس (نويد)، ۱۳۶۲، صص ۱۲-۵. ۲. سيماي سعدي، دکتر جعفر مؤيد شيرازي، انتشارات دانشگاه شيراز، ۱۳۷۶، صص ۷-۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به تأثیر گسترده آثار سعدي بر افکار و رفتار فارسي‌زبانان و تأکید بر اين موضوع که: " سخن‌شناسان و ادبای ايران به دو دليل سيماي واقعي و منش حقيقي سعدي را تاکنون بازشناخته‌اند و اگر بازشناخته‌اند، فارسي‌زبانان را ... از اين شناسايي بي‌نصيب گذارده‌اند (صص ۲۲-۲۸).

نخست اينکه معارف سعدي را که ماده اوليه و مصالح سازنده شخصيت اوست ... آن گونه که بايد مورد پژوهش و بررسي قرار نداده و ريشه اندیشه‌هاي شگرف اين سخن‌پرداز بزرگ را خارج از او و آثار او پي‌گير نشده‌اند (ص ۲۹). دليل ديگر ... اين است که دانشوران و ادبای ما هرگز عنايتي مخصوص نسبت به مقدار جالبي شعر تازي که در ديوان سعدي موجود است، مبذول نداشته، تنها به برخورداري خود از اين شعرها بسنده کرده‌اند (ص ۳۱) ... سکوت و تن‌آسايي غيرمجاز، راه‌شناسان ادب پارسي و تازي را که تعدادشان هم در درازنای هفت قرن گذشته کم نبوده - بکلي از ايجاد اثري مستقل و علمي در اين زمينه باز داشته است ... " (ص ۳۲).

۱-۲. اشاره به استعداد فطري و سخت‌کوشي سعدي از دوران کودكي براي تحصيل علم در مدارس علمي شيراز و سپس مدارس نظاميه و مستنصريه بغداد و محيط علمي و فرهنگي آنجا و وجود استادان برجسته‌اي چون ابوالفرج بن جوزي، نجم‌الدين کبري، محي‌الدين عربي، شهاب‌الدين سهروردي، در زمان سعدي و ورود او به عالم خطيبان و واعظان به عنوان طلعيه بلوغ هنري و فکري او (صص ۲۴-۲۳). - نتيجه اينکه: " تحصيلات پي‌گير و توقف طولاني در بلاد عربي و سير و سياحت در عراق و حجاز و شام و روم (آسيای صغیر) از سويي و شيفتگي و اعجاب سعدي نسبت به استادان و راهنمايان و شيوخ خويش از سويي ديگر، چنان در شخصيت او مؤثر افتاد و به ضمير پذيراي وي نقش بست که آثار شديد آن تا پايان عمر با او همراه بود ... مسلماً تنها عاملی که در سال‌هاي دوري از وطن از استحاله شخصيت سعدي و تحليل مباني ملي و قومي وي در مظاهر فرهنگ عربي جلوگيري کرده، پيوند شديد و عاشقانه وي به زبان مادري خود و نیز مهرورزي او با زاد و بوم و يار و ديار خويش بوده است ... " (صص ۲۵-۲۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. حيات سعدي، الطاف حسين حالي، ترجمه سروش. ۲-۲. المتنبی و سعدي، الدكتور حسين علي محفوظ. ۲-۳. مجموعه مقالات بدیع‌الزمان فروزانفر، به کوشش مجيدي.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۳ بار، غزليات ۱ بار، گلستان ۱ بار، قصايد ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در اين نوشته با تکیه بر آثار سعدي و با اشاره به برخي از نوشته‌هايي که درباره سعدي نگاشته شده، دلایل ضعف آشنایي ایرانیان با چهره واقعي سعدي بررسي شده و سپس به کوتاهی، اشاراتي به زندگي، سفرها، تحصيلات و شکل‌گيري شخصيت ادبي و اجتماعي او شده است. چه رهاي که از سعدي در اين مقاله ترسيم شده، چهره‌اي معقول و پذيرفتني است. زیرا به جاي کلي‌گويي و انشاپردازي‌هاي جانبدارانه، تلاش شده در گفتاري کوتاه، با استناد به آثار سعدي و تاريخ زمان او شخصيت واقعي‌اش، شناسايي شود.

از گلستان من ببر ورقي ، احمد بهنام‌نيا، روزنامه کيهان، شنبه ۱۸ شهريور ۱۳۷۴، ص ۱۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. انتقاد شديد از متن " کليات سعدي " به خط ميرزا فتح‌علي حجاب شيرازي به جهت پيوسته نوشتن نثر و نظم در آن کتاب، و از آن جمله متن مقدمه بيستون و متن گلستان و تداخل باب‌هاي مختلف.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کليات سعدي، ميرزا فتح‌علي حجاب شيرازي.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان سعدي ۹ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. کتاب ارزشمند کلیات سعدی به خط زیبا و هنرمندانه میرزا فتح‌علی حجاب شیرازی در قرن سیزدهم نوشته شده و ویژگی‌های خاص کتاب‌های خطی را دارد و چاپ و نشر آن از اقدامات شایسته‌ای است که صورت پذیرفته است. البته هرگز این کتاب برای استفاده‌های همگانی و دانشجویی (۱) نگاشته نشده است که آقای بهنام‌نیا حکم زیر را صادر کرده‌اند: "یقیناً مطالعه این کتاب سراسر غلط [!]، جای بحث و اختلاف نظر در دانشجویان پدید می‌آورد، شایسته است به طریقی که حقی از هیچ فرد یا افراد حقیقی و حقوقی تضییع نشود، سعی در بازپس گرفتن حقوق از دست رفته ادبیات غنی این ملک مورد استدعاست ... حداقل من بعد، از صدور مجوزهای هزینه‌ساز عامه و جیب پرکردن خاصه، اقدام بایسته معمول شود".

گفتنی است که در این نوشته کوتاه آنچه از کلیات مورد نظر، به عنوان غلط مثال آورده شده، مربوط به شیوه خوشنویسی کتاب‌ها در زمان‌های گذشته است.

از متن لوح سومری تا دیباچه گلستان سعدی، پرویز پژوه شریعتی، زمینه ایران‌شناسی، ۱۳۶۴، صص ۱۴۷-۱۲۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مضامین دیباچه گلستان و نقل عبارات آغازین آن (صص ۱۳۹-۱۳۷).
۱-۲. اشاره به همانندی دیباچه گلستان با بخشی از متن یکی از الواح سومری (صص ۱۴۰-۱۳۹).
۱-۳. تطبیق ترجمه انگلیسی متن سومری و دیباچه گلستان در چهار بخش:
الف: تطابق مضامین (صص ۱۴۱-۱۴۰)، با این نتیجه‌گیری که: "تقریباً کلیه مضامینی که در لوح سومری درج شده، در دیباچه گلستان سعدی، نیز آمده است. بدیهی است متن لوح بسیار فشرده و موجز و نشانگر شیوه اندیشه و نگارش قومی کهن با زبانی ساده و بی‌پیرایه است و دیباچه گلستان به مراتب گسترده‌تر و ادیبانه‌تر و زاینده‌تر و فاخر (ص ۱۴۱)."
ب: تطابق واژه‌ها (ص ۱۴۲)، در این بخش هفده واژه همگون، برابر نهاده شده است.
پ: نظم و ترتیب و نگارش دو متن (ص ۱۴۳).
ت: تأثیر اعتقادات دینی در نحوه برداشت مطلب (ص ۱۴۳).
۱-۴. گفتاری زیر عنوان "توجیه چگونگی بهره‌گیری سعدی از متن سومری" (صص ۱۴۵-۱۴۲).

"مقایسه ترجمه متن سومری به زبان‌های انگلیسی و فارسی و بخش نخست دیباچه گلستان سعدی، چه به لحاظ تشابه مضامین و واژه‌ها و چه به لحاظ مشابهت شروع و اختتام دو متن، مبین این است که این دو متن در واقع متن واحدی بیش نیست" (ص ۱۴۳).
بخش نخست دیباچه گلستان سعدی، ترجمه‌ای آزاد و ادیبانه از متن سومری است که مضمون آن سخت مورد توجه و پسند سعدی قرار گرفته و وی با استادی تمام و با افزودن مطالبی دلنشین آن را سرآغاز گلستان خود قرار داده است.
اینک این سؤال مطرح می‌شود که سعدی کجا و چگونه به مضمون متن سومری دست یافته است و آیا اصولاً این امر قابل قبول و پذیرفتنی است؟ (ص ۱۴۴).

می‌توان موضوع را به این صورت توجیه کرد که احتمالاً سعدی در مسافرت‌های خود یا مضمون این متن سومری را که سینه به سینه نقل شده و به زبان عربی از مورخان و ادیبان شنیده و یا در کتابخانه مدرسه نظامیه و یا دیگر کتابخانه‌ها به مضمون مورد بحث به زبان عربی دست یافته است ...

ذکر این نکته لازم است که بهره‌گیری سعدی از متن کهن سومری و گنجاندن مضمون آن در سرآغاز و دیباچه گلستان نه تنها از ارزش این اثر ادبی نمی‌کاهد، بلکه نشانگر کوشش همه جانبه این استاد، ادیب، شاعر و نویسنده توانا و چیره‌دست در غنی‌تر ساختن فرهنگ والا و فاخر ایران است ... " (ص ۱۴۵).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، جاویدان، ۲-۲. الواح سومری، ساموئل کریمر، ترجمه داوود رسایی و متن انگلیسی این کتاب.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۳۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. در این نوشته برای نخستین بار عبارات‌های آغازین دیباچه گلستان سعدی با بخشی از یکی از الواح سومری مقایسه شده و همانندی مضامین، واژه‌ها و ساختار این دو قطعه باز نموده شده است.
تازگی موضوع، دقت نگارنده در بازایافت این تشابه، سنجش دو قطعه مورد نظر از چند دیدگاه (مضمونی، واژگانی، ساختاری)، یادکرد نشانی مآخذ و پرهیز از انشاپردازی و کلی‌گویی از ویژگی‌های این نوشته است.
با وجود همه این همانندی‌ها، پذیرش تأثیرپذیری و بهره‌گیری سعدی از لوح مذکور سومری، آسان نمی‌نماید.

استغفار در آینه شعر و شخصیت سعدی، عبدالرضا مدرس‌زاده، روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۷۳، ص ۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مفهوم استغفار در آثار سعدی، با استناد به سخنان او، از جمله: "به زعم ما هیچ‌گاه و در هر برهه‌ای شیخ سعدی از روحیه استغفار و طلب آمرزش و بخشایش از پیشگاه خداوند به دور نبوده است. بهترین روشی که او برای اتصال خود به حلقه بخشش و غفران الهی انتخاب می‌کند، به امید دست یازیدن است. سعدی در ضمن همه کارها و برنامه‌هایش و به رغم هر آنچه که انجام داده است، امید را که بسیار هم مورد تأکید خداوند است، از دست نداده و به یأس ... حتی برای لحظه‌ای نزدیک نشده است ...".

۱-۲. اشاره به قصیده‌ای درباره مرگ که در برخی از کلیات سعدی وجود دارد. و توضیح درباره برخی از مضامین آن، از جمله: حلوا سه چار صحن شب جمعه چند بار - بهر ریا به خانه هر گورخان شود ...".
در این قصیده شیوا، لحظه لحظه جان دادن و "آمد شد ملائک در وقت قبض" و آوازه در سرای درافتد که خواجه مرد "و ... را توصیف کرده است ...

در اینجا به دو نکته مهم برمی‌خوریم: اول اینکه این اشعار که توصیف مستقیم و صریحی است از مرگ و قبر و قیامت و ... هر خواننده و شنونده‌ای را به تحرك وامی‌دارد و در این میان بدون تردید کسانی که کوله‌باری از گناه را در دنیا برای خود فراهم کرده‌اند به چاره‌جویی خواهند پرداخت و این یعنی استغفار، استغفاری که سعدی را مورد نظر بوده است ... نکته دیگر اینکه این اشعار و مطالب، از ذهن و اندیشه مردی است که خود واقعاً به آنها اعتقاد داشته است، و از اهمیت موضوع آگاه بوده ...".

۱-۳. بررسی موضوع استغفار در باب نهم و دهم بوستان.
۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۹.

۳. رویکرد به آثار سعدی: بوستان ۲۱ بار، قصاید ۱۰ بار، گلستان ۵ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. این نوشته از مقاله‌های برگزیده همایش فرهنگی - ادبی دانشجویان سراسر کشور در مرداد ۱۳۷۳ بوده است و در آن موضوع استغفار در آثار سعدی بررسی شده است.

اختصاص مقاله به يك موضوع خاص (استغفار)، استناد مکرر به نمونه‌هایی از سخنان سعدي و ذکر نشانی نمونه‌های شاهد از ویژگی‌های این مقاله است.

اسم کوچک سعدي را بنویسید ، (مقاله با امضای " معلم بازنشسته ادبیات " تمام شده است)، رشد ادب فارسی، سال دوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۶۵، شماره مسلسل ۷، صص ۴۲-۴۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. عباراتی درباره کاربرد واژه‌های خارجی و نقل پرسش و پاسخی که نویسنده مقاله با يك دانش‌آموز درباره اسم کوچک سعدي داشته است و بالاخره پرسش عام درباره اسم کوچک سعدي (صص ۴۱-۴۲).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. عبارات پراکنده و گسیخته نوشته فاقد جنبه علمی و پژوهشی است.

اشارات توحیدی و عرفانی و سخنان صوفیانه سعدي، خلیل رحایی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۲۸-۲۰۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره باورهای توحیدی سعدي: " یکتاپرستی با فطرت و جوهر روح سعدي سرشته است. توحید سر سلسله عقاید راسخ و شالوده همگی افکار و آرا و اقوال اوست و عرفان بارزترین صفات و برجسته‌ترین عناوینی است که قبل از هر چیز باید سعدي را بدان معرفی نمود." (ص ۲۰۵).
- " مشرب سعدي در توحید، همان مشرب عرفانی و اشراقی " یعنی وحدت وجود است ... و برای وحدت وجود فرض‌های متعددی است ... قسمتی از آن، این است که هستی و موجودیت فقط مخصوص همان حقیقت واحد یعنی ذات واجب تعالی است و ممکنات همگی ظل آن حقیقتند و نسبتشان بدان حقیقت، مانند نسبت سایه است به صاحب سایه ... شیخ اجل این نوع وحدت وجود را ... با بهترین وجهی بیان می‌فرماید." (صص ۲۱۰-۲۰۹).
- ۱-۲. بحثی درباره مقام انسان زیر عنوان "مرتبه انسان در میان موجودات" با استناد به آثار سعدي: قبل از هر چیز باید به تحصیل دانش همت گماشت تا دیده عقل بینا گردد که دانش، چراغ راه سعادت و اولین کمال آدمی است ... (ص ۲۱۴). درس خدانشناسی را باید از کتاب آفرینش خواند و آثار صنع و بدایع عالم طبیعت را باید مطالعه نمود و در آیات آفاقی فکر کرد ... (ص ۲۱۵). پس از آنکه مایه‌ای از دانش و معرفت اندوختی و بنای عقیده و ایمان را محکم ساختی، می‌توانی سالک این راه باشی. بدان که زحمت این سفر تا موطن عشق است و این سفر را منزلی است که هر منزلی را مقام گویند و اینها يك رشته ورزش اخلاقی و تمرین است که باید به وسیله آنها با ریاضت و مجاهدت جان آدمیت را از آلائش‌های نفسانی پاک‌سازی (ص ۲۱۷).
- ۱-۳. توضیح درباره توبه، لزوم اتصال به پیر، ورع، تخلیه و تحلیه، اخلاص در عمل، زهد و ... به عنوان اساسی‌ترین مراحل سلوک با ارائه نمونه‌هایی از آثار شیخ اجل به عنوان شاهد (صص ۲۲۷-۲۱۷).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۱۳ بار، قصاید ۱۰ بار، گلستان ۹ بار، غزلیات ۳ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله از این نظر که برخی از دیدگاه‌های صوفیانه سعدي را کاویده است، و برای هر مورد نیز به آثار سعدي توسل جسته، برای شناسایی سعدي مفید است. اما در واقع تنها برخی از باورهای صوفیانه سعدي بررسی شده است.
- ۴-۲. انشاپردازی‌های دراز دامن نیز موجب اطناب کلام شده است.
- ۴-۳. نشانی عبارات و ابیات شاهد مشخص نشده است.
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مأخذ اندیشه‌های سعدي ... ، محمد غفرانی جهرمی، ذکر جمیل سعدي، ج ۳، ۱۳۶۴، ص ۹۶.

اشخاص داستان در گلستان ، دکتر جلال متینی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۳۱۹-۲۰۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ممتاز دانستن دو کتاب " کلیله و دمنه" و " گلستان سعدي " در بین آثار منثور فارسی و تأکید بر تأثیرگذاری آنها (ص ۳۰۳).
- ۱-۲. اشاره به برخی از انتقادهایی که بعضی از نویسندگان بر گلستان سعدي وارد کرده‌اند: " بنده نیز با رأی کسانی موافقم که معتقدند در کتاب گلستان، يك فکر اساسی و یا يك سیستم فکری معینی تعقیب نشده است و مؤلف برای اثبات نظری یا عقیده‌ای کتاب را به رشته تحریر درنیاورده است و به قول علی دشتی این کتاب مانند کنشکول یا جنگی است مشتمل بر مطالبی که سعدي آنها را در طی سی و چند سال از زبان افراد مختلف شنیده و یا خود شاهد آن بوده است ... " (ص ۳۰۵).
- ۱-۳. اشاره به این مطلب که در گلستان "عبارات پندآموز به طور نا مرتب در پی یکدیگر قرار گرفته است (صص ۳۰۷-۳۰۵). پاسخ به گفته خود که " نباید در تمام قسمت‌های گلستان از سعدي توقع داشت با آنکه دیده‌ها و شنیده‌های خود را در قالب حکایت نقل کرده است، همه جا به شیوه داستان‌نویسان صحنه‌پردازی کند و در همه حکایت‌ها به خلق شخص یا اشخاص داستان پرداخته باشد." (ص ۳۰۷).
- ۱-۴. بیان بسامد نام اشخاص، مشاغل، حیوانات و ... که در گلستان ذکر شده، در يك فهرست آماری (صص ۳۰۹-۳۰۷).
- ۱-۵. اظهار شگفتی از اینکه " فقط سیزده بار اشخاص داستان‌های گلستان را زنان تشکیل داده‌اند " و در باب عشق و جوانی، علی‌رغم انتظار خواننده " فقط يك بار از مردی که زن صاحب جمالش در گذشته و ... " و يك بار هم به عشق مجنون به لیلی سخن رفته، بقیه حکایت‌ها در این باب عشق‌هایی است از نوع عشق محمود و ایاز، مرد از دل شده و پسر پادشاه، معلم و متعلم، قاضی همدان و نعلبند پسر و ... اما زیباترین حکایات گلستان را که زن در آنها نقش اساسی بر عهده دارد، در دیگر ابواب باید جست." (صص ۳۱۲-۳۱۰).
- ۱-۶. اشاره به چند نمونه از حکایات و نتیجه اینکه: "به نظر بنده، در این قبیل حکایت‌ها که در باب "عشق و جوانی" نیست بهتر می‌توان به احساسات و عواطف زنانه در گلستان سعدي پی برد ... " (ص ۳۱۲).
- " مطلب دیگر آن است که سعدي بندرت اشخاص داستان‌ها و قصه‌های خود را از حیوانات و گیاهان و اشیا بی‌جان برگزیده است." (ص ۳۱۲).

۱-۷. اشاره به حکایت‌هایی که سعدی خود را، به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان مطرح می‌کند: "عقیده بنده آن است که در اکثر موارد می‌توان پذیرفت که سعدی به راستی آنچه را که دیده و شنیده است، بیان کرده ولی خلاف آن هم قابل قبول است ... البته منعی هم به نظر نمی‌رسد که سعدی خود قهرمان این نوع قصه‌ها باشد و شاید بهتر باشد در این موارد قول آن عده‌ای را بپذیریم که می‌گویند در این قصه‌ها سعدی با توجه به فن "مقامه‌نویسی" در ادب عربی، خود را به جای راوی قرار داده است" (ص ۳۱۳).

۱-۸. توضیح و بررسی دو گونه داستان در گلستان: "داستان‌هایی که اشخاص در آنها به طور طبیعی قرار گرفته‌اند و داستان‌هایی که خلاف آن است" (ص ۳۱۴). برای هر کدام از این دو گونه، سه حکایت از گلستان بررسی و نقد شده است. (صص ۳۱۹-۳۱۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ۲-۲. قلمرو سعدی، علی دشتی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۳۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله با تحلیل حکایت‌های گلستان برخی از اشکال‌های موجود در این اثر را یادآوری کرده و مانند بسیاری مقاله‌های دیگر تنها به تعریف و تمجید نپرداخته است. ذکر کامل نشانی مثال‌ها و ارائه فهرستی از بسامد برخی از واژه‌ها (صص ۳۰۷-۳۰۹) بر ارزش نوشته افزوده. اما انتقادهایی که نویسنده در بخش پایانی مقاله به بعضی از حکایات گلستان وارد کرده است، بی‌وجه می‌نماید، به عنوان مثال: بر حکایت "زورآزمایی که با یک دشنام بر هم برآمده بود" اشکال می‌گیرد که "چه نسبتی بین بلند کردن هزار من سنگ و تحمل دشنام و اهانت؟" (صص ۳۱۷-۳۱۸). در حالی که مقصود شیخ به روشنی آشکار است. در نظر سعدی کسی که با یک دشنام از خود بی‌خود می‌شود و بر نفس خود و خشم خود قادر نیست، هر چند پهلوان زورآزمایی باشد، فرومایه و حقیر است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. تأملی بر عقاید سعدی در تأثیر تربیت، حمید دباشی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۶۴۶. ۵-۲. مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۴، صص ۷۱۸-۷۱۷. ۵-۳. نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۸۶. ۵-۴. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۹. ۵-۵. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۶۷. ۵-۶. تأملی بر صناعت روایت در گلستان، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، صص ۱۰۰، ۱۱۳. ۵-۷. غزلیات شیخ شیراز سعدی، مقدمه و شرح بهاء‌الدین اسکندری، انتشارات فدایانی، ۱۳۷۴، ص ۴۳.

اشکالات تاریخی در گلستان شیخ سعدی، هزار پیشه، نشر زوار، ۱۳۲۶، صص ۸۵-۸۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به چهار حکایت زیر از گلستان سعدی که از نظر تاریخی دچار اشکال است: - حکایت دوم از باب دوم: " شیخ عبدالقادر گیلانی رحمه‌الله علیه را... "

- حکایت شانزدهم از باب پنجم: " سالی محمد خوارزمشاه، رحمه‌الله علیه، باختا... "

- حکایت هیجدهم از باب دوم: " چندانکه مرا شیخ اجل عالم ابوالفرج بن جوزی... "

- حکایت یازدهم از باب اول: " درویشی مستجاب‌الدعوه در بغداد پدید آمد... "

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته چهار حکایت از گلستان سعدی دچار اشکال تاریخی دانسته شده است و در پایان آمده: " البته در مقام بلند شیخ سعدی گستاخی جایز نیست که فرموده خود او را مصداق قرار داده و بگوییم: " جهان دیده بسیار گوید دروغ"، ولی در این هم حرفی نیست که این مشکلاتی که در فوق بدان اشاره شد تا به حال لاینحل مانده است" (ص ۸۵).

نویسنده این مقاله چنانکه دست‌کم به مقاله‌های بسیار معروف " ممدوحین سعدی"، " حد همین است سخن‌دانی و زیبایی را" و " زمان تولد و اوایل زندگی سعدی" به ترتیب از محمد قزوینی، جلال‌الدین همایی و عباس اقبال (مندرج در سعدی‌نامه ۱۳۱۷) مراجعه کرده بودند، پاسخ این استادان گرانمایه را به اشکالات مطرح شده (بجز اشکال بغداد و حجاج) می‌دیدند.

اشکال بر بعضی از ابیات سعدی، عباس اقبال، یادگار، سال پنجم، شماره چهارم و پنجم، آذر و دی ۱۳۲۷، صص ۱۴۰-۱۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل نظر آقای اسماعیل اشرف در مورد سه بیت از ابیات سعدی و رد نظر ایشان با دلیل مشروح. آقای اشرف در بیت نخست از ابیات زیر " رسته" را به جای " دسته" و در بیت سوم، " پرودین ماه" را به جای " تیر و دی ماه" درست دانسته‌اند و در مورد فعل " بدیده" در بیت چهارم اظهار تردید کرده‌اند: دیدم گل تازه چند دسته بر گنبدی از گیاه بسته

دریغا که بی ما بسی روزگار بروید گل و بشکفد نوپهار
بسا تیر و دی ماه و اردیبهشت بیاید که ما خاک باشیم و خشت

ای یار جفا کرده و پیوند بریده این بود وفاداری و عهد تو بدیده
(صص ۱۳۷-۱۳۶)

در پاسخ به آقای اشرف آمده است: " ... آقای اشرف در مصراع اول به جای " دسته" کلمه " رسته" را بهتر و صحیح‌تر دانسته‌اند. به عقیده راقم این سطور علاوه بر آنکه در جمیع نسخ ملاحظه شده در این مورد " دسته" آمده، لفظ رسته را به جای آن نمی‌توانیم صحیح دانست ... و بستن چنانکه مخفی نیست با دسته مناسب است نه با رسته و مردم دسته گل بستن می‌گویند، نه رسته بستن ... اصلاً نگارنده درست نفهمیدم که اشکال آقای اشرف در این مورد در کجاست، مگر نمی‌توان چند دسته گل را چنان به هم بست که به شکل گنبد یعنی قبه در آید ... (ص ۱۳۸).

اما در باب دو بیت " دریغا که ... " باز به همان دلایل که در فوق گفتیم، چون هیچ نسخه از بوستان، آن صورت فرضی را ندارد، ما جرأت آن را نداریم که چنین وجهی را به جای صورتی که به ما رسیده است، به عنوان اصح و احسن پیشنهاد کنیم، بلکه ما بر طبق ضبط نسخ و برخلاف تصور آقای اشرف، همین صورت " تیر و دی ماه و اردیبهشت" را صحیح می‌دانیم و یقین داریم که غرض سعدی هم همان گذشتن فصول مختلفه است ... (ص ۱۳۹). اما در مطلع " ای یار جفا کرده ... " که آقای اشرف " بدیده" را زاید شمرده و با

وجود آن معنی بیت را صحیح و مستقل ندانسته‌اند، باز به نظر ما اشکالی نیست، چه " بدیده " مثل سایر قوافی این غزل ... صفت است و " عهد تو بدیده " صفتی است مرکب یعنی کسی که عهد او دیده شده بود، است ... " عهد تو بدیده " در مصراع فوق بنا بر ضرورت شعر به جای عهد به دیده تو یعنی عهدی که تا به حال از تو دیده شده بود، استعمال شده و ... " (ص ۱۴۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. مجله یادگار در صفحاتی از مجله به نام " ما و خوانندگان " با طرح پرسش خوانندگان به آنها پاسخ می‌داده است. در این شماره از مجله نیز به اشکالات وارد شده بر سه بیت از سروده‌های سعدی پاسخ گفته شده است. که در دو مورد نخست بر مبنای درست معناشناسی و نسخه‌شناسی آثار سعدی، به گونه‌ای مشروح و پذیرفتنی پاسخ داده شده است و در مورد بیت آخر گفتنی است که ضبط نسخه فروغی در متن " ندیده " و در پاورقی " بدیده " است.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۶-۵۰۲. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۶۷.

اصول زیباشناسی شعر و هنر ... ، پروفیسور فضل‌الله‌رضا، نگین، سال یازدهم، شماره ۱۲۲، سی و یکم اردیبهشت ۱۳۵۵، صص ۱۱-۱۲ و ۶۰-۵۸.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته دنباله گفتار بلندی است درباره شناسایی زیبایی‌های شعر و هنر.
- ۱-۱. اشاره به هدف و شیوه عملکرد در مقاله: " کار ما در این رساله بر مبنای دریافت و شناسایی زیبایی‌های شعر فارسی از راه تجزیه و تحلیل دانشی است. کار نقد بر عهده گرفته‌ایم و روشن است که از مدح و ذم تعصب‌آلود به دور خواهیم ماند ... با پوزش از سعدی‌پرستان در این چند صفحه از پی انجام برنامه‌ای که در پیش گرفته‌ایم، پره‌ای زر پیکر طاووس سخن در پی را نادیده می‌گیریم. از آن اندام که زیبایی آن چشم‌گیر نباشد، سخن می‌گوییم ... شاید هم روا نباشد که مقتضیات قرون پیش را در نظر بگیریم و سخن‌های دیروز را با معیار امروزی زیباپسندی خاطر خود بسنجیم ... " (صص ۱۱-۱۲).
- ۱-۲. بازنمود برخی از سروده‌های سعدی که از شعر ناب فاصله گرفته و به نظم گراییده است. با توضیحاتی درباره آن گونه از ابیات، از جمله: " سعدی با رسالتی که از پی وعظ و حکمت و درس مدرسه در ذهن داشت، گاهی این گونه نظم‌ها را به خاطر عامه خوانندگان می‌سرود و شک نیست که رسالت هر شاعری او را پای‌بند می‌کند ... کوشش ما در این مقاله دریافتن روشی برای جدا کردن نظم‌ها از شعرهای ناب سعدی و دیگران است " (ص ۱۲). در بلاغت سعدی شکی نیست، ولی از نظر هنری عقیده ندارم که قلیلی از این گونه ابیات و تمثیلات دکان‌داران را بتوان با اشعار لطیف عاشقانه یا سخنان بلند حکمت‌آمیز او در یک سطح قرار داد. به ذوق این ناچیز شاید اگر استادان ادیب پس از تجزیه و تحلیل و داوری عالمانه این قلیلی را از برنامه‌های درسی و کتاب‌هایی که مصرف عام غیرتخصصی دارند فرو بگذارند، برای مقام شیخ اجل نیز شایسته‌تر باشد (ص ۵۸). سخن سعدی که در پیش گفته آمد اندرز بسیار مفیدی است که چهار طبع مخالف سرکش آدمی دو روزی حیات زودگذر ما را میسر کرده‌اند، اما بیان آن شاعر دیگر که در یک مصرع می‌گوید: " بنیاد عمر بسته به موی است هوش دار " به دید زیباشناسی ما در این مقالات خوشتر از " جان شیرین برآید از قالب " است.

به طور کلی (نه که به وجه مطلق) هر چه رسالت‌های اجتماعی و دینی و فرهنگی و وطنی و مانند آنها پای‌گیرتر باشد، سخن به نظم نزدیک‌تر می‌شود، هر چه شاعر خیال‌انگیزتر و جهانی‌تر سخن بیاورند، سخنش به سوی شعر ناب روان‌تر خواهد بود " (ص ۵۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، مظاهر مصفا.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۰ بار، گلستان ۵ بار، قصاید ۱ بار، بوستان ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. هدف این نوشته، نشان دادن تفاوت شعر ناب و کلام منظوم است، نگارنده برای رسیدن به مقصود خویش از سروده‌های سعدی بهره جسته و ضمن بزرگداشت مقام سعدی در سخن‌سرایی، و تأکید بر قله‌نشینی او، برخی از سروده‌های او را برای کلام منظوم که از شعر ناب فاصله گرفته مثال آورده، و بررسی کرده است. همان گونه که نگارنده نیز اشاره کرده‌اند، با آنکه سعدی شهریار ملک سخن است ولی نمی‌توان همه سخنان او را معیار شعر ناب و ملاک هنر اصیل دانست. در برخی از مواقع، بویژه هنگامی که سعدی برای هدف‌های اجتماعی و تربیتی دست به قلم برده و مخاطب او عموم مردم بوده است، همه سروده‌های او از نظر میزان بهره‌وری از هنر ناب یکسان نیست.
- با آنکه در این مقاله سخن چندان تازه‌ای مطرح نشده ولی این نوشته و نوشته‌هایی از این دست که به دور از جانب‌داری‌های متعصبانه و با رعایت اعتدال در داوری به نقد متون ارزشمند گذشته می‌پردازند، برای غباررویی از چهره حقیقت و دست‌یابی به یک شناخت درست، بسیار کارساز و ارزشمند هستند.

افصح‌المتکلمین سعدی شیرازی ، روزنامه قدس، سه‌شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۷، ص ۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح کلی درباره زندگی، تحصیلات و مسافرت‌ها و آثار سعدی.
- ۱-۲. نقل عبارت‌هایی از پیام آیت‌الله خامنه‌ای به کنگره بزرگداشت سعدی.
- ۱-۳. نقل غزل " من چه در پای تو ریزم ... ".
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. ۲-۲. ذکر جمیل سعدی، ج ۱.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته به معرفی کلی سعدی پرداخته و در آن سخن تازه‌ای نیست.

افکار سعدی (۱) ؟ ، مجله رستاخیز، سال اول، شماره دوم، ۲۵ رجب ۱۳۴۲ قمری، صص ۲۸-۳۶.

۱. مضامین اصلی ۱-۱. توضیح درباره وجود مفاهیم اجتماعی و اخلاقی در آثار سعدی و تأکید بر شجاعت سعدی در بیان این مفاهیم در برابر حاکمان زمان خود (صص ۲۸-۳۵).
- ۱-۲. اشاره به مناعت طبع و وطن‌دوستی سعدی (صص ۳۱-۳۰).
- ۱-۳. تأکید بر تعصب سعدی در مسائل مذهبی و انتقاد از طرز فکر او (صص ۳۳-۳۲) از جمله: " در بوستان لاف بسیار بزرگی زده و تعصب خود را بدون بیم و ملاحظه بیان کرده و حتی اعتراف به قتل نموده، چنانچه در باب هشتم نقل کرده که در سومنات به تدبیر وارد پتخانه‌ای شده و... البته پس از این که شرح دوره‌ای را که در آن سعدی می‌زیسته بدسیم، معلوم می‌شود که این تعصب بیشتر از اثر آن عصر و معلومات آن زمان است ولی با خیالات تصوف سعدی بسی مناعت دارد.

- از کسی که گفته: "عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست" و یا سروده است: "بني آدم اعضاي يکديگرند" بسی عجب است که حرکات ناشایست از قبیل قتل و خریدن خانه به واسطه همسایگی با یهودی به خود نسبت دهد... (صص ۳۳-۳۲).
- ۱-۴. توضیح درباره دوره‌های زندگی سعدی و تأکید بر این مطلب که سعدی پس از گذراندن دوره طفولیت بخشی از جوانی خود را به عیش و عشرت گذرانده و سپس از این راه برگشته و به پاکدامنی زیسته است. (صص ۳۵-۳۴).
- ۱-۵. اشاره به عرفان عاشقانه سعدی و مقابله او با تظاهر و زهد خشک (صص ۳۶-۳۵).
۲. منابع اصلی ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی ۱-۳. گلستان ۲۰ بار، بوستان ۱۱ بار، قصاید ۲ بار، غزلیات ۲ بار.
۴. اشاره ۱-۴. رک. بخش سوم مقاله.

افکار سعدی (۲) ؟ ، مجله رستاخیز، سال اول، شماره سوم، ۲۶ شعبان ۱۳۴۲ قمری، صص ۱۲۵-۱۲۰.

۱. مضامین اصلی ۱-۱. اشاره به موضوع عشق در باب سوم بوستان و باب پنجم گلستان و توضیح درباره کیفیت عشق در نظر سعدی، از جمله: "باید دانست که مقام عشق در نظر شاعر بسی بلند و مرتبه‌اش نهایت ارجمند بوده. عشق در نظر او دور از شهوترانی و هوس‌بازی بل وسیله تهذیب اخلاق و خدایرستی است". (صص ۱۲۱-۱۲۲).
- ۱-۲. بررسی موضوع عشق در باب سوم بوستان و تأکید بر تعالی مفهوم عشق در این باب، با ذکر شواهد (صص ۱۲۵-۱۲۲).
۲. منابع اصلی ۱-۲. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی ۱-۳. بوستان ۲۱ بار، گلستان ۱ بار.
۴. اشاره ۱-۴. رک بخش سوم مقاله.

افکار سعدی (۲) ؟ ، مجله رستاخیز، سال اول، شماره هفتم، صفر ۱۳۴۲ قمری، صص ۲۱۷-۲۱۲.

۱. مضامین اصلی ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و بررسی مفهوم عشق در باب پنجم گلستان؛ از جمله: "شیخ در این باب شرح عشق مجازی را چنانچه هست داده و اثرات آن را بیان کرده و هیچ بر او جای ایراد نیست، چه همان طور که نقاش هرگاه صورت زشت و بدترکیبی کشد که مطابق با صورت حقیقی باشد، دلیل مهارت او است و به او نمی‌توان گفت چرا چنین تصویری کشیدی، همان طور هم بر شاعری چون سعدی نتوان ایراد گرفت؛ چرا شرح عشق مجاز را چنانچه هست یا فهمیدی، دادی. بلکه اگر به دیده انصاف نگریم، این باب همچون آینه‌ای است زیبا و ظریف که قبايح و اثرات سوء نفس‌پرستی و هوس‌بازی از آن به‌خوبی معلوم گردد... (ص ۲۱۳).
- از تمام گفتار سعدی، چه در بوستان، چه در گلستان و چه در جاهای دیگر به خوبی معلوم می‌شود که شیخ اجل عشق مجاز را صراحتاً تقبیح و رد کرده... (ص ۲۱۶).
۲. منابع اصلی ۱-۲. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی ۱-۳. گلستان ۱۴ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره ۱-۴. در این مقاله سه قسمتی که به عنوان مقدمه‌ای بر افکار سعدی نوشته شده، در مورد مناعت طبع سعدی و اخلاق نیک او، همچنین درباره ویژگی عشق در نظر سعدی بر اساس مطالب باب سوم بوستان و باب پنجم گلستان توضیحاتی داده شده و عشق در نظر سعدی به عنوان مفهومی متعالی و معنوی شناخته شده است که با عشق‌های مجازی سازگاری ندارد. البته بررسی مفهوم عشق از دیدگاه سعدی، مجال گسترده‌تر می‌طلبد اما آنچه به کوتاهی می‌توان بدان اشاره کرد این است که در نظر شاعران جمال‌پرستی چون سعدی همه زیبایی‌های عالم صورت نمود و نشانه‌ای از زیبایی‌های عالم بالاست و عشق بدان‌ها نه تنها قبیح نیست بلکه شایسته و بایسته هم هست.
- ۴-۲. نشانی نمونه‌های شاهد و مأخذ مقاله مشخص نشده است.

اقبال لاهوری و شعرای سبک هندی ، دکتر محمد ریاض، هلال، جلد ۱۹، شماره ۱۲، فروردین ۱۳۵۱، شماره مسلسل ۱۲۲، صص ۲۶-۲۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره سبک عراقی و تأکید بر تأثیرپذیری اقبال از شعرای این سبک (صص ۲۲-۲۱).
- ۱-۲. بررسی نمونه‌هایی از تأثیرپذیری اقبال از مولوی، سعدی و حافظ (صص ۲۵-۲۲).
- ۱-۲-۱. در بخش مربوط به تأثیرپذیری اقبال از سعدی، نمونه‌هایی از تأثیرپذیری اقبال از گلستان، غزلیات و بوستان، بازنموده شده و پیش از آن آمده است: "شیخ اجل سعدی شیرازی به قول حافظ، استاد همه است و اقبال لاهوری هم نسبت به استاد شیرازی سخت علاقه‌مند بوده است. سعدی در بسیاری از آثار و نوشته‌های اقبال مذکور و اشعار وی مورد تضمین و تحصیلات شاعر مشرق قرار گرفته است. از مکتوبات اقبال به نام غلام گرامی جالندری پیداست که او در بعضی از غزلیات خود اشعار سعدی را سرمشق تلقی کرده و به اقتفای آنها غزلیاتی را نوشته است ... (ص ۲۳).
۲. منابع اصلی: ۱-۲. در بخش مربوط به سعدی: الف: کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست). ب: اشعار اقبال لاهوری.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۵ بار، غزلیات ۴ بار، بوستان ۱ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. هدف این مقاله همان گونه که از عنوان آن پیداست، نشان دادن تأثیرپذیری اقبال از شعرای سبک عراقی است. و به همین منظور نمونه‌هایی از سروده‌های همانند اقبال با برخی از شاعران سبک عراقی برشمرده شده است، و از آن جمله تأثیرگذاری ده مورد از سروده‌ها و سخنان سعدی بر اقبال نموده شده است. البته چنانچه این تأثیر و تأثرات با تحلیل و بررسی همراه بود بر ارزش مقاله افزوده می‌شد، گفتنی است که موارد برشمرده شده، تنها برخی از نمونه‌های این تأثیر و تأثرات است.

اقتفای حافظ از سعدی ، پرویز خانگی، برگرفته شده از کتاب "مقاله‌ها و مقابله‌ها" - حافظ در اوج (۲)، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس، آبان ۱۳۵۶، صص ۹۶-۱۱۰.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۱، به کوشش محمدعلی صادقیان، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، صص ۲۳۷-۲۲۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. مقایسه سعدی و حافظ: " اگر سعدی را با حافظ تقارن فلسفی نیست و از نظر برداشت فکری و عقلی از حیات و طبیعت و اشیا هر کدام را چشم‌اندازی خاص است و از دریچه‌هایی متفاوت و روزنه‌هایی مختلف و مواضعی کاملاً دوگانه، جامعه بشری و روابط معقول و عاطفی آدمیان را می‌نگرد، ولی از نظر کلام بی‌تردید حافظ از سعدی مایه‌های فراوان وزنی و لفظی گرفته و همین اخذ تمعدي اوزان و قوافی، وجه اشتراك بياني آنها شده و ناخودآگاه عواملی بوده‌اند برای انتقال مضامین و مفاهیم فکری سعدی که بعد در قالب ذهنی حافظ در هیأت و کسوت خاص تفکر و تخیل او به طرف کلام در آمده‌اند ... " (ص ۹۷).

۱-۲. بررسی چگونگی اقتفای حافظ از سعدی: " گاهی این بهره‌گیری و اقتفا و استقبال آن چنان نزدیک و مشابه است که این فکر را تأیید می‌کند که حافظ هر غزل مورد علاقه را چونان نمونه و مدل پیش روی داشته و يك‌يك ابیات را به حوزه فکری و آفرینش ذهنی انتقال می‌داده و تخیل و ذهن خود را به بازآفرینی وا می‌داشته ... " (ص ۹۷).

۱-۳. مقایسه بیت‌هایی از سعدی و حافظ که وزن و قافیه مشترک دارند (صص ۹۸-۱۱۰) و تأکید مکرر بر ترجیح سروده‌های حافظ بر سعدی، از جمله: " در مورد کلمه "قیامت" حافظ به راستی قیامت می‌کند [در بیت " مست بگذشتی ... "] و گویی تعهد داشته که چنین محترمانه و ماهرانه اوج و ارجحیت کلام و فکر خود را بر سعدی نشان دهد ... " (ص ۹۹) ابیاتی از سعدی و حافظ که به نظر من اغلب به صورت‌های مختلف وجوه تمایز کلام حافظ در آنها روشن است نقل می‌کنم (ص ۱۰۱) در این غزل هر بیت حافظ که با بیت سعدی هم قافیه است، سنگینی و عمق بیشتری از ابیات سعدی دارد (ص ۱۰۵). این نیز از آن غزل‌هایی است که وجه اشتراك قافیه و وزن نتوانسته است، عامل وجه تشابه مضامین و مفاهیم آنها باشد، چه حافظ با انتخاب هر قافیه بیتی والا تر و عالی‌تر از سعدی ساخته است " (ص ۱۰۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۳۶ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. مقایسه سعدی و حافظ از موضوعاتی است که توجه بسیاری از سعدی‌پژوهان و حافظ‌پژوهان را به خود معطوف داشته و موجب پدید آمدن مقاله‌های زیادی شده است. نگارنده این مقاله که خود شاعری حافظ‌شناس است به همین منظور برخی از بیت‌های همانند سعدی و حافظ را (از نظر وزن و قافیه) با هم سنجیده و در همه موارد بر ترجیح سروده حافظ تأکید ورزیده است. در این نوشته که قبلاً به صورت سخنرانی در چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی خوانده شده، انتخاب نمونه‌ها برای سنجش با هم، انتخابی درست و بایسته است. زیرا برای مقایسه دو شاعر بهتر است سروده‌هایی از آنها گزینش شود که دارای وجوه اشتراك بیشتری هستند، اما به نظر می‌رسد شیفتگی نگارنده به حافظ در سلامت داوری او تأثیر گذاشته و باعث جانب‌داری‌های مکرر او از حافظ شده است. به عنوان مثال از اهل ذوق سلیم دعوت می‌کنیم تا موارد زیر را که نگارنده مقاله برای ترجیح سروده حافظ مقایسه کرده با هم بسنجند (برای رعایت اختصار به دو نمونه بسنده می‌شود):

سعدی:

در گلستانی کان گلین خندان بنشست سرو آزاد به يك پای غرامت برخاست
حافظ:

شمع گر زان لب خندان به زبان لافی زد پیش عشاق تو شب‌ها به غرامت برخاست
سعدی:

گر تیغ برکشد که محبان همی ززم اول کسی که لاف محبت زند، منم
حافظ:

چل سال بیش رفت که من لاف می‌زنم کز چاکران پیر مغان، کمترین منم ...

۴-۲. چنانچه نگارنده با تحلیل زیبایی‌شناسانه، دلایل ترجیح سروده‌های حافظ را در نمونه‌های مقایسه شده، روشن می‌نمودند، بر ارزش علمی مقاله افزوده می‌شد، بی‌گمان بسیاری از این داوری‌ها بر پایه ذوق و سلیقه نهاده شده است.

۴-۳. نشانی مأخذ مشخص نشده است.

امانت سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲، صص ۲۲۷-۲۳۰.
چاپ‌های دیگر: ۱. شناختی تازه از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۲۷-۲۹. ۲. سیماي سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶، صص ۲۰-۲۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ادعای سعدی مبنی بر اینکه همه ساخته‌ها و پرداخته‌های او از ذهن خودش تراویده و " حدیث دیگری بر خود نیسته " است. باز یافت برخی از ابیات عربی و فارسی گلستان علی‌رغم ادعای یاد شده در آثار پیش از سعدی. و طرح این پرسش که اگر ادعای سعدی درست باشد، پس چگونه است که برخی از سروده‌های دیگران را در گلستان خود راه داده و به نام خود ثبت کرده است؟ (صص ۲۲۹-۲۳۷) و پاسخ اینکه: " چند بیتی که از گویندگان دیگر در گلستان یافت می‌شود، به هیچ وجه به دست سعدی وارد گلستان نشده است و این کاتبان و مدرسان گلستان بوده‌اند که هرگاه بیتی مناسب با مقام به خاطرشان می‌رسیده، خواه از خود سعدی، خواه از دیگران، آن را در گلستان درج می‌کرده‌اند " (ص ۲۲۹).

۱-۲. بیان دلایلی برای اثبات این مطلب که چند بیت موجود در گلستان که متعلق به گویندگان دیگر است، به دست سعدی وارد گلستان نشده و این کار به دست دیگران صورت گرفته است.

۱-۳. بررسی چگونگی احتمال ورود بیتی از قصیده " بس بگردید و بگردد ... " در گلستان (ص ۲۳۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. البیان و التبيين، تحقیق و شرح از عبدالسلام محمد هارون. ۲-۳. گلستان، به تصحیح قریب. ۲-۴. ویس و رامین به اهتمام دکتر محمد جعفر محجوب.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۹ بار، بوستان ۱ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار، مثنویات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته با پرداختی زیبا و خواندنی چند بیت از گلستان را که سروده شاعران دیگر بوده و بدین اثر راه یافته بررسی کرده و با ذکر دلایلی کاتبان و مدرسان بعد از سعدی را عامل ورود این ابیات به گلستان دانسته است. شیوه مناسب پرداخت، تازگی موضوع، یادکرد دلیل برای اثبات ادعا و ذکر دقیق نشانی مأخذ و ایجاز بایسته از ویژگی‌های این نوشته است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مثلثات سعدی، حافظ و شاه داعی (۲)، دکتر جعفر مؤید شیرازی، یغما، سال سی و یکم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۷، ص ۴۹۰. ۵-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۳۶، ۲۰۵.

انتقاد ادبی، پیمان یغمایی، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم شماره ۳، خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۸۷-۱۸۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. انتقاد از نظرات محمدعلی جمالزاده در مقاله " رواج بازار شعر و شاعری - دنباله قسمت هشتم " و توضیح درباره نادرستی دریافت جمالزاده در شش مورد از مقاله یاد شده (صص ۱۸۷-۱۸۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نشده است) ۲-۲. " رواج بازار شعر و شاعری - دنباله قسمت هشتم "، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، فروردین ۱۳۵۲، شماره ۱، صص ۱۶-۵.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار، گلستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله برخی از نظرات محمدعلی جمالزاده در مقاله مورد نظر نقد و رد شده و نسبت به برخی از نظرات او اعتراض شده است.

نظر نخست آقای یغمایی در مورد مصدر " ترك گفتن "، و نظر چهارم او درباره دختر سعدی، نظراتی درست و پذیرفتنی است. اما اشارات دیگر او محل تأمل است، مثلاً در مورد غزل " ای لعبت خندان لب لعلت که گزیده است "، مفهوم عریان‌تر و آشکارتر از آن است که بتوان آن را در معنی غیرمجازی تصور کرد و برای آن معانی بلند عرفانی تراشید. به نظر این بنده نه توضیحات سبک مرحوم جمالزاده در تفسیر آن غزل مناسب است و نه توجیهاات غیرواقعی یغمایی، قابل پذیرش است. همچنین است نظر عجیبی که درباره مصراع " تا دست‌ها کمر نکنی در میان دوست " اظهار داشته‌اند، در معنی این مصراع نوشته‌اند: " یعنی تا دست به سینه نایستی و احترام لازم را بجا نیاوری موفق نخواهی شد. در میان دوست یعنی در محضر دوست، با حضور دوست ... ". شگفت است که مصراع‌ی بدین روشنی را تفسیری این‌چنین غریب کرده و در پایان در تأیید نظر خود نوشته‌اند: " این نکته بلائزاع و چون آفتاب روشن است " (ص ۱۸۷). بیت سعدی را یک بار دیگر باز می‌نگریم و به دلیل صراحت معنی، از هر توضیحی می‌پرهیزیم؛ تا دست‌ها کمر نکنی در میان دوست بوسی به کام دل ندهی بر دهان دوست

البته آقای جمالزاده در مقاله " توضیحی دیگر " مندرج در ارمغان شماره پنجم همان سال (مرداد ۱۳۵۲)، انتقادهای پیمان یغمایی را پاسخ داده‌اند.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. توضیحی دیگر، سید محمدعلی جمالزاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۲، صص ۲۹۸-۲۰۵.

اندر ترجمه گلستان و بوستان به زبان آلمانی، بزرگ علوی، ایران نامه (مجله تحقیقات ایران شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۸۹-۶۸۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی پیشینه آشنایی آلمانی‌ها با آثار سعدی و اقدامات آدام آریوس، در ترجمه گلستان و بررسی تاریخی رویکردهای دیگر به ترجمه گلستان (صص ۶۸۴-۶۸۲).

۱-۲. توضیح درباره ترجمه گلستان و بوستان از گراف (ص ۶۸۴).
۱-۳. توضیح درباره ترجمه بوستان از فریدریش روکرت (ص ۶۸۵).
۱-۴. توضیح درباره ترجمه گلستان از نسلمان، شاگرد روکرت (ص ۶۸۶).

۱-۵. اشاره به ترجمه‌های دیگر گلستان در قرن بیستم، از جمله ترجمه باب هشتم گلستان از فریدریش رزن، ترجمه منتخب حکایات گلستان (صدویک حکایت از گلستان) از گلیکه، تنقیح گلستان از روی ترجمه گراف از دیتر بللمان (صص ۶۸۷-۶۸۶).

۱-۶. نتیجه‌گیری: " برای ما ایرانیان نکته جالب این است که هنوز آثار سعدی در همه کشورهای آلمانی زبان، چه در آلمان فدرال و چه در جمهوری دموکراتیک آلمان، زنده و جاوید است و دانشمندان کشورهای متمدن آثار شاعر شیراز را جزو فرهنگ جهانی می‌شمارند " (ص ۶۸۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. منابعی که شرح آنها در بخش مضامین اصلی از ۱-۱ تا ۱-۵ آمده است.
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۱ بار (مقاله درباره ترجمه‌های مختلف بوستان و گلستان به زبان آلمانی است).

۴. **اشاره:** ۴-۱. هر چند بیشتر مطالب این نوشته بیشتر از این در مقاله‌های دیگر که با موضوع سعدی پژوهی در غرب، نوشته شده، بررسی گردیده است. اما پرداخت این مقاله که به گونه‌ای سامان یافته، تاریخچه ترجمه‌های آثار سعدی را به زبان آلمانی باز نموده، خالی از فایده نیست، بویژه آنکه برخی از این ترجمه‌ها به کوتاهی نقد و بررسی شده، از جمله اشاره به کوشش گراف برای نوشتن نثری مسجع و مرصع به شیوه گلستان و توجه روکرت به برگرداندن بوستان در قالب اشعاری به زبان آلمانی که با وزن متقارب بوستان هماهنگی بیشتری دارد (صص ۶۸۵-۶۸۴).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بزرگ‌واری، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمی، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، صص ۲۳۳، ۲۳۴.

اندر ملحقات بوستان (۱)، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۸۷، ۹ تا ۱۶ بهمن ۱۳۴۸، صص ۱۹-۱۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره نسخه بوستان چاپ رستم علی‌یف و انتقاد از اظهار نظر وی درباره ابیات الحاقی بوستان، از جمله: " از کجا معلوم شده که اشعار مورد استناد آقای علی‌یف " واقعاً نامانوس و سست " باشد و چگونه ثابت شد که این ابیات قطعاً در نسخه‌های تاجیکستان و چیستریتی و پاریس وجود ندارد؟ در حقیقت اگر محقق روسی قدری بیشتر در کار خود دقت کرده بود، متوجه می‌شد که بعضی از این ابیات فقط جا به جا شده ... " (ص ۱۸).

۱-۲. بررسی برخی از ابیاتی که در باورقی بوستان چاپ رستم علی‌یف به عنوان ابیات اضافی نوشته شده، ولی در محل دیگری از متن وجود دارد یا با ذهن و زبان سعدی کاملاً سازگاری دارد و مضامین مشابه آن در آثار دیگر سعدی آمده است (صص ۱۹-۱۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان چاپ رستم علی‌یف (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۰ بار، قاصد ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم آن در شماره بعد مجله (رنگین‌کمان، شماره ۸۸، ۱۶ تا ۲۳ بهمن ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰ و ۳۶) چاپ شده، رک. اشاره مربوط به بخش دوم مقاله.

اندر ملحقات بوستان (۲)، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۸۸، ۱۶ تا ۲۳ بهمن ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰ و ۳۶.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره پیشین مجله رنگین‌کمان (شماره ۸۷، ۹ تا ۱۶ بهمن ۱۳۴۸، صص ۱۹-۱۸) چاپ شده است.

۱-۱. ادامه یادکرد ابیاتی از بوستان که رستم علی‌یف در نسخه خود آنها را به عنوان ابیات الحاقی و اضافی به پاورقی منتقل کرده و تأکید نگارنده بر اصالت این ابیات و انطباق آن با ذهن و زبان سعدی، بعد از نقل ۱۵ بیت، در این باره نوشته‌اند: " این فقط نمونه‌ای از اشعار پر مغز و پخته‌ای بود که موارد مشابه آن را به آسانی در آثار سعدی می‌توان یافت و به این دلیل که در سه نسخه مورد اعتماد آقای علی‌یف مضبوط نبوده بر طبق قاعده ایشان از محلقات و اضافات بوستان باید باشد خیلی عجیب است که آقای علی‌یف به چنین استدلال ضعیفی تن داده باشد ... سپس آقای علی‌یف پنج قطعه را ذکر کرده که اتفاقاً قطعه چهارمی در نسخه پاریس ۱۳۸۱ و قطعه پنجمی در نسخه چیستریتتی مضبوط بوده و محقق روسی توجه نکرده و این دو نسخه البته از نسخه‌های " قدیم و اصیل " بوده که هر دو قبل از قرن هشتم کتابت شده است ... " (ص ۲۰).

۱-۲. اشاره به غلط‌های چاپی بوستان چاپ علی‌یف (ص ۲۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان چاپ رستم علی‌یف (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۸ بار، غزلیات ۱ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که در دو بخش و دو شماره مجله رنگین‌کمان چاپ شده، به نقد و بررسی روش و نظر رستم علی‌یف در چاپ بوستان سعدی پرداخته و با ذکر دلیل، نظر رستم علی‌یف را در الحاقی شمردن حدود هفت صد بیت از بوستان رد کرده است. با توجه به دلایل مطرح شده، در بیشتر موارد حق با نگارنده مقاله است. نقد و بررسی نوشته‌هایی که بر اساس آثار سعدی به وجود آمده، بویژه نسخه‌های گوناگون آثار سعدی که با روش‌های مختلفی چاپ شده، برای شناخت درست سعدی و جلوگیری از گمان‌های اشتباه و داورهای سلیقه‌ای و ناشایست درباره آثار سعدی روشن‌گر و مفید است و این مقاله نیز در شمار همین گونه از نقد و بررسی‌هاست.

اندیشه‌های اجتماعی سعدی، علی‌محمد حاضری، رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴، صص ۲۲-۲۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به پیشینه علوم اجتماعی (ص ۲۴). ۱-۲. توضیح درباره طرح مسائل اجتماعی در گلستان و بوستان: " در سراسر دو کتاب بوستان و گلستان يك خط فکری و چارچوب اندیشه‌ای معین و مشخصی برای سعدی نمی‌توان یافت. به عنوان مثال او در زمینه میزان اراده و اختیار فرد در زندگی فردی و اجتماعی نظریاتی ابراز داشته است که از جبرگرایی و بی‌اختیاری مطلق فرد شروع می‌شود و تا نقطه مقابل آن یعنی فردگرایی و ارادی پنداشتن کلیه اعمال و انتخاب‌ها پیش می‌رود ... او را نمی‌توان يك متفکر و اندیشمند ژرف‌نگر و عمیق و صاحب‌نظری مستقل و استوار دانست ... بلکه او يك ادیب تیز هوش نکته‌پرداز و هنرمندی است که تصویرگر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم است ... (ص ۲۴) در موارد متعددی نیز مطالبی را می‌توان یافت که کمابیش از ضعف شخصیت و کمبود تقوا و حتی در مواردی از انحراف اخلاقی او حکایت می‌کند ... در آثار او، در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم تربیتی، علوم سیاسی و کشورداری و تا حدودی اقتصاد مباحثی وجود دارد " (ص ۲۵).

۱-۲. اصلی‌ترین مباحث اجتماعی سعدی:

۱-۳-۱. " فلسفه جبرگرایی، عدم دخالت و تأثیر شرایط اجتماعی و محیط تربیتی در شخصیت افراد " - با ذکر ۹ نمونه شاهد (صص ۲۵-۲۶).

۱-۳-۲. " بینش مبتنی بر نقش تعیین کننده جامعه و شرایط تربیتی و محیطی در تکوین شخصیت افراد " - با ذکر ۴ نمونه شاهد (ص ۲۶).

۱-۳-۳. " اصالت جامعه و نگرش به آن به عنوان يك پیکر واحد و توصیه به خدمت و ایثار فرد برای سلامت جامعه " - با ذکر ۴ نمونه شاهد (ص ۲۶).

۱-۳-۴. " فردگرایی و توصیه به حفظ سلامت زندگی فردی، ... به عکس آنچه در مورد پیش گفته شد " ... - با ذکر ۶ نمونه شاهد (ص ۲۷).

۱-۳-۵. " درك نیروی عظیم توده‌های به هم پیوسته مردم و توصیه به وحدت " - با ذکر ۳ نمونه شاهد (ص ۲۷).

۱-۳-۶. " هم فکری و عفت، شرط نشاط و سلامت زندگی خانوادگی است " - با ذکر ۳ نمونه شاهد (ص ۲۷).

۱-۳-۷. " تحرك روانی یا خود را به جای دیگری فرض کردن " - با ذکر ۲ نمونه شاهد (ص ۲۸).

۱-۳-۸. " اعتباری بودن بعضی از ارزش‌ها و قضاوت‌ها به دلیل اختلاف شرایط " - با ذکر ۲ نمونه شاهد (ص ۲۸).

۱-۳-۹. " نکته‌هایی در علوم تربیتی و روش‌های آموزش " - با ذکر ۴ نمونه شاهد. (ص ۲۸).

۱-۳-۱۰. " اشاره به انقلاب‌های اجتماعی و زیر و رو شدن موقعیت‌ها و نقش‌ها و ارزش‌ها در جامعه " - با ذکر ۱ نمونه شاهد (ص ۲۸).

۱-۳-۱۱. " توجه به تحولات فردی و اجتماعی و عدم ثبات روابط بین افراد و توصیه‌های مربوط به آن " - با ذکر ۲ نمونه شاهد (ص ۲۸).

۱-۳-۱۲. " کم بها دادن به طهارت نفس، نوعی مادی‌گرایی و اصالت ارزش‌های مادی " - با ذکر ۳ نمونه شاهد (ص ۲۹).

۱-۳-۱۳. " تقابل ارزش‌های معنوی با رفاه‌طلبی " - با ذکر ۹ نمونه شاهد (ص ۲۹).

۱-۳-۱۴. " مسائل مربوط به سیاست و کشورداری و مسائل نظامی و سیاست‌های جنگی " - با ذکر ۱۸ نمونه شاهد (صص ۲۹-۳۱).

۱-۳-۱۵. " اشاره به تروریست‌های اقتصادی (اهمیت دزدی‌های تجاری در مقابل دزدی‌های معمولی) " - با ذکر ۱ نمونه شاهد (صص ۳۱-۳۲).

۱-۳-۱۶. " درك رنج و زحمت دیگران جز با لمس آن ممکن نیست " - با ذکر ۳ نمونه شاهد (ص ۳۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، انتشارات جاویدان.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۳۷ بار، بوستان ۲۷ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بررسی اندیشه‌های اجتماعی سعدی از موضوعاتی است که بسیاری از سعدی‌پژوهان را به خود مشغول داشته و تا کنون نوشته‌های زیادی با این موضوع فراهم آمده است.

در این مقاله نیز اندیشه‌های اجتماعی، تربیتی و تعلیمی سعدی به ۱۶ دسته تقسیم و با یادکرد ۷۴ نمونه از سخنان و سروده‌های او باز نموده شده است، که برای شناخت این جنبه از ویژگی شخصیت سعدی سودمند است. اما نویسنده مقاله هیچ اشاره‌ای به پژوهش‌های پیشین نکرده در حالی که بیشتر نظراتی که در این مقاله بیان شده پیش از این نیز در نوشته‌های دیگران مورد توجه بوده است.

۴-۲. در حکایت‌های گلستان (و گاهی بوستان) شخصیت‌های متفاوت با دیدگاه‌های متناقضی با هم مناظره و مشاجره دارند که هر کدام برای تأیید نظر خود سخنانی را بیان می‌دارند. این سخنان متناقض لزوماً نظر خود سعدی نیست و نمی‌توان هر کدام از آنها را به تنهایی باز نمود و نشانی از اندیشه سعدی دانست. نویسنده این مقاله گاهی به این اصل بی‌توجه بوده است. و جالب‌تر اینکه گاهی گفت‌وگوهای دو شخصیت را از يك حکایت برگزیده و در دو دسته مختلف به عنوان نظرات متناقض سعدی بیان کرده است، از جمله: در ص ۲۵ زیر عنوان " جبرگرایی، عدم دخالت و تأثیر شرایط اجتماعی و محیط تربیتی در ساخت شخصیت افراد " ابیاتی چون " پرتو نیکان

نگیرد ... و عاقبت گرگ‌زاده و ... " را شاهد گرفته و در ص ۲۶ زیر عنوان " بینش مبتنی بر نقش تعیین کننده جامعه و ... " می‌نویسد: " به عکس مورد اول سعدی در مواردی نیز سعی می‌کند عوامل تربیتی و محیطی و شرایط اجتماعی را در تکوین شخصیت افراد کاملاً مؤثر قلمداد کند ... " و ابیاتی چون: " با بدان یار گشت ... و سگ اصحاب کُهِف ... " را شاهد گرفته‌اند. در حالی که این سروده‌های متناقض در واقع نظرات وزیر و پادشاهی است که در یکی از حکایت‌های باب اول گلستان در خصوص فرزند اسیر شده دزدی با هم اختلاف نظر دارند و نه نظرات متناقض سعدی. این اشتباه را برخی دیگر از نویسندگان نیز مرتکب شده‌اند، از جمله: " محمد حسین سروری در مقاله نظریات تربیتی سعدی در سیستم جدید آموزش و پرورش، دانشکده ادبیات تبریز، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۴۷، صص ۵۰۴-۴۹۶ "

۲-۴. در مورد مطلب شماره ۱۲ (کم بها دادن به طهارت نفس، نوعی مادی‌گری و ...) گفتنی است که نمونه‌های شاهد نمی‌تواند موضوع مورد نظر را تأیید کند. سعدی در این سروده‌ها به عبادت‌های خالی از روح و معنویت که به سختی‌ها و فقر مردم بی‌توجه است، اعتراض می‌کند، نه اینکه نشانی از " کم بها دادن به طهارت نفس ... " است.

انوشیروان و بوزرحمهر در گلستان سعدی، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰، صص ۸۵-۹۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به اسطوره‌ای شدن شخصیت انوشیروان و بوزرحمهر به عنوان مظهر عدل و خرد در فرهنگ ایرانی (ص ۸۵).

۱-۲. توضیح درباره انگیزه سعدی از پرداختن به شخصیت انوشیروان و بوزرحمهر در حکایت‌های گلستان: " دو عنصر خرد و عدالت که همچون دو پایه استوار و وزین تمامی سنگینی فرهنگ سیاسی ایرانی بر آن استوار است، صریح‌ترین بازآمدهای خود را در همین حکایات بوزرحمهر و انوشیروان یافته است (ص ۸۶). داستان‌های مربوط به انوشیروان و بوزرحمهر محمل معتبر و حساسی بوده است که از خلال آنها دانای شیراز می‌توانسته است به مسائل عدل و خرد بپردازد " (ص ۸۷).

۱-۳. بررسی معناشناسانه حکایت‌هایی از گلستان که در آنها از بوزرحمهر و انوشیروان سخن رفته است. و نتیجه‌گیری از این حکایت‌ها، از جمله: " دو موجود نمادین " انوشیروان " و " بوزرحمهر " در گلستان، همچنان که در منابع دیگر، بیش از آن که معرف " شاه " و " وزیر " باشند، در واقع مبین دو فضیلت اساسی در فرهنگ سیاسی ایرانند، یکی عدالت و دیگری خردمندی. بنابراین ایده‌آل توأمان عدالت و خرد - که انوشیروان و بوزرحمهر را باید دو نماینده سمبلیک آن دانست - بی‌شک دو پایه و محور اصلی در مشروعیت و مرجعیت سیاسی در فرهنگ سیاسی ایران را تشکیل می‌دهد (ص ۸۹). جالب توجه است که تمامی پنج باری که از انوشیروان و یا از انوشیروان و بوزرحمهر در گلستان یاد شده، همه در باب اول (در سیرت پادشاهان) است. این امر خود مبین ویژگی خاص گلستان سعدی در ترویج مقوله " فیلسوف - پادشاه " در گستره وسیع‌تری از اقبال و مشروعیت فرهنگی است. بدین سبب گلستان سعدی را به طور قطع یکی از ارکان اساسی فرهنگ سیاسی ایران می‌توان شناخت (ص ۹۲). مهم‌ترین نقش سعدی در این مورد، تعمیم مقوله " فیلسوف - پادشاه " به فصل مهمی در گلستان (در سیرت پادشاهان) است ... این باب از گلستان را باید یکی از دیرپای‌ترین معیارهای استاندارد مشروعیت سیاسی در ایران به شمار آورد " (ص ۹۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸. ۲-۲. جمهور، افلاطون، ۵ ۴۷۳ c.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله برای نخستین بار شخصیت انوشیروان و بوزرحمهر، به عنوان دو نماد عدل و خرد، در چند حکایت از گلستان به دقت بررسی شده و بر اساس آن تحلیل، گلستان به عنوان " یکی از ارکان اساسی فرهنگ سیاسی ایران " دانسته شده است. دقت در جزئیات، پرهیز از کلی‌گویی، تازگی نگاه و یادکرد نشانی مأخذ و نمونه‌های شاهد از ویژگی‌های این مقاله است.

اهمیت آثار سعدی در امپراطوری عثمانی و دوران جمهوریت ترکیه، تحسین یازیچی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۱۷-۲۲۸. چاپ‌های دیگر: ۱. روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۳، ص ۸ (با عنوان " در آسیای صغیر نیز سعدی هرگز نمرده است ").

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مولوی، سعدی و امیرخسرو دهلوی به عنوان سه معلم انسانیت و اخلاق که در قرن هفتم هجری و در دوران وحشت مغول پا به عرصه ادب می‌گذارند و " در چنین پهن دشت وسیع ادب و اخلاق، وحشی‌گری مغول اهلی می‌شود " (ص ۳۲۰).

۱-۲. اشاره به روابط و مناسبات گرم سیاسی بین ایران و آسیای صغیر در قرن هفتم هجری، و تأثیر این روابط در گسترش زبان فارسی (ص ۳۲۱).

۱-۳. بررسی آثار سعدی در آسیای صغیر از نظر تاریخی در سه دوره:

۱-۳-۱. دوران سلاجقه: در این دوره " افلاکی مقدمه گلستان را به مقدمه اثر خود [مناقب‌العارفین] نقل می‌کند ... و نخستین ترجمه در قرن نهم هجری از گلستان صورت می‌گیرد. " (ص ۳۲۱).

۱-۳-۲. دوران آل عثمان: در این دوره " آثار شاعرانی چون سعدی، کتاب اخلاق مردم مسلمان و راهنمای ادبی شاعران است ... و از قرن نهم تا چهاردهم، نظم و نثر، تنها از گلستان هفت ترجمه به وجود می‌آید. " (ص ۳۲۱). - معرفی ترجمه‌های گلستان که توسط مترجمین زیر در این دوره صورت گرفته است: محمودین قاضی مانپاس، محموداسعد افندی، حسن رضایی، بابا داغی، محمد سعید، احمد صائب و صافی اسکداری (ص ۳۲۲) و نتیجه اینکه: " در دوران دراز مدت عثمانیان از یک طرف گلستان به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شود و از طرفی به عنوان اثری آموزنده ملهم از کتاب آسمانی، راهنمای اخلاقی مردم ترک قرار می‌گیرد " (ص ۳۲۳).

۱-۳-۳. دوران جمهوریت - معرفی چهار نمونه از ترجمه‌های گلستان که مترجمین زیر در این دوره پدید آورده‌اند: کلیسلی رفعت (بیباکه)، نیکدلی حق‌ی از اوغلو، حکمت ایل آیدن، یعقوب نجف‌زاده (صص ۳۲۴-۳۲۳).

" تکرر و تجدید چاپ‌های مکرر و شمارگان پرچم گلستان و ادامه سیر زمانی آن، نشانه نمیرایی و استقبال همیشگی و پرحرارت مردم ترک، از این اثر اخلاقی و از این آموزگار لطیف زبان است " (ص ۳۲۴).

۱-۴. معرفی شرح‌های گلستان که در دوران امپراطوری عثمانی انجام گرفته است: (صص ۳۲۶-۳۲۴).

- نخستین شرح به زبان عربی از گلستان به وسیله یعقوب افندی سیدی علیزاده (۹۳۱ هـ).

- شرح مصلح‌الدین مصطفی ابن شعبان به عربی (وفات ۹۶۹ هـ).

- شرحی حاوی دیباچه گلستان توسط لامعی چلبی (۹۲۸-۸۷۷ هـ).

- شرح شمعی (وفات ۱۰۰۰ هـ). این شرح برای اولین بار به ترکی نگارش یافته و نشان می‌دهد که از این تاریخ زبان عربی در نگارش شروح به کار بسته نمی‌شود - شرح سودی (وفات ۱۰۰۵) عمیق‌ترین و صریح‌ترین شرح گلستان است، شرح حسن الکافی‌الاقحصاری، شرح هوایی بوسنوی (وفات ۱۰۱۷ هـ)، شرح عیش محمد افندی (وفات ۱۰۶۱)، شرح ضعیفی محمد افندی، شرح بوستان افروز از حسین الکفوی (۱۰۹۴-۱۰۲۸ هـ).

۱-۵. معرفی ۴ نمونه از نظایر گلستان در ادبیات عثمانی: "نگارستان شمس‌الدین احمد بن کمال پاشا (وفات ۹۴۰ هـ)، نخلستان شاعر عثمانی قره‌قزلی (وفات ۹۷۱ هـ). بلبستان محمدفوزی (وفات ۱۳۱۵ هـ). که آخرین نظیره گلستان است. - از نظیره محمد افندی قرن نهم هجری اثری در دست نیست." (ص ۳۲۶).

۱-۶. معرفی سه ترجمه از بوستان (صص ۳۲۷-۳۲۶): ۱. ۶۴ سال پس از مرگ سعدی و ۳۷ سال بعد از نخستین نقل از کتاب گلستان، بوستان از طرف شیخ مسعود بن عثمان به صورت تلخیص و با نام فرهنگ‌نامه سعدی در سال ۷۵۵ هـ. به ترکی ترجمه می‌شود. ۲. معلم رفعت (ترجمه بوستان) در ۱۹۲۴ م. در استانبول به چاپ رسید. ۳. ترجمه حکمت ایل آبدین نخست در سال ۱۹۵۰ م. و سپس در سال ۱۹۶۷ م. تجدید طبع شده است.

۱-۷. شروح بوستان: "به طور کلی همه شارحین گلستان به نحوی بوستان را نیز شرح کرده‌اند، مانند شروح سروری، سودی، هوایی بوسنوی، اسماعیل حقی جلویی، ولی تنها از این همه، شرح سودی در سال ۱۹۲۱ در استانبول به طبع رسیده است." (ص ۳۲۷).

۱-۸. ترجمه آثار دیگر سعدی: "دشواری ترجمه غزل سعدی، مانع ترجمه و شرح غزلیات سعدی است، با این همه، بخشی از غزلیات و قسمتی از رباعیات، ترجمه شده است و به نام حکمیات اسلامی، حکم دیوان و کلیات جمع‌آوری و ترجمه شده است." (ص ۳۲۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. مؤلفین عثمانی، بورسالی محمد ظاهر. ۲-۳. بروکلان.

۳. رویکرد به آثار سعدی: علاوه بر اینکه ترجمه‌ها و شروح گلستان و بوستان معرفی شده است، چند بار نیز به طور مستقیم از این آثار نقل شده: ۳-۱. گلستان ۹ بار، بوستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته با همه اختصار خود شناخت کوتاهی از ترجمه‌ها و شروح آثار سعدی را به زبان ترکی آسیای صغیر به دست می‌دهد.

۴-۲. نقل نشانی دقیق مراجع استفاده شده در بخش یادداشت‌ها بر ارزش مقاله افزوده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷.

این شعر سعدی چند جمله دارد؟ ، دکتر مهدی درخشان، ادبستان، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۲۵)، دی ۱۳۷۰، ص ۲۳.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره بیت زیر از گلستان سعدی، در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان درباره تعداد جملات این بیت:

دو چیز طیره عقل است، دم فرو بستن به وقت گفتن،

و گفتن به وقت خاموشی

نگارنده که پیش از نگارش این مقاله بیت را دارای سه جمله می‌دانستند با اصلاح نظر خود نتیجه می‌گیرند که: "شعر بیش از یک جمله ندارد. ولی اگر بخواهیم کلمات آن را تغییر دهیم و به عبارت معنایی که در پیش خود کرده‌ایم توجه داشته باشیم، شعر می‌تواند دارای سه یا پنج جمله باشد، بدیهی است این کار درستی نیست و برخلاف آیین دستور و سنت متعارف است ...".

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. مبنای این نوشته یک بحث دستوری است، نگارنده با آنکه خود، به یک جمله بودن بیت مورد نظر از سعدی، تأکید کرده‌اند، با دو تعبیر دیگر، بیت را به صورت سه جمله‌ای و پنج جمله‌ای هم تفسیر کرده‌اند. اما همان گونه که آقای میرصادق سید نورانی و رحیم ذوالنور نیز در "شش نامه پیرامون یک شعر سعدی" (ادبستان، سال سوم، شماره سوم، شماره پیاپی ۲۷، اسفند ۱۳۷۰، صص ۶-۴) اشاره کرده‌اند، جمله‌ای را که نگارنده مقاله برای برگرداندن بیت به نثر، نوشته‌اند، خود دچار مشکل است، نوشته‌اند: "به وقت دم فرو بستن، گفتن و به وقت گفتن، دم فرو بستن، دو چیز طیره عقل است".

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. "شش نامه پیرامون یک شعر سعدی، میرصادق سیدنورانی، جلال ستاری، معراجی، مسعود بهرامی، قربانعلی سراج و رحیم ذوالنور، ادبستان، سال سوم، شماره سوم (شماره پیاپی ۲۷)، اسفند ۱۳۷۰، صص ۶-۴. ۵-۲. باز هم پیرامون یک شعر سعدی، دکتر مهدی درخشان، ادبستان، سال سوم، شماره پنجم (پیاپی ۲۹)، اردیبهشت ۱۳۷۲، صص ۴۵-۴۴.

این گلستان همیشه خوش باشد ، دکتر محمدجعفر یاحقی، نشر دانش، آذر و دی ۱۳۶۸، صص ۲۸-۳۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره‌ای به تاریخچه چاپ‌های گلستان (ص ۳۴).

۱-۲. معرفی "گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی" (صص ۳۵-۳۸)، از جمله: "راهی که دکتر یوسفی برگزیده و شیوه‌ای که در برخورد با اصالت نسخه‌ها و کیفیت توأم با اشاره‌ای که در مواجهه با آرا دیگر شارحان در پیش گرفته است، خواننده با انصاف را از هر جهت متقاعد می‌کند که خود را با اجتهادی تازه روبرو ببیند و به رغم همسانی‌ها و همگونی‌های بسیاری که با دیگر چاپ‌ها احساس می‌کند، آن را کاری نوآیین و سزاوار تحسین و احترام تصور کند. این چاپ از گلستان سعدی بی‌گمان جامع‌ترین توضیحات و مفصل‌ترین نسخه بدل‌ها را در بر دارد ... " (ص ۳۵).

- اشاره به نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح متن گلستان دکتر یوسفی و بررسی آنها بر اساس مقدمه کتاب و نتیجه اینکه: "اشاره به برخی از این نسخه‌ها را از آن رو لازم دانستیم تا نشان بدهد که چگونه استاد یوسفی با شکیبایی و حوصله نسخه‌ها را مقایسه کرده و بدون اینکه از یافتن نسخه‌های تاریخ‌دار کهن ذوق‌زده شود، از روی متانت و آهستگی علمی و با تکیه بر موازین نقد و تصحیح متون، بهترین نسخه را - به رغم نسخه‌ها و چاپ‌های دیگر - اساس کار خود قرار داده است ... مصحح به مراعات حال خوانندگان تمام توضیحات مربوط به نسخه بدل‌ها را در پایان و پس از شرح و توضیح موارد مبهم کتاب آورده است و حال آنکه از جهات بسیار آوردن شرح نسخه بدل‌ها در حواشی صفحات ... مطلوب‌تر می‌نماید" (ص ۳۶).

- بررسی بخش توضیحات: "کار عمده مصحح ... تهیه و تدوین ۳۶۴ صفحه توضیحات کتاب است که علی‌القاعده باید بیشترین وقت و مقبول‌ترین مجاهدت‌های وی را نیز به خود اختصاص داده باشد ... دکتر یوسفی دست به تلاشی وسیع و زمان‌گیر زده است و انبوهی

از این شرح‌ها به فارسی و چندین زبان بیگانه را از نظر گذرانیده و در واقع عصاره دریافت پیشینیان را با دانش و بینش ادبی خود آزموده و آنگاه به عنوان تفسیر نهایی و فرجامین گلستان - دست‌کم تا روزگار حاضر - عرضه داشته است (ص ۳۶). کوشش در خوری که شارح در گردآوری اهم آرا و شرح‌های پیشین و نقد و نظر درباره اغلب آنها به خرج داده، کتاب حاضر را - علاوه بر فواید جانبی دیگر - حدوداً به صورت مرجعی متضمن عمده‌ترین اشاره‌ها درباره موارد مشکوک و مبهم گلستان قرار داده است ... در شرح استاد یوسفی جای توضیح پاره‌ای نکات بلاغی و اشاره به برخی صناعات که موجب تزیین کلام و زیبایی سخن شده ... خالی به نظر می‌آید (ص ۲۷) وظیفه سنگین دیگری که شارح محترم مسؤولانه و بدون این که لزوماً از او خواسته شده باشد، بر دوش کشیده، پیدا کردن مآخذ برخی از قصص و تمثیل‌های گلستان است ... برای تصحیح یک کتاب یک صد و چهل صفحه‌ای (گلستان بر اساس همین چاپ) ۲۰۷ کتاب و مآخذ فارسی و عربی و ۱۸ مآخذ کوتاه و بلند فرنگی دیدن و از آنها بهره بردن کوشش احترام‌انگیزی است که دست‌کم منصفان از اهل تحقیق را به شگفتی وا می‌دارد ... چاپ حاضر بیش از هر چاپ و شرح دیگری، به کمال مطلوب نزدیک شده و توقع جویندگان کلام سعدی را برآورده است ... چاپ کتاب هم همچون محتوای علمی آن آراسته و برازنده از آب در آمده است " (ص ۳۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. تمام متن درباره گلستان به تصحیح و شرح دکتر یوسفی است ولی - بجز یک مورد - رویکرد مستقیم ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته ضمن بررسی گلستان سعدی تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ویژگی‌های ارزشمند آن باز نموده شده و بر جنبه‌های علمی این اثر تأکید شده است. در نظر منتقد، این اثر " کاری نوآیین و سزاوار تحسین و احترام است و جامع‌ترین توضیحات و مفصل‌ترین نسخه بدل‌ها را در بر دارد ". دکتر یاحقی همچنین معتقدند اگر در این شرح به نکات بلاغی و ظرافت‌های ادبی کلام نیز توجه می‌شد و نسخه بدل‌ها در پاورقی متن می‌آمد و از ارجاع دادن توضیحات کوتاه پرهیز می‌شد، مناسب‌تر بود، که بجز مورد دوم (ذکر نسخه بدل‌ها در پاورقی متن) بقیه پیشنهادها بجا و مناسب است. و نسخه بدل‌ها همان‌طوری که منتقد خود اشاره کرده‌اند ویژه اهل تخصص و تحقیق است و تراکم آنها در پاورقی متن کتاب، برای استفاده عمومی چندان خوشایند نیست.

در هر حال در این نوشته با رعایت جانب عدل و انصاف، کتاب مورد نظر به گونه‌ای کلی و با شایستگی باز نموده شده است که چنانچه به جزئیات اثر یا یادکرد نمونه‌های شاهد نیز پرداخته می‌شد و به برخی از اشکالات کتاب هم اشاره می‌شد، به کمال مطلوب نزدیک‌تر بود.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. تصحیح انتقادی از گلستان، علی دهباشی، کلك، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، ص ۱۵۸.

ب

با بهار در گلستان ، رضا هادی‌زاده، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد سوم، شماره ۱ و ۲، سال ۱۳۶۹،

صص ۶۸-۵۳ .

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره هیات تحریریه مجله به مقاله حاضر و وجه تسمیه آن (ص ۵۳).

۱-۲. تأکید بر ارزش سخن سعدی و بیان موضوع مقاله: " موضوع این مقاله بررسی وجوه استعمال و انواع معانی " را " در گلستان است که مرحوم ملك الشعراء بهار در "سبک‌شناسی" و مرحوم دهخدا در " لغت‌نامه " فضیلت تقدم در اشاره به این بحث را دارند " (صص ۵۵-۵۴).

۱-۳. بیان وجوه و معانی " را " در گلستان سعدی:

۱-۳-۱. " حرف نشانه، علامت مفعول صریح یا بی‌واسطه یا مستقیم "، با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " این مورد استعمال دستوری و قیاسی بوده و حرف " را " با این معنی قریب ۲۷۲ بار در کلیات و قریب ۲۹۱ بار در شرح سودی استعمال شده است " (ص ۵۶).

۱-۳-۲. " را حرف نشانه مفعول صریح و تخصیص مسندالیه "، با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را " با این وجه استعمال قریب ۸ بار در گلستان به کار گرفته شده است " (صص ۵۷-۵۶).

۱-۳-۳. " پس از استخدام حرف " را " به عنوان علامت مفعول صریح (مفعول عربی) بیشترین میزان استعمال " را " در ترکیباتی است که با صیغه‌های مختلف "بودن و استن" مجموعاً به معنی "داشتن" به کار می‌رود "، با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " حرف " را " با این معنی و اسلوب قریب ۱۱۳ بار در گلستان کلیات و قریب ۱۲۸ بار در گلستان شرح سودی استعمال شده است " (صص ۵۸-۵۷).

۱-۳-۴. " به معنی حرف اضافه "به" با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را " در معنی به، قریب ۹۵ بار در گلستان شرح سودی و قریب ۸۹ بار در گلستان کلیات به کار رفته است " (صص ۵۹-۵۸).

۱-۳-۵. " به عنوان علامت مضافالیه در فك و قلب اضافه " با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه را، در گلستان شرح سودی قریب ۸۸ بار و در گلستان کلیات قریب ۵۱ بار به عنوان علامت مضافالیه در فك و قلب اضافه به کار رفته است " (صص ۶۰-۵۹).

۱-۳-۶. " دسته‌ای دیگر از جمل وجود دارد که حرف "را" در آنها نیز علامت مضافالیه در فك و قلب اضافه است، لیک مضاف که مسند و رابطه جمله است [؟] از ترکیبات " شایستن و شاییدن " است "، با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " از این قبیل قریب ده مورد در گلستان شرح سودی و قریب ده مورد در گلستان کلیات وجود دارد " (ص ۶۰).

۱-۳-۷. " به معنی "برای" با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه "را" در گلستان شرح سودی قریب ۶۵ مورد و در گلستان کلیات قریب ۷۱ مورد به معنی "برای" به کار رفته است " (صص ۶۱-۶۰).

۱-۳-۸. " در معنی " از " با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را " در گلستان شرح سودی قریب ۲۴ بار و در گلستان کلیات قریب ۲۷ بار به معنی " از " به کار رفته است " (صص ۶۱-۶۲).

۱-۳-۹. " به معنی " به نظر، بنابر رای، نزد " با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را " در گلستان شرح سودی قریب ۲۲ بار و در گلستان کلیات قریب ۲۵ بار به معنی مقوله اخیر به کار رفته است " (ص ۶۲).

۱-۳-۱۰. " به معنی " درباره " به عنوان علامت تأکید بر مسندالیه و تخصیص آن، " با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را، همراه با فعل " شنیدم " قریب نه بار در گلستان شرح سودی و قریب نه بار در گلستان کلیات با اسلوب فوق تکرار شده " (صص ۶۴-۶۳).

۱-۳-۱۱. " به معنی " درباره " به عنوان تأکید بر نهاد و تخصیص آن، " با بیان پنج نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را " با این استعمال قریب هفت بار در گلستان شرح سودی و قریب هفت بار نیز در گلستان کلیات به کار رفته است " (ص ۶۴).

۱-۳-۱۲. " به معنی " برای، نزد " ... ، با بیان سه نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " کلمه " را " قریب شش بار در گلستان شرح سودی بدین معنی به کار گرفته شده است " (صص ۶۵-۶۴).

۱-۳-۱۳. " به معنی " با ...، نسبت به ... " با بیان سه نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " از این نمونه قریب چهار مورد در گلستان شرح سودی و چهار مورد در گلستان کلیات وجود دارد " (صص ۶۵-۶۴).

۱-۳-۱۴. " به معنی " بر " با بیان دو نمونه شاهد از گلستان و نتیجه‌گیری اینکه: " از این نمونه چهار مورد در گلستان شرح سودی و چهار مورد در گلستان کلیات وجود دارد " (صص ۶۶-۶۵).

۱-۳-۱۵. " به معنی " مال، از آن " با بیان دو نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " از این نمونه قریب چهار مورد در گلستان شرح سودی و هفت مورد در گلستان کلیات به کار رفته است " (ص ۶۶).

۱-۳-۱۶. " به معنی " میان ... بین ... " با بیان دو نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " از این نمونه سه مورد در گلستان شرح سودی و همان سه مورد در گلستان کلیات وجود دارد " (ص ۶۶).

۱-۳-۱۷. " به معنی " ش " ضمیر شخصی در نقش مضاف‌الیه "، با بیان دو نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه: " از این نمونه قریب سه مورد در گلستان شرح سودی و همان سه مورد در گلستان کلیات وجود دارد " (صص ۶۷-۶۶).

۱-۳-۱۸. " به معنی " شایسته، سزاوار " با بیان دو نمونه شاهد و نتیجه‌گیری اینکه " موارد مذکور [دو نمونه یاد شده] نمونه این استعمال در گلستان شرح سودی و گلستان کلیات می‌باشد " (ص ۶۷).

۱-۳-۱۹. " به معنی " در " با بیان دو نمونه شاهد " (ص ۶۷).

۱-۳-۲۰. " به معنی " از سوی، از جانب، به وسیله " با بیان یک نمونه شاهد (ص ۶۸).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیر کبیر، ۱۳۵۶. ۲-۲. شرح سودی بر گلستان، تبریز. ۲-۳. سبک‌شناسی بهار. ۲-۴. لغت‌نامه دهخدا.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۷۸ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته به گونه‌ای مشروح انواع " را " در گلستان سعدی بررسی شده و معانی گونه‌گون آن با یادکرد نمونه‌هایی باز نموده شده است. دقت در بازیافت همه انواع " را " ها و باز نمود کارکرد این حرف در جمله‌های مختلف بر ارزش علمی مقاله افزوده است. نگارنده مقاله با اشاره به پژوهش‌های پیش از خود در موضوع مورد نظر و پاسداشت ارزش آنها به دلیل فضیلت تقدم، بر ارزش نوشته خود افزوده است: " موضوع این مقاله بررسی وجوه استعمال و انواع معانی " را " در گلستان است که مرحوم ملک الشعراء بهار در سبک‌شناسی و مرحوم دهخدا در لغت‌نامه فضیلت تقدم در اشاره به این بحث را دارند " (ص ۵۵). و به همین دلیل نام مقاله را نیز " با بهار [ملک الشعراء بهار] در گلستان " نهاده است.

بازپسین وداع با سعدی، حبیب یغمایی، آینده، جلد هشتم، شماره اول، فروردین ۱۳۶۱، صص ۷-۳. چاپ‌های دیگر: ۱- خاطرات حبیب یغمایی، به کوشش ایرج افشار، انتشارات طلایه، ۱۳۷۲، صص ۱۲۹-۱۲۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به سفر نگارنده مقاله به شیراز، زیارت آرامگاه سعدی و نگارش مقاله حاضر به عنوان وداع با آنجا (ص ۳).

۱-۲. توضیحات کلی درباره زندگی، مسافرت‌ها، دین و افکار سعدی (صص ۵-۳)، از جمله: " سعدی پیامبر فارسی است و معجزه او زبان او (ص ۳) سعدی به تمام معنی مسلمان است و سنی است ... شیراز و مردمش را و خاکش و کوجه‌هایش و باغ‌هایش را دوست دارد ... سعدی شاعر است، عارف است، واعظ است، طبیب است، نصیحت‌گر است، پندآموز است، آموزگار است، آمیزگار است، سیاستمدار است، عاشق‌پیشه است، رند است، زیباپرست است و ... (ص ۴). سعدی با سلاطین و وزیران و حکام دمساز است و معاشر است. اگر درباری است معزز و محترم است. خود را خوار و زبون نمی‌کند. خیرخواه مردم و واسطه خیر است و ... " (ص ۵).

۱-۳. تضمین مخمس از غزل " من چه در پای تو ریزم که سزای تو بود... " (صص ۶-۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. یک نسخه خطی قدیمی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۳ بار، گلستان ۲ بار، غزلیات ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته هیچ سخن تازه‌ای بیان نشده و تنها به برخی از کلیات زندگی و افکار سعدی اشاره شده است.

باز تذکری درباره "بغداد و تازی" در شعر شیخ اجل شیراز، سعدی، سید محمدعلی جمالزاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۲، صص ۷۳۵-۷۳۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به نوشته‌هایی که درباره بیت: " که سعدی راه و رسم عشق‌بازی چنان داند که در بغداد تازی " نوشته شده با تأکید بر معنی بیت در نظر نگارنده: " خود راقم این سطور، معتقد است که مقصود از مصرع دوم این است که سعدی راه‌ورسم عشق‌بازی را به همان خوبی می‌داند و می‌شناسد که در بغداد مردم آن شهر، زبان عربی را می‌دانند " (ص ۷۳۸).

۱-۲. نقل عباراتی از نامه سید ابوالقاسم انجوی شیرازی درباره اوضاع اجتماعی بغداد برای تأیید نظر جمالزاده درباره معنی بیت یاد شده از سعدی. در این نامه همچنین وجود برخی ابیات سست در کلیات سعدی تأیید شده و مربوط به دوره نخستین شاعری دانسته شده است " (صص ۷۳۲-۷۳۸).

۱-۳. بررسی اوضاع اجتماعی کشورهای متمدن و رواج فساد و ضعف " حس عفت و عصمت " در این گونه شهرها - برای تأیید نظر ابوالقاسم انجوی در مورد فساد موجود در شهر بغداد (صص ۷۳۵-۷۳۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نامه سیدابوالقاسم انجوي (مشخصات نامه معلوم نیست). ۲-۲. مقدمه لويي Pierre Louys بر رمان تاريخي آفروديت Ophrodite .

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته بیشتر بر اوضاع اجتماعي شهر بغداد و آوازه آن شهر در رواج فساد، تأکید شده و همه نوشتار برای دریافت معني بیت یاد شده سعدي است. اما دریافت معني این بیت (که سعدي راه‌ورسم عشق‌بازي - چنان داند که در بغداد تازي) به این همه حاشیه‌پردازی و درازي در سخن نیازی ندارد. و توضیحات این بخش حتي بر خلاف معني مورد نظر جمال‌زاده از بیت یاد شده است، در همین باره و در پاسخ به همین نوشته مقاله‌اي از منوچهر اسکندري (منو) در شماره دوم ارمغان (اردیبهشت ۱۳۵۳، صص ۸۶-۸۳) به چاپ رسیده است. ر.ک. آن مقاله در همین مجموعه.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. توضیحي دیگر درباره بغداد و تازي، منوچهر اسکندري (منو)، ارمغان، دوره چهل‌وسوم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۳، صص ۸۶-۸۲.

باز توضیح و تذکری درباره بغداد و تازي در شعر سعدي - هر دم از این باغ بري مي‌رسد - سید محمدعلي جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل‌وسوم، سال پنجاه‌وششم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۳، صص ۲۱۴-۲۰۵.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته پاسخي است به مقاله منوچهر اسکندري (منو) با نام "توضیحي دیگر درباره بغداد و تازي" (ارمغان، دوره چهل‌وسوم، سال پنجاه‌وششم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۳، صص ۸۶-۸۳).

۱-۱. اشاره به مقاله یاد شده از منوچهر اسکندري و نقد سخن او (صص ۲۰۶-۲۰۵).

۱-۲. توضیح درباره تعصبات و شیفتگی‌هایی که موجب بسته شدن چشم و گوش آدمي مي‌شود و هشدار در برابر این گونه از تعصبات (صص ۲۱۱-۲۰۶).

۱-۳. یادکرد خاطره‌اي از احمد کسروي و مکاتبات او با نگارنده (صص ۲۱۰-۲۰۹).

۱-۴. نقل برخی نظرات علي دشتي از کتاب قلمرو سعدي درباره عشق سعدي و تأیید نظر او (صص ۲۱۲-۲۱۱).

۱-۵. یادکرد برخی از ابیات سعدي برای تأکید بر عشق مجازي او (صص ۲۱۴-۲۱۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مقاله "توضیحي دیگر درباره بغداد و تازي، منوچهر اسکندري، ارمغان، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۳، ۲-۲. قلمرو سعدي، علي دشتي.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. غزلیات ۹ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. نویسنده این نوشته را به بهانه پاسخ به مقاله یاد شده از منوچهر اسکندري نگاشته و پس از رد نظر او درباره معني بیت مذکور، بر نظر پیشین خود تأکید ورزیده و درباره پرهیز از تعصباتي که موجب اشتباه در داوري مي‌شود، تذکر داده است.

در بخش پایاني مقاله نیز سخن تازه‌اي گفته نشده و نگارنده بر نظر پیشین خود که در قسمت هشتم از سلسله مقالات رواج بازار شعر و شاعري اظهار داشته بود (ارمغان، بهمن و اسفند ۱۳۵۱ و فروردین ۱۳۵۲ و اردیبهشت ۱۳۵۳) تأکید کرده است.

۴-۲. با آنکه تذکر جمال‌زاده درباره پرهیز از تعصب بجا و ارزشمند است، اما با توجه با اینکه این نوشته پاسخ نوشته منوچهر اسکندري است، لحن تند قلم او، با آنچه در مقاله اسکندري آمده، سازگاري ندارد. و عباراتي چون: "در کار قضا و داوري مجامله و خوش‌آیندگویی و مجیز و تمجید بی‌اساس حکم ضعف و تملق و چاپلوسی را پیدا مي‌کند و پسندیده نیست" در خور مقاله یاد شده نیست. زیرا در آن مقاله هم درباره معني بیت یاد شده نظري مانند نظرات دیگر - هر چند نه چندان درست - اظهار شده است.

۴-۳. حکایت مکاتبات نگارنده مقاله با احمد کسروي با توجه به بی‌نتیجه ماندن آن مکاتبات، تنها حجم مقاله را افزوده است.

۴-۴. در این نوشته اشتباهات زیاد چاپي به چشم مي‌خورد، از جمله: ص ۲۰۸، س ۴: اشعري (اشعاري) و س ۱۴: بی‌نظیر (بی‌نظیر) و دو سطر پایاني ص ۲۰۸ اضافي است و باید حذف شود، و ص ۲۰۹، س ۴: قشوراند لباب (قشور اندر لباب) و س ۶: لغوا احد (کفوا احد) و ص ۲۱۰، س ۶: سويسي نمی‌بینم‌ها (سويسي‌ها نمی‌بینم) و ص ۲۱۱، س ۱۱: انشال (امثال) و جالب‌تر از همه ص ۲۱۲، س ۹ شعر سعدي است: "لب از لب چو زلف خروس ابلهي بود" (چو چشم خروس) و

باز هم پیرامون يك شعر سعدي ، دکتر مهدي درخشان، ادبستان، سال سوم، شماره پنجم، پیاپی ۲۹، اردیبهشت ۱۳۷۱، صص ۴۵-۴۴.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته پاسخي است به مطالبی که با عنوان "شش نامه پیرامون يك شعر سعدي" در ادبستان (سال سوم، شماره سوم، اسفند ۱۳۷۰) به چاپ رسیده است.

۱-۱. اشاره به نوشته میرصادق سیدنوراني درباره "اصلاح يك پاسخ نادرست" (ص ۴۴).

۱-۲. اشاره به نوشته جلال راستي و توضیح درباره نگارش واژه "آئین" به جای "آیین" (صص ۴۵-۴۴).

۱-۳. اشاره به نوشته قربانعلي سراج و رد سخن ایشان که گفته‌اند "تعاريف ادبي و دستوري در همه جای دنیا باید یکی باشند ... " (ص ۴۵).

۱-۴. تأکید بر نظر پیشین مبنی بر اینکه بیت مورد نظر دارای يك جمله است: "اگر ما عین این شعر را نثر کنیم (که باید هم چنین باشد) بیش از يك جمله در آن نمی‌بینیم. ولي اگر تغییرهایی بدهیم و حذف فعل‌هایی را در نظر بگیریم، پاسخ به صورت‌های دیگری در مي‌آید ... " (ص ۴۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مطلبی زیر عنوان "شش نامه پیرامون يك شعر سعدي" میرصادق سید نوراني و ... ، ادبستان، سال سوم، شماره سوم، شماره پیاپی ۲۷، اسفند ۱۳۷۰، صص ۶-۴ .

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته، دکتر مهدي درخشان بر نظر پیشین خود (يك جمله‌اي بودن بیت مورد نظر از سعدي) تأکید ورزیده و به برخی از نظرات مندرج در "شش نامه پیرامون ... " پاسخ گفته است و در پیوند با سعدي سخن تازه‌اي بیان نشده است.

باز هم درباره "بني آدم ... " ، محمود امیدسالار، مجله ایران‌شناسي، سال پنجم، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۲، صص ۵۴۱-۵۳۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل خلاصه نظرات مجتبی مینوي، حبیب یغمایی، دکتر محمد خزائلي و دکتر غلامحسین یوسفی، درباره بیت "بني آدم اعضاي یکدیگرند - يك پیکرند" (صص ۵۳۹-۵۳۷).

۱-۲. اشاره به دو عبارت از "ضمیمه کتاب عهد اردشیر" و کتاب "جمهور افلاطون" که در هر دو کتاب، انسان‌ها و جامعه به یک اندام مانند شده‌اند که در اثر بروز مشکلات، اعضای مختلف بر هم تأثیر می‌گذارند، با نتیجه‌گیری زیر برای بیت یاد شده: "به دلیل آن که مضمون بیت سعدی را در متون حدیث تا فلسفه یونان باستان می‌توان یافت و علاوه بر آن نویسندگان متقدم بر سعدی هم در نوشته‌های فارسی و عربی خود آن را نثرا و نظماً به کار برده‌اند، این تصحیح قیاسی "یکدیگرند" به "یک‌پیکرند" چندان بی‌مورد نمی‌نماید. از آن گذشته به حکم ارجحیت ضبط دشوارتر بر ضبط آسان‌تر، و به حکم این که "یک‌پیکرند" در مقایسه با "یکدیگرند" ضبطی است دشوارتر، این تصحیح جایز است ... " (صص ۵۴۱-۵۴۰)

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸، ۲-۲. عهد اردشیر، تصحیح احسان عباس، ترجمه سید محمدعلی امام‌شوشتری، ۱۳۴۸، ۲-۳. جمهور افلاطون، کتاب پنجم، فقره ۴۶۲.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. آنچه در این نوشته تازگی دارد، اشاره‌هایی است که به دو عبارت از دو کتاب "عهد اردشیر" و "جمهور افلاطون" شده و برای تأیید مصراع گلستان به صورت "بنی آدم اعضای یک‌پیکرند" از آن عبارتها استفاده شده است.

با آنکه در بیت مورد نظر، "یک‌پیکرند" از "یکدیگرند" زیباتر و منطقی‌تر می‌نماید، آنچه موجب تردید برخی از صاحب‌نظران، از جمله دکتر یوسفی، برای پذیرش تصحیح بیت به صورت "یک‌پیکرند" شده، ضبط "همه نسخ معتبر" است که مصراع را به گونه "بنی‌آدم اعضای یکدیگرند" نوشته‌اند. و مصراع به این صورت دچار اختلال معنایی هم نیست، که ناگزیر به تصحیح باشد.

بازیافت غزلی غوغایی از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۱۲۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، صص ۲۲ و ۲۵.

۱. **مضامین اصلی** ۱-۱. توضیح درباره پیوند غزل فارسی و موسیقی (ص ۲۲).

۱-۲. تأکید بر پیوند شایسته غزل‌های سعدی با خنیا و خنیاگری و نقل عبارتهایی از مقدمه بیستون به عنوان نخستین نوشته‌ای که در تأثیر موسیقایی غزل‌های سعدی سخن به میان آورده است (ص ۲۲).

۱-۳. معرفی نوارکاست «دستان» و غزل زیبای سعدی که محمدرضا شجریان به گونه آواز بر روی این نوار اجرا کرده است (ص ۲۲).

۱-۴. اشاره به لغزش‌ها و انحرافات که در ضبط و خوانش شعر مورد نظر با مطلع «دوش دور از رویت ای جان، جانم از غم تاب داشت...» ایجاد شده است (ص ۲۲).

۱-۵. تصحیح همه بیت‌های غزل یاد شده و توضیح درباره آنها، با توجه به ضبط نسخه‌های فروغی، ایران‌پرست، یغمایی و بدل‌های آنها.

۲. **منابع اصلی** ۲-۱. غزلیات سعدی، به تصحیح حبیب یغمایی، ۲-۲. غزهای سعدی، به تصحیح نورالله ایران‌پرست، ۲-۳. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، ۲-۴. فرهنگ‌های لغت، به ویژه لغت نامه دهخدا، ۲-۵. دیوان غزلیات سعدی، با شرح ابیات، دکتر خلیل خطیب‌رهبر، ۲-۶. نوارکاست «دستان».

۳. **رویکرد به آثار سعدی** ۳-۱. غزلیات ۱۹ بار، گلستان ۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره** ۴-۱. این نوشته، یکی از شیواترین مقاله‌هایی است که در پیوند با تصحیح متن غزهای سعدی نگاشته شده است. نویسنده ژرف‌نگر مقاله، پس از مقدمه‌ای شیرین، با تیزبینی و سخن‌سنجی و نیز با استنادهای مکرر علمی در پی یافتن صورت درست غزل سعدی با مطلع زیر است:

دوش دور از رویت ای جان جانم از غم تاب داشت ابر چشمم بر رخ از سودای دل سیلاب داشت
و پس از بررسی نسخه‌های چاپی موجود و بدل‌های آنها، در پایان نوشته، متنی روشن و متناسب با ذهن و زبان استاد سخن، سعدی شیرازی، به دست داده است.

بحث درباره آثار سعدی...، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. گزارش کوتاهی از مراسم سخنرانی‌های علمی کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدی با اشاره به سخنان علی‌شیرازی، جری بچکا، عبدالکریم سروش، احمد احمدی، منصور رستگار، رایت کلینتون، محمدمهدی رکنی، امیکو اوکادا، رضا داوری و رضا هادی‌زاده.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته گزارش کوتاهی است از برخی سخنرانی‌های کنگره یاد شده و تنها جنبه خیری دارد.

بجای درباره سعدی، دکتر مهدی حمیدی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۷۰-۱۲۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به شعر فارس، پیش از سعدی: "از آغاز زبان دري تا روزگار سعدی، که در شهرهای بزرگ و کوچک ایران شاعران بسیاری ظهور کرده‌اند، در فارس نه یک شاعر پیدا شده است، نه حتی یک بیت شعر خواندنی به یاد مانده است. بنابراین سعدی اولین شاعر و نویسنده بزرگی است که در این سرزمین پا به عرصه ظهور گذاشته است." (صص ۷۱-۷۰).

۱-۲. شرح زندگی سعدی با استناد به سروده‌های او: "معملاً بین سال‌های ۶۱۰ تا ۶۱۵ در شیراز به دنیا آمده و در یکی از سال‌های بین ۶۹۰ تا ۶۹۴ از دنیا رفته است، در کودکی یتیم شده، همه قبیله او عالمان دین بوده‌اند، مردی نحیف اندام ولی پرتوان بوده، دین او دین اسلام بوده، مذهبش تسنن بوده و به خدا اعتقاد خالصانه داشته و البته مذهب او مذهبی واقعی و معنوی است که مانند مذهب همه عاشقان صادق از همه مذهب‌ها جداست. دوران زندگی‌اش مصادف با بلای عظیم حمله مغول بوده، ناچار دل به دریا زده و سر به آوارگی گذاشته، اگر چه آغاز این آوارگی به درستی معلوم نیست. انجام آن تقریباً آشکار است و ظاهراً باید مقارن سال تألیف "بوستان" یعنی ۶۵۵ باشد. او در مدرسه نظامیه بغداد تحصیلات معمول زبان را به پایان رسانیده است ... " (صص ۸۱-۷۱).

او "قصه‌هایی نقل می‌کند که بیش از آنکه واقعی باشد تخیلی به نظر می‌رسد از قبیل حکایت بت سومنات و نسبت قتل دادن به خود که قطعاً نمی‌تواند حقیقت داشته باشد و ناچار باید غالب این دیدارها و حوادث را، به منظور بیان مقاصد ساختگی تلقی کرد و به

استناد قول خود او حمل بر جهان دیدگی وی نمود و قبول داشت که: جهان دیده بسیار گوید دروغ ... عملاً تمایلی به مسئله " اختیار " نشان می‌دهد ولی روی هم رفته سنگینی اندیشه او بر مسئله "جبر مطلق است." (صص ۸۲-۸۳).

۱-۳. بیان "سبک سخن‌سرایی سعدی": "سبک سخن‌سرایی سعدی چه از جهت معنی و مفهوم و چه از حیث کلمه و ترکیب، سبک خاص و مشخصی است که با سبک شاعران قرن چهارم و پنجم و ششم تقریباً تفاوتی فاحش دارد و بهتر آن است که آن را به نام خود او (سبک سعدی) بخوانیم ... سعدی در انواعی از سخن‌دستی داشته است و در بعضی از این انواع، نه پیش از خود و نه پس از خود، بالادستی نداشته است. تنها کسی که در شاعری و نویسندگی شهرتی معادل دارد، سعدی است." (ص ۸۷).

۱-۴. ذکر اشعاری از منوچهری، فرخی، ناصر خسرو، انوری، خاقانی، مسعود سعد و رودکی برای مقایسه سعدی با آنها (صص ۸۷-۱۰۴). نتیجه اینکه: "سبک سعدی سبک دلنواز و خوش‌آهنگ و نرمی است که اگر بخواهیم برای آن از جهت مجموع این اوصاف لقبی اختیار کنیم، باید لقب "دلفریب" را بگزینیم ... سعدی در حقیقت مانند جنگ دوم جهانی، این امپراطورهای ژاپن را با حفظ همه شؤون خویش حتی الوهیت آنها از کاخ‌های خود بیرون آورده و لذات احساس کردن و درک کردن آنها را به مردم چشانیده است." (صص ۱۰۶-۱۰۵).

۱-۵. ذکر نمونه‌هایی از آثار سعدی زیرعنوان "در هم کوبیدن خانقاه‌ها، گداخانه‌ها و رسوا کردن زاهدان ریایی و صوفیان و درویشان دروغی".

۱-۶. بررسی و نتیجه‌گیری از مقاله: "اینها شمه مختصری از اختصاصات کلی سخنان سعدی است. اما ادا کردن حق هر يك از ابواب سخن او چنانکه شاید و باید، مستلزم بحث‌های مفصل دیگری است. خیال داشتیم در باب سعدی آنچه دلم می‌خواهد بگویم اما خسته شدم و همه حرف‌ها ناگفته ماند." (ص ۱۲۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان منوچهری، فرخی، ناصرخسرو، انوری، خاقانی، مسعود سعد و رودکی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۴۱ بار، بوستان ۱۹ بار، قصاید ۱۴ بار، گلستان ۱۲ بار، قطعات ۵ بار. ۴. اشاره: ۴-۱. طولانی شدن این مقاله تنها به دلیل مثال‌های فراوان و بیش از حد نیاز است، که نویسنده به آنها متوسل شده است این مثال‌ها بیش از چهارپنجم مقاله را تشکیل داده‌اند، تنها ۱۷ صفحه مثال از شاعران پیش از سعدی از کسانی چون رودکی و فرخی و ناصرخسرو... ارائه شده (صص ۱۰۴-۸۷) که متناسب با مطالب مقاله نیست.

۴-۲. مطالب بیان شده نیز مطالب تازه‌ای نیست. تنها مطلب اول مقاله که گفته شده، "در تاریخ ادبیات پیش از سعدی، از تمام فارس، حتی يك بیت خواندنی هم وجود ندارد." مطلب جالبی است و مثال‌هایی هم که در مورد جبر و اختیار گزینش شده‌اند از نقاط قوت این مقاله است. نویسنده برای گفته‌های خود به هیچ مرجع و منبعی بجز سروده‌های خود سعدی اشاره نکرده است درحالی که اغلب مطالب را پیش از او دیگر صاحب‌نظران بیان کرده‌اند. تنها يك بار اشاره‌ای ناقص به "اقبال" دارد، که نشانی آن هم ذکر نشده است، در آنجا گفته است: "سعدی بنابر تحقیقات مورخانی چون اقبال متحماً بین سال‌های ۶۱۰ تا ۶۱۵ در شیراز به دنیا آمده ... " (ص ۷۱).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، صص ۱۵۳، ۵-۲. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۰-۵۹، ۳-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۰-۵۸، ۴-۵. سیمدل مسکین، ستراک مانوکیان، سیمرغ، فروردین ۱۳۷۲، شماره ۱۲-۱۳، ص ۹۵.

بجای مقدماتی در باب طرح کتاب‌شناسی سعدی و حافظ، ایرج افشار، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۱۲-۱۰.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله خرد و کوشش، دفتر دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۵۲، صص ۱۲-۱۰ (عین مقاله با همین حروف چینی در دو مأخذ چاپ شده است). مجموعه کمینه، تهران، ۱۳۵۴، صص ۲۹۹-۲۸۶ (با عنوان کتاب‌شناسی سعدی و حافظ).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان دشواری راه در تهیه کتاب‌شناسی سعدی و حافظ: "گردآوری و تنظیم کتاب‌شناسی جامع برای سعدی و حافظ بسیار دشوار است و حتی می‌توان گفت محال (ص ۱) نویسنده علت این امر را حسن قبول عام و اقبال گسترده به آثار آنها می‌داند اما مواردی را نیز برای نمونه معرفی می‌کند، از جمله کتاب "تحقیق در مورد سعدی" از هانری ماسه، را کتابی مفید و ارزشمند می‌داند. اگر چه انتقادهایی را هم بر آن وارد می‌کند (ص ۲).

۱-۲. تأکید بر ضرورت تهیه کتاب‌شناسی سعدی و حافظ و ارائه روش ترکیب این کتاب‌شناسی به شرح زیر:

۱. نسخه‌های خطی باید با دقت و جدیت بسیار بازبایی، ارزیابی و منتشر شوند.

۲. چاپ‌ها - همه آثار چاپ شده (بوستان، گلستان و ...) با ارزیابی نسخه چاپ شده معرفی گردند.

۳. تحقیقات و مطالعات باید برحسب زمان نگارش تنظیم گردند.

۴. مراجع قدیم مانند تذکره‌ها، جنگ‌ها، کتاب‌های تاریخ ادبیات و ... هر چند مطالب آنها تکراری و مشابه باشد، ذکر آنها در کتاب‌شناسی ناگزیر و الزامی است.

۵. شروح - همه شرح‌ها به اجمال معرفی شوند.

۶. ترجمه‌ها (به همه زبان‌ها) شناسایی و معرفی شوند.

۷. مشاهدات و بیانات سیاحان و شرق شناسان از آرامگاه سعدی و حافظ گردآوری، تنظیم و نوشته شود (صص ۱۳-۳).

۲. منابع اصلی:

۲-۱. Paris. Essai Sur Le Poete Saadi Suivi Dune Bibliographie. ۲-۲. راهنمای کتاب، ش ۱۰ و ۱۱، ۲-۳. مجله وحید، ش ۹، ۲-۴. مجله یغما، ش ۲۰ و ۲۱ و ۲۲.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد (کتاب‌شناسی).

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله به دلیل اینکه برای نخستین بار، رسماً طرح کتاب‌شناسی سعدی و حافظ را پیشنهاد می‌کند ارزشمند است. بویژه اینکه برخی از نسخه‌های خطی معتبر و گمنام را نیز معرفی کرده است.

بر حکمت سعدی نتوان خرده گرفتن، احمد بهمنیار، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۴۰-۳۳.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۵۶-۶۴۹، ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۹۱-۸۳، ۳. آثار سعدی در کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی

ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۲، صص ۲۸-۲۶. ۴. کتاب متون ادب فارسی، سال سوم دبیرستان، رشته فرهنگ و ادب، ۱۳۶۲، ص ۱۹۹. ۵. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان"، ۱۳۶۳، صص ۲۷۲-۲۷۳ (بخشی از آن مقاله است).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. " بزرگ‌ترین اثر سعدی بوستان و پس از آن گلستان است. سعدی در این دو نامه گران‌بها و سودمند یک دوره حکمت عملی را به زبانی شیرین و طرزی نوآیین بیان کرده و از قواعد اخلاقی که پیروی آن مایه بهبود امور عباد و بلاد است، چیزی فرو نگذاشته." (ص ۳۳).

۱-۲. " اگر در مندرجات [این] دو نامه [بوستان و گلستان] دقت کنیم دو منظور متفاوت را که سعدی در آن دو تألیف داشته است به خوبی ملتفت می‌شویم و در می‌یابیم که در بوستان غالباً متوجه به وظایف اخلاقی و لیکن در گلستان بیشتر نظرش به مسائل اجتماعی است." (ص ۲۸).

۱-۳. " سعدی نه تنها استاد سخن بلکه حکیمی بزرگوار و دانشمندی عالی مقدار است که تمام معلومات و تجارب و کمالات و فضیلتی را که شرط پیشوایی و رهبری اخلاقی است دارا، و با این وصف عاشق نکویی و آرزومند نیک‌ختری و رستگاری خلق بوده و در تهذیب اخلاق مردم هر کلمه پند و حکمت و هر نکته دانش و معرفت را که کارگر و در کار یافته است، بیان کرده و ... " (ص ۴۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، بوستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله سخن تازه‌ای مطرح نشده است و بیشتر مقاله انشاپردازی و توصیف و تعریف است؛ از جمله: ر.ک. ۱-۲ از همین مقاله.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۸۳-۹۱. ۵-۲. متن کامل دیوان شیخ سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، صص ۲۴-۲۳. ۵-۳. جهان‌بینی در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، ص ۲۴۸.

۵-۴. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، ص ۱۷. ۵-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۵. ۵-۶. شاعری اندیشه‌ور، کلک، شماره چهار، تیر ۱۳۶۹، ص ۶. ۵-۷. بزرگواری، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمی، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، ص ۲۳۱. ۵-۸. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶. ۵-۹. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

برخی از قواعد دستوری نادر در گلستان، خلیل خطیب‌رهبر، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۱۴۷-۱۲۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی برخی از کاربردهای غریب اسم، صفت، قید، فعل، حرف اضافه، حرف ربط و پسوند در گلستان: ۱-۱-۱. اسم - اسم‌های مرکب چون: علفخوار، پایبند، زاد معنی، بارسالار، شبانروز ... (صص ۱۲۱-۱۲۷) جمله مؤول به اسم چون: محاضر، مامضی و ... (صص ۱۲۲-۱۲۱).

۱-۱-۲. صفت - صفت نسبی، چون معده سنگی. صفت سنجشی چون اولی‌تر. صفت مرکب مفعولی، چون: خواب غفلت برده. فعل مؤول به صفت، چون: حیوان لایعلم. مطابقه صفت و موصوف، چون: پیادگان حجیح و بزرگان عدول (صص ۱۲۵-۱۲۲).

۱-۱-۳. فعل - چون: شنیدیم مخفف شنیده‌ایم. عدم اختصاص فعل به زمان معین برای بیان حکمی عام. فعل شرطی ماضی به معنی مضارع و ... (صص ۱۲۹-۱۲۵).

۱-۱-۴. قید "دیگر" قید نفی زمان، یعنی هرگز، "همچنان" قید زمان، یعنی هنوز، "اگر" قید ایجاب و تأکید و ... (ص ۱۴۰).

۱-۱-۵. حرف اضافه - آوردن حرف اضافه تأکیدی پس از اسم مصدر به حرف اضافه به شیوه قدیم، "در" و "بر" حرف اضافه تأکیدی، "را" زاید و ... (صص ۱۴۴-۱۴۰).

۱-۱-۶. حرف ربط - "که" حرف ربط به معنی اگر و ... (صص ۱۴۵-۱۴۴).

۱-۱-۷. پسوند - "ی" پسوند توقیت، "ی" پسوند فاعلی، "یون" پسوند مشارهت و ... (صص ۱۴۷-۱۴۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، ۲-۲. متنی پارسی از قرن چهارم هجری، تصحیح دکتر رجایی، ۲-۳. سیاست‌نامه، تصحیح هیوبرت دارک، ۲-۴. لغت‌نامه دهخدا، ۲-۵. فرهنگ معین، ۲-۶. منطق‌الطیر، تصحیح دکتر گوهرین، ۲-۷. دیوان رودکی، از سلسله انتشارات "گزینه سخن پارسی"، ۲-۸. شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیم، ۲-۹. دیوان سعدی، تصحیح فروغی، ۲-۱۰. گلستان سعدی شرح و توضیح خطیب رهبر، ۲-۱۱. حواشی برهان قاطع از دکتر معین، ۲-۱۲. مجمل‌التواریخ و القاصص، تصحیح بهار.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۸۵ بار، غزلیات ۲ بار، قصاید ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. برخی از مواردی را که نویسندگان به عنوان نمونه‌های نادر در گلستان مطرح کرده است، نه تنها نمونه‌های نادر نیست، بلکه پیش از سعدی نیز بسیار شایع بوده‌اند، از جمله این موارد یکی "محاضر" است که نویسندگان زیر عنوان "جمله مؤول به اسم" مطرح کرده است (ص ۱۲۱). در صورتی که این جمله با همین معنی بارها در آثار شاعرانی چون سنایی، خاقانی و عطار تکرار شده است.

از همین گونه است جمله "ماجرا" که نویسندگان با همین عنوان در همین بخش مطرح کرده است (ص ۱۲۲). در حالی که بارها در آثاری چون فارسنامه ابن بلخی، کلیله و دمنه، سندباد نامه و در اشعار شاعرانی چون خاقانی و مولوی تکرار شده است.

۴-۲. زیر عنوان "نوشتن کسره اضافی به صورت یاء" با مثال آوردن بیت زیر می‌نویسد.

جمع‌ی گل و لاله به هم پیوسته تو هیزم خشک در میانی رسته
میانی رسته: میان رسته یعنی در میان صف و رده مضاف و مضاف الیه. (ص ۱۲۱). و حال آنکه اگر رسته را با ضم (و نه فتح) بخوانیم بیت به سادگی قابل دریافت است: "تو چون هیزم خشکی هستی که در میان آنها رویده‌ای".

۴-۳. نویسندگان، بعد از واژه‌ها و ترکیب‌ها، کاربردهای مختلف فعل و حذف اجزای جمله را در گلستان بررسی کرده اما بیشتر این کاربردها نیز از ویژگی‌های زبانی سبک قدیم است و پیش از سعدی نیز بارها به کار رفته است.

۴-۴. در بخش قید، قید "دیگر" را در معنی هرگز، "همچنان" را به معنی هنوز و "اگر" را در معنی قید ایجاب و تأکید، بررسی کرده است و برای مورد اخیر بیت زیر را مثال آورده است:

حکمت محض است اگر لطف جهان‌آفرین خاص کند بنده‌ای مصلحت عام را
و "اگر" را به معنی "همانا" دانسته است اما به نظر می‌رسد "اگر" همان‌گونه که دکتر محمد خزائلی در شرح گلستان گفته‌اند، به عنوان مقدمه قضیه شرطیه منطقی‌تر است (شرح گلستان دکتر محمد خزائلی، چاپ پنجم، ص ۱۶۳).

دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر مصطفی مقرب و سودی نیز در این باره اظهار نظر کرده‌اند (برای اطلاع بیشتر رک. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ اول ص ۲۲۶).

۴-۵. نویسنده در بخش حرف اضافه نیز، اغلب، شایع‌ترین کاربرد حرف اضافه را به عنوان " قواعد دستور نادر در گلستان " مطرح کرده است (آنجا که ترکیب‌هایی چون به‌شکراندر، به دریای مغرب در، به روی زمین بر، به دریا در و ... (صص ۱۴۱-۱۴۰) را به عنوان نمونه مثال آورده‌اند). همچنین است کاربرد "او" حرف اضافه یا "را" زاید (صص ۱۴۳-۱۴۲).

۴-۶. در بخش پسوندها واژه‌هایی چون: هندو، همایون و آگینه را به عنوان نمونه، مثال آورده‌اند که باز هم این واژه‌ها بارها و بارها در شاهنامه فردوسی، قصاید خاقانی، دیوان عنصری، انوری و ... به کار رفته‌اند و از موارد نادر نیستند.

۴-۷. از موارد قوت این مقاله ذکر کامل نشانی شواهد مورد مثال و بررسی برخی از موارد نادر موجود در گلستان است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۱۱۹، ۲۴۱، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۴۸، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۹۱، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵-۲. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۱، ص ۲۹۰. ۲-۵. برگزیده و شرح آثار سعدی، پرویز اتابکی، نشر فرزانه، ۱۳۷۴، صص ۲۰، ۳۹.

بررسی آماری از نسخه‌های خطی دیوان حافظ و سعدی، احمد منزوی، مجله وحید، دوره نهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۰، صص ۲۰۹-۲۰۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح در مورد انگیزه نگارش مقاله و مشکلات موجود، بویژه مشکل بازیابی همه نسخه‌های خطی (صص ۲۰۴-۲۰۳).

۱-۲. اشاره به تعداد نسخه‌های مورد نظر در بررسی آماری نسخه‌های خطی:

" تعداد نسخه‌های فارسی [از متون مختلف] که مورد بررسی من قرار گرفته و این آمار از آنها بیرون کشیده شده است پیرامون شصت‌هزار نسخه است که از صد و پنج جلد فهرست چاپ ایران و خارج بیرون کشیده شده است. از میان این شصت‌هزار نسخه پیرامون شش‌هزاروپانصد نسخه دیوان بوده و نزدیک به همین اندازه مثنوی و دیگر قالب‌های شعری است." (ص ۲۰۴).

۱-۳. طرح سه جدول آماری از نسخه‌ها:

در جدول اول تعداد نسخه‌های خطی دیوان بیست نفر از سراینندگان نامور فارسی نشان داده شده است که دیوان‌های حافظ، انوری، جامی، سعدی و خاقانی (به ترتیب ۲۵۵ و ۱۵۰ و ۱۴۹ و ۱۱۲ و ۱۱۰ نسخه) بیش از دیوان شاعران دیگر مورد توجه صاحبان ذوق بوده است. (ص ۲۰۵)

" جدول دوم بیست نگارش فارسی را در رشته‌های گوناگون نشان می‌دهد... در این جدول می‌بینیم که " مواهب علیہ " که در میان این رشته‌ها با رقم ۱۲۰ [نسخه] مقام دوم و در میان تفاسیر فارسی مقام یکم را دارد در مقایسه با دیوان حافظ کمی از یک‌سوم بیشتر است." (ص ۲۰۶)

جدول سوم نسبت نسخه‌های سعدی و حافظ را در هشت قرن گذشته (به تفکیک) نشان می‌دهد.

۱-۴. نتیجه‌گیری: " نمودارها سقوط و انحطاط فارسی‌نویسی را در سده دوازدهم آشکارا نشان داد، چنانکه منحنی‌ها در همه رشته‌های بیست گانه از دانش‌های آن روزی در سده دوازدهم به صورت عجیبی سقوط کرده بود... بررسی آماری نسخه‌های دیوان حافظ و سعدی نیز همان سقوط را در سده دوازدهم نشان داد... این آمار نشان می‌دهد که سرعت افزایش در نسخه‌های دیوان سعدی بوده است، و نیز نشان می‌دهد رکود و انحطاط در سده دوازدهم در نسخه‌های دیوان حافظ بیشتر اثر گذارده است..." (ص ۲۰۹)

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. فهرست نسخ خطی فارسی.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. رویکرد مستقیم ندارد (نسخه‌شناسی).

۴. **اشاره:** ۱-۴. بررسی و سنجش آماری نسخه‌ها همان گونه که مؤلف مقاله هم اشاره کرده‌اند " روشننگر بسیاری از مسایل اجتماعی و تاریخی است." این مقاله که بی‌گمان با زحمت فراوان فراهم آمده از بهترین پژوهش‌هایی است که برای سنجش نسخه‌های خطی انجام گرفته است و بویژه جدول سوم (ص ۲۹) که آمار نسخه‌های خطی آثار سعدی و حافظ را به تفکیک سده‌های مختلف، روشن کرده، بسیار سودمند است.

بررسی ترتیب کتاب و تهذیب ابواب گلستان سعدی، تقی وحیدیان کامیار، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره اول، سال بیست و ششم، بهار ۱۳۷۲، صص ۶۲-۵۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ضرورت نقد آثار برجسته ادبی و اشاره به مسامحه‌هایی در تنظیم حکایت‌های گلستان:

" گلستان سعدی بیشک عالی‌ترین نثر مسجع فارسی و یکی از شاهکارهای ادبی این زبان است، با این همه تنظیم حکایات و ابواب در آن با مسامحه‌کاری صورت گرفته و جای حرف دا رد. در این گفتار این نکته بررسی شده است " (ص ۵۱).

" نگارنده طی سال‌ها تدریس گلستان دریافت که متأسفانه این ادعای سعدی [امعان نظر در ترتیب کتاب و تهذیب ابواب] چندان هم واقعیت ندارد و بی‌نظمی‌هایی از این نظر در گلستان هست. به عبارت دیگر در کار تبویب گلستان و تقسیم حکایات مسامحاتی به چشم می‌خورد " (ص ۵۳).

۱-۲. بیان اشکالاتی که در تنظیم حکایت‌های گلستان به چشم می‌خورد، از جمله: "اولاً باب دوم گلستان "اخلاق درویشان" است و باب سوم "در فضیلت قناعت"، اما چون قناعت یکی از اخلاق درویشان است، می‌بایست جزو اخلاق درویشان می‌آمد ... ثانیاً اگر موضوعات حکایات گلستان ضرورت داشته باشد که بر بیش از هشت باب تقسیم شود، درست نمی‌نماید که برای ایجاز، به زور آن را هشت باب کرد. از طرفی حکایات باب "ضعف و پیری" در حدی نیست که بابی مستقل باشد، زیرا فقط نه حکایت دارد و این تعداد نسبت به باب "اخلاق درویشان" با ۴۷ حکایت و باب "سیرت پادشاهان" با ۴۱ حکایت اندک است. بویژه که در این نه حکایت فقط دو حکایت دقیقاً با موضوع ضعف و پیری مطابقت دارد (ص ۵۳). آوردن دو حکایت در بابی مستقل نه تنها با ادعای سعدی مینوی بر هشت باب آوردن گلستان برای رعایت ایجاز منافات دارد، بلکه منطقی و درست نمی‌نماید. به علاوه افزودن هفت حکایت (یا لاقلاً ۴ حکایت) بی‌ربط با موضوع به باب ششم خود اشکال بزرگی است که وحدت و هماهنگی موضوع حکایات باب را بر هم زده است " (ص ۵۵).

" و اما رابطه حکایات با عنوان باب‌ها ... در باب‌های ضعف و پیری و فواید خاموشی حکایات زیادی است که موضوع آنها ایداً رابطه‌ای با موضوع باب‌ها ندارد و این اشکال دوم به اندازه اولی، بلکه بیشتر از آن به نظم و ترتیب و وحدت گلستان لطمه زده است (ص ۵۷). این اشکال مختص این دو باب نیست و در همه باب‌ها وجود دارد. در بعضی، تعداد حکایات بی‌ربط کم است، مانند "سیرت پادشاهان" که اولین باب گلستان است، و در بعضی زیاد، مانند "اخلاق درویشان" و "فضیلت قناعت" (ص ۵۸).

۱-۳. یادکرد حکایت‌هایی که با موضوع باب مربوط، پیوند ندارند. در این قسمت بیست و دو حکایت برای شاهد مقصود بیان شده و به هیجده حکایت اشاره شده است (صص ۶۲-۵۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۳۵ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. پیوند ضعیف برخی از حکایت‌های گلستان با موضوع باب مربوط، مطلبی است که پیش از این مقاله نیز، بسیاری دیگر از سعدی‌پژوهان به آن اشاره کرده‌اند و نگارنده مقاله یکی از آنها را در پاورقی ص ۲۵ معرفی کرده است. اما هیچ کدام از نوشته‌های پیشین به گستردگی این مقاله حکایت‌های یاد شده را برنشموده است. در این نوشته پیش از سی حکایت از گلستان نقل شده و به هیجده مورد از این حکایت‌ها اشاره شده (شماره حکایت داده شده است). نقد کلام بزرگان ادب از جمله سعدی بزرگ، به دور از شیفتگی‌های غیرعلمی، از بایسته‌ترین اقدامات ادبی است و این ویژگی اساسی‌ترین ویژگی مقاله مورد نظر است، هر چند به قول نگارنده همچنان "گلستان سعدی بی‌شک عالی‌ترین نثر مسجع فارسی و یکی از شاهکارهای ادبی این زبان است (ص ۵۱) و شیوایی و دلنشینی و موسیقی کلام سعدی، خواننده را مفتون می‌کند و ممکن است چنان محو زیبایی گفتار سعدی شود که به نداشتن وحدت موضوعی حکایات چندان توجه نکند" (ص ۶۲).
۴-۲. مأخذ و نشانی نمونه‌های شاهد از سخن سعدی مشخص نشده است.

بررسی متوازی سعدی و حافظ (۱)، دو ترجمان گویای روح ایرانی، محمدعلی اسلامی ندوشن، هستی، بهار ۱۳۷۲، صص ۱۶۸-۱۴۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقایسه سعدی و حافظ: "در میان گویندگان زبان فارسی هیچ دو تنی را نمی‌یابیم که مانند سعدی و حافظ به هم نزدیک و در عین حال متفاوت باشند... تولد حافظ بیست سالی بعد از مرگ سعدی است و مرگش صد سال پس از درگذشت او... روشن بود که شمس‌الدین محمد، شاعر نواخته بلندپرواز، نمی‌توانست از جاذبه نفوذ چنین هم‌شهری بر کنار بماند که هنوز خانه‌اش و اعتکاف‌گاهش برقرار بود و مزارش مورد بازدید انبوه عموم. و چه بسا که خویشانش در گوشه و کنار شهر دیده می‌شدند... برای من این تصور هست که اگر سعدی در شیراز سر بر نیاورده بود، تکامل یافتن حافظ به گونه‌ای که هست، ناممکن می‌نمود... با این حال از سوی دیگر تباین نیز هست. از لحاظ شخصیت، سعدی مردی است پرتحرک، زودجوش و زبان‌آور، از طبیعتی که در اصطلاح روان‌شناسی می‌گویند "برون‌گرای". در حالی که حافظ، ساکن صفت، تودار، کم‌جوشش و خلاصه "درون‌گرای" است. از لحاظ فکری حافظ بیشتر بر لایه زیرین اندیشه ایرانی حرکت کرده است و سعدی بیشتر بر لایه رویین" (ص ۱۴۷).
"غزل‌های حافظ از غزل‌های سعدی غلیظتر و متنوع‌تر است، از آنجا که کتاب دیگری نوشته کل جهان‌بینی او در غزل گنجانده شده... سعدی داعیه اصلاح جامعه دارد و حافظ در پی بیان ماهیت جامعه است... تشابه‌ها و تغییرها را که سبک سنگین کنیم، سعدی و حافظ مکمل یکدیگر می‌شوند. از توأمان آن دو آینه‌ای به دست می‌آید که جامعه ایران فرسوده را می‌توان در آن نگریست" (ص ۱۴۸).

۱-۲. اشاره به اوضاع تاریخی اجتماعی و ادبی فارس پیش از سعدی و حافظ. (ص ۱۴۹).
۱-۳. ذکر دلایلی برای مقبولیت عام سعدی، از جمله: "به سبب این "عامیت"، مهابتی را که فردوسی و مولوی به ذهن القا می‌کردند سعدی به آن درجه نمی‌رسیده. در واقع مردم او را به خود نزدیک‌تر و با خود رایگان‌تر از آن می‌دیدند که بر همان مصطبه تفرخیمش بنشانند، او را همنشین و همزانی خود می‌دیدند... سعدی دارای مجموعیتی است که هیچ‌گونه دیگر در زبان فارسی به آن دست نیافته و این، هم به او بزرگی بخشیده و هم قدری او را ارزان‌نمای نشان داده" (ص ۱۵۰).

۱-۴. شرح اوضاع اجتماعی حافظ و ذهن و زبان او (صص ۱۵۲-۱۵۱) و نتیجه اینکه: "می‌توان گفت که نزدیک به تمام مضامین عمده‌ای که در حافظ آمده، در سعدی هم هست. منتها سعدی با مطرح کردن گاه‌به‌گاهی آنها، از سر آنها می‌گذرد، در حالی که حافظ به عمق می‌رود. حافظ اگرچه از سعدی نامبرده، او را تنها هم‌آورد خود می‌شناخته، حتی اگر سبک خود را از سبک او جدا کرده، از جهتی بر اثر این وسواس بوده است که در دام تقلید او نیفتد. بزرگ‌ترین تشابه میان سعدی و حافظ در کمال‌جویی هر دو است" (ص ۱۵۳).

۱-۵. بیان نمونه‌هایی برای نمودن شبکه ارتباطی سعدی و حافظ:

۱-۵-۱. استغنائی خداوندی - مقابله دو نمونه از سروده‌های حافظ و دو نمونه از سروده‌های سعدی با مضمون مشابه (صص ۱۵۴-۱۵۳).

۱-۵-۲. نامه سیاهی - مقایسه دو نمونه از سروده‌های حافظ با یک بیت از سعدی و بیان تفاوت منشأ سیاه‌نامگی از نظر دو شاعر (ص ۱۵۴).

۱-۵-۳. عشق و انسانیت - مقایسه دو بیت از حافظ با دو بیت از سعدی. (ص ۱۵۵).

۱-۵-۴. دوگانگی شخصیت و دورنگی - مقایسه سه بیت از حافظ با چهار بیت از سعدی (ص ۱۵۵).

۱-۵-۵. زاهد ریایی و عالم دنیادار - مقایسه دو بیت از حافظ با چهار بیت از سعدی (صص ۱۵۶-۱۵۵).

۱-۵-۶. صحرا و بهار - مقایسه سه بیت از حافظ با چهار بیت از سعدی. (ص ۱۵۶).

۱-۵-۷. بی‌پروایی از ملامت - مقایسه دو بیت از حافظ با سه بیت از سعدی. (ص ۱۵۷).

۱-۵-۸. باده و مستی - مقایسه دو بیت از حافظ با دو مورد از سروده‌های سعدی. (ص ۱۵۷).

۱-۵-۹. ساحل و دریا، امن و ناایمنی [نامنی] - مقایسه دو بیت از حافظ با دو بیت از سعدی (ص ۱۵۸).

۱-۵-۱۰. محتسب - مقایسه دو بیت از حافظ با یک بیت از سعدی (ص ۱۵۸).

۱-۵-۱۱. خرابات - مقایسه سه بیت از حافظ با سه بیت از سعدی (ص ۱۵۹).

۱-۵-۱۲. عقل و عشق - مقایسه دو بیت از حافظ با یک بیت از سعدی. (ص ۱۵۹).

۱-۵-۱۳. معشوق، مقصود جهان - مقایسه سه مورد از حافظ با دو مورد از سعدی (صص ۱۶۰-۱۵۹).

۱-۵-۱۴. جوانی بازیافته - مقایسه دو بیت از حافظ با یک بیت از سعدی. (ص ۱۶۰).

۱-۵-۱۵. نماز و خیال معشوق - مقایسه سه بیت از حافظ با دو بیت از سعدی. (ص ۱۶۱).

۱-۵-۱۶. صوفی سالوس - مقایسه دو بیت از حافظ با یک بیت از سعدی. (ص ۱۶۱).

۱-۵-۱۷. عشق و زر - مقایسه سه بیت از حافظ با دو بیت از سعدی. (صص ۱۶۲-۱۶۱).

۱-۵-۱۸. تیرا از ریا - مقایسه یک بیت از حافظ با یک بیت از سعدی. (ص ۱۶۲).

۱-۵-۱۹. دل‌تنگی از شیراز - مقایسه دو بیت از حافظ با یک بیت از سعدی. (ص ۱۶۲).

۱-۵-۲۰. توبه - مقایسه دو بیت از حافظ با یک بیت از سعدی (ص ۱۶۳).

۱-۵-۲۱. رندی - مقایسه دو بیت از حافظ با دو بیت از سعدی (ص ۱۶۳).

۱-۵-۲۲. پرستش زیبایی - مقایسه دو بیت از حافظ با سه بیت از سعدی. (صص ۱۶۴-۱۶۳).

۱-۵-۲۳. پرده پندار - مقایسه یک بیت از حافظ با یک بیت از سعدی. (ص ۱۶۴).

۱-۵-۲۴. دوگانگی وجود معشوق - مقایسه دو بیت از حافظ با يك بیت از سعدي. (ص ۱۶۴).

۱-۵-۲۵. بی‌اعتباری جهان - مقایسه سه بیت از حافظ با چهار بیت از سعدي. (ص ۱۶۵).

۱-۵-۲۶. اندیشه خیامی - مقایسه دو بیت از حافظ با سه مورد از آثار سعدي. (صص ۱۶۶-۱۶۵).

۱-۵-۲۷. عام و عوام - مقایسه سه بیت از حافظ با يك بیت از سعدي. (ص ۱۶۶).

۱-۵-۲۸. بیان سیزده مورد از سروده‌های حافظ و پانزده مورد از سروده‌های سعدي که از لحاظ اصطلاح یا عبارت با هم مشابهت دارند در پاورقی. (صص ۱۶۸-۱۶۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلي فروغی، امیرکبیر، ۱۳۶۶. ۲-۲. دیوان حافظ، قزوینی، ۲-۳. بوستان سعدي، دکتر غلامحسین یوسفی.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۵۶ بار، بوستان ۸ بار، قصاید ۶ بار، مثلثات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. مقایسه سعدي و حافظ، اگر چه پیش از انتشار این مقاله نیز بارها به وسیله صاحب‌نظران انجام گرفته است، اما این مقاله علاوه بر مقدمه بسیار مفید و محققانه و شیرین آن (صص ۱۵۳-۱۴۷) موضوعات مشترک و مضامین همانند را به تفکیک در آثار دو شاعر مقابله و مقایسه کرده است. البته در بخش مقایسه‌ها تنها به ذکر نمونه‌هایی همانند بسنده شده و تحلیل بایسته‌ای از آنها به عمل نیامده، با این همه بیان ۷۰ مورد از سروده‌های حافظ که با ۷۱ مورد از سروده‌های سعدي همانندی دارد و مقایسه آنها، برای درک میزان تأثیرپذیری حافظ از سعدي سودمند است. نویسنده در پایان مقاله (ص ۱۶۷) با عبارتی ادامه بحث خود را به نوشته‌ای دیگر وانهاده است.

۴-۲. نشانی دقیق مثال‌های شاهد بجز موارد اندک (مانند ص ۱۶۱ س آخر و ص ۱۶۳ بیت سوم) بیان شده است.

بررسی متوازی سعدي و حافظ (۲)، بازگشت به تاریخ [۱] ، محمد علي اسلامي ندوشن، هستي، پاییز، ۱۳۷۲، صص ۱۱۹-۱۲۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره روابط ایرانیان با حکومت اسلامی در صدر اسلام و نهضت‌های ملی علیه تجاوزات عرب‌ها و رفتار عرب‌های غالب (دستگاه اموی) با مردم ایران و شرح انتقال خلافت از امویان به عباسیان و رفتار ناشایست حاکمان عباسی. (صص ۱۱۹-۱۲۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. منابع مورد استفاده این نوشته منابع تاریخی چون: مقدمه ابن‌خلدون، تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، اخبارالطوال دینوری، تاریخ‌الرسول طبری و تاریخ تشیع شکوه کرمانی بوده است که ارتباطی با سعدي ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته ادامه مقاله‌ای است که در شماره نخست فصل‌نامه هستي (صص ۱۶۸-۱۴۷) با همین نام به چاپ رسیده است. در این بخش به روابط اجتماعی ایرانیان و حاکمان عرب در صدر اسلام پرداخته شده و جز عنوان مقاله، ارتباط مستقیمی با سعدي ندارد.

بررسی متوازی سعدي و حافظ (۲)، بازگشت به تاریخ (۲)، محمدعلي اسلامي ندوشن، هستي، تابستان ۱۳۷۲، صص ۱۶۹-۱۸۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره تأثیرپذیری ادب فارسی از جریان‌های تاریخی و نقش سعدي و حافظ در این موضوع: " در ایران بعد از اسلام وضع خاصی جاری بوده که ادب و تاریخ را به هم آمیخته و به هم وابسته کرده است. ادب فارسی تأثیر گرفته از جریان‌های تاریخی است و تاریخ ایران باید به دستگیری ادب و بخصوص شعر فارسی به روشنی نزدیک گردد ... در میان گویندگان و نویسندگان ایران، سعدي و حافظ به سبب خصوصیتی که در آنها جمع شده و در قرن هفتم و هشتم که عصر مغول و بعد از مغول بود - و تاریخ ایران در این زمان به قوام و غلظت خود رسیده بود - زندگی می‌کردند، بیش از دیگران بازتاب دهنده روح قوم خود در دوران بعد از اسلام شدند ... بنابراین این دو تن، برای بازساخت ایرانی می‌توانند محور قرار گیرند. در بررسی آنان باید بر رگه‌های اصلی تاریخ در طی این هشت قرن انگشت گذارده شود و برای آنکه حق مطلب نادا نماند، از همان سرچشمه آغاز گردد. بعد از سعدي و حافظ دیگر زبان فارسی تکاپوی چندانی ندارد ... " (ص ۱۶۸).

۱-۲. شرح چگونگی " فتح ایران " به دست مسلمانان و مسیر تازه اسلام، تقسیم غنایم در بین مردم مدینه و تشریح حکومت سه خلیفه اول (صص ۱۷۵-۱۶۸).

۱-۳. پاورقی - تکمیل مباحث مطرح شده در مقاله با استناد به منابع تاریخی (صص ۱۸۲-۱۷۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. منابع تاریخی چون تاریخ پیامبر اسلام، سیرت رسول‌الله، تاریخ طبری، کشف‌المحجوب و مروج‌الذهب که ارتباطی مستقیم با سعدي ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته ادامه مقاله‌ای است که در فصلنامه هستي شماره پاییز ۱۳۷۲ (صص ۱۲۹-۱۱۹) به چاپ رسیده است. در این بخش نیز مانند بخش پیشین نویسنده به شرح مسائل تاریخی و اجتماعی ایرانیان در صدر اسلام پرداخته است و بجز مقدمه مقاله (رک. ۱-۱ همین مقاله) سخنی از سعدي به میان نیامده است.

بررسی مختصری از گلستان سعدي به عنوان یکی از شاهکارهای فارسی، پروفیسور عبدالودود اظهر دهلوی، ایندو ایرانیکا، ۳۶، ۱۹۸۳، (۱۳۶۲ ش.)، صص ۲۰-۱۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش ادبی، اجتماعی و تربیتی گلستان سعدي: " بزرگ‌ترین سهمی و منتی که سعدي به گردن فارسی گذاشته است همان است که تعادل و توازن میان زبان عامه و ادبی نگه‌داشت. فرقی بیشتر بین زبان گفتار و قلم نگذاشت. هر آنچه دید و شنید نوشت و گفت (ص ۱۷). تمام خصیصه‌های يك شاهکار در گلستان سعدي وجود دارد. یعنی انسانی بودن و بیان جوهر زندگی و دارای بیان خاص و مافوق طبقه اجتماعی و آمیخته از ساده و مصنوعی و بی‌نظیر بودن آن ... امروز مردم از " نثر شعری " یا از " شعر منثور " حرف می‌زنند و می‌گویند که ما پایبند مقررات و اصول شعری نیستیم. مقدمه گلستان سعدي بهترین نمونه همچنین " نثر شعری " می‌باشد ... سعدي روح زبان فارسی را دریافته بود و تسلط کامل بر این زبان داشت. سعدي عبارات و استعارات و الفاظ و معانی را تسخیر کرده است (ص ۱۸). گلستان سعدي صورت تکامل یافته مقاله‌نویسی [مقامه‌نویسی؟] در ادب فارسی است ... " (ص ۱۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بر ارزش‌های ادبی، تربیتی و اجتماعی گلستان تأکید کرده و در آن سخن تازه‌ای بیان نشده است. برخی از مطالب آن نیز دچار اشتباهات فاحشی است، از آن جمله یکی آن که نوشته‌اند: "پیش از گلستان سعدی، دو تا اثر منثور، خیلی معروف بوده، یکی از آنان کلیله و دمنه ابوالمعالی نصرالله بن عبدالحمید منشی و دوم تاریخ و صاف از عبدالله بن فضل‌الله شیرازی ... (ص ۱۷)."

اولاً: "نصرالله بن محمد بن عبدالحمید" درست است و نه "نصرالله بن عبدالحمید".

ثانیاً: تاریخ و صاف از متون قرن هشتم است و پس از گلستان نوشته شده و نه پیش از گلستان.

ثالثاً: پیش از گلستان متون نثری چون تاریخ بیهقی، مرزبان‌نامه، و مقامات حمیدی و ... نیز، از نظر شهرت در کنار کلیله و دمنه قرار می‌گیرند.

این نوشته از اشتباهات متعدد چاپی نیز در امان نمانده است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۱۷، س ۱: بدهن (بدون) و س ۱۰: دنیال (دنیال) و ص ۱۸، س ۲۰: نقسی (نفسی) و ص ۱۹، س ۵: داؤد (داوود) و س ۱۱: بلکه پس از (بلکه ما پس از) و س ۱۸: مقاله نویسی (مقامه نویسی) و س ۲۲: روئی می‌دهد (روی می‌دهد) و

بررسی و مقایسه غزلیات سعدی و حافظ، دکتر محمد ریاض، هلال ج ۱۹، مرداد ۱۳۵۰، صص ۲۱-۱۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل عباراتی از علی دشتی، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر معین، عباس اقبال و شبلی نعمانی درباره مقایسه سعدی و حافظ و تأثیرپذیری حافظ از سعدی (صص ۱۷-۱۵). از جمله: "حافظ به شیخ و شعرا نظر داشته و در حدود سی‌ویک غزل سعدی را استقبال کرده است. این گونه غزلیات خواهی دید که در مکتب و ویژه‌ای می‌گردد ... می‌گویند حافظ صوفی نبوده و سعدی می‌بیند ... سعدی "شاعر همه" است اما حافظ شاعر "خواص". علاقه زیاد اروپایی‌ها نسبت به سعدی این نکته را هویدا می‌سازد ... (ص ۱۷)."

۱-۲. یادکرد نمونه‌هایی از مطلع غزل‌های حافظ و سعدی که دارای وزن و قافیه مشترک هستند، برای نشان‌دادن پیروی حافظ از سعدی (ص ۱۸).

۱-۳. نقل مصراع‌ها و ابیاتی از سعدی و حافظ که مضامین مشترک دارند (ص ۱۹).

۱-۴. ادامه مقایسه سعدی و حافظ با استفاده از نظر برخی از سعدی‌پژوهان، (صص ۲۱-۲۰) از جمله: "مزاج عقلی، قوه قریحه، پرش بلند فکر و اندیشه، مشرب فلسفی و حکمی، متانت و پختگی روش، به کار بردن استعارات و کنایات در بیان مطالب، دور بودن از روش متداول عامه، برتر بودن شاعر از سطح فکر و معتقدات عمومی و خصوصیت آزاد مشربی و تشکک و رندی‌گری و لایبالی بودن و غیره حافظ را از "مکتب و قلمرو سعدی" جدا می‌سازد و او وارد مکتب ویژه‌ای می‌گردد ... می‌گویند حافظ صوفی نبوده و سعدی هم چندان صوفی نمی‌باشد. سعدی گه‌گه اصطلاحات صوفیه و مسائل عرفان و تصوف را در غزلیات خودش بیان کرده ولی نه به اندازه حافظ ... آقای علی دشتی، مدعی است که سعدی در غزلیات خود دارای طراوت و بشاشت و رجائیت خاصی است که اشعار حافظ آن را فاقد می‌باشد (ص ۲۰) سعدی معلم اخلاق است. او رنگ مصلحانه و گاهی واعظانه دارد. نه فقط غزلیات او، بلکه همه اصناف نظم و نثر شیخ از پند و نصایح ارزنده مملو می‌باشد ... بزرگ‌ترین فرق سبک و فکر هر دو شاعر شاید در مورد تدین یا تشکک است. سعدی مردی است متدین و فکری سرکش ندارد. حافظ به پیروی از سبک عمر خیام فکری دارد که سرکش و متذبذب و متشکک است ... (ص ۲۱)."

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی و حافظ (نشانی مآخذ مشخص نیست). ۲-۲. قلمرو سعدی و نقشی از حافظ، علی دشتی. ۲-۳. مکتب سعدی، کشاورز صدر (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲۴ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته برخی از اشتراکات صوری و معنایی در غزلیات سعدی و حافظ باز نموده شده و به عنوان تأثیرپذیری و پیرویی حافظ از سعدی بر آنها تأکید شده، اما در مجموع سخن تازه‌ای مطرح نشده است. از امتیازات این نوشته بهره‌گیری متعدد از نظرات دیگران و پرهیز از کلی‌گویی و انشاپردازی است.

۴-۲. در ص ۲۱ در قسمت مآخذ گفتار، کتاب مکتب سعدی را از علی دشتی دانسته‌اند و این مطلب در متن مقاله هم تکرار شده، در صورتی که کتاب یاد شده از کشاورز صدر است ...

۴-۳. نشانی مآخذ مورد استفاده مشخص نشده است.

۴-۴. برخی از عبارات این نوشته از گفتار "زبان سعدی" در کتاب "نقشی از حافظ" برگرفته شده ولی به آن مآخذ اشاره‌ای نشده است، از جمله عبارات اولیه در ص ۲۰ (ستون دوم) که از ص ۱۹۸ کتاب نقشی از حافظ (نگاشته علی دشتی، دی ۱۳۳۶) برگرفته شده و با تغییرات بسیار اندکی، بدون ذکر مآخذ در متن مقاله جای داده شده است.

۴-۵. این مقاله از اشتباهات متعدد چاپی در امان نمانده، موارد زیر نمونه‌هایی از آن اشتباهات است: ص ۱۷ ستون ۲، س ۸: یاریست قدیم (یاریست ندیم) و ص ۱۸، ستون ۱، س ۱۱: دادی (داوری) و س ۱۵: عجب از (عجب ار) و ستون ۲، س ۲۰: یاری (بار) و س ۲۱: کاری (کار) و ص ۱۹، ستون ۲، س ۲۷: گر چه (گرم چو) و س ۲۸: نه بند (بند). و

برکه کلاسه، سید یونسی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال سیزدهم، زمستان ۱۳۴۰، صص ۴۸۵-۴۵۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بررسی واژه کلاسه در یکی از حکایت‌های گلستان و نقل و نقد نظریاتی که درباره این واژه در شرح‌های گلستان بیان شده است، از جمله نظریه مولوی غیاث‌الدین در بهار باران (ص ۴۵۸)، سودی افندی در شرح گلستان (صص ۴۶۰-۴۵۹)، عبدالعظیم قریب در چاپ گلستان خود (ص ۴۶۰)، گلستان چاپ اقبال و کلیات چاپ کتابخانه علمی (ص ۴۶۱).

۱-۲. بررسی واژه کلاسه در کتاب‌های لغت، از جمله فرهنگ نفیسی، برهان قاطع، فرهنگ ناصری، فرهنگ رشیدی، محیط‌المحیط، معجم متن‌اللغة (صص ۴۶۳-۴۶۱).

۱-۳. وصف جامع دمشق و تاریخچه آن از قول منابع مختلف (صص ۴۷۵-۴۶۴).

۱-۴. تعیین محله "کلاسه" در جامع دمشق از قول منابع مختلف (صص ۴۸۰-۴۷۵).

۱-۵. نتیجه‌گیری نهایی درباره "کلاسه" با تکیه بر گفتار منابع یاد شده (صص ۴۸۳-۴۸۰) از جمله: "تلفظ صحیح این کلمه (کلاسه) بر وزن صیغه مبالغه اعنی کلاسه به فتح کاف و تشدید لام و فتح لام و سین و تاء لاحق در آخر بر وزن علامه و معنی آن محلی که در آنجا آهک به عمل آید و یا به عبارت امروزه آهک‌پز خانه و به قول سودی افندی چون هنگام بنای جامع شریف در آن محل گچ و آهک

میربخته‌اند، لذا پس از آنکه جزء مسجد فرار گرفته و محل ادای فریضه نیز می‌گردد تا زمان‌های بعید به همان نام مشهور بوده است. این محل یکی از مساجد فرعی جامع شریف بوده است که به سال ۵۹۲ هجری قمری سلطان صلاح‌الدین ایوبی را از قلعه دمشق به این محل نقل و به قول ابن‌خلکان در قسمت شمالی کلاسه مدفون ساختند و بعدها زیارتگاه مردمان گردید ... (ص ۴۸۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کتب مختلف لغت؛ از جمله غیث‌اللغات، برهان قاطع، تاج‌العروس، معجم متن‌اللغة، منتهی‌الارب و ۲-۲. برخی شروح گلستان، از جمله: شرح گلستان سودی، بهار باران غیث‌الدین بن جلال‌الدین و ۲-۳. کتب مختلف تاریخی و جغرافیایی، از جمله: تاریخ‌الخلفاء، تاریخ حبیب‌السیر، تاریخ تمدن اسلام، محیط‌المحیط، کتاب دمشق، کتاب البلدان و

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار. **۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته مفصل به بررسی واژه کلاسه در شرح‌های گلستان، کتاب‌های لغت کتاب‌های تاریخ و جغرافی و ... پرداخته و گفتار برخی از آنها را نیز نقد کرده است.

نخستین ویژگی بارز این مقاله استفاده فراوان از منابع است که در پی‌نوشت مقاله چهل‌وهفت مورد از این منابع معرفی شده است.

۴-۲. نقد سخن برخی از صاحب نظران بر ارزش علمی مقاله افزوده است، از جمله درباره نظر صاحب غیث‌اللغات در پاورقی شماره هشت (ص ۴۵۸)، می‌نویسد: " این اجتهاد مرحوم غیث‌الدین بکلی بی‌اساس است. زیرا علاوه بر اینکه این اشتقاق در کتب معتبر صرف و لغت نیست، اصلاً در بنای این برکه گچ و آهک مصرف نشده، بلکه از مرمر و یا به قول صاحب خریده العجائب از مرمر معجون (مرمر مصنوعی)، ساخته شده و ... ". یا در ص ۴۶۳ می‌نویسد: " از چهار وزن مذکور برای تلفظ کلمه کلاسه فقط قول بستانی (الکلاسه) صحیح و قابل اعتماد است. زیرا کلاسه و کلاسه که صاحب برهان و آندراج و فرهنگ نفیسی ذکر کرده‌اند و آن را کلمه فارسی تصور نموده‌اند، علاوه بر اینکه از مدرک قابل اعتمادی یاد نکرده‌اند، اصلاً نظیر این اوزان در لغات فارسی موجود نیست ... ".

۴-۳. یادکرد نشانی دقیق نقل قول‌ها از دیگر امتیازات این نوشته است. **۴-۴. با این همه درازای سخن و توضیحات غیرلازم نوشته را ملال‌آور کرده است.** از توضیحات غیرلازم که تنها به افزایش حجم مقاله منجر شده، موارد زیر برشمردنی است: ص ۴۶۰، پاورقی شماره ۳ و ص ۴۶۱، پاورقی شماره ۳ و ۴ هیچ ارتباطی با موضوع اصلی مقاله ندارد یا ص ۴۶۷، پاراگراف چهارم مطلب مربوط به تعداد کارگران و ص ۴۷۱، مطالب پایان صفحه (... به قول ابن بطوطه و ابن حبیر جامع شریف سیزده پیش‌نماز داشت و از صبح تا یک ثلث شب در این مسجد نماز ادا و قضا بر پای و ...) و پاورقی شماره سه در همان صفحه (معرفی عثمان بن عفان) و بسیاری از مطالب دیگر این نوشته هیچ کمکی به معنی " کلاسه " نکرده و موجب تطویل بی‌مورد کلام شده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، به اهتمام دکتر محمدجواد مشکور، انتشارات اقبال، ۱۳۴۲، ص ۲۲۵، ۵-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۳۲۹.

برگزیده‌ها، سعدی و عالمان دین، جلال متینی، ایران نامه، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۶۵، صص ۴۹۷-۴۸۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به تحصیلات موفقیت‌آمیز سعدی و طرح این سؤال که " چرا ... سعدی، پس از تحصیل علوم دینی و سال‌ها دوری از وطن، پس از بازگشت به شیراز، در زی یکی از عالمان دین و با عنوانی مانند فقیه، محدث، متکلم و مفسر و امثال آن به کار نپرداخت؟ ... " (ص ۴۸۰) و پاسخ به پرسش بالا: " [سعدی] به مرور زمان و پیش از آنکه به شیراز بازگردد، دریافته بوده است که سعی بیشتر "عالمان" صرف به در بردن گلیم خویش است، نه گرفتن و نجات غریق، کفه ریاکاران و دکان‌داران بر کفه عالمان خداترس به نحو کاملاً محسوس می‌چرید، خداوند و شریعت در نظر بیشتر آنان دامی است برای کسب منفعت و قدرت ... ظاهراً بدین سبب بود که سعدی " علم دین " را که در نظامیه بغداد خوانده بود به " علما " بخشید و در زندگانی راهی دیگر برگزید و با برخورداری از ذوق و استعداد طبیعی خود رسید به مرتبتی که رسید " (ص ۴۸۱).

۱-۲. یادکرد هفده حکایت از گلستان و پنج حکایت از بوستان که آن حکایت‌ها نشان دهنده فساد اخلاقی، تربیتی و دینی علمای عصر سعدی است (صص ۴۹۶-۴۸۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات شیخ سعدی، محمد علی فروغی شرکت تضامنی علمی، ۱۳۳۰، ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۷ بار، بوستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بازنمود حکایت‌هایی از گلستان و بوستان که نمایان‌گر وضعیت علمای عصر سعدی است، برای اثبات نظری که در آغاز مقاله مطرح شده به خوبی انجام گرفته است. البته باید افزود: ارزش شاعری سعدی برای او این‌قدر روشن و دریافته بوده است که او را از اظهار دانش خود و سودجویی از آن بی‌نیاز کند.

۴-۲. در این نوشته هفده صفحه‌ای دو صفحه نخست طرح یک پرسش و پاسخ است و بقیه (پانزده صفحه) نقل نمونه‌هایی از سخن سعدی برای اثبات ادعا. یادکرد دقیق نشانی نمونه‌های شاهد و پرهیز از درازگویی از ویژگی‌های این نوشته است.

برنامه ادای تکلیف نسبت به شیخ، محمدعلی فروغی، سعدی‌نامه، حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۸-۳.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۲۴-۶۱۹. ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۴۹-۴۸ (بخش اول مقاله در اینجا چاپ شده است). ۳. کتاب مقالات فروغی، ج ۱، انتشارات یغما، آذر ۱۳۵۲، صص ۲۶۳-۲۵۶. ۴. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، ۱۳۶۳، صص ۲۶۵-۲۶۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر چهار کتاب ارجمند شعر فارسی و جایگاه سعدی در فرهنگ ایران: " زبان و ادبیات دارای چهار رکن بزرگ است: شاهنامه فردوسی، کلیات شیخ سعدی، مثنوی مولوی و دیوان خواجه حافظ ... قوم ایرانی در هر رشته از علم و حکمت و ادب و هنرهای دیگر فرزندان نامی پرورانده ولیکن اگر هم بجز شیخ سعدی کسی دیگر نپرورده بود، تنها این یکی برای جاوید کردن نام ایرانیان بس بود " (صص ۴-۳).

۱-۲. توضیح درباره راه‌های قدردانی از سعدی، از جمله: بازسازی شایسته آرامگاه سعدی، چاپ و نشر آثار سعدی، پژوهش در مورد مسائل تاریخی و اجتماعی عصر سعدی (قرن هفتم)، تأسیس کتابخانه پژوهشی در سعدیه، اقتباس و استفاده عمومی از آثار سعدی، مطالعه و تحقیق انتقادی در آثار سعدی و پیشنهاد موضوعات مختلفی برای پژوهش (صص ۷-۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. همان‌گونه که نویسنده مقاله معترف است این مقاله، يك مقاله تحقيقي نيست و به همین دلیل ویژگی‌هاي يك مقاله تحقيقي را ندارد. اما بی‌گمان پیشنهادهاي ارزشمند نویسنده در آن زمان راهگشا و راهنما بوده است.

۴-۲. برخی از تعارفات موجود در مقاله، موجب اطناب آن شده است، از جمله: " از این‌جانب در خواست شده است که درباره سعدی مقاله‌اي بنگارم. اگر به تصور آن است که من اهل این کارم و صلاحیت دارم، از این حسن ظن سپاسگزارم اما از تهی‌دستی خویش شرمسارم و اگر نظر به شیفتگی و فریفتگی من نسبت به شیخ بزرگوار بوده، حق است. اما با آنکه پای ارادتم شکسته نیست، دست قدرتم بسته است و فرضاً که گمان رود من اهل تحقیق و حسارت این کار را هم داشته باشم، چون از پیش چیزی تهیه نکرده‌ام، در ظرف چند روزی که برای این کار مهلت مقرر شده است، سخنی که قابل خواندن و شنیدن باشد نیارم گفت و امیدوارم عذرم پذیرفته باشد " (ص ۸).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۳۸، صص ۴۹-۴۸، ۲-۵. متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، صص ۲۲-۵۳. جهان‌بینی در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، صص ۲۴۷-۵۴. مرکز سعدی‌شناسی و حافظ‌شناسی ... ، علی‌نقی بهروزی، یغما، سال بیست و هفتم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۵۲، شماره مسلسل ۳۱۸، صص ۷۴۲-۷۴۳. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۱۶، ۱۴۸، ۱۴۹. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۱-۷. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۱-۸. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۵۵-۹. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۲۷.

بزرگ‌ترین شاعر ایران کیست؟ و به چه دلیل؟ (جواب اول)، بزرگ‌ترین شاعر ایران سعدی است، عبدالحسین میکده، مجله مهر، سال دوم، شماره ۳، مرداد ۱۳۱۳، صص ۲۲۴-۲۲۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به اقتراح مجله با پرسش بزرگ‌ترین شاعر ایران کیست؟ و پاسخ به آن اقتراح با تأکید بر اینکه بزرگ‌ترین شاعر ایران سعدی است (صص ۲۲۴-۲۲۱).

" اگر اقتراح شما دارای این عنوان بود که " کدام يك از شعراي ایران بیشتر از دیگران به ملیت و زبان فارسی خدمت کرده‌اند". برای من شکی نبود که از طرف عموم دانشمندان جواب داده می‌شد: فردوسی، ولی چون منظور این اقتراح نه چنین است، به عقیده من فردوسی به کنار می‌رود و جای خود را به سعدی واگذار می‌کند، زیرا از لحاظ عظمت مقام شعر و بیان احساسات رقیق و افکار لطیفی که جز او کسی قادر به بیان نبوده، سعدی حقا تاجی است که بر تارک ادبیات ایران می‌درخشد و مقام او شامخ‌ترین مقامی است که ممکن است نصیب شاعری گردد و هم اوست که بزرگ‌ترین شعراي ایران می‌باشد " (ص ۲۲۲).

- مقایسه سعدی با حافظ: " جلالت قدر و برتری سعدی بر حافظ به عقیده من از این حیث است که گذشته از آن افکار ملکوتی و آسمانی، مبین لطیف‌ترین احساسات بشری به ظریف‌ترین عبارات و کنایاتی است که حافظ را آن فصاحت دست نداده است ... " (ص ۲۲۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته نکته تازه تحقيقي در بر ندارد، تنها پاسخ مشروحي است به يك اقتراح که در این پاسخ سعدی با فردوسی و حافظ سنجیده شده و از آنها برتر دانسته شده است.

بزرگ‌ترین شاعر ایران کیست؟ جواب پنجم، استاد سخن سعدی است، سعید نفیسی، مجله مهر، سال دوم شماره ۹، بهمن ۱۳۱۳، صص ۹۴۹-۹۴۵.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، از کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، ۱۳۶۳، صص ۲۹۴-۲۹۳.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. پاسخ به اقتراح مجله مهر که: " بزرگ‌ترین شاعر ایران کیست " با توضیح درباره شعر و خصوصیات اصلی آن و اشاراتی به چگونگی سخن حافظ و فردوسی با تأکید بر ارزش سخن این دو شاعر بزرگ و نتیجه‌گیری اینکه " سعدی بزرگ‌ترین شاعر ایران است " (صص ۹۴۹-۹۴۵).

" ... معمولاً در حق سعدی ظلم می‌کنیم، شاهکار او را در گلستان یا بوستان می‌دانیم و حال آنکه غزلیات او به مراتب بالاتر از سایر آثار اوست و هیچ تردیدی نیست که طیبیات و بدایع سعدی دو کتابی است که شاید هرگز در زبان فارسی نظیر نیابد و در هر صورت تاکنون کسی نتوانسته است بدان نزدیک شود ... معانی او مفهوم‌هایی است که هزاران بار از مخیله من و شما خطور کرده و احساسات او همان احساساتی است که هر شب و روزی ممکن است در هر سري جای گیرد و هر دلي را متأثر کند ... همه گویند ولی گفته سعدی دگر است ... سخن سعدی را مانند شعر گوته و شیلر و دانته و ویرژیل و بایرون و موسه و لامارتین به هر زبانی که ترجمه کنید، همان اشک حسرت و همان پرتو شادی را فراهم می‌سازد ... " (صص ۹۴۹-۹۴۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته نکته تازه تحقيقي در بر ندارد. تنها پاسخ مشروحي است به يك اقتراح که در این پاسخ، سعدی با حافظ و فردوسی سنجیده شده و از آنها برتر دانسته شده است.

بزرگ‌ترین شاعر ایران یا شاعر دنیا (۱)، عبدالرحمن فرامرزی، یغما، سال بیست و چهارم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۰، صص ۴۰۷-۴۰۰.

* این مقاله يك بار ديگر با نام " شهریار ملك سخن - سعدی " در مجله ارمغان (سال هیجدهم، شماره ۹ و ۱۰، آذر و دي ۱۳۱۶، صص ۷۱۶-۷۱۲) به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر، رڭ. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

بزرگ‌ترین شاعر ایران یا شاعر دنیا (۲)، عبدالرحمن فرامرزی، یغما، سال بیست و چهارم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۰، صص ۴۶۶-۴۶۰.

* این مقاله يك بار ديگر با نام " شهریار ملك سخن - سعدي " در مجله ارمغان (سال نوزدهم، شماره ۱، فروردین ۱۳۱۷، صص ۹-۲۱) به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر، رك. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

بزرگ‌ترین شاعر ایران کیست (جواب سوم) - فردوسی یا حافظ، علي دشتي، مهر، سال دوم، شماره ۷، آذر ۱۳۱۳، صص ۷۱۷-۷۰۵.
چاپ‌هاي ديگر: ۱. مکتب سعدي، کشاورز صدر، چاپ کاپوان، ۱۳۳۸، صص ۱۶۷-۱۵۳. ۲. ما خود درباره سعدي چه مي‌گوئيم، علي سامي، کتاب " شیراز، شهر جاويدان "، ۱۳۶۳، صص ۲۹۲-۲۹۱.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضیح درباره انگیزه نوشتن مقاله و شرح دیدار نویسنده (علي دشتي) با دوست خود (لابد دوست خیالی) و مباحثه آنها درباره معیارهای شناخت شعر برتر و تأکید بر ارزش‌های سخن فردوسی، نظامی، مولوی، حافظ و ویژگی‌های سخن هر کدام از آنها (صص ۷۱۵-۷۰۶).

۱-۲. تأکید بر ارزش سخن سعدي، به عنوان بزرگ‌ترین شاعر ایران.
" سعدي رب‌النوع فصاحت و بلاغت است. سعدي خداوند زبان پارسي است، که اگر دعوي پیغمبري مي‌کرد و معجز خود را کتاب بوستان و دیوان طبیات قرار می‌داد بی‌شبهه کسی نمی‌توانست این دعوي را در هم بشکند. کلیات شیخ به منزله قرآن زبان پارسي است. در آن عدویت و طلاق و فصاحت و بلاغت، حسن ترکیب و انتخاب کلمات با ذوق مخصوصی تعبیه شده است و همیشه سرمشق یختگی و سلاست و زیبایی است. کتاب سعدي تا ابد محک زبان پارسي خواهد بود، هر چه با آن مطابقت کند درست و هر چه از آن تخلف کند فاسد و نادرست است. حیرت‌انگیزتر از همه این که، برخلاف سایر شعرا که غث و سمین دارند، کتاب شیخ بزرگوار، همه یکدست است. نه در شعر و نه در نظم شیخ، ترکیب سست یا جمله معقد، یا خلاف فصاحت کمتر دیده می‌شود... من دیگر از مطالب اخلاقی سعدي صحبت نمی‌کنم که تمام مکارم و رذایل معروف زمان خود را با شیرین‌ترین بیان و ساده‌ترین طرز و محکم‌ترین اسلوبی مدح و ذم نموده است، زیرا گویا این قسمت از کتاب شیخ معروف‌تر از آن است که محتاج به توضیح یا بیانی باشد. گفت: پس به عقیده شما بزرگ‌ترین شاعر ایران سعدي است؟ گفتم: نه به عقیده من، بلکه به دلیل کلیات شیخ، بزرگ‌ترین شاعر ایران، سعدي است " (صص ۷۱۷-۷۱۶).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته شیوا، نگارنده با طرح يك گفتگوی خیالی، ویژگی‌های ارزشمند شاعران بزرگ فارسي (فردوسی، نظامی، مولوی، سعدي و حافظ) را برشمرده و ضمن بزرگداشت مقام شاعران یاد شده، بالاخره سعدي را بالاتر از دیگران نشانده است.

یادآوری می‌نماید این نوشته در پاسخ به اقتراحى که مجله مهر به مناسبت مراسم بزرگداشت فردوسی با عنوان " بزرگ‌ترین شاعر ایرانی کیست؟ " مطرح کرده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. شهریار ملك سخن - سعدي [۲] ، عبدالرحمن فرامرزی، ارمغان، سال نوزدهم، شماره ۱، فروردین ۱۳۱۷، ص ۱۷.

بزرگداشت هشت‌صدمین سال تولد سعدي ، (۴ تا ۷ آذر ماه ۱۳۶۳ شیراز)، نشر دانش، سال پنجم، شماره اول، آذر و دي ۱۳۶۳، صص ۷۰-۶۹.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. گزارشی کوتاه از چگونگی برگزاری کنگره هشت صدمین سال تولد سعدي که به همت وزارت فرهنگ و آموزش عالی، دانشگاه شیراز و کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۶۳ در شیراز برگزار شده است و اشاره به برنامه‌ها و سخنرانان آن کنگره (صص ۷۰-۶۹).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته تنها، گزارشی است کوتاه از برنامه‌های کنگره یاد شده که به گونه‌ای خبری در مجله نشر دانش به چاپ رسیده و ارزش تحقیقی ندارد.

بزرگوارى ، دکتر غلامحسین یوسفی، برگرفته شده از کتاب چشمه روشن، انتشارات علمی، ۱۳۷۰، صص ۲۴۶-۲۳۰.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. پاسخ به هانری ماسه، نویسنده کتاب " تحقیق درباره سعدي "، که به سعدي ایراد گرفته و نوشته است: " در حالی که مسیحیت، دروغ را حتی اگر برای جلوگیری از بدی هم باشد منع می‌کند، سعدي تردید به خود راه نمی‌دهد که بگوید دروغی مصلحت‌آمیز به از راستی فتنه‌انگیز " نویسنده مقاله با یادکرد دو نمونه از ترجیح دروغ مصلحت‌آمیز بر راست فتنه‌انگیز از رمان بینوایان ویکتور هوگو می‌نویسد: " موجب شگفتی است که مؤلف کتاب، ماسه، که خود فرانسوی و ادیب است نظیر برخی دیگر از مؤلفان غربی، این نکات را از یاد برده و بر جمله سعدي بدون در نظر گرفتن مورد خاص و اقتضای مقام، ایراد کرده است " (ص ۳۳۳).

۱-۲. اشاره به مقاله " سعدي شیرازی و هوگو فرانسوی " از مهدی آستانه‌ای و تأیید سخن او در خصوص مشابهت رفتار کشیش فرانسوی در بینوایان با جوانمرد زاهد تبریزی در بوستان و بررسی عوامل آشنایی هوگو با سعدي (صص ۲۳۴-۲۳۳).

۱-۳. نقل حکایت زاهد تبریزی و رفتار او با دزد از بوستان (باب چهارم) و تحلیل آن حکایت با تأکید بر ایجاز و کمال سخن و ارزش معنوی رفتار زاهد با دزد در حکایت مذکور و مقایسه آن با بینوایان ویکتور هوگو: " در دنیایی که آدمی غالباً گرفتار بدخواهی و خشم و کین و انتقام است. فرا نمودن این مایه صفای باطن نیز ضرورتی است از نظری دیگر و برای تعدیل رفتار نوع بشر. مگر نه آن که هوگو نیز در بینوایان با بیان واکنش مهرآمیز کشیش در برابر سرقت زان وال‌ژان چنین روح کریمی را وصف کرده است " (ص ۲۳۹).

۱-۴. تأکید بر ارزش سخن سعدي از دیدگاه کسانی چون امرسون، سردوین آرنولد، همپتن، ویلیام جونز، درایدن و محمدعلی فروغی و ... (صص ۲۴۰).

" علاوه بر معانی و مفاهیم - که در بوستان در اوج اعتلاست - درخشش زبان و بیان بسیار فصیح و رسا و دلکش سعدي را در این اثر بزرگ نباید فراموش کرد. زبان بوستان آن‌چنان نرم و ساده‌روان است که نه فقط اجزای کلام نظیر واژگان نثر است بلکه در

بسیاری از موارد شعر به نثری موزون می‌ماند (ص ۲۴۰). به عبارت دیگر سعدی دو جنبه ظریف سخن را هنرمندانه با هم جمع کرده است: از یک طرف ابیات دارای بافت و ترکیب شعری است و از طرف دیگر این حسن ترکیب چنان طبیعی و پوشیده صورت گرفته است که به آسانی می‌توان آن را به حالت نثر در آورد ... شعر سعدی در بوستان در عین حال حاوی ترکیبات خوش ساخت، گوش‌نواز و فصیح و بلیغ است" (ص ۲۴۱). نکته دیگر آنکه گاه همه اجزای بیت فارسی است بی‌آنکه خواننده این کیفیت را احساس کند، یا واژه‌های نامأنوس به کار رفته باشد (ص ۲۴۲). شاید بتوان گفت هیچ شاعر و نویسنده‌ای در تاریخ زبان و ادبیات فارسی به اندازه سعدی بر زبان و طرز تعبیر و تحریر فارسی‌زبانان حکومت نداشته است ... این ویژگی به دو سبب است: یکی جامعیت اندیشه‌ها و مفاهیم و مضامین و نیز استواری و شیرینی و سادگی و روانی و موزونی سخن سعدی، دیگر رواج شگفت‌انگیز آثار وی از زمان حیات او تا عصر حاضر که این رواج و حسن قبول خود نتیجه ویژگی نخستین است. اما در مغرب زمین، باریبه دومنار، در مقدمه بر ترجمه بوستان به زبان فرانسه ظرافت هوراس، سهولت بیان زیبایی اوید، حضور ذهن طنزآمیز رابله و سادگی اندیشه لافوتن را در سعدی جمع می‌بیند" (ص ۲۴۵).

۱-۵. اشاره مجدد به ارزش معنوی حکایت زاهد تبریزی در بوستان: " حکایت زاهد تبریزی گوشه‌ای از جهان زیبا و دل‌نواز بوستان را در بردارد، جهانی که از نور شفقت و محبت و انسان‌دوستی و گذشت و عطوفت روشن است و به همین جهت هر کس از هر ملت و نژاد و کیش و آیین بی‌اختیار دل به سعدی و سخن او می‌سپارد" (ص ۲۴۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۲-۲. تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۴. ۲-۳. تاریخ ادبی ایران، ادواردبراون، ترجمه علی پاشا صالح، ۱۳۵۸. ۲-۴. برخورد اندیشه‌ها، دکتر جواد حدیدی، ۱۳۵۶.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۶۱ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. از جنبه‌های مثبت این مقاله می‌توان موارد زیر را برشمرد؛ نقد نظر هانری ماسه و علی دشتی در مورد حکایت زاهد تبریزی و رفتار او با دزد، (در باب چهارم بوستان) مقایسه شخصیت اصلی این حکایت با شخصیت کشیش در بینوایان ویکتور هوگو، تحلیل حکایت مذکور برای روشن شدن مقصود سعدی از بیان داستان، بازنمود نظر برخی از اندیشمندان غربی درباره ارزش سخن سعدی و بررسی و بازنمود برخی از ویژگی‌های بوستان، ذکر دقیق نشانی مأخذ مورد استفاده (بجز مثال‌هایی شاهد که بدون یادکرد نشانی رها شده‌اند).

البته انتقادی را که نویسنده از هانری ماسه، دارد، پیش از این در پاورقی ترجمه کتاب " تحقیق درباره سعدی " از هانری ماسه (ص ۲۴۶) نیز بیان داشته است. بجز این، برخی دیگر از مطالب مقاله از جمله نقل نظر باریبه دومنار (رک. ۴-۱) نیز برگرفته از همان کتاب (ص ۲۴۵) است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. چشمه روشن، دیداری با شاعران ... ، دکتر منوچهر امیری، ره‌آورد، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۷۰، ص ۲۵۵. ۵-۲. غزلیات شیخ شیراز سعدی، مقدمه و شرح بهاء‌الدین اسکندری، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۴، ص ۴۸.

بقیه مقاله توضیح و تذکری درباره بغداد و تازی در شعر سعدی، محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل‌وسوم، سال پنجاه‌وششم، شماره ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۵۲، صص ۲۹۶-۲۹۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه مطالب بخش نخست مقاله (مندرج در شماره ۴ - تیر ۱۳۵۳ مجله ارمغان) و تأکید بر عشق مجازی سعدی با استناد به برخی از سروده‌های او و همچنین اشاره به سروده‌های عرفانی او (صص ۲۹۶-۲۹۰).

" سعدی مردی است بر خلاف بسیاری از شعرا دیگر ما واقع‌بین. وی فریب الفاظ را نمی‌خورد ... بدیهی است که از این سخنان [به هیچ یار مده ... - معشوقه که دیر دیر بیند ...] بوی عشق مجازی به دماغ می‌رسد و لاغیر. عجب آنکه ما گاهی کاسه از آش گرم‌تر می‌شویم و جایی که خود سعدی می‌فرماید: گو همه شهرم نظر کنند و بیند ... باز نمی‌خواهیم زیر بار برویم که سعدی یک فردی از افراد نوع بشر بوده و از عشق و عشق‌بازی که از عالی‌ترین مواهب غیبی است، نصیب وافر می‌داشته ... و ما تصدیق می‌کنیم که سعدی اشعار عارفانه بسیاری هم دارد که در آنجا بلاشک از عشق عرشی صحبت به میان است و لاغیر ... و باز غزل‌ها و ابیات بسیار دیگری، ولی در عین حال ابیاتی هم در دیوان پیدا می‌شود که هر چند جنبه عرفانی آن بر جنبه فرشی آن می‌چربد، دلیل قاطعی نداریم (یا بر من معلوم نیست) که پای عشقی که آن را مجازی خوانده‌اند، در میان نباشد ... " (صص ۲۹۳-۲۹۰).

۱-۲. اشاره به ابهام در بیت مورد نظر (که سعدی راه و رسم عشق‌بازی...).

" ... در هر صورت ابهامی در میان هست و ثانیاً گویا بتوان پذیرفت که توجیحات و تأویلاتی که تا کنون در رفع این ابهام به میان آمده است، رفع ابهام نموده و ابهام به جای خود باقی است ... " (ص ۲۹۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۵ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. رک. اشاره بخش نخست مقاله (باز توضیح و تذکری درباره بغداد و تازی در شعر سعدی - هر دم از این باغ بری می‌رسد - ارمغان، دوره چهل‌وسوم، سال پنجاه‌وششم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۱۴-۲۰۵).

بوستان سعدی، جمشید سروشیار، راهنمای کتاب، سال یازدهم، شماره نهم، دی ماه ۱۳۴۷، صص ۵۲۴-۵۲۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. این مقاله نقد کتابی است از دکتر محمد استعلامی که در آن باب چهارم بوستان با حواشی و توضیحات در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.

۱-۲. نقد و رد پنج مورد از توضیحات دکتر استعلامی در حوزه معانی واژگان (صص ۵۲۳-۵۲۱) در مورد واژه‌های دریند، ناداشتی، مقصوره، زیر و بغلطاق.

۱-۳. نقد و رد دو مورد از توضیح ابیات (صص ۵۲۴-۵۲۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی، باب چهارم (در تواضع) با حواشی و توضیحات از دکتر محمد استعلامی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۰ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. منتقد، با رعایت ایجاز در گفتار، و ذکر دقیق نشانی مأخذ، به درستی، چند اشکال از کتاب مورد نظر را یافته، کاویده و بازنموده است.

بوستان سعدی (۱)، محمدعلی ناصح، وحید، سال اول، شماره چهارم، فروردین ۱۳۴۲، صص ۱۶-۱۰.

بوستان سعدي (۲) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۴۳، صص ۲۵-۲۱.

بوستان سعدي (۳) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره ششم، خرداد ۱۳۴۳، صص ۲۶-۲۱.

بوستان سعدي (۴) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره هفتم، تير ۱۳۴۳، صص ۱۱-۸.

بوستان سعدي (۵) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره هشتم، مرداد ۱۳۴۳، صص ۲۱-۱۸.

بوستان سعدي (۶) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره نهم، شهريور ۱۳۴۳، صص ۳۹-۳۴.

بوستان سعدي (۷) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره دهم، مهر ۱۳۴۳، صص ۱۴-۱۰.

بوستان سعدي (۸) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال اول، شماره دوازدهم، آذر ۱۳۴۳، صص ۱۵-۱۳.

بوستان سعدي (۹) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال دوم، شماره اول، دي ۱۳۴۳، صص ۳۵-۳۲.

بوستان سعدي (۱۰) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال دوم، شماره دوم، بهمن ۱۳۴۳، صص ۱۲-۱۰.

بوستان سعدي (۱۱) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال دوم، شماره سوم، اسفند ۱۳۴۳، صص ۲۲-۲۹.

بوستان سعدي (۱۲) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال دوم، شماره چهارم، فروردین ۱۳۴۴، صص ۴۰-۳۷.

بوستان سعدي (۱۳) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال دوم، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۴۴، صص ۲۲-۱۹.

بوستان سعدي (۱۴) ، محمدعلي ناصح، وحيد، سال دوم، شماره ششم، خرداد ۱۳۴۴، صص ۱۸-۱۵.

* در شماره‌هاي ياد شده بالا از مجله وحيد آبيات آغازين بوستان (نزدیک به ۲۷۰ بيت). به ترتيب توضيح داده شده است. با توجه به اينکه اين توضيحات ناقص مانده و بعد به همراه توضيح ساير آبيات بوستان در قالب کتابي منتشر شده است و ما در بخش کتاب‌ها آن را بررسي کرده‌ايم. براي پرهيز از تکرار و افزايش حجم اين مجموعه از بررسي مجدد چشم مي‌پوشيم. براي آگاهي بيشتري، بخش کتاب‌ها، در همين مجموعه. بوستان سعدي، با شرح اشعار و حواشي، محمدعلي ناصح (به کوشش دکتر خليل خطيب‌رهبر)، انتشارات صفي‌علي شاه، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

بوستان سعدي به تصحيح رستم علي‌يف (۱) ، اکبر طرفه، يغما، سال بيست و هفتم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۳، صص ۱۷۹-۱۷۵.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. مجله کاوه، چاپ آلمان، شماره ۳۲ و ۳۴، سال ۱۳۵۰ (به نقل از حبيب يغمائي در آغاز مقاله حاضر).

۱. مضمين اصلي: ۱-۱. گفتاري کوتاه از حبيب يغمائي در آغاز مقاله، از جمله: " آقاي رستم علي‌يف از مردم شوروي خود را از صاحب‌نظران درباره ادب فارسي مي‌داند ... بوستان شيخ سعدي را به خيال خود تصحيح و تنقيح کرده و عجيب اين است که استاداني چون بدیع‌الزمان فروزانفر و مینوي و دکتر صفا آن را سخت ستوده‌اند ... به راستي شخص، شاخ در مي‌آورد که اين استادان، بي‌مطالعه و بي‌دقت، کاري ناستوده را بستانند و به رقص اندر شوند که در سر تا سر اين کتاب از مرحوم فروغي به زشتي ياد شود، به آن فروغي که بوستان را با نهايت دقت و همت تصحيح فرموده؛ و بوستاني که جز يکي دو اشتباه مطبعي بيش ندارد و آن نيز گناهي است که بنده، يغمائي مرتکب شده‌ام " (ص ۱۷۵).

۱-۲. انتقاد از مقدمه‌هاي کتاب بوستان به تصحيح رستم علي‌يف و توضيح درباره مضمين مقاله حاضر (صص ۱۷۶-۱۷۵): " مقدمه‌هاي تعارف‌آمیز دانشمندان ایرانی، از جمله استاد فقيد، بدیع‌الزمان فروزانفر و دکتر ذبيح‌الله صفا در حکم چشم‌بندي است که امر را بر خواننده مشتبه مي‌سازد و او را در بادي نظر از تفحص در صحت و سقم متن باز مي‌دارد (ص ۱۷۵). ... هر خواننده آگاه پس از مرور بوستان چاپ پروفيسور علي‌يف در مي‌يابد که قصد ناشر محترم عبارت بوده است از: اولاً مبالغه در اصالت نسخه دوشنبه و ترجيح آن بر نسخه‌هاي معتبر ديگر و ثانياً خوار نمودن زحمات فروغي که اين، با روش يك محقق بي‌غرض، مغايرت تام دارد " (ص ۱۷۶).

۱-۳. گفتاري زير عنوان "ترجیح نابجاي نسخه دوشنبه بر نسخه‌هاي اصلي ديگر" و نقل سه نمونه از مواردی که رستم علي‌يف ضبط نسخه دوشنبه را بدون دليل و نادرست بر نسخه‌هاي ديگر ترجيح داده و در متن گذاشته است، با توضيح درباره دليل نادرستي ضبط رستم علي‌يف (صص ۱۷۶-۱۷۹).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. سعدي‌نامه يا بوستان سعدي، تهيه متن انتقادي و ... از رستم علي‌يف، انتشارات ابن‌سينا، ۱۳۴۷، ۲-۲. بوستان، محمدعلي فروغي.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. بوستان ۱۵ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. این نوشته بخش نخست مقاله است، برای اشاره رک. بخش دوم و پایانی مقاله (یغما، سال بیست و هفتم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۳، صص ۲۶۱-۲۵۲).

بوستان سعدی به تصحیح رستم علی‌یف (۲)، اکبر طرفه، یغما، سال بیست و هفتم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۳، صص ۲۶۱-۲۵۲.
چاپ‌های دیگر: ۱. مجله کاوه، چاپ آلمان، شماره ۳۳ و ۳۴، سال ۱۳۵۰ (به نقل از حبیب یغمایی در آغاز مقاله حاضر).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و نقل یک نمونه دیگر از مواردی که رستم علی‌یف، ضبط نسخه دوشنبه را، بدون دلیل و نادرست بر ضبط نسخه‌های دیگر ترجیح داده است. و نمونه‌ای دیگر که ضبط دوشنبه در عین درستی به پاورقی منتقل شده است (صص ۲۵۲-۲۵۳) و توضیح در همین باره: "از تمام این نمونه‌ها چنین برمی‌آید که کاتب دوشنبه به هنگام استنساخ، واژه‌هایی را که شباهت ظاهری به هم داشته‌اند به یکدیگر در آمیخته و فراخور معلومات خود کلمات را نقاشی می‌نموده است ... ناشر محترم [رستم علی‌یف] نه فقط ضبط دو نسخه اصلی "چ و پ" بلکه نسخه‌های معتبر دیگر را نادیده گرفته و فقط ضبط نسخه "د" را پذیرفته و در نتیجه سخن سعدی دستخوش غرابت و ناهنجاری و نارسایی شده، بدون روش علمی معین، حاشیه جای متن را گرفته و اصول ثابتی در مقابله نسخ از ناحیه ناشر محترم اتخاذ نشده است ... متأسفانه ناشر محترم در برخی مواضع بدون هیچ دلیل از متن نسخه "د" نیز صرف‌نظر کرده و ضبط صحیح آن را به دلخواه تغییر داده‌اند" (ص ۲۵۲).

۱-۲. گفتاری زیر عنوان "قلب و تحریف سخنان فروغی" با انتقاد از خرده‌گیری‌های رستم علی‌یف از مرحوم فروغی و پاسخ به برخی از آنها، از جمله: "ناشر محترم با کمال تأسف در مورد شخص ارجمند محمدعلی فروغی و بوستان چاپ او در موارد متعدد به قلب و تحریف حقایق پرداخته‌اند" (ص ۲۵۴).

- یادکرد نمونه‌هایی از اشکالاتی که رستم علی‌یف به غلط بر بوستان چاپ فروغی وارد کرده است، که هیچ کدام از این ادعاهای رستم علی‌یف در مورد نسخه فروغی برابر با واقعیت نیست (صص ۲۵۸-۲۵۴).

۱-۳. یادکرد نمونه‌هایی از ابیات نسخه بوستان رستم علی‌یف که دچار پریشانی است و مقایسه آنها با ضبط نسخه فروغی، که در همه موارد نسخه فروغی بسامان‌تر و مناسب‌تر است (صص ۲۶۰-۲۵۸). با این نتیجه‌گیری که: "دانشمندان ایرانی که با زبان چرب اغراق‌آمیز در حق چنین بوستانی آلوده به خس و خاشه در مقدمه سخن‌ها گفته و مزاج‌گویی‌ها کرده‌اند، پس از این همه خطاها معلوم شد دل‌باخته لعبت نادیده شده و ذرع ناگرده پاره کرده‌اند و اندرز سعدی را در بوستان از یاد برده‌اند که فرمود:

نبايد سخن گفت ناساخته نشايد بریدن نینداخته
(ص ۲۶۰)

۱-۴. نقل نمونه‌هایی از اشتباهات رستم علی‌یف در بوستان مورد نظر، به قلم حبیب یغمایی، با این توضیح: "باری هیچ صفحه‌ای از این کتاب بی‌غلطی واضح نیست، اگر مجال داشته باشید و این نسخه را حتی با نسخه‌های چاپی خودمان بسنجید و موضوع گفتار و ابیات پیش و پس را بخوانید، در خواهید یافت که آقای علی‌یف با سعدی چه کرده است ..." (ص ۲۶۱).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. سعدی‌نامه یا بوستان سعدی، تهیه متن انتقادی و ... از رستم علی‌یف، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۷. ۲-۲. بوستان، محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۲. بوستان ۲۷ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. این نوشته ارزشمند که به نقل از مجله کاوه (شماره ۳۳ و ۳۴ سال ۱۳۵۰)، با تلخیص در دو شماره از مجله یغما چاپ شده به درستی، اشتباهات فراوانی از بوستان تصحیح رستم علی‌یف را بازنموده است. ذکر دقیق نشانی ابیات شاهد، دقت در بازیافت اشتباهات، داور درست و پرهیز از انشاپردازی و کلی‌گویی از ویژگی‌های این مقاله است. در تمام مواردی که در این مقاله بر ضبط رستم علی‌یف اشکال وارد آمده، حق با نگارنده مقاله است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. نقد و بررسی شرح سودی بر بوستان، ولی‌الله درودیان، نگین، سال دهم، شماره مسلسل ۱۲۰، سی‌ویکم اردیبهشت ۱۳۵۴، ص ۵۸.

بوستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی ...، سعید حمیدیان، نشر دانش، سال پنجم، شماره ۶، مهر و آبان ۱۳۶۴، ص ۵۶.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته معرفی کوتاه چاپ دوم بوستان سعدی به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی است. ۱-۱. اشاره به مقاله نگارنده با عنوان "حسن روزافزون بوستان" که به نقد و بررسی و مقایسه بوستان‌های چاپ دکتر یوسفی و چاپ رستم‌علی‌یف پرداخته بود.

۱-۲. اشاره‌ای کوتاه به چاپ جدید بوستان به تصحیح دکتر یوسفی: "اما چاپ جدید آن از دو مزیت مهم نسبت به طبع قبلی بهره‌مند است: یکی اعمال نظرهای جدید ایشان و نیز تذکراتی مفید دوست‌داران سعدی و یوسفی و دیگر چاپ دلدپذیر و شمایل خوب کتاب ..."

۲. منابع اصلی: ۱-۲. بوستان سعدی (سعدی‌نامه)، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۴.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. ندارد (درباره متن تصحیح شده بوستان دکتر یوسفی است).

۴. اشاره: ۱-۲. نگارنده در این نوشته فقط به یادآوری مقاله پیشین خود (حسن روزافزون بوستان، نشر دانش، سال دوم، شماره ۶، خرداد و تیر ۱۳۶۱، صص ۴۹-۳۲) پرداخته و سخن تازه او تنها، عبارتی است که در بخش ۱-۲ (مضامین اصلی) نوشته شد.

بهار از نظرگاه سعدی، حسین آهی، سروش، شماره ۲۲۱، پنجشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۶۲، صص ۴۱-۴۰ و ۹۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر فصاحت و بلاغت کلام سعدی و تأثیر آثار بی‌نظیر او در دل و جان آدمی با یادکرد نمونه‌هایی از سروده‌های او که در وصف بهار است:

"شیخ ما سعدی نه تنها در سخن، فرمانروای قدرتمند سرزمین فصاحت است، و آثار بی‌نظیر او آسمان هنر و ادب و فرهنگ را خورشیدی فروزان به شمار می‌آید. بلکه در حکمت و دیگر علوم معقول، حکیمی خردمند است (ص ۴۰).

بباید گفت که تا امروز هزاران کتاب و منظومه در اخلاق و حکمت و موعظت از سوی سخنوران و نویسندگان نامی این سرزمین نگاشته و سروده شده ... لیکن در برابر کتاب گلستان، و منظومه بوستان صدها سال است که زبان‌ها در کام فرومانده، و کمتر سخنوری زهره آن را یافته که در تنبوع و تقلید شیوه شیخ ما برآید (ص ۴۱).

بهار از نظرگاه سعدی جلوه‌ای دیگر دارد، او بهار را به گونه‌ای که دیگران می‌بینند، نمی‌نگرد. بهار، در دیده سعدی نمونه‌ای حساب شده از رستخیز بزرگ است، و خرمی و سرسبزی درختانش، مثالی از طراوت ملکوت به شمار می‌آید. برگ برگ مرغزاران در دیده شیخ ما، دفتر معرفت کردگار، و کتاب فضیلت‌بخش خداوندگار است ... " (ص ۹۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۶ بار، قصاید ۲ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته سخن تازه‌ای مطرح نشده است. نویسنده برخی از سروده‌های سعدی را که در وصف بهار است گرد آورده و با عباراتی آنها را به هم پیوند داده است. البته این نوشته برای مخاطبان عمومی مجله خالی از فایده نیست.

به تقلید از گلستان سعدی، رضا عبداللهی، رشد ادب فارسی، سال ۵، شماره ۱۹ و ۲۰، زمستان ۱۳۶۸ و بهار ۱۳۶۹، صص ۴۲، ۴۳ و ۵۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر سبک والای گلستان و اشاره به شروحي که بر گلستان نوشته شده است، از جمله: دو شرح عربی تألیف یعقوب بن سیدعلی و سروری و سه شرح ترکی از لامعی، شمعی و سودی و شرح دیباچه گلستان در سه هزار بیت از میرزا سلمان حسابی نطنزی و شرح محمداکرم ملتانی و خیابان گلستان از سراج‌الدین علی‌خان آرزو ... (ص ۴۲).

۱-۲. معرفی آثاری که به تقلید از گلستان پرداخته شده‌اند:

- "نگارستان" اثر معروف مولانا معین‌الدین جوینی، "روضه‌الخلد" اثر مجدخوافی، "بهارستان" اثر عبدالرحمن جامی، "گنجینه معتمد" اثر میرزا عبدالوهاب متخلص به نشاط؛ "دیوان مجمر"، از سیدحسینی طباطبایی اردستانی متخلص به مجمر، "صبح وصال" اثر میرزا شفیق شیرازی متخلص به وصال، "حدائق‌الجنان" اثر عبدالرزاق بیگ آذربایجانی متخلص به مفتون، "منشآت" میرزا ابوالقاسم فراهانی، "پرشان" میرزا حبیب‌الله شیرازی متخلص به قانی، "حاجی بابا اصفهانی" (از جیمز موریه) ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، "ملستان" اثر میرزاابراهیم خان مدایح‌نگار، "خارستان" اثر میرزا قاسم ادیب کرمانی و "رضوان" اثر میرزا آقاخان کرمانی (صص ۴۲، ۴۳، ۵۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. سبک‌شناسی، محمدتقی بهار، ۲-۲. تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ۲-۳. تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، ۲-۴. نگارستان جوینی، ۲-۵. روضه‌الخلد خوافی، ۲-۶. بهارستان جامی، ۲-۷. تذکره مجدیه، مدایح نگار تفرشی، ۲-۸. از صبا تا نیما، یحیی آربین‌پور.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره مقلدان گلستان و مقلدان سعدی است).

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته سیزده اثر از نویسندگان و شاعران فارسی زبان که در شیوه نگارش از گلستان سعدی پیروی کرده‌اند معرفی شده است. چنانچه نمونه‌هایی از نثر این کتاب‌ها با نثر گلستان مقابله و مقایسه شده بود و به گونه‌ای تطبیقی این سنجش تحلیل و بررسی گردیده بود، بسیار سودمند می‌شد.

۴-۲. مراجع مورد استفاده به صورت کلی در پایان مقاله معرفی شده است. چنانچه موارد استفاده شده در متن نوشته نیز نمایانده می‌شد بهتر بود.

بهداشت از دیدگاه سعدی، دکتر سیاوش آگاه، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۷۵-۵۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. اطلاعات علمی، سال اول، شماره ششم، ۱۲ دی ۱۳۶۴، صص ۱۱-۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان انگیزه تهیه مقاله (صص ۶۱-۶۲).

۱-۲. ذکر نمونه‌هایی از آثار سعدی که در آنها اشارات بهداشتی و پزشکی است (هشت نمونه از گلستان و دو نمونه از بوستان) از جمله: "هر نفسی که فرو می‌رود ... استاد در این جملات، فیزیولوژی عمل تنفس را در دو جمله کوتاه، بخوبی و با کمال مهارت تشریح کرده است (ص ۶۳) و "ماه عیش آدمی شکم است ... با مطالعه دقیق این سه بیت یکی از مباحث مهم علم تغذیه و بهداشت و آسیب‌شناسی جهاز گوارشی که استاد اجل در قالب این ابیات وصف نموده و در کمال سادگی آن را تشریح کرده است، بر ما واضح و آشکار می‌شود ... " (ص ۶۴).

"خوردن برای زیستن و ذکر کردن است ... در این حکایت نیز شیخ اجل را عقیده بر آن است که چون غذا بیش از حد لزوم مصرف شود، نه فقط حمل مقدار اضافی آن تولید اشکال می‌کند، بلکه سنگینی بار آن بر دوش حساس‌ترین و مهم‌ترین عضو بدن یعنی قلب گذارده می‌شود ... " (ص ۷۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان و گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۹ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته برخی از اشارات سعدی در بوستان و گلستان (هشت نمونه از گلستان و دو نمونه از بوستان) که موضوع آنها بهداشتی و پزشکی است بررسی شده و از دیدگاه پزشکی تحلیل و تأیید شده است. نویسنده در بخش پایانی نوشتار خود آورده‌اند: "از خوانندگان انتظار دارد با مطالعه این رساله، بار دیگر به عظمت روح و اعتلای درجات اندیشه این متفکر بزرگ و خردمند عالی‌قدر و صاحب‌نظر در ابعاد مختلف حکمت عملی پی برند." (ص ۷۴). ولی اغلب توضیحات نویسنده بیش از آنکه به کار اثبات عظمت سعدی آید، موجب درازای سخن شده است. به عنوان مثال در مورد مزاج‌های چهارگانه سه صفحه توضیح داده‌اند (صص ۶۵-۶۷) در حالی که اعتقاد به مزاج‌های چهارگانه از باورهای مسلم قدیم و با سابقه‌ای خیلی پیش از سعدی بوده است. یا "پرهیز از پرخوری و رعایت کم‌خوری" (صص ۷۳-۷۰) از ساده‌ترین سفارشات همواره بهداشتی بوده و هست و اثبات آن نیاز به این همه توضیح ندارد، که موجب افزایش حجم مقاله گردد.

بیوگرافی سعدی، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۴۴، پنجشنبه ۸ اسفند ۱۳۴۷، صص ۱۹-۱۸ و ۳۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره‌ای به سلسله مقالات پیشین نگارنده درباره سعدی و آغاز یک سلسله مقاله دیگر درباره مطالب تاریخی دوره سعدی به عنوان "دومین قسمت مقاله‌ها" و طرح موضوع قسمت‌های سوم و چهارم مقاله‌ها (ص ۱۸).

۱-۲. توضیح درباره ابهام در تولد و زندگی سعدی، از جمله: "شاید هرگز کسی تاریخ تولد سعدی را در نیابد ... اشاره سعدی در گلستان به ... و تذکر وی در بوستان به ... هیچ‌یک مأخذ سنی وی نمی‌تواند قرار بگیرد ... (ص ۱۸). درباره نام سعدی نیز مدرک معتبری به دست نیامده است ... (ص ۱۹)".

۱-۳. نقل نظر ابن‌الغوطی، حمدالله مستوفی، دولت‌شاه سمرقندی، ابن‌بطوطه، سردنیس راس و ... درباره نام سعدی (ص ۱۹).

۱-۴. توضیح درباره شهرت سعدی: " کسی منکر نیست که سعدی، در زمان حیات و حداقل در اواخر عمر خویش مشهور آفاق بوده، ولی علیرغم کسانی که داستان‌های اغراق‌آمیزی درباره شهرت سعدی به هم بافته‌اند، شهرتی که سعدی در زمان ما دارد و در قرن‌های آینده خواهد داشت، به هیچ وجه با اشتباهی که در زمان حیات خویش داشته طرف نسبت نیست ... هیچ بعید نیست که این کلمه [سعدی] تخلص نبوده، بلکه بدون هیچ‌گونه عنوان و لقبی نام اصلی متفکر ایرانی بوده است." (ص ۱۹).

۱-۵. اشاره‌ای به سیر زندگی سعدی، از جمله: " از حوادث معین و مشابهی که به اشکال مختلف در آثار سعدی آمده، چنین مفهوم می‌شود که وی قطعاً به علت حساسیت فوق‌العاده، زندگی پرماجرایی داشته، یعنی در حقیقت گرفتار عقل بوده و در واقع اغلب داستان‌های گلستان و بوستان را می‌توان تصویر مبهمی از حوادث زندگی سعدی دانست " (ص ۳۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. آثاری که در بخش مضامین اصلی (۱-۲) به آنها اشاره شده (نشانی کامل مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۷ بار، قطعات ۵ بار، بوستان ۴ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته با استناد به قول برخی از منابع تاریخی بر ابهام زمان تولد، نام و زندگی سعدی تأکید شده است، اما سخن تازه قابل مطرحی بیان نشده است.

معلوم نیست منظور نویسنده از واژه " معاصر " در جمله زیر چیست؟ " از هیجده شاعر و نویسنده معاصر ایرانی از قبیل فردوسی - حافظ - نظامی - عطار - خیام و ابوعلی‌سینا فقط تاریخ تولد سه تن ... در تواریخ مشخص گردیده ... " (ص ۱۸).

پ

پاسخی به کلوخ اندازان ، جمال پیمان، روزنامه خبر، پنجشنبه ۹ اسفند ۱۳۷۵ (نگاه پنجشنبه)، ص ۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مقاله " آیا سعدی يك جهانگرد بود " از ناصر پورپیرار و اعتراض منظوم به آن نوشته.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته کوتاه اعتراضی است به نظر آقای پورپیرار در مقاله مورد نظر.

نویسنده این مطلب کوتاه آنقدر شتابزده بوده است که بدون آنکه مقاله مورد نظر را بخواند یا سخنرانی آن را بشنود به پاسخ‌گویی پرداخته است.

پارادوکس، عکس، نقض و عدم تقارن در شعر سعدی، دکتر عبدالکریم سروش، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۲، صص ۱۲ و ۱۸.

* این مقاله يك بار دیگر با عنوان " تعمیم صنعت طباق یا استفاده از عکس و نقض و عدم تقارن در شعر سعدی " در جلد دوم " ذکر جمیل سعدی " (صص ۲۶۵-۲۵۷) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رك. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

پاره‌های موزون گلستان سعدی (۱) ، ابوالحسن نجفی و احمد سمیعی گیلانی، نامه فرهنگستان، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۴، صص ۱۰۴-۹۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به انگیزه و شیوه کارکرد در این مقاله، آقای احمد سمیعی پس از بیان انگیزه خود نوشته‌اند: " ... در پی مذاکره‌ای با آقای ابوالحسن نجفی ... به انگیزه ذوق شخصی و تأیید و تشویق ایشان، عزم جزم کردم که سراسر گلستان را از نظر دقت بگذرانم و پاره‌هایی از آن را که موزون می‌باشم بیرون کشم و تقطیع کنم. این کار را ابتدا در مورد چند حکایت از باب سوم انجام دادم و مستخرجات را با تعیین افعال فهرست کردم و برای واریسی به آقای نجفی سپردم و ایشان با حوصله و علاقه بازبینی و خوشبختانه موزون بودن پاره‌های فهرست شده را عموماً تأیید فرمودند و علاوه بر آن، نام بحر و زحاف هر يك را به دست دادند و شواهدی از سوابق وزنی آنها در متون عروضی و اشعار سنتی پیشین افزودند و برای پاره‌هایی که وزن آنها فاقد چنین سابقه‌ای بود از شاعران معاصر، من جمله نوپردازان نیمايي، شواهدی یافتند ...

حاصل چندان جالب و دلکش از کار درآمد که مرا به ادامه تحقیق برانگیخت و در مدتی نسبتاً کوتاه، آنچه پاره موزون در گلستان تمیز دادم، به ترتیب ابواب و حکایات فهرست کردم و به آقای نجفی سپردم. ایشان نیز ... با اشتیاق تمام، حاصل کار این جانب را با افادات خود آرا ستند و صورت نو بخشیدند " (ص ۹۵).

۱-۲. یادکرد ۲۱ پاره موزون از دیباچه گلستان، با تقطیع و تعیین وزن و زحاف هر پاره و نقل نمونه‌های هموزن از شاعران گذشته و معاصر (صص ۱۰۴-۹۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. رك. منابع اصلی بخش چهارم و پایانی مقاله.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲۲ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست از يك مقاله بلند است. برای اشاره رك. بخش چهارم و پایانی مقاله (نامه فرهنگستان، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۴، صص ۱۰۳-۶۷).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رك. بخش چهارم و پایانی مقاله

پاره‌های موزون گلستان سعدی (۲)، ابوالحسن نجفی و احمد سمیعی گیلانی، نامه فرهنگستان، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، صص ۹۶-۱۱۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و یادکرد ۶۶ پاره موزون از باب نخست گلستان، با تقطیع و تعیین وزن و زحاف هر پاره و نقل نمونه‌های هموزن از شاعران گذشته و معاصر (صص ۹۶-۱۱۳).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ر.ک. منابع اصلی بخش چهارم و پایانی مقاله.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۶۶ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش دوم از یک مقاله بلند است. برای اشاره، ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله (نامه فرهنگستان، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۴، صص ۶۷-۱۰۳).
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

پاره‌های موزون گلستان سعدی (۳)، ابوالحسن نجفی و احمد سمیعی گیلانی، نامه فرهنگستان، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۴، صص ۹۸-۱۲۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و یادکرد ۱۵۰ پاره موزون از باب دوم گلستان، با تقطیع و تعیین وزن و زحاف هر پاره و نقل نمونه‌های هموزن از شاعران گذشته و معاصر (صص ۹۸-۱۲۷).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ر.ک. منابع اصلی بخش چهارم و پایانی مقاله.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۵۰ بار، غزلیات ۲ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش سوم از یک مقاله بلند است. برای اشاره، ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله (نامه فرهنگستان، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۴، صص ۶۷-۱۰۳).
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

پاره‌های موزون گلستان سعدی (۴)، ابوالحسن نجفی و احمد سمیعی گیلانی، نامه فرهنگستان، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۴، صص ۶۷-۱۰۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش سوم مقاله و یادکرد ۱۷۱ پاره موزون از باب‌های سوم تا هشتم گلستان، با تقطیع و تعیین وزن و زحاف هر پاره و نقل نمونه‌های هموزن از شاعران گذشته و معاصر (صص ۶۷-۱۰۳).
- ۱-۲. نتیجه (صص ۱۰۳-۱۰۲).
- ۱-۲-۱. بررسی نتایج به دست آمده از فهرست پاره‌های موزون و سه گونه تقسیم‌بندی: ۱. از جهت سابقه ۲. از نظر بحر ۳. به تفکیک ابواب. در تقسیم‌بندی نخست آمده است: "نسبت شمار پاره‌هایی که وزن آنها سابقه دارد به مجموع پاره‌ها به شرح زیر است:

- دارای سابقه در اشعار سنتی و شاهد در متون عروضی، حدود ۳۶ درصد.
- دارای سابقه در اشعار سنتی به صورت دوری، حدود ۱۶ درصد.
- دارای شاهد فقط در متون عروضی، حدود ۳۶ درصد.
- دارای شاهد در شعر به قالب سنتی یا نیمایی معاصر، حدود ۵۰ درصد.

ضمناً وزن حدود ۱۲ درصد از مجموع پاره‌ها در سنت شعری ما، از جمله در شعر معاصر سابقه و شاهد ندارد " (ص ۱۰۲). در پایان مقاله آمده است: "استخراج پاره‌های موزون گلستان و مطالعه آنها به مروری در سوابق بحر و اوزان و تداوم آنها در شعر معاصر منجر گشته است. ضمناً به پاره‌های موزونی در گلستان برمی‌خوریم که تنها در شعر معاصر شاهد دارند و برای نوآوری‌های شاعران معاصر، سابقه‌ای سنتی به دست می‌دهند. سرانجام این نتیجه حاصل شده است که هنوز اوزانی وجود دارند که به آنها شعری سروده نشده است ..." (ص ۱۰۳).

۲. **منابع اصلی:** از منابع گوناگونی استفاده شده، از جمله: ۲-۱. گلستان، محمدعلی فروغی. ۲-۲. گلستان، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۳. کتاب‌های مختلف عروض، از جمله: المعجم، شجرةالعروض، معیارالاشعار، دره نجفی، عروض سیفی و ... ۲-۴. اشعار بسیاری از شاعران گذشته و معاصر.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۷۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بلند، گسترده‌ترین پژوهشی است که برای بازیافت پاره‌های موزون گلستان انجام گرفته است. تقطیع و تعیین وزن همه پاره‌های موزون گلستان، به ترتیب باب‌ها و حکایت‌ها و یادکرد نام بحر و زحاف مربوط به آن و نیز نقل نمونه‌های هموزن در دیوان شاعران گذشته و معاصر، نشان‌دهنده دقت و توانمندی علمی مؤلفان این مقاله ارزشمند است. برای بسیاری از پاره‌های مورد نظر که در شعر گذشتگان مثالی نبوده، از شاعران امروز مثال آورده شده است و این نیز بیانگر دقت و جستجوی نگارندگان مقاله است. حجم مقاله (۱۰۵ صفحه) و ارزش آن به گونه‌ای است که می‌توان آن را در قالب یک کتاب نیز منتشر کرد.

آقای سعید پورکیا در نقدی بر این مقاله ضمن اصلاح برخی از مطالب این نوشته توضیحاتی نیز بر آن افزوده‌اند (ر.ک. نقد و بررسی درباره پاره‌های موزون گلستان، سعید پورکیا، نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۵، صص ۱۴۳-۱۳۶).

پاسخ حضرت سعدی به نامه سرگشاده، سیدمجتبی کیوان، یغما، سال بیست و هفتم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۳، صص ۴۵۱-۴۵۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به "نامه سرگشاده به تربت مقدس ... سعدی شیرازی" از حبیب یغمایی و پاسخ منظوم از قول سعدی به آن نامه. پیش از آغاز سروده، آمده است: "در پایان نامه سرگشاده، از روح پاک حضرت شیخ استمداد شده است تا به چاکران خود برای ابراز نظر الهام فرمایند. اکنون من که فدایی شیخ شیرازم، از زبان حضرتش پاسخ نامه را به شعر می‌پردازم" (ص ۴۵۱).
- ۱-۲. برخی از ابیات سروده:

دستخط حبیب یغمایی نامه سرگشاده را دیدم
ابتکار تو را و لطف تو را راستی را به جان پسندیدم

از تو ممنونم ای حبیب عزیز کز سر لطف کرده‌ای یادم
وز کمال ارادت و اخلاص کرده‌ای سرفرازم و شادم ...
ثالثاً گفته‌ای که اشعارم در کف این و آن دگرگون است
راست گفتی که هفت صد سال است دلم از دست این و آن خون است

کاتبان جمله دشمنان منند سخن دشمنان نه معتبر است
چه توان گفت لطف شعر مرا هر چه گویم از آن لطیف‌تر است ...

رباعاً در خصوص اشعارم کاین همه شور در جهان انداخت
گفته بودی که راه بنمایم مصلحت را که تا چه باید ساخت؟

نسخه‌هایی که مانده از اشعار چه در ایران چه در دیار فرنگ
عکس هر یک بگو که برگیرند همگان چون تو را فتاد به چنگ

باش تا از فحول فضل و ادب وز خدایان شعر چند تنی
هفته‌ای چند بار بی‌تعطیل با ارادت کنند انجمنی

نسخه‌ها را به دقت کامل روی در روی هم کنند بسی
ذوق و طبع سلیم و فهم درست باید آنجا نه کمترین هوس ...

هر کجا مشکلی پدید آید سبک سعدی است بهترین معیار
وانچه از سبک من بود بیرون دگر از وی امید خیر مدار

آنچه مغشوش اگر کنی اصلاح متصور شود شکیبایی
رنجه از حذف و رد نخواهم شد گر به انصاف با میان آیی ...

خاتمت را سه راه بنمودی که یکی زان سه اختیار رود
من هم البته دل بر آن دارم که به یک شاهد اختیار شود

غزلیات را بدان ترتیب که در آورده بیستون بشمار
هم به ترتیب حرف آخر شعر جمع کن از همه نسخ ناچار

لیک بالای هر غزل به وضوح نام هر نسخه را معین کن
"طبیات" است یا "خواتیم" است یا "بدایع" درست روشن کن ...

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. ۲-۲. نامه سرگشاده به تربت مقدس سعدی شیرازی، حبیب یغمایی، یغما، مهر ۱۳۵۳.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. در این سروده بارها به آثار سعدی اشاره و از آنها استفاده شده است.

۴. اشاره: ۴-۱. در این سروده زیبا که نشان از ذوق سراینده آن دارد. شاعر با زبانی ساده و با استفاده از بسیاری از سخنان سعدی، به خوبی از قول او به نامه سرگشاده حبیب یغمایی پاسخ داده و در ضمن آن روش درست مقابله نسخ خطی را برای تصحیح آنها باز نموده است.

پرتوی از دقایق بلاغی قرآن کریم در آثار سعدی، میر جلیل اکرمی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۳۷، شماره یک، بهار ۱۳۷۳، صص ۲۸-۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره‌ای به تأثیر فرهنگ اسلامی در آثار نویسندگان و شاعران ایرانی (صص ۱-۳).

۱-۲. تقسیم انواع تأثیرپذیری سعدی از قرآن کریم در ۸ دسته به شرح زیر:

- " بهره‌گیری از درر الفاظ قرآن، جهت انتقال اذهان به دریای بیکران کلام الهی، تضمین عین آیات در لایبلائی کلام، ترجمه منشور یا منظوم آیات الهی، بیان مضمون و مفهوم آیات به نثر یا نظم بدون ذکر خود آیه، برداشت‌ها، و استنباطات عرفانی از آیات تأویل‌پذیر قرآن، استفاده از شیوه بیان قرآن در آوردن الگوها و نمونه‌های تاریخی برای تعلیم، بهره‌مندی از معانی والا و تمثیل‌های عبرت‌آموز قرآن به صورت اشاره و تلمیح و بهره‌گیری از بلاغت قرآن با در نظر گرفتن همه ابعاد هنری آن " (صص ۴-۵).

۱-۳. بیان نمونه‌هایی از آثار سعدی که از بلاغت قرآن متأثر است:

۱-۳-۱. تشبیه - در این بخش شش نمونه از تشبیهات سعدی که متأثر از تشبیهات قرآنی است با نقل آیه‌های مورد نظر باز نموده شده است (صص ۶-۱۰).

۱-۳-۲. استعاره - در این بخش پنج نمونه از استعارات سعدی که متأثر از استعاره‌های قرآنی است، با نقل آیه‌های مورد نظر باز نموده شده است (صص ۱۰-۱۵).

۱-۳-۳. مجاز مرسل - در این بخش تأثیرپذیری یک نمونه از سروده‌های سعدی از دو آیه کریمه نموده شده است (ص ۱۵).

۱-۳-۴. کنایه - در این بخش تأثیرپذیری سه نمونه از سروده‌های سعدی که در بیان کنایه از آیات کریمه متأثر بوده، با نقل آیه‌های مورد نظر، نشان داده شده است (صص ۱۷-۱۵).

۱-۳-۵. طباق - در این بخش یک نمونه از سروده‌های سعدی که با داشتن آرایه طباق از گونه قرآنی متأثر بوده، با نقل آیه مورد نظر، نشان داده شده است (صص ۱۷-۱۸).

۶-۳-۱. تمثیل - در این بخش يك نمونه از سروده‌هاي سعدي که در بیان تمثیل، متأثر از بیان قرآني است، با ذکر آیه مورد نظر نشان داده شده است (صص ۱۹-۱۸).

۷-۳-۱. مثل - در این بخش چهار نمونه از سروده‌هاي سعدي که به گونه مثل در آمده و متأثر از امثال قرآني است، با نقل آیه‌هاي مورد نظر، نشان داده شده است (صص ۲۲-۱۹).

۸-۳-۱. افتنان - در این بخش دو نمونه از سروده‌هاي سعدي که در شیوه بياني آن يعني افتنان از قرآن متأثر بوده، با نقل آیه‌هاي مورد نظر نشان داده شده است (صص ۲۳-۲۲).

۹-۳-۱. اکتفا - در این بخش يك نمونه از سروده‌هاي سعدي که درصنعت اکتفا متأثر از قرآن بوده، با ذکر آیه مورد نظر، نشان داده شده است (صص ۲۴-۲۳).

۱۰-۳-۱. استدراك و رجوع - در این بخش دو نمونه از سروده‌هاي سعدي که در موضوع استدراك و رجوع متأثر از قرآن است با ذکر آیه مورد نظر، نشان داده شده است (صص ۲۶-۲۴).

۱۱-۳-۱. تقدیم و تأخیر - در این بخش يك نمونه از سروده‌هاي سعدي که در گونه بلاغي " تقدیم و تأخیر " متأثر از قرآن بوده با ذکر آیه مورد نظر، نشان داده شده است (صص ۲۷-۲۶).

۲. منابع اصلي: ۱-۲. قرآن کریم، ۲-۲. کلیات سعدي، محمدعلي فروغي، چاپ پنجم، ۲-۲. گلستان، به تصحيح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، ۲-۴. بوستان، به تصحيح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوم.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۱-۳. بوستان ۱۷ بار، گلستان ۷ بار، قصاید ۵ بار، غزلیات ۱ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. موضوع تأثیرپذيري و بهره‌مندی سعدي از قرآن کریم، از جمله موضوعاتي است که ذهن بسیاری از سعدي‌پژوهان را به خود مشغول داشته و موجب پیدایش نوشته‌هاي زیادی شده است.

نویسنده این مقاله نیز تأثر ۲۴ نمونه از سخنان و سروده‌هاي سعدي را از ۳۳ آیه شریفه بازنموده است. که هر چند این تأثرات پیش از این نیز از سوی پژوهشگران دیگر بررسی شده، اما موضوع تأثر در این مقاله " دقایق بلاغي " است که از این دیدگاه این تأثرات به یازده بخش تقسیم شده و در گونه خود نوعی تازگی دارد.

چنانچه همه آثار سعدي به همین منظور بازبینی می‌شد، نمونه‌هاي مناسب‌تر و فراوان‌تری برای شاهد مثال به دست می‌آمد و این خود البته موضوع پژوهش گسترده‌تر و ژرف‌تری است. به عنوان مثال: در ص ۱۵، در بخش مجاز مرسل مثال ارائه شده از سعدي يك اقتباس است و تنها در آیه مورد نظر، مجاز مرسل وجود دارد.

بررسی و تحلیل بلاغي نمونه‌هاي ارائه شده به ارزش این مقاله افزوده است.

۲-۴. نشانی برخی از نمونه‌ها مشخص نشده است، از جمله: ص ۸، س ۳ و ص ۱۱، س ۸ و ص ۱۲، س ۱۷ و ۱۸ و بیان برخی از نشانی‌ها یکدست نیست، به عنوان مثال در ص ۱۲ (پاورقی شماره ۲) نوشته شده: " قصاید سعدي " ولی در صفحه روبروی آن (پاورقی شماره ۱) نوشته شده: " کلیات ۷۹۱ " یا در ص ۱۶ (پاورقی شماره ۲) نوشته شده: " کلیات، ص ۲۸۱ " در حالی که در صفحه روبرو (پاورقی شماره ۱ و ۲) نوشته شده: " بوستان، چاپ دکتر غلامحسین یوسفی، ۲۱۱۵ و بیت ۲۰ " و در همان صفحه پاورقی شماره ۳ ناقص بیان شده است.

۳-۴. این نوشته نیز از اشتباهات چاپی بر کنار نمانده است، از جمله: ص ۹، س ۴: گفتمی (گفتمی) و ص ۱۷، س ۶: یسته‌ای (دسته‌ای) و در ص ۱۴ هم که از رباعیات سعدي بيتي انتخاب شده مصراع دوم آن از بيتي دیگر است. صورت درست آن رباعی چنین است:

فردا که به نامه سیه در نگری بس دست تحسر که به دندان بیری
بفروخته دین به دینی از بی‌خبری یوسف که به ده درم فروشی چه خری

پرویش گوهری از سعدي در صدف حافظ، پروفیسور فضل‌الله رضا، هفتاد مقاله (۲)، ۱۳۷۱، صص ۴۴۰-۴۲۷.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. تأکید بر تأثیرپذيري حافظ از سعدي با رهایی از بند تقلید (صص ۴۲۸-۴۲۷).

۲-۱. اشاره نگارنده به مقاله‌ای چاپ نشده از خود که در آن مقاله يك غزل از سعدي و يك غزل از حافظ را با هم مقایسه کرده است و بیان خلاصه‌ای از نتایج آن مقایسه (صص ۴۲۹-۴۲۸).

مطلع آن دو غزل چنین است:
يك امشبي که در آغوش شاهد شکر گرم چو عود بر آتش نهند غم نخورم
(سعدي)

تو همچو صبحي و من شمع خلوت سحرم تبسمي کن و جان بین که چون همی سپرم
(حافظ)

"... آن غزل سعدي، شاهکاری است در مکتب شعر غنایی و در دفتر غزل عاشقانه فارسی، شاهکاری بسیار دلنشین و ساده‌روان، که نهایت عشق انسانی را به انسانی دیگر، گوینده به فصاحتی در آسمان هفتم تقریر کرده است ...

غزل حافظ شاهکاری است در مکتب غزل‌های عرفانی پارسی. در دفتر گسترده شعر عارفانه، کمتر غزلی سراغ داریم که عشق روحانی، یعنی عشق آدمی را به معشوق نادیده ناشناخته، بدان لطافت از ژرفای فکر بیرون کشیده باشد ... " (ص ۴۲۹).

۳-۱. تأکید بر ضرورت بررسی علمی غزل‌های همانند سعدي و حافظ: "... در مقایسه سخنان و معانی مشابه در دیوان دو استاد، به کار بردن آمار و تحلیل علمی، موازی با شناخت ادبی، می‌تواند ما را به نتایجی رهبری کند، که يك دوگام از دیدگاه ذوقی امروز ما فراتر باشد - ذوقی آمیخته به دانش و بینش و تجزیه و تحلیل ... " (صص ۴۲۵-۴۲۹).

۴-۱. طرح يك غزل از سعدي و يك غزل از حافظ که مقطع آن دو غزل معانی همگون دارند و مقایسه آن دو بیت (صص ۴۲۸-۴۳۰).

سعدي از بند تو هرگز به درآید هیاهت بلکه حیف است بر آن کس که به زندان تو نیست
خلاص حافظ از آن زلف تابدار میاد که بستگان کمند تو رستگارانند

" بیت پایان غزل سعدي صحنه‌ای از این دست در ذهن القا می‌کند: مغناطیس زیبایی معشوق چندان نیرومند است، که در میدان جاذبه خود می‌تواند همه را برآید، بخصوص آنها که چشم زیباشناس دارند. آنها که اهل دلند سخت‌تر جذب می‌شوند، و زودتر به بند در می‌افتند. سعدي دیده‌ور و صاحب‌دل، به این میدان جاذبه جمال اندر افتاده است ... اما پربشان حال و فرسوده و دژم نیست ...

بیت پایان غزل حافظ همان مطلب را در صحنه‌ای مشابه ترسیم می‌کند. نقش صحنه، لاقل به ظاهر، همتای همان نقش سعدي است. اما در ژرفا، دید نقاش عارفانه است. نابرابری دید دو نقاش را می‌توان سنجد و این سخن موضوع بحث ماست - بدون اینکه

مزیتی برای یکی بر دیگری قائل شویم ...

هر دو شاعر يك مضمون را پرورانیده‌اند. گمان می‌رود که حافظ این نقش زیبا را روزی در غزل سعدي دیده و آن را به حساب‌خانه (کامپیوتر) مغز خود سپرده باشد. همان مضمون، شاید پس از سال‌ها آمیختگی با سازمان فکری لسان‌الغیب، روزی حافظوار از دلش بیرون آمده است.

در بیت سعدی، سازمان فکری صریح و مستقیم به نظر می‌رسد. اندیشه نقش جزئی دارد. نقشی که با طرز فکر و اعتقادات مذهبی شیخ می‌خواند. شک و تردید چندان در کارش نیست. ریشه منطقی فکر او منطق دوگانه، آری یا نه، این یا آن است در بیت حافظ، جنبه جزئی کمتر و گرایش به شک فلسفی، و تکیه بر عوالم روحانی و رای خرد، بیشتر است. حافظ نمی‌گوید. که وی هرگز از بند و زندان عشق به در خواهد آمد یا نه. فکر او در ژرفا مانند اندیشه سعدی " خرد بسته " و جازم و قاطع نیست. امکان رهایی از بند را می‌پذیرد و از آن بیم دارد ... " (صص ۴۳۱-۴۳۲).

" خلاصه در بیت حافظ، مضمون از سعدی است، ولی گفتار از حافظ... بیت خواجه چنان است که بایگان اداره ثبت آفرینش‌های ادبی و اختراعات نمی‌تواند ایرادی بر او بگیرد، و از او پروانه نشر دریغ ندارد... " (ص ۴۳۴). بحث کلی درباره غزل حافظ (صص ۴۲۸-۴۳۴).

۱-۵. نتیجه‌گیری نهایی: " بنده به خود اجازه نمی‌دهد که با توجه به یک دو غزل سعدی و حافظ، نتایج اعم عرضه بدارد. با این وصف، گمانی را که در ذهن دارد جهت آزمایش متخصصان ادب عنوان می‌کند. گمان دارم که ساده‌گویی و ترجمه‌پذیری و صراحت و بلاغت افصح‌المتکلمین، تا حدی در گرو دلبستگی مستمر او به شاهنامه فردوسی و مکتب‌های همانند آن است. به عکس انس و الفت و دانش‌آموزی جنبی خواجه با شاهنامه، و غرقه‌شدن بیشتر او در مکتب‌های قرآنی و عرفانی، گفتار لسان‌الغیب را، علی‌الاصول، نه در همه موارد، به ترجمه‌ناپذیری گروانده است. بافت فکری او، گره و درهم پیچیده است. برون‌گرایی شاهنامه‌وار در بافت فکری سعدی بسیار مشهود است، و در بافت فکری حافظ به چشم در نمی‌آید ... " (ص ۴۳۸).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۳. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. غزلیات ۴ بار، بوستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. بررسی و مقایسه جزئی نگرانه و ژرف‌کاو سروده‌های همانند سعدی و حافظ، یکی از راه‌های درست شناخت مشترکات و تفاوت‌های این دو سخن‌سرای بزرگ شیرازی است.

در این نوشته، پس از مقدمه، با همین روش، دو بیت همانند سعدی و حافظ با هم به خوبی سنجیده و نتیجه‌گیری شده است. برخی از داوری‌های نگارنده بر اساس دانش پیشین او از شخصیت دو شاعر است و نه نتیجه انحصاری دو بیت یاد شده، که هر چند این روش، نمی‌تواند عیبی برای داوری به حساب آید، اما نمونه‌های بیشتری را برای مقایسه می‌طلبد.

پژوهشی در روایات و مضامین سعدی، دکتر حسین لسان، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۷۳-۱۴۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به پیشینه آثاری که از سرگذشت‌ها و قصه‌ها بهره برده‌اند و برجستگی سنایی و عطار در بهره‌جویی از این روش پیش از سعدی (صص ۱۴۷-۱۴۵): " در این شیوه نقل و روایت، علاوه بر حکایات و افسانه‌ها، قصه‌های صوفیان و سرگذشت و احوال مشایخ بزرگ و مناقب آنان بوده که در حکم منبعی سرشار و لایزال، الهام‌بخش بسیاری از شاعران و نویسندگان ما، صوفی یا غیر صوفی به شمار رفته است و در این زمینه، دو شاعر قصه‌پرداز بزرگ ما: سنایی و عطار، همان گونه که الهام‌بخش مولانا بوده‌اند، اگر بگوییم راهگشای سعدی نیز بوده‌اند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم."

۱-۲. شرح عوامل برتری سخن سعدی در مقایسه با سنایی، عطار و مولوی (صص ۱۴۸-۱۴۷).

۱-۳. تقسیم حکایات و داستان‌های گلستان و بوستان به سه دسته از نظر اصل و ریشه آنها: " اول قصه‌ها و روایاتی که از زبان مردم گرفته شده ... دیگر قصه‌ها و حکایاتی که در نوشته‌های صوفیان و مناقب و کرامات اهل تصوف آمده است، سوم آنچه را سعدی خود دیده و یا از خود ساخته است." (ص ۱۴۸).

۱-۴. اشاره به چند مورد معدود از سخن سعدی که از قرآن و حدیث اقتباس و استفاده کرده است (صص ۱۵۰-۱۴۹).

۱-۵. ذکر عوامل و نمونه‌هایی از تأثیر سعدی از غزالی، در این بخش ۵ مورد از گلستان و ۱۷ مورد از بوستان که هم‌رنگی و همانندی با نوشته‌های غزالی - بویژه در کیمیای سعادت - دارد نشان داده شده است (صص ۱۵۸-۱۵۰).

۱-۶. بیان نمونه‌هایی از حکایت‌ها و عبارات‌های گلستان و بوستان که هم‌رنگی و مشابهت با آثار سخنوران و نویسندگان دیگر دارد و احتمال تأثیرپذیری سعدی از آن منابع بسیار است، در این بخش ۲۵ مورد از گلستان و بوستان با آثار سنایی، انوری، کشف‌المحجوب هجویری، جوامع‌الحکایات عوفی، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه و تذکرة‌الاولیاء عطار، فردوس‌المرشدیه ابوبکر محمد عبدالکریم، مقابله و مقایسه شده است (صص ۱۷۲-۱۵۸).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، تصحیح فروغی. ۲-۳. کیمیای سعادت غزالی، تصحیح خدیو جم. ۲-۴. نصیحه الملوک غزالی، تصحیح همایی. ۲-۵. دیوان سنایی. ۲-۶. کشف‌المحجوب هجویری. ۲-۷. الهی‌نامه عطار، تصحیح فؤاد روحانی. ۲-۸. مصیبت‌نامه عطار، تصحیح نورانی وصال. ۲-۹. تذکرة‌الاولیاء عطار، تصحیح استعلامی. ۲-۱۰. جوامع‌الحکایات عوفی. ۲-۱۱. فردوس‌المرشدیه، ابوبکر محمد بن عبدالکریم. ۲-۱۲. قابوسنامه، تصحیح دکتر یوسفی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. بوستان ۴۰ بار، گلستان ۱۲ بار، مثنویات ۱ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. کاوش و بازیابی سرچشمه‌های اندیشه و ریشه و اصل روایات و داستان‌هایی که سعدی برای تأثیر سخن خود از آنها بهره جسته است، از پژوهش‌های ضروری در امر سعدی‌شناسی است، این موضوع در مقایسه با موضوعات دیگری که درباره سعدی بدانها پرداخته شده، آنگونه که بایسته است کاویده نشده است.

این مقاله از این نظر بسیار مفید است، نویسنده با پژوهش و مطالعه در آثار برخی از سخنوران پیش از سعدی، تلاش کرده است بعضی از تأثیرپذیری‌های سعدی را از برخی آثار پیش از خود، با ذکر نمونه‌های شاهد، بنمایاند. در این پژوهش، پیشینه بیش از پنجاه عبارت و حکایت از بوستان و گلستان کاویده و نموده شده است (اقتباس از قرآن و حدیث ۴ نمونه، تأثیرپذیری از تذکرة‌الاولیاء ۱۲ نمونه، از الهی‌نامه و مصیبت‌نامه ۳ نمونه، از جوامع‌الحکایات عوفی ۴ نمونه، از کشف‌المحجوب هجویری ۳ نمونه، از آثار سنایی ۳ نمونه، از فردوس‌المرشدیه ۲ نمونه، از دیوان انوری ۱ نمونه و از قابوسنامه ۱ نمونه).

۲-۴. در این نوشته اگر چه نشانی بیشتر نقل‌قول‌ها و مثال‌ها کامل بیان شده است اما ذکر نشانی برخی از مثال‌ها ناقص و ناهمگون است. نشانی برخی از مثال‌ها در بخش یادداشت‌ها (ص ۱۷۳) آمده است و نشانی برخی از آنها در متن مقاله زیر یا بالای مثال آورده شده (از جمله: ص ۱۵۰، شماره ۱ و ص ۱۵۱ شماره ۴ و ۵ و ...). اما برخی از مثال‌ها بدون ذکر نشانی رها شده‌اند (از جمله: ص ۱۵۰، شماره ۲ و ص ۱۵۱ شماره ۳ و ...) در بخش یادداشت‌ها نیز نشانی‌ها یکدست نیست (از جمله شماره ۲ و ۵ و ۶، به سه گونه متفاوت بیان شده‌اند).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۵۶، ۱۹۷.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. بحثي درباره سعدي و ارزش سخن او و مضمون تعليم و تربيت در آثارش، (صص ۵۶-۶۲). از جمله اينکه: " اين دانشمند بزرگ تمام توجه خویش را در تحکيم اساس تعليم و تربيت بر موازين تقويت فکري و اخلاقي به کاربرد و مسائل زندگي را که انسان در اوضاع مختلف با آنها مواجه مي‌شود موضوع بحث و تدقيق قرار داد و لذا گفتارش در هر حال و روزگار مناسب احوال مردمان است و درس‌هايش انسان را قانون‌شناس مي‌کند (ص ۶۲).
۱-۲. بررسي برخي از مضامين اخلاقي و تربيتي در سخن سعدي.
۱-۲-۱. سخن چيني و آتش حسد (صص ۶۶-۶۲).
۱-۲-۲. بي‌وفايي (صص ۶۷-۶۶).
۱-۲-۳. امر به معروف و نهي از منکر (صص ۶۷-۶۷).
۱-۲-۴. تندرستي و بهداشت (صص ۷۱-۶۹).
۱-۲-۵. دشمن دوست نما (صص ۷۵-۷۱).
۱-۲-۶. شناخت قدر پدر و مادر (صص ۷۹-۷۵).
۱-۲-۷. تربيت کودکان (صص ۸۲-۷۹).
۱-۲-۸. علم و عمل (صص ۸۴-۸۲).
۱-۲-۹. عبادت بدون اخلاص (صص ۸۸-۸۴).
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي، به تصحيح محمدعلي فروغي.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۲۸ بار، بوستان ۱۸ بار، غزليات ۶ بار، قصايد ۶ بار، قطعات ۲ بار، رباعيات ۲ بار، ترجيعات ۱ بار، مثنوي ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در اين مقاله اگر چه با استناد به آثار سعدي، بويژه حکايات گلستان برخي از مضامين اخلاقي، ديني و اجتماعي سعدي کاویده شده، اما نظر تازه‌اي مطرح نشده است.

۴-۲. نشاني ابیات و عبارات استفاده شده در بخش نخست (صص ۵۶-۶۲). مشخص نشده است. [بخش دوم مقاله (صص ۶۲-۸۸). از اين عيب بري است] .

۴-۳. اشکال اساسي مقاله انشاپردازي و پندها و اندرزيهاي مکرر نويسنده است که در طول مقاله بيان شده، که اگر چه ممکن است بعضي از نصيحت‌پذيران را به کار آيد ولي از ارزش تحقيقي مقاله کاسته است، از جمله موارد زیر: " حسد از صفات بسيار زشت آدمي است که در طول تاريخ باعث فجايع فردي و خانوادگي و ملي و بين‌المللي شده است. حسد عبارت است از صفتي که دارنده آن مي‌خواهد که مال يا مقام يا شهرت يا فضيلتي که ديگران دارند از آنان سلب شود و به حاسد برسد، حسودان شيان و روزان ناراحتند که چرا ... " (ص ۶۵) و نیز " واقعاً به جاي خوبي و به جاي حق نعمت، خيانت ديدن ... در برابر او خودنمايي کنند " (ص ۶۶) " ولي بي‌وفايي و ... بي‌شهرت گشتندي " (ص ۶۷) و " اگر شما عادت خوبي داريد ... تجاوز و مزاحمت است (صص ۶۸-۶۷) و " امر به معروف و نهي از منکر شرايط و ... واقعاً دلال مظلمه‌اند " (ص ۶۸) و " دوست حقيقي و رفيق واقعي بايد ... ما را متذکر سازند " (ص ۷۲) و " انسان معمولاً بدان و بدنامان را مي‌شناسد ... از طرف هم‌نشينان فاسد متصور است. " (صص ۷۳-۷۲) وي " واقعاً شيرين‌زباني دوستان ... بدبخت نسازيم. " (ص ۷۴) و " در قرآن، کتاب آسماني ما، ... ستمگر قدرناشناس امروز شود " (صص ۷۶-۷۵) و " مي‌گويند که بعضي اقوام وحشي ... انجام دادند. " (ص ۷۶) و " متأسفانه در کشورهاي متمدن ... خلوص و صفا پيدا مي‌کنيم " (ص ۷۷) و " گفتيم که ملت‌هاي متمدن ... اين شتر در خانه هر يك از ما خواهد خوابيد " (صص ۷۹-۷۸) و " تربيت در اولين سال‌ها ... فرزندان خود را مادام‌العمر بدبخت سازند " (ص ۷۹) و " اين درس بزرگ انسانيت و شرط اساسي ... سرمشق خواهد بود. " (ص ۸۳) و " مطلب مهمي که مورد توجه ... از حق دورند و از خدا غافلند " (ص ۸۴) و " روزه براي آنان که ... از گناه است " (ص ۸۶) و " براي تحقق اسلاميت و انسانيت ... نظر نمي‌آورم " (صص ۸۸-۸۷). اگر عبارات بالا - که به شدت حجم مقاله را افزوده‌اند - حذف شوند به بحث " پندآموزي سعدي در تربيت ديني و ادب اجتماعي " که عنوان اين نوشته است ضربه‌اي نخواهد زد (البته اين در حالي است که در پاورقي صفحه ۵۶ از طرف مجله نوشته شده است: " نامه پارسي جز حذف عبارات طولاني و مکرر در آن [مقاله] دست نبرده است " و از اين عبارت معلوم مي‌شود که اين مقاله از وضع موجود خود هم طولاني‌تر بوده است.

پيش‌کش به پادشاه سخن سعدي ، دکتر افشار [محمود] ، آینده، دوره چهارم، شماره ۱، ۱۳۲۸، صص ۷-۳.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. تأکيد بر ارزش سخن سعدي و كيفيت مدح او (صص ۳-۷).
" سعدي زبان به مدح پادشاهان و زورمندان معاصر خود نگشوده، مگر به قصد اندرز دادن به آنان. در حقيقت مدايحي هم که گفته مانند سپري بوده است در يك دست و در دست ديگر تيغ شفايخش نصيحت را چون جراح ماهري به کار برده است ... " (ص ۶).
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشاني مآخذ مشخص نشده است).
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۱۰ بار، غزليات ۸ بار، قصايد ۳ بار، گلستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. اين نوشته به عنوان ديباچه نخستين شماره مجله (ديباچه دوره چهارم) نگاشته شده و تنها مطلب قابل توجه آن - اگر چه سخن تازه‌اي هم نيست - توضيحي است که درباره چگونگي مدايح سعدي نوشته شده است.
۴-۲. نشاني مثال‌هاي شاهد و مآخذ مورد استفاده مشخص نشده است.

بیکره شيخ سعدي ، حبيب يغمايي، يغما، سال بيست‌وسوم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۴۹، صص ۲۹۵-۲۹۴.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. توضيح درباره اندام سعدي با استناد به آثار او از جمله: " ... نکته بدیع در اين ابیات [ابیات بوستان: به هيکل قوي چون تناور درخت ...] وصف هيکل اوست که مردی بوده تناور و درشت‌اندام ... البته کسي که همه ممالک را در آسيا و آفریقا به پای همت در سپرد، و پياده در قفای کاروانيان بتازد و ... معمولاً باید مردی ورزیده و قوي بوده باشد ... من عقیده دارم که در يکي از همين سفرهاي بياباني سعدي به پلنگ نیز دچار شده و با اين جانور وحشي در افتاده و اطمیناني تقريباً قطعي دارم که اين بيت اشارتي صريح بدین واقعه است:
" مرا پلنگ به سرپنجه‌اي نگار نکشت تو مي‌کشي به سرپنجه نگاريم "
مقصود اين است که سعدي درويشي لاغر اندام و کوسه و وارفته و مردني نبوده ... بلکه مردی بوده است نیرومند، چابک و بيابان‌نورد (ص ۲۴۹).

- ۱-۲. توضیح درباره تندیس سعدی پرداخته ابوالحسن صدیقی، که در شیراز نصب است: " دست مرزاد که انصافا و حقا خوب از عهده برآمده که از این بهتر و تمام تر سعدی را نمی‌توان مجسم نمود، و هیكلی است به واقعیت نزدیک " (ص ۲۹۵).
- ۱-۳. تذکری در مورد جابجایی تندیس سعدی (ص ۲۹۵).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. به نظر می‌رسد هیچ کدام از دلایلی را که نویسنده برای تأیید گفتار خود در مورد درشت اندام بودن سعدی برگزیده است، محکم نیست، با چه نشانه و سندی باید مرجع حکایت مذکور در بوستان را سعدی بدانیم و آیا هر کس اهل سفر و بیابان‌گردی است الزاماً چاق، تناور و درشت اندام است؟ و آیا کسی که به قول نویسنده " لاغر و کوسه و وارفته و مردنی" نیست، الزاماً درشت اندام و تناور است؟

ت

تأثرات همام تبریزی از سعدی شیرازی، رشید عیوضی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۵۹-۲۵۱.

چاپ‌های دیگر: ۱. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۳، ۱۳۵۲، شماره مسلسل ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، صص ۱۹۷-۱۸۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأثرات همام: " همام تبریزی از میان شاعران پیشین، از سنایی، انوری و از میان گویندگان معاصر خود از سعدی تأثر یافته‌است. تأثر همام از انوری و نظامی کاملاً تفننی است و حال آنکه علاقه و توجه او به سنایی و سعدی عمیق و پایدار است ... کمال سبک همام بستگی به تتبع از غزل‌های سعدی دارد و پیروی از شیوه غزل‌های عاشقانه سعدی است که غزل‌های همام را حلاوت و شیرینی بخشیده است." (صص ۲۵۲-۲۵۱).

۱-۲. بیان علل تأثیرپذیری همام از غزل‌های سعدی: " چگونگی تلاقی همام با آثار سعدی با برخورد او با آثار دیگر شاعران بسی متفاوت است. چنانکه می‌دانیم سعدی و همام در یک نقطه با هم اشتراک کامل دارند. آن نقطه خاندان معروف جوینی است." (ص ۲۵۲).

۱-۲-۱. رابطه نیکوی همام و خواجه شمس‌الدین محمد و نیز شرف‌الدین هارون، از یک طرف و ارادت متقابل خواجه شمس‌الدین محمد و برادرش عظاملك با سعدی از طرف دیگر، و نیز به دلیل اینکه سخن‌های شیرین سعدی به مناسبت وجود خواجه شمس‌الدین در تبریز زودتر از جاهای دیگر انتشار می‌یافت، همام را که در آن روزگار جوانی بیست ساله بود بر آن می‌داشت که در مقام پهلو زدن با سعدی برآید و مداومت در این کار سبک همام را به سبک سعدی نزدیک ساخت." (ص ۲۵۴).

غزل‌هایی که در نسخه‌های قدیمی به نام هر دو شاعر ضبط شده است، خود نمایانگر همین نزدیکی است. پنجاه سال بعد از سعدی و بیست و هشت سال پس از همام جنگی نوشته شده و در آن جنگ چهل‌ونه غزل از سعدی و چهل‌ونه غزل از همام را که دارای وزن و قافیه مشترک هستند مورد معارضه قرار داده‌اند. این جنگ در کتابخانه " لالا اسماعیل " ترکیه نگه‌داری می‌شود (ص ۲۵۵).

۱-۲. مقایسه سه غزل همانند از دو شاعر و نتیجه اینکه: " اگر بپذیریم که تقلیدها و پیروها حاکی از تجانس‌های روحی و دلبستگی‌های درونی است، شاید به آسانی بتوان گفت که همام نهایت دلبستگی و علاقه را به شیخ سعدی داشته است." (ص ۲۵۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نویسنده به طور مستقیم مآخذ مورد استفاده خود را معرفی نکرده است، اما در هر حال از دیوان همام، آثار سنایی بویژه حدیقه الحقیقه، آثار مولوی و غزلیات سعدی بهره‌مند بوده‌است.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تحلیل علل تاریخی تأثیرپذیری همام از سعدی، از نقاط قوت و تازه این مقاله است. دکتر ماریه بلقیس در مقاله‌ای، ۲۸ غزل از غزل‌های همام تبریزی را که هم‌وزن و هم‌قافیه با غزل‌های سعدی است، به نقل از مجموعه " لطایف و سفینه ظرایف " باز نموده است (رک. خواجه همام تبریزی و تأثیر سعدی بر او، دکتر ماریه بلقیس، ایندوایرانیکا، ۲۹، ۱۹۷۶، صص ۱-۲۳).

۴-۲. نشانی نقل‌قول‌ها و مثال‌ها ذکر نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶.

تأثر حافظ از سعدی (۱)، منوچهر مرتضوی نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۳۵، صص ۲-۳۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقایسه تحقیقات ادبی پژوهشگران غربی و ایرانی (صص ۲-۳).

۱-۲. بیان یک طرح تحقیق درباره احوال و سبک و مقام یک شاعر (صص ۳-۵).

۱-۳. توضیح درباره سیر تحول غزل و موقعیت حافظ در این تحول با تقسیم انواع غزل در چهار سبک: غزل توصیفی، غزل عشقی، غزل عارفانه و غزل رندانه (صص ۶-۸).

۱-۴. بیان تأثر حافظ از سعدی: " یکی از اسلاف حافظ که از لحاظ وزن و قافیه و مضمون و مفهوم خواجه از او متأثر است، شیخ بزرگوار شیراز (سعدی) است و مناسبت تام دارد اگر عین نظر علامه شبلی نعمانی را در مورد تأثر (به مضمون) حافظ از سعدی بیاوریم: - بعد از شیخ اگر چه غزل رونقی بسزا پیدا نموده، خاصه خواجه حافظ این کاخ را به قدری مرتفع ساخت که طایر خیال هم نتوانسته تا کنون به آن برسد، لیکن اگر به غور ملاحظه شود، پایه‌های اصلی اکثر مضامین را شیخ سعدی گذارده بود - " (ص ۹).

۱-۵. معرفی پیشینه پژوهش با موضوع مقایسه سعدی و حافظ در هفت اثر (ص ۱۰).

۱-۶. توضیح درباره روش پژوهش در مقاله: " در این مقاله: ۱. مطلع کلیه غزل‌های هموزن و هم‌قافیه از سعدی و حافظ ذکر شده و نگارنده سعی کرده است، حتی یک مورد از مواردی که اشتراک وزن و قافیه بین غزل‌های خواجه و شیخ است فوت نشود ... و چون با ایجاد زمینه صحیح برای سنجش غزل دو استاد کار مقایسه و ترجیح برای خواننده دانشمند و نکته سنج میسر و آسان خواهد بود، نگارنده از اظهار نظر و ترجیح غزل یکی بر دیگری خودداری کرده است. ۲. در مواردی که تأثیر حافظ از سعدی قطعی است، بودن تأثیر تصریح و ابیات مشترک‌المفهوم و متشابه المضمون ذکر شده است. ۳. در مواردی که تأثیر حافظ از سعدی قطعی نیست، بلکه محتمل است و امکان توارد و تصادف در شباهت پاره‌ای از مضامین وجود دارد، از دو نظر " احتمال تأثیر " و " احتمال توارد " نظر اقوی تعیین و ابیات قریب‌المضمون ذکر شده است. ۴. در مواردی که جز اشتراک در وزن و قافیه رابطه تأثیر یا احتمال تأثیر و قرب مضمونی به نظر نمی‌رسد، به ذکر مطالعات غزلیات اکتفا شده " (ص ۱۱).

۱-۷. نقل و مقابله بیت‌های مشابه، به ترتیب حروف قافیه (صص ۱۱-۳۲). در این بخش ۱۰۶ مورد از ابیات غزل‌های حافظ با ۱۲۱ مورد از غزل‌های سعدی که به گونه‌ای با هم مشابهت داشته‌اند - که معدودی از آنها تکراری است - مقابله شده است با عباراتی کوتاه چون: " حافظ در این غزل قطعاً از غزل سعدی متأثر است " یا " احتمال می‌رود حافظ در این غزل از سعدی متأثر باشد " (ص ۱۴) یا " به احتمال قوی در این غزل حافظ به سعدی نظر داشته است " (صص ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۳۱) یا " به احتمال ضعیف [حافظ] به این سه غزل [سعدی] نظر داشته است " (ص ۳۶) و ...

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح فروغی، ۲-۲. شعرالعجم، شبلی نعمانی، چاپ تهران، ۲-۳. دیوان حافظ، تصحیح قزوینی- غنی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۲۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای بلند است که بخش‌های دیگر آن در شماره‌های بعد نشریه دانشکده ادبیات تبریز (سال هشتم، شماره دوم و سال نهم شماره اول) چاپ شده است. برای اشاره این مقاله رک. بخش پایانی (شماره ۳) مقاله.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رک. بخش پایانی (شماره ۳) مقاله.

تأثیر حافظ از سعدی (۲) ، (دنباله تأثیر حافظ از سعدی)، منوچهر مرتضوی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۲۵، صص ۱۸۰-۱۶۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه مقابله بیت‌های همانند سعدی و حافظ که بخش نخست آن در شماره اول سال هشتم نشریه دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده بود. در این بخش نیز ۶۳ مورد از ابیات غزل‌های حافظ با ۸۴ مورد از ابیات غزل‌های سعدی که به گونه‌ای مشابهت داشته‌اند - معدودی از آنها نیز تکراری است - مقابله شده است (صص ۱۸۰-۱۶۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح فروغی، ۲-۲. دیوان حافظ، تصحیح قزوینی - غنی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۸۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته قسمت دوم یک مقاله طولانی است که به مقایسه سروده‌های همانند در غزلیات سعدی و حافظ پرداخته است. برای اشاره این مقاله رک. بخش پایانی (شماره ۳) مقاله.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رک. بخش پایانی (شماره ۳) مقاله.

تأثیر حافظ از سعدی (۳) ، (دنباله تأثیر حافظ از سعدی)، دکتر منوچهر مرتضوی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۲۶، صص ۷۲-۵۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه مقابله بیت‌های همانند سعدی و حافظ که بخش اول و دوم آن در شماره‌های اول و دوم سال هشتم نشریه ادبیات تبریز به چاپ رسیده بود. در این بخش نیز ۸۷ مورد از ابیات غزل‌های حافظ با ۸۰ مورد از ابیات غزل‌های سعدی که به گونه‌ای مشابهت داشته‌اند - معدودی از آنها نیز تکراری است - مقابله شده است (صص ۷۲-۵۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح فروغی، ۲-۲. دیوان حافظ، تصحیح قزوینی - غنی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۸۰ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. ارزشمندترین ویژگی این مقاله طولانی (۷۲ صفحه) که در سه شماره نشریه به چاپ رسیده نقل و مقابله همه بیت‌های سعدی و حافظ است که در وزن و قافیه همانند بوده‌اند. مجموعاً همانندی ۲۸۵ مورد از غزل‌های سعدی با ۲۵۶ مورد از غزل‌های حافظ بازنموده شده است.

بنابر گفته نویسنده در مقدمه مقاله (قسمت نخست، ص ۱۰)، و نیز پایان مقاله (قسمت سوم، ص ۷۲). این نوشته بخش نخست پژوهش اوست و بخش دیگری را نیز با بررسی همانندی‌های سروده‌های سعدی و حافظ از نظر مضمون و معنا، سامان داده‌اند.

۴-۲. یادکرد آثاری که پیش از این پژوهش به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند (قسمت نخست، ص ۱۰) نشانگر امانت‌داری نویسنده و قدردانی اوست از تحقیقات پیشین.

۴-۳. در موارد اندکی همانندی نمونه‌های یادشده با توضیح بیشتری بررسی شده‌اند از جمله: بخش دوم، صص ۱۷۶ و ۱۷۵ در مقایسه دو بیت از سعدی و حافظ نوشته‌اند: " ظاهراً جز اشتراک قافیه مناسبتی دیگر بین دو غزل نیست. ولی پاره‌ای شباهت‌های مضمونی را در این دو غزل نمی‌توان ندیده گرفت:

۱. مضمون کلی دو غزل تنبیه و اعتبار و توصیه به اغتنام فرصت است. اگر چه این تنبیه و اعتبار در غزل سعدی صریح‌تر و در غزل حافظ پوشیده‌تر و شاعرانه‌تر است. ۲. مصراع اول بیت مطلع در هر دو غزل دارای مضمون و مفهوم واحد است. ۳. به کار بستن " لیس علی‌الرسول الا البلاغ "، در آخرین بیت هر دو غزل جالب توجه است ... در هر صورت، نمی‌توان مناسبات مذکور، را بدون اعتنا به احتمال توارد و تصادف دلیل تأثیر حافظ از سعدی محسوب داشت "

و یا در بخش سوم، ص ۶۳ در مقایسه دو بیت دیگر از سعدی و حافظ نوشته‌اند: " با وجود اختلاف وزن و قافیه (شباهت ظاهری دو غزل فقط در ردیف است. ردیف غزل حافظ - درویشان است - و ردیف غزل سعدی - درویشان - می‌باشد)، نگارنده یقین دارد که حافظ در سرودن این غزل از سعدی و مضامین غزل او الهام گرفته است: ۱. مضمون کلی دو غزل کاملاً مشابه و موافق است و هر دو استاد " مقام معنوی درویشان و پایگاه رفیع و تأثیر دم همت و نفیس گرم آنان " را در غزل خود منظور داشته‌اند. ۲. مضمون غزل و استعمال " درویش " در مفهوم "عارف واقعی" و صراحت خاصی که در توصیف و تمجید درویشان به نظر می‌رسد با سبک زندانه حافظ چندان موافق نیست و آشنایان به سبک خواجه می‌دانند که لحن صریح خواجه در این غزل از رنگ ملامتی و جلوه زندانه غزل‌های خواجه بهره زیادی ندارد و این موضوع ظن تأثیر خواجه را از شیخ قوی‌تر می‌کند "

گفتنی است که متأسفانه جز دو سه مورد به این گونه از توضیحات مفید پرداخته نشده است.

۴-۴. شایسته بود نگارنده مقاله نمونه‌های همانند را در چند گروه دسته‌بندی می‌کردند و از تکرار برخی از جمله‌ها در طول مقاله پرهیز می‌کردند. مثلاً به جای اینکه در صفحه‌های ۱۶، ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۳۰ و ... (از قسمت اول) و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ... (از قسمت دوم) و ... عبارت "تأثر حافظ از سعدی در این غزل حتمی (یا قطعی)." است ... "را تکرار کنند، همه این موارد مشابه را در یک گروه با همین عبارت گرد می‌آوردند.

و ناچار نبودند بارها عباراتی چون عبارات زیر را تکرار کنند: "حافظ به احتمال قوی به این غزل سعدی نظر داشته" یا "احتمال می‌رود حافظ در این غزل از سعدی متأثر باشد" یا "جز اشتراک وزن و نزدیکی قافیه تأثر دیگری به نظر نمی‌رسد".

مسعود فرزاد همین مقایسه را در ۲۹۰ بیت از سعدی و ۲۴۱ بیت از حافظ با تقسیم موارد همانند در ۵ گروه انجام داده و ۱۲ سال بعد به چاپ رسانده است (رک. غزل‌های سعدی از نظر حافظ، مسعود فرزاد، خرد و کوشش، ۱۳۴۸، صص ۲۱۶-۲۸۵) و ...

۴-۵. از نظر نگارش اگر هم از شکل قدیمی نوشتار ترکیب‌ها بگذریم و مواردی چون ص ۱۱، س ۱؛ اینمقاله (این مقاله) و س ۱۹؛ داده (داده‌ای) و ص ۱۲، س ۱؛ نتوانگفت (نتوان گفت) و ... را نادیده بگیریم، ولی برخی از عبارات‌ها باز نیاز به اصلاح دارد، از جمله در ص ۶ (بخش نخست). نوشته‌اند: "تطور غزل فارسی تا زمان حافظ ... در سه سبک و قسمت عمده و مهم صورت گرفته است" در صورتی که پس از آن از چهار گونه (غزل وصفی، غزل عشقی، غزل عارفانه و غزل زندانه). نام می‌برند و توضیح می‌دهند. یا با وجود اینکه در مقابله ابیات همانند، بیت‌ها با شماره ذکر نشده‌اند، ناگهان در صص ۶۷ و ۶۸ (قسمت سوم) ابیاتی با ذکر شماره نوشته شده‌اند و یکدستی لازم را در شیوه نگارش ندارند.

۴-۶. این نوشته نیز خالی از اشتباهات چاپی نیست، از جمله: در بخش نخست از صفحه ۱۷ تا ۳۲، نشانی نشریه در بالای صفحه اشتباه به جای "سال هشتم- شماره اول"، "سال اول، شماره هشتم"، نوشته شده است.

و نیز در بخش نخست، ص ۱۲، س ۱۲، کشتی نوع (کشتی نوح)، ص ۲۸، س آخر، کبی (کسی)، ص ۳۰، ب ۲ (یکی درخت گل اندر ...) از سعدی است نه از حافظ و بخش سوم، ص ۷۰، س ۷؛ چراغ افروز (چراغ افروز) و ...

تأثیر سخن نظامی گنجوی در اشعار سعدی، دکتر برات زنجانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۱۲۸-۱۲۵، شماره‌های ۱ تا ۴، سال ۱۳۳۱، صص ۱۸۳-۱۵۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره تأثیرپذیری شاعران از همدیگر و تقسیم این تأثیرپذیری‌ها در سه دسته: الف: تأثیر آشکار. ب: تأثیر نیمه آشکار. ج: تأثیر ناآشکار (ص ۱۵۵).

۱-۲. بررسی تأثیرات سه‌گانه بالا با باز نمود نمونه‌هایی از اشعار فخرالدین اسعد گرگانی، مسعود سعد، نظامی، منوچهری، سعدی، عطار، فردوسی، حافظ، باباطاهر، صائب و ... (صص ۱۶۴-۱۵۵).

۱-۳. بررسی و بیان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری سعدی از نظامی. در این قسمت که نزدیک به یک سوم مقاله را در برمی‌گیرد تعداد ۷۶ مورد از سروده‌های سعدی با بیش از ۵۰ مورد از سروده‌های نظامی مقابله شده است (صص ۱۷۸-۱۶۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. گلستان سعدی، به اهتمام محمدجواد مشکور، اقبال ۱۳۴۲. ۲-۳. کلیات نظامی (اقبال‌نامه، شرف‌نامه، هفت‌پیکر، خسرو شیرین، لیلی و مجنون، مخزن‌الاسرار).. همگی به تصحیح وحید دستگردی، مطبوعات علمی. ۲-۴. دیوان شاعرانی چون عطار، فخرالدین اسعدگرگانی، اسدی‌طوسی، فردوسی، حافظ، منوچهری، مسعود سعد و ...

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲۵ بار، بوستان ۲۳ بار، گلستان ۱۵ بار، رباعیات ۱ بار، قصاید ۱ بار، مثنویات ۱ بار. ۴. **اشاره:** ۴-۱. بررسی سرچشمه‌های برخی از مضامین شعر سعدی و بازیافت پیشینه این مضامین و حکایات برای شناخت هموارتر و سالم‌تر شخصیت ادبی سعدی مفید است. با توجه به این ضرورت در این نوشته تعدادی از مضامین مشترک سروده‌های سعدی و نظامی با عنوان تأثیر سخن نظامی گنجوی در اشعار سعدی نمایانده شده است که کثرت نمونه‌های ارائه شده، نشان دهنده کوشش نویسنده است برای رسیدن به مقصود خویش در این پژوهش.

۴-۲. نویسنده در بخش نخست مقاله، تأثیر و تأثرات سخن را، به درستی، به سه گونه، دسته‌بندی کرده است (آشکار، نیمه آشکار، ناآشکار) اما برخی از شواهد مثال بیان شده را به سختی می‌توان پذیرفت، از جمله در بخش تأثیر و تأثرات نیمه آشکار بعد از یادکرد ابیاتی از نظامی که بر محور بیت زیر می‌چرخند:

به شیرینی روند این یک دو مسکین تو شیرینی و ایشان نیز شیرین (ص ۱۵۹)

و پس از توضیحاتی درباره این سروده می‌نویسد: "لسان‌الغیب حافظ شیرازی مفهوم تصویر را از نظامی گرفته و در لباسی دیگر و بسیار زیبا در غزل آورده است:

نرگس طلبد شیوه چشم تو زهی چشم مسکین خیرش از سر و در دیده حیا نیست (ص ۱۶۰)

با چه استدلالی می‌توان گفت حافظ تصویر این بیت را از بیت پیشین نظامی گرفته است؟ تنها وجه اشتراک در این دو بیت ترجیح معشوق است بر غیر از او. و این از شایع‌ترین مضامین شعر فارسی است که، هم پیش از حافظ و هم پیش از نظامی وجود داشته است و جالب‌تر اینکه نویسنده این مثال را در گونه دوم (تأثیر نیمه آشکار) جای داده‌اند و نه گونه سوم (ناآشکار).

همچنین در بخش "تأثیر سخن نظامی گنجوی در اشعار سعدی" نزدیک به ۳۰ نمونه از آثار سعدی که در آنها به نوعی از شیرین، خسرو، فرهاد و مجنون و لیلی نامی برده شده است، برای نشان دادن تأثیرپذیری سعدی از نظامی بیان گردیده است (صص ۱۶۷-۱۶۴).

البته تنها وجود اسم‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و ... در شعر سعدی نمی‌تواند دلیل آشکار تأثیرپذیری سعدی از نظامی باشد. و نویسنده اگر چه برای پاسخ‌گویی به همین شبهه در ص ۱۶۶ بحثی را مطرح کرده‌اند، اما این جواب سامان منطقی ندارد و گرهی را نمی‌گشاید (بویژه در مورد لیلی و مجنون) در این باره نوشته‌اند: "ممکن است گفته شود که این اسم‌ها برای همه شناخته شده و از عرایس شعر هستند و ارتباطی با مثنوی خسرو و شیرین و مثنوی لیلی و مجنون نظامی ندارند. جواب آن است در بیتهای که در ذیل می‌آوریم سعدی با زبان حال علاقه مردم را به قصه لیلی و مجنون بیان کرده و تا اندازه‌ای از شهرت آن و استقبال که مردم کرده‌اند راضی نبوده است:

بت من چه جای لیلی که بریخت خون مجنون اگر این قمر بینی دگر آن سمر نخوانی ... (ص ۱۶۶)

۴-۳. اگر چه نشانی همه مثال‌های شاهد در پاورقی نوشته شده، اما اغلب این نشانی‌ها اشتباه است، بویژه مثال‌های ارائه شده از آثار سعدی (صص ۱۷۸-۱۶۸) که به کلی جایجا و در هم شده است و به نظر می‌رسد این جایجایی و اشتباه در موقع حروفچینی و چاپ به وجود آمده است.

۴-۴. در صفحه ۱۶۱ "عنوان مثال‌هایی برای نوع سوم" زاید است، زیرا در بخش‌های پیشین: در گونه "الف" (ص ۱۵۵) و گونه "ب" (ص ۱۵۷) به این شیوه عمل نشده است.

تأثیر سعدی بر گوته، جهانگیر فکری ارشاد، وحید، شماره ۲۲۵، ۱۳۵۶، صص ۴۶-۴۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به تحولات فکری و ادبی قرن نوزده اروپا و ترجمه‌های آثار سعدی به وسیله کسانی چون اولتاریوس، هردر، روکرت و ... (ص ۴۲).
- ۱-۲. توضیح درباره گوته و شیفتگی او به ادبیات فارسی: "آشنایی گوته با ادبیات فارسی تقریباً از سال ۱۷۹۲ میلادی آغاز گردید ... در سال ۱۸۱۴ میلادی هنگامی که ترجمه کامل دیوان غزلیات حافظ توسط "هامر" در "وین" انتشار یافت شیفتگی گوته به اوج خود رسید و سرودن قطعات "دیوان" را آغاز کرد ... گوته در پایان دیوان خود عین فارسی و ترجمه آلمانی دو بیت از اشعار سعدی را گنجانده و بدین ترتیب یک بار دیگر ارادت خاص خود را به این شاعر و نویسنده نامدار ایرانی نشان داده است ... (ص ۴۳) گوته با الهام از یکی از قطعات بوستان سعدی، قطعه اول "مثل‌نامه" را سروده ... (ص ۴۴) در "حکمت‌نامه" نیز گوته بارها از ابیات سعدی الهام گرفته و گاه در واقع عین آن اشعار را به زبان آلمانی برگردانده است ... در حکمت‌نامه پیش از سایر قسمت‌های دیوان از افکار سعدی استفاده شده است (ص ۴۵). گوته در بسیاری دیگر از قطعات دیوان خود به اقتباس از افکار بلند سعدی پرداخته و بویژه از نکات نغز گلستان سود برده است" (ص ۴۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، ۱۳۴۰، ۲-۲. گلستان سعدی، تصحیح رستم علی‌یف، مسکو، ۱۹۵۹، ۲-۳. "دیوان شرقی - غربی"، گوته.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۶ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله که از حشو و زواید و انشاپردازی‌های درازدامن مرسوم خالی است، با معرفی گوته و عوامل آشنایی او با ادبیات فارسی بر تأثیرپذیری او از سعدی تأکید کرده، نمونه‌هایی از تأثیرپذیری مستقیم او را (هفت نمونه) از گلستان و بوستان سعدی با ذکر دقیق نشانی باز نموده است، که برای بررسی تطبیقی بسیار مفید است.

تأثیر سعدی در حافظ (قسمت اول)، فلاح پادپاب، نقش قلم، سال هشتم، شماره ۴۰۴، سوم آبان ۱۳۶۶، ص ۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره عظمت و تفاوت سعدی و حافظ.
- ۱-۲. یادکرده مطلع ده غزل از سعدی و ده غزل از حافظ که قافیه و وزن یکسان دارند.
- ۱-۳. نقل یک غزل از سعدی و یک غزل از حافظ برای مقایسه آنها.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۱ بار.
۴. **اشاره:** رک. بخش دوم مقاله.

تأثیر سعدی در حافظ، (قسمت دوم)، فلاح پادپاب، نقش قلم، شماره ۴۰۵، دهم آبان ۱۳۶۶، ص ۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و مقایسه بیت‌های غزل سعدی و حافظ با مطلع عشق ورزیدم و عظم به ملامت برخاست کانکه عاشق شد از او حکم سلامت برخاست سعدی
- دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست حافظ
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار (۷ بیت از یک غزل نیز توضیح داده شده است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته به برخی از اشتراکات و اختلافات شعر سعدی و حافظ اشاره شده است، اما با توجه به مقاله‌های مشروح و گسترده‌ای که پیش از این با همین موضوع منتشر شده، در این نوشته سخن تازه‌ای دیده نمی‌شود. (برای آگاهی از مقاله‌های نوشته شده با موضوع مقایسه سعدی و حافظ، رک. فهرست مقاله‌ها در همین کتاب).
- ۴-۲. مقایسه غزل سعدی و حافظ نیز در بخش دوم مقاله، بسیار شتاب‌زده انجام گرفته و داوری نگارنده در محل تأمل است، برای نمونه قضاوت ایشان را در مورد سه بیت آخر این غزل می‌خوانیم:
عشق ورزیدم و عظم به ملامت برخاست کان که عاشق شد از او حکم سلامت برخاست
هر که با شاهد گلروی به خلوت بنشست نتواند ز سر راه ملامت برخاست
که شنیدی که برانگیخت سمند غم عشق که نه اندر عقیش گرد ندامت برخاست ...
- "عشق در سعدی رسوب نکرده، او هنوز هشیار است و عقل مآل‌اندیش همچنان نفوذ و کارآیی خود را دارد. عاشق یا بهتر بگوییم شاعر، عقل را بر عشق ترجیح می‌دهد [!] و پی سلامت و عافیت سخت پای‌بند است و به عنصر عشق پناه نمی‌برد و زندگی و آرامش خود را به خطر نمی‌اندازد. در بیت دوم، حتی زبان به پند و هشدار می‌گشاید و دیگران را هم از عاشق شدن و ملامت برحذر می‌دارد..." (بخش دوم مقاله).

تأثیر شعر عربی بر آثار سعدی و شعر فارسی بعد از وی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره ۷، مهر ۱۳۵۲، صص ۶۲۲-۶۲۷.

چاپ‌های دیگر: ۱. شناختی تازه از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۴۴-۵۰. ۲. سیماي سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶، صص ۴۱-۳۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به شرایط سخنی که می‌تواند مورد پذیرش سعدی باشد (ص ۶۲۷).
- ۱-۲. تأکید بر آشنایی گسترده سعدی با شعر عرب: "سعدی شبان و روزانی دراز با شاعران عرب بر خوان شعر تازی نشسته و با آنها به زبان ذوق زمزمه آشنایی و همدلی ساز کرده است. او سال‌ها و سال‌ها، در سفر و حضر، دوستی و برادرخواندگی خود را با

گردن فرازان شعر عرب حفظ کرد ... این انس فراوان سعدی با شعر و شاعران عرب و برخوردارهای او از محیط عربی که حاصل درنگ طولانی‌اش در آن سرزمین‌ها و تجربیات ماجراهایش بود، فرایندی واحد داشت ... هر چه بود این فرایند بخش مهمی از خمیر مایه هنری او را تشکیل داد و مستقیماً در شعر او، و از راه شعر او در شعر فارسی سخت مؤثر افتاد... (ص ۶۲۸).

۱-۳. نقل فهرستی از واژگان عربی که در کنار واژه‌های فارسی به گونه‌ای کاملاً طبیعی در سخن سعدی به کار رفته است، به عنوان دلیلی بر آشنایی و انس سعدی با شعر و زبان عرب (ص ۶۲۸).

۱-۴. بررسی دو گونه غزل در شعر عرب: غزل اباحی و غزل عذری. و یادکرد نمایندگان بارز هر گروه (صص ۶۳۰-۶۲۹).
۱-۵. تأکید بر تأثیر پذیری سعدی از غزل‌های عذری عرب: "گفتم که غزل‌های فراقی سعدی به صورت و شدتی خالص از مایه‌های غم و نامرادی بارور است. به صورت و شدتی که پیش از وی در سخن هیچ‌یک از گویندگان پارسی زبان سابقه نداشته است و اکنون می‌توانیم اضافه کنیم که ریشه‌ها و مبانی این خصوصیات اندوه‌بار را نباید در جایی جز زمینه‌های غزل عذری عرب جستجو کرد ... سعدی در غزل‌های فراقی، مایه درد را از اندرون زخمناک خود و شیوه بیان و نحوه تعبیر و بسیاری از مضامین و تصاویر را از غزل عذری عرب و از دیوان کوچک مجنون دارد" (ص ۶۳۰).

۱-۶. اشاره به تلفیق مضامین عرفانی با مفاهیم غزل عذری در غزل سعدی (صص ۶۳۱-۶۳۰).

۱-۷. تأکید بر تأثیر شیوه عذریون عرب بر سرنوشت شعر فارسی: "غزل‌های فراقی سعدی از شیوه عذریون عرب رنگ پذیرفت و این آغاز دانستنی‌هاست. زیرا می‌توان و باید افزود که این رنگ‌پذیری، بلافاصله در غزل فارسی، به معنی عام مؤثر افتاد و آنگاه سخن از حقیقتی بزرگ‌تر به میان می‌آید، حقیقتی ناگفته که انکار را به آن راه نتواند بود ... سخن این است: شیوه عذریون عرب از روزگار سعدی به بعد تا حد زیادی بر سرنوشت شعر فارسی حاکم گشت ..." (ص ۶۳۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۲-۲. فنون‌الادب العربی، الفن الغنایی، مصر ۱۹۶۵، ۲-۳. دیوان مجنون.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد - ولی فهرستی از واژگان عربی و فارسی و مضامین غزلیات سعدی مورد نظر بوده است.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته نسبتاً کوتاه به بررسی یکی از گونه‌های شعر عرب به عنوان سرچشمه‌ای برای مضامین سخن سعدی پرداخته و با ذکر دلایلی تأثیرپذیری سعدی را از شعر عذری بخوبی باز نموده است.

سادگی نثر، تازگی سخن و ایجاز درخور از ویژگی‌های این نوشته ارزشمند است. البته نمی‌توان سرچشمه همه مضامین غزل‌های فراقی سعدی و شیوه بیان او را تنها در شعر عذریون عرب جستجو کرد.

تأثیر قرآن در آثار سعدی، دکتر محمدحسین یاسایی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۴۱-۲۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به سرچشمه‌های اندیشه سعدی و تأثیرپذیری‌های او. (صص ۳۳۲-۳۳۱).

۱-۲. بیان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری سعدی از قرآن کریم. در این بخش، تأثیرپذیری ۵۲ نمونه از آثار سعدی از ۴۳ آیه قرآن باز نموده شده است (صص ۳۴۰-۳۳۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. قرآن کریم، ۲-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲۶ بار، بوستان ۱۹ بار، قصاید ۹ بار، مثنویات ۲ بار، قطعات ۱ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. اگر چه موضوع این مقاله تازه نیست و پیش از این نیز در همین باره پژوهش‌هایی انجام پذیرفته است، اما باز نمود ۴۳ آیه از قرآن مجید و بیان استفاده مستقیم سعدی از این آیات در ۵۳ مورد از آثارش با ذکر نشانی آنها، سودمند است.

نویسنده البته می‌توانست پژوهش خود را با نظم بهتری سامان دهد و از آثار دیگر سعدی، از جمله غزلیات او نیز بهره‌مند باشد.

۴-۲. روش ذکر نشانی آیات و مثال‌ها یکدست نیست؛ از جمله ص ۳۳۲، س ۱۲ نشانی آیه در بخش یادداشت‌ها (ص ۲۴۱) آمده است.

در حالی که در بقیه موارد نشانی آیات در پایان هر آیه ذکر شده است. یا در ص ۳۳۲، س ۱۹ و ۲۱ و ص ۳۲۵، س ۴ و ... نام سوره (یوسف، اسراء، زمر و ...) اما در ص ۳۳۳، س ۴ و ۱۶ و ۱۹ یا ص ۳۳۴، س ۴، ۱۴ و ... شماره سوره بدون ذکر نام سوره نوشته شده است.

در مورد نشانی مثال‌ها نیز همین گونه؛ است از جمله در ص ۳۳۴، س ۲۱ نوشته شده "از قصاید سعدی"، در ص ۳۳۶، س ۴ نوشته شده "قصاید" و ص ۳۲ و ص ۳۴۰، س ۲ و ۴ بدون ذکر نشانی نوشته شده: "سعدی می‌گوید" و ...

۴-۳. نشانی برخی از آیات و مثال‌ها یا ذکر نشده و یا اشتباه ذکر شده است؛ از جمله ص ۳۳۴، س ۱۸ آیه "و ان من ..." که نشانی آن ذکر نشده و ص ۳۳۵، س ۱۴ بیت "به خاک بر مرو ..." از قصاید سعدی است و به اشتباه از بوستان دانسته شده است.

تأثیر قرآن و حدیث بر آثار سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال سوم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۴، صص ۹۱۶-۹۱۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. شناختی تازه از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۴۲-۲۸. ۲. سیمای سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶، صص ۲۵-۳۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. گفتاری زیر عنوان "بازگویی یک حقیقت" و تأکید بر اینکه: "بر خلاف پندار گروهی از ادبای متعصب و کوتاه‌بین تأثر یک هنرمند با هر پایه و مایه، از منابع ذوقی خارجی و سایر صاحب‌هنرانی که در آن زمینه به خلق و ابداع پرداخته‌اند، به هیچ وجه از درجه اعتبار و اهمیت وی نمی‌کاهد. ادبایی که از ذکر تأثر سعدی از شاعران عرب، چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزند و شور و شغب به راه می‌اندازند، کدام شاعر بزرگ یا کوچک را می‌توانند در دنیا نشان دهند که شعرش نقشی از آثار دیگران نپذیرفته ..."

(صص ۹۱۷-۹۱۶).

۱-۲. تأکید بر تأثیرپذیری همه سخنوران مسلمان از قرآن کریم و همچنین بهره‌وری‌های سعدی از این منبع عظیم، از جمله: "سعدی گاه طراز آیات را همچنان که هست بر گستره شعر و نثر خویش می‌نشانند، گاه معانی تنزیل را چون نشئه‌ای در پی و پیوند عبارات خود جاری می‌سازد و گاه با افزودن سجعی یا کاستن واژه‌ای از آیات، اوزان عروضی استخراج می‌کند ... سعدی همه جا با قرآن است و قرآن همه جا با سعدی ... همین آمیختگی هنرمندانه و شیفته‌وار سعدی به قرآن، سبب شده است که تعیین حد و حصر دقیق تأثر وی از کتاب آسمانی بسیار مشکل، بلکه محال باشد ... شاید پسندیده‌ترین کار هر نقاد آگاه این باشد که بی‌بحث و فحص [برای نشان دادن میزان تأثیرپذیری سعدی از قرآن] مجموعه آثار سعدی را به انگشت بنمایاند و لب فرو بندد" (صص ۹۱۸-۹۱۷).

۱-۳. توضیح درباره میزان تأثیرپذیری سعدی از حدیث: " در مورد انفعال و بهره‌برداری ذهن سعدی از احادیث نبوی نیز می‌توان همه مطالبی را که در مورد قرآن گفته آمد جاری و صادق دانست ... اکنون برای پرهیز از کلی‌پردازی مطلق و دور نماندن از ضوابط و مقیاس‌ها، برآوردهای کاملاً تخمینی و غیردقیق زیر را در مورد بهره‌مندی گلستان و بوستان از معانی قرآنی و حدیث بیان می‌نماییم: گلستان در ۱۰۲ مورد از آیات قرآنی و در ۷۰ مورد از احادیث نبوی برخوردار است. ۲. بوستان در ۱۵ مورد از آیات قرآنی و در ۵۲ مورد از احادیث بهره‌مند است " (صص ۹۱۹-۹۱۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. شرح گلستان و شرح بوستان از دکتر محمد خزائلی. ۲-۲. مقاله متنبی و سعدی، دکتر مهدی محقق، راهنمای کتاب، سال دوم، شماره‌های ۲ و ۳.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تأکید اصلی این نوشته بر استفاده گسترده و همه جانبه آثار سعدی از قرآن و حدیث است. نویسنده با خرده‌گیری از کسانی که تنها با ارائه چند نمونه، برخی از عبارات و سروده‌های سعدی را متأثر از قرآن و حدیث دانسته‌اند، بر آن است که سعدی در تمام آثار خویش همواره بر قرآن و حدیث چشم داشته و از آن بهره‌مند بوده است و " تعیین حد و حصر دقیق تأثر وی از کتاب آسمانی بسیار مشکل، بلکه محال " است.

اگر چه سخن نگارنده این مقاله، گویای يك حقیقت مسلمی است، اما چنانچه بررسی و بازنمایی تأثیرات گونه‌گون سعدی از قرآن و حدیث در آثار مختلفش - با ارائه نمونه‌هایی صورت می‌گرفت، میزان هنرنمایی سعدی را در انواع این بهره‌وری‌ها، بهتر نشان می‌داد.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، محمدکریم آزادی، راهگشا، ۱۳۷۳، ص ۳۳.

تأثیر متون فرهنگ اسلامی بویژه قرآن در آثار شیخ سعدی، امید زنجانی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۲۷-۲۰۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. روزنامه اطلاعات، یکشنبه یازدهم آذر ۱۳۶۳، صص ۸ و ۱۵ (با عنوان "شیوه‌های بهره‌گیری سعدی از قرآن").

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. " شهرت آثار سعدی از همان دوران تولد این عارف عالم آغاز گردید. (ص ۱۱۲). این آثار را به دلیل پراکندگی مطالب آن نمی‌توان در تقسیم‌بندی علوم اسلامی و یا دانش‌های دیگر تحت عنوان خاص قرار داد و این درست خصیصه چشم‌گیر کتب آسمانی انبیاست. " (ص ۲۱۲).

۱-۲. " البته همه معارف قرآن و اسلام در آثار سعدی یافت نمی‌شود و هر آنچه در آثار سعدی آمده چنان نیست که از قرآن و اسلام باشد. متأسفانه سعدی علی‌رغم صراحتی که در نكوهش چاپلوسی و ستایشگری امرا و شاهان دارد، خود در این گرداب عفن افتاده و ثناگویی‌ها و مداحی‌های وی با تعالیم قرآن و فرهنگ " لانتظلمون " اسلام سازگار نمی‌باشد. ولی روح پاک او این آلودگی را به خود نمی‌گیرد و سرانجام از این مقطع غفلت، پاکدامن بیرون می‌خزد و استغفار می‌کند. " (صص ۲۱۵-۲۱۳).

۱-۳. " سعدی تحصیل‌کرده نظامیه بغداد و وارث ادب مزدوج [عربی و فارسی] و خود از برجسته‌ترین ادبای ذواللسانین بود و توانست با بهره‌جویی از تجربیات گذشته و چنین خصیصه ادبی به خلق آثار ادبی برجسته و زیبا و ارائه جلوه تازه‌ای از معارف فرهنگ اسلام نایل آید. " (ص ۲۱۶).

۱-۴. " نخستین منبع الهام بخش آثار ادبی سعدی قرآن مجید است (ص ۲۱۶). شیوه‌های بهره‌گیری سعدی از قرآن همچون هنر ادبی‌اش کاملاً ابتکاری و دلنشین می‌باشد که به گونه‌های زیر است:

۱-۴-۱. تضمین آیات.

۱-۴-۲. تمثیل.

۱-۴-۳. استفاده از قالب‌های تاریخی.

۱-۴-۴. بیان مضمون بدون ذکر آیه.

۱-۴-۵. بهره‌گیری از واژه‌های قرآنی.

۱-۴-۶. بهره‌گیری از ادبیات قرآنی (صص ۲۲۲-۲۱۷).

۱-۵. سخنان پیچیده سعدی که گاه مشکلی می‌آفریند و ظاهر آن با فلسفه زندگی از دیدگاه اسلام و قرآن سازگار به نظر نمی‌آید. به عنوان مثال حکایتی را که وی در باب اخلاق درویشان می‌آورد و می‌گوید: " پیاده‌ای سر و پا برهنه با کاروان حجاز ... " ظاهر آن با آنچه که برخی از آیات تعلیم می‌دهد و فلسفه زندگی را تبیین می‌کند، ناسازگار است ... اما بی‌شک تکیه سعدی در این کلام بر مفهوم ظاهری سخن بازگو شده از درویش نیست. سعدی از این حکایت به دنبال نتیجه‌ای است که در پایان می‌آورد. " (ص ۲۲۳).

۱-۶. ویژگی‌های کلام سعدی:

۱-۶-۱. تازگی و طراوت.

۱-۶-۲. خلوص که در کلام سعدی با رقیق‌ترین مفاهیم ارائه شده.

۱-۶-۳. ایجاز که در قالب‌های کوچک کلام بیشترین معارف را می‌گنجاند.

۱-۶-۴. جولان فکری و سرعت انتقال مسائل کلی به جزئی.

۱-۶-۵. داشتن شیوه توصیفی و مخاطب قرار دادن فطرت انسان‌ها.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. کلیات سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نشده است)

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۹ بار، قصاید ۷ بار، رسائل نثر ۵ بار، بوستان ۳ بار، غزلیات ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. باز نمود برخی از تأثیرپذیری‌های سعدی از قرآن، تطبیق آنها با آیات و دسته‌بندی کردن این تأثیرات، از جنبه‌های ارزشمند این مقاله است. اما متأسفانه تنها گوشه‌ای از آثار سعدی کاویده شده است، و نویسنده خود در پایان مقاله آرزو کرده‌است کسی این مهم را به انجام برساند.

۴-۲. در این پژوهش آثار سعدی با ۳۴ آیه مبارک و سه حدیث مقایسه شده و نشانی دقیق آیات و احادیث در پی‌نوشت آمده است.

۴-۳. انتقاد از برخی آثار سعدی بویژه در قصاید مدحی او از ویژگی‌های دیگر این مقاله است.

۴-۴. اشکال عمده مقاله، نداشتن نشانی مثال‌هایی است که از آثار سعدی ارائه شده است.

۴-۵. نخستین جمله مقاله یعنی " شهرت آثار سعدی از همان دوران تولد یعنی از بدو حیات این عارف آغاز گردیده " نیز خالی از اغراق و اشکال نیست.

۴-۶. بخش پایانی مقاله (ویژگی‌های کلام سعدی) ارتباطی با اصل مقاله ندارد.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. پرتوی از دقایق قرآن کریم در آثار سعدی، میرجلیل اکرمی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۳۷، شماره یک، بهار ۱۳۷۳، ص ۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره موضوع مقاله: " موضوع این مقاله بحثی مقدماتی پیرامون کلیت روایتی کتاب گلستان و توجه به ترتیب و تہذیب کتابت این متن به مثابه نشانه‌ای از عملکرد مقوله " تعادل " نزد سعدی است. خلاصه نظریه این مقاله این است که نه فقط تک‌تک اجزاء و ابواب گلستان به نحوی به مقوله تعادل و توازن و مالا " عدالت " مربوط است، بلکه کلیت روایتی کتاب، تقدم و تأخر ابواب متشکله آن، نحوه گذار از يك باب به باب دیگر، و مالا صناعت مستتر در صورت روایی آن خود حاوی نظریه‌ای تلویحی‌ست از تعادل، که توجه به آن از ابتدایی‌ترین - شرایط فهم گلستان به عنوان يك اثر هنری است " (ص ۸۹).
 ۱-۲. توضیح درباره برخی از ویژگی‌های دیباچه گلستان (صص ۹۱-۹۰).
 ۱-۳. بررسی مفاهیم باب‌های هشت‌گانه گلستان (صص ۹۶-۹۲) با نتیجه‌گیری زیر: " ترکیب روایتی گلستان به صراحت متشکل از ترتیبی مربع است از چهار تزویج متضاد و متمایل که به ترتیب و تناوب از پی یکدیگر می‌آیند ":

(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
متضاد	متمایل	متضاد	متمایل
۱. کلیت روایتی گلستان	۲. متمایل	۳. متضاد	۴. متمایل
اول-دوم	سوم-چهارم	پنجم-ششم	هفتم-هشتم
۲. متشکل از باب‌های	۳. مستتر در عناوین	۴. مبتنی بر منطق	
پادشاهی- درویشی	قناعت-خاموشی	عشق و جوانی، ضعف و پیری	تأثیر تربیت - آداب صحبت
تنش تضاد	گشایش گره	تنش تضاد	گشایش گره

ردیف چهارم (افقی) این جدول می‌تواند نشانی از عملکرد ناخودآگاه سعدی باشد در چگونگی روایت گلستان. تنش تضادی که مستتر در دو باب اول و دوم گلستان و تقابل دو مقوله پادشاهی و درویشی‌ست با گشایش گره این تضاد در دو باب سوم و چهارم که دعوت به قناعت و خاموشی می‌کنند به رهایش می‌انجامد، و باز به همین ترتیب است که تنش تضاد دو باب پنجم و ششم که عشق و جوانی را در مقابل ضعف و پیری می‌نهد با گشایش گره دو باب هفتم و هشتم در تأثیر ترتیب و آداب صحبت به رهایش و آسایش روایی می‌رسد ... نکته قابل توجه دیگری که در این ترکیب و ترتیب روایی مشهود است، آن است که تنش متضاد اول، یعنی تنش بین پادشاهی و درویشی، تنش اجتماعی - سیاسی است که تلویحا از طریق فضیلت و فواید قناعت و خاموشی به اعتدال و رهایش می‌انجامد، و حال آنکه تنش متضاد دوم یعنی تنش بین عشق و جوانی و ضعف و پیری، تنش طبیعی - مزاجی است که باز هم تلویحا به تأثیر تربیت و آداب صحبت به گشایش و رهایش می‌رسد" (صص ۹۶-۹۵).
 ۱-۴. بررسی ارتباط متافیزیک معنی و زیباشناسی روایی يك روایت (صص ۹۹-۹۶).

۲. **منابع اصلی:** * در بخش یادداشت (پی‌نوشت مقاله) از منابع متعدد فارسی و غیرفارسی بهره برده شده است و مأخذ اصلی متن مقاله عبارت است از: ۱-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۲۸ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. در این نوشته با نگاهی تازه، ترتیب باب‌های هشت‌گانه گلستان بررسی شده و با روشن شدن نظم ویژه‌ای در ترتیب ابواب (رک. جدول صفحه ۹۵) نتایج قابل توجهی به دست آمده است.

گفتنی است پی‌نوشت این مقاله شامل یادداشت‌های ارزنده‌ای است که اطلاعات سودمندی را در اختیار خواننده می‌گذارد، اما حجم این یادداشت‌ها (۱۸ صفحه) يك برابر و نیم بیشتر از اصل مقاله (۱۲ صفحه) شده است.

چنانچه مطالب این مقاله با نثری ساده‌تر نوشته شده بود، بر ارزش کاربردی آن می‌افزود.

بهره‌گیری از منابع متعدد با یادکرد دقیق نشانی آنها، استناد مکرر به متن گلستان و اشارات سودمند بخش یادداشت‌ها از ویژگی‌های دیگر این مقاله است.

تأملی بر عقاید سعدی در تأثیر تربیت، حمید دباشی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۴۸-۶۲۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و تربیتی آثار سعدی، با توجه به اوضاع اجتماعی زمان او (صص ۶۲۸-۶۲۷)، از جمله: " اهمیت حیاتی سعدی در فرهنگ سنتی ایران، فلسفه اخلاقی متعالیه‌ای است که وی در یکی از تاریک‌ترین و اسفناک‌ترین ادوار تاریخی این ملت به استادی ساخته و پرداخته است " (ص ۶۲۷).

۱-۲. بیان انگیزه نگارش مقاله: " غرض از این رساله کوتاه تأملی است تحلیلی بر دیدگاه فلسفی - اخلاقی سعدی، مستتر در عقاید تربیتی وی... " (ص ۶۲۸).

۱-۳. توضیح درباره نظام اخلاقی جامعه و ارتباط افراد با نظام (صص ۶۳۰-۶۲۹).

۱-۴. بررسی میزان هماهنگی سعدی با موازین اخلاقی، اجتماعی زمان خود، از جمله: " مرجع و مأخذ و نیز محل اعتبار کلیه اخلاقیات فردی و اجتماعی برای سعدی، فرهنگ بومی و سنتی ایران است. مع‌هذا این مرجعیت باعث محدودیت فکری، تنگ‌نظری اخلاقی و یا خشک‌اندیشی جزمی در حکمت خلقي سعدی نمی‌گردد ... سیاست مدنی سعدی به هر تقدیر از موازین اخلاقی منضبط در فرهنگ اسلامی ایران مجزا نمی‌تواند بود ... با آنکه سعدی به معنی اخص کلمه نه يك متکلم است، نه يك صوفي تمام عیار و نه يك فیلسوف مشائی، در جهان‌بینی شاعرانه خود وی انسان‌گرایی صوفیانه و خردگرایی و نیز شرع‌گرایی متکلمین را به هم می‌آمیزد ... " (ص ۶۳۱).

۱-۵. توضیح درباره نگره‌های تربیتی و تعلیمی سعدی با استناد به سخنان او (صص ۶۴۴-۶۳۱)، از جمله: " ... وجود چنین نقطه نظرهای به ظاهر متفاوت، نه تنها سعدی را به تناقض‌گویی نمی‌کشاند، بلکه جهان‌بینی تربیتی او را از تك ساختی و خشک‌اندیشی جزمی رها کرده و به منطقی جدلی، پویا و کنکاش‌گر مجهز می‌کند (ص ۶۳۲). سعدی دنات و خبائث ذاتی را از يك طرف و شرافت و سخاوت فطری را از طرف دیگر، دو اصل جزمی و لایتغیر می‌پندارد که در خوی و سرشت موجودات در روز ازل، به ودیعه گذاشته شده است ... [در موضعی] سعدی معتقد به نوعی صرفه‌جویی و امساک در تخصیص منابع تعلیم و تربیتی جامعه است ... (ص ۶۳۴) در موضعی دیگر سعدی، فطرت اشخاص را قابل تغییر و تربیت می‌داند (ص ۶۳۵). گوشه‌گیری و انحصار خصایل پسندیده انسان که

بازتابی اجتماعی نداشته باشد، برای سعدی و خاستگاه فرهنگی او محلی از اعراب ندارد ... در مقوله تأثیر همنشینی، همچنین قابل توجه است، که نه تنها، فطرت بد، قابل خوب شدن، بلکه ذات خوب، نیز قابل بد شدن است (ص ۶۳۶).

سعدی با دیدی واقع‌بین و میرای از هر گونه آرمان‌گرایی بی‌ریشه خصلت آدمیان را آن‌چنان که هستند - طرفه‌آمیزه‌ای ناستوار از پردیس اعلی‌علین و دوزخ اسفل‌السافلین - باز می‌شناسد (ص ۶۳۷). از نظر سعدی شرافت اخلاقی در انحصار اشرافیت طبقاتی نیست (ص ۶۳۸). در جهان‌بینی تربیتی سعدی، آنچه همواره در مد نظر اوست، برقراری و تداوم یک زندگی فرهیخته و شایسته است، دریافت عمیق او از چگونگی و عملکرد زندگی عادی و روزمره مانع از ساختن و پرداختن انگاره‌ها و آرمان‌های عظیم و توخالی است " (ص ۶۴۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، به کوشش نورالله ایران‌پرست، ۱۳۵۵. ۲-۲. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، ۱۳۵۸. ۲-۳. قلمرو سعدی، علی دشتی، ۱۳۳۹.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۴۰ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. درباره نظرات تربیتی سعدی و نگره‌های تعلیمی او تا پیش از انتشار این مقاله نوشته‌های بسیاری منتشر شده است که بجز مقاله‌های متعدد، کتاب مستقلی نیز با عنوان "تعلیم و تربیت در نظر سعدی" (از محمد جناب‌زاده) در سال ۱۳۱۷ با همین موضوع چاپ شده است.

بسیاری از نویسندگانی که درباره مسائل تربیتی در آثار سعدی قلم زده‌اند، با ساده‌انگاری، بعضی از سخنان سعدی را - که بیشتر نیز نقل قول از شخصیت‌های حکایت‌هاست - به عنوان باور مسلم تربیتی و تعلیمی سعدی دانسته و بر آن پای فشرده‌اند. اما نویسنده این مقاله، با ژرف‌نگری، به تحلیل برخی از حکایت‌های گلستان پرداخته و نظر نهایی سعدی را در آن حکایت‌ها روشن کرده است. که این خود بر ارزش این نوشته افزوده است. البته چنانچه نویسنده از تکرار آنچه دیگران پیش از او درباره نظرات تربیتی سعدی گفته‌اند، پرهیز می‌کند، به ایجاز مقاله کمک می‌شد.

تأملی در یک مقایسه سبک‌شناسانه، محمدتقی رادشهبیدی، رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۲۰-۲۹، تیر و آذر ۱۳۷۱، صص ۴۷-۴۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مقاله "مقایسه سبک‌شناسانه غزلی از حافظ و سعدی" از سیروس شمیسا و انتقاد از روش مقایسه در آن مقاله (ص ۴۴).

"نگارنده به قول خود به یک مقایسه مختصر بین یک غزل از هر شاعر پرداخته است و در مقدمه تذکر داده است که: "هدف از این مطالعه این است که بدون توجه به معلومات قبلی، بیشتر از خود شعرها تفاوت سبکی آنها را دریابیم" و آن وقت نتیجه‌گیری‌هایی کرده‌اند که معلوم نیست با یک مقایسه کلی هم درست باشد و حال سؤال این است که چنین نتایجی چه سودی دارد ... " (ص ۴۴). ۱-۲. طرح نه مورد انتقاد از توضیحات در مقاله یاد شده (صص ۴۷-۴۴)، زیر عنوان "اینک به ذکر پاره‌ای مسائل در جزئیات مقاله می‌پردازیم". از جمله: "نوشته‌اند: بسامد هم حروفی در غزل حافظ نسبت به غزل سعدی بسیار بالاست ...".

- این "بسیار" معلوم نیست در کجاست، چون در آماري که خود ایشان داده‌اند هم تفاوت چندان نیست و حتی می‌شود چند مورد دیگر بر غزل سعدی افزود ... کمیت عوامل موسیقایی ملاک زیبایی نیست و آنچه که مهم است نوع کاربرد و کیفیت آنهاست (ص ۴۵). ... در سطح ادبی شعر سعدی، در باب اضافه تشبیهی نوشته‌اند: "فقط سرو قامت گفته است که تشبیهی مبتذل است". بر فرض اینکه بپذیریم که امروزه دیگر این تشبیه پیش پا افتاده است و به اصطلاح حالت کلیشه پیدا کرده، گناه سعدی چیست که در قرن هفتم می‌زیسته ... و اگر این دست تشبیه‌ها و تصویرها را مبتذل بدانیم، دیوان سعدی و حافظ جلوه ابتذال خواهد بود ... در بحث از ابزار بیانی چنین آمده است: "عجیب است که [سعدی] ابدا از استعاره استفاده نکرده است".

به گمان من سخن نگارنده بیشتر تعجب‌انگیز است، مگر آوردن استعاره در همه جا برای شاعر نوعی فریضه است؟ ... " (ص ۴۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مقاله "مقایسه سبک‌شناسانه غزلی از حافظ و سعدی"، قسمت اول و دوم، دکتر سیروس شمیسا، رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۲۵ و ۲۷، تابستان و زمستان ۱۳۷۰.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته، مقاله "مقایسه سبک‌شناسانه ... نقد و بررسی شده و اشکالات موجود در آن مقاله باز نموده شده است. همان‌گونه که در این نوشته آمده است برخی از نتیجه‌گیری‌های نویسنده مقاله "مقایسه سبک‌شناسانه ... محل تأمل است، و با بررسی تنها یک غزل، و بدون توجه به معلومات پیشین از دو شاعر بزرگی چون سعدی و حافظ، نمی‌توان درباره آنها داوری مسلمی کرد و قضاوت تنها در حوزه همان دو سروده پذیرفتنی است.

با این همه مقاله نقد شده دکتر شمیسا ویژگی‌های ارزشمندی نیز دارد که در این نوشته به آن اشاره نشده است. شایسته بود دست کم به شیوه بررسی و سنجش در مقاله یاد شده (که در نقد شعر فارسی شیوه‌ای تازه است) اشاره می‌شد.

تاریخ درست درگذشت سعدی، سعید نفیسی، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ششم، شماره ۱، مهر ۱۳۲۷، صص ۸۲-۶۴.

چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپ کاویان، ۱۳۲۸، صص ۲۲۵-۲۰۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره اختلاف نظر در تاریخ درگذشت سعدی با اشاره به آثار قدیمی که توضیحی درباره سعدی و تاریخ درگذشت او در آنها آمده است، از جمله: کتاب "تلخیص مجمع الآداب فی معجم‌اللقاب" و "الحوادث‌الجامعه و التجارات‌النافعه فی‌المائة‌السابعة" از ابن فوطی، "تاریخ گزیده" از حمدالله مستوفی که وفات سعدی را ۱۷ ذی‌الحجه ۶۹۰ هجری دانسته، کتاب "مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار" از محمد جاجرمی، در این کتاب قطعه شعری است مربوط به تاریخ مرگ سعدی که به حساب حروف ابجد "شنبه ۲۷ ذی‌الحجه ۶۹۰" است، کتاب "شد الازار فی حط‌الاوزار عن زوار‌المزار" که درگذشت سعدی را در ۶۹۱ هجری دانسته و پسر او (عیسی‌بن جنید) که کتاب را به نام "هزار مزار" ترجمه کرده و وفات سعدی را ۶۹۰ هجری دانسته، "تاریخ شیخ اویس" از ابوبکر قطبی اهری، در این کتاب قطعه شعری است مربوط به ماده تاریخ مرگ سعدی که به حساب حروف ابجد "سه‌شنبه ۲۷ ذی‌الحجه ۶۹۰" است، "نفحات‌الانس" از جامی که وفات سعدی را در "ماه شوال ۶۹۱ هجری" دانسته. "تذکره‌الشعرا" از دولتشاه سمرقندی، در این کتاب دو قطعه شعر مربوط به ماده تاریخ درگذشت سعدی آمده که به حساب حروف ابجد قطعه اول شب آدینه ماه شوال ۶۹۱ هجری و قطعه دوم شب جمعه ماه شوال ۶۹۱ هجری است. "مجالس‌العشاق" از سلطان حسین بایقرا یا میرکمال‌الدین حسین بن مولانا شهاب‌الدین طبسی، که وفات سعدی را ماه شوال ۶۹۰ دانسته است (صص ۶۹-۶۴).

۱-۲. علاوه بر آثار یاد شده در بالا، روایت تاریخ در گذشت سعدی از آثار زیر نیز نقل شده است: "حبیب السیر" از خواند میر، "هفت اقلیم" از احمدامین رازی، "مجالس المؤمنین" از قاضی نورالله شوشتری، "سفینه الاولیاء" از دارا شکوه، "شاهد صادق" از صادق صالح اصفهانی، "مرآة الخیال" از امیر شیرعلی خان لودی، "تذکره حسینی" از امیرحسین دوست سنبهلی "آتشکده" از لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، "نتایج الافکار" از محمد قدرةالله خان گو پاموی، "سفینه الشعرا" از سلیمان فهمی، "جنة الاخبار" از محمد حسن بن محمد رحیم لنجانی، "فارس نامه" از محمد جعفر حسینی خورموجی، "خزینة الاصفیا" از مفتی غلام سرور لاهوری، "خزانه عامره" از میر غلامعلی آزاد حسینی، "مفتاح التواریخ" از تامسن ولیم بیل، "گنج تواریخ" از مولوی عبدالغفور خان، "شمع انجمن" از سید محمد صدیق حسن خان، "علاء لی اثمار التواریخ مع ذیل" از سید محمد شمعی، "هدیه العارفین ..." از اسماعیل پاشا، "گنجینه سروری" از غلام سرور لاهوری، "مجمع الفصحا" و "ریاض العارفین" از رضا قلی خان هدایت، "منتظم ناصری" از صنیع الدوله محمد حسن خان، "فارسنامه ناصری" از میرزاحسن فسایی، "آثار عجم" از فرصت شیرازی، "شعرالعجم" از شبلی نعمانی، "حیات سعدی" از ا لطف حسین حالی، "نگارستان فارس" از محمد حسین آزاد، "تذکره الشعرا" از محمد عبدالغنی خان غنی مو، "شمس التواریخ" از اسدالله گلپایگانی، "سرگذشت شیخ بزرگوار سعدی" از محمد حسن انصاری شیخ جابری، "زندگی سعدی" از بدیع پاکدین، "سرآمدان سخن" از حسین دانش، "تاریخ مفصل ایران" از عباس اقبال، "هدیه الاحباب" از عباس بن محمدرضا قمی، "مقدمه بوستان" از محمد محیط طباطبایی، "شناسایی سعدی" از هزار شیرازی، "سخن سعدی" از قاسم توپسرکانی، "نمونه ادبیات تاجیک" از گروهی از نویسندگان، "شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی" از صدرالدین عینی، "تاریخ ادبیات ایران" از حسین فریور، "تاریخ ادبیات ایران" از دکتر رضا زاده شفق، "تاریخ تحول نظم و نثر پارسی" از محمدعلی تبریزی مدرس، "آرامگاه شیخ اجل، ..." از انجمن آثار ملی (صص ۷۸-۶۹).

۱-۳. اشاره به نوشته‌های خاورشناسان و مولفان اروپایی درباره درگذشت سعدی، از جمله: ف. ف. ارثروت، آرتورن ولاستن، کریمسکی، براون، روبن لوی، کانستانتین چایکین، ایتالو پیتیزی، هرمان اته، ژرژ فریله و هانری ماسه (صص ۸۰-۷۸).

۱-۴. معرفی یک نسخه خطی به عنوان یک سند معتبر که تاریخ درگذشت سعدی را نقل کرده است: "چیزی که در این وقایع برای ما بسیار اهمیت دارد و شک و تردید و دودلی این مدت دراز را درباره تاریخ مرگ سعدی، از میان می‌برد، این است که در این بیاض به خط حلی و بسیار خوانا، نوشته شده است: "وفات علامه العصر، شیخ سعدی شیرازی، شب سه‌شنبه سابع [و] عشرين ذی‌الحجه لسنه احدي [و] تسعين و ستمایه" (شب سه‌شنبه ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۹۱) این همان تاریخی است که در مجله یغما نیز از روی سند کهنه‌ای چاپ شده ... (صص ۸۲-۸۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. در این مقاله نزدیک به هفتاد مأخذ مورد استفاده بوده است، با توجه به اینکه مقدار استفاده از منابع مذکور تقریباً همسان است برای پرهیز از تطویل کلام از ذکر مجدد آنها پرهیز می‌شود.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله ارزشمند مفصل‌ترین نوشته‌ای است که با دقت و حوصله فراوان، و با مراجعه به نزدیک هفتاد منبع کهن و جدید، تاریخ درگذشت سعدی را بررسی کرده است.

هر چند ممکن است در نظر برخی از افراد دانستن تاریخ دقیق مرگ سعدی چندان موضوع ضروری نباشد و برای این همه دقت در بازبینی متون متعدد، جهت موضوع یاد شده، ارزشی قائل نباشند، اما پرهیز از تساهل و قبول ریاضت علمی برای دریافت دقایق تاریخی و ادبی، یکی از ارجمندترین ویژگی‌های یک محقق ادبی است.

ای کاش این روش پسندیده و این خصلت گرانبمایه به آیندگان هم منتقل می‌شد. نویسنده مقاله، تنها به نقل قول منابع نپرداخته، بلکه برخی از آنها را نقد و بررسی نیز کرده است، برای نمونه پس از یادکرد دو بیت از کتاب "مونس الاحرار فی دقایق الاشعار" که در تاریخ وفات سعدی سروده شده است، می‌نویسد: "چنان می‌نماید که این قطعه، سال‌ها پس از مرگ سعدی سروده شده است، زیرا که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هنوز معمول نشده بود حروف هجا را به حساب جمل و حساب ابجد در این گونه موارد به کار برند" (ص ۶۷).

- درباره نوشته دولت‌شاه سمرقندی در تذکره الشعرا می‌نویسد:

"دولت‌شاه سمرقندی در تذکره الشعرا ... چنین آورده است: "اما وفات شیخ در محروسه شیراز در روزگار اتابک محمدشاه بن سلغرشاه بن سعد زنگی بوده ... [اما] باید متوجه بود که محمد بن سلغرشاه بن سعد بن زنگی تنها ده ماه از ذی‌الحجه ۶۶۰ تا ۱۰ رمضان ۶۶۱ پادشاهی کرده و اگر سعدی در ۶۸۱ درگذشته باشد، ممکن نیست در سلطنت وی از جهان رفته باشد" (صص ۶۹-۶۸).

- درباره نوشته خواندمیر در حبیب السیر می‌نویسد: "... خواندمیر در کتاب معروف حبیب السیر می‌گوید: "در تاریخ گزیده مسطور است که وفات شیخ سعدی در هفتم ذی‌حجه سنه تسعين و ستمائه اتفاق افتاده و به روایت نجفات این صورت در شوال سال شش‌صدونودیک دست داد". پیداست که خواندمیر در میان این دو روایت نتوانسته است یکی را اختیار کند، اما در نسخه چاپی تاریخ گزیده: چنانکه گذشت در ۱۷ ذی‌حجه نوشته شده، نه در هفتم" (ص ۶۹).

۴-۲. ذکر نشانی دقیق نقل قول‌ها و مأخذ استفاده شده، بر ارزش علمی - پژوهشی مقاله افزوده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاپیانی، ۱۳۲۸، صص ۲۲۵-۲۰۲، ۲۰۲-۵. سالشمار سفرهای سعدی، جان بویل، ترجمه اوانس اوانسیان، راهنمای کتاب، سال هیجدهم، شماره ۱۲-۱۰، دی و اسفند ۱۳۵۴، صص ۷۹۷-۷۹۲.

۵-۲. تعهد و مسؤلیت در شعر سعدی، سید محمد ترابی، روزنامه کیهان، پنج‌شنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۳، ص ۷-۵. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳ (چاپ پنجم)، ص ۵۴-۵۵. گلستان سعدی، به کوشش محسن رضانی، پدیده، ۱۳۶۳، ص ۴-۵.

۵-۳. ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان، یان ریپکا، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۴، صص ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷-۵. تاریخ ادبیات ایران ج ۳/۱، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ پنجم)، صص ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۸۸-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۳۲، ۳۳، ۳۲-۵. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۳۴، ۳۶، ۱۰-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۱-۵.

۵-۴. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۸، ۱۹۹.

تاریخ دوره سعدی - از پاسای چنگیز تا نفرین غازان [۱] - دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶۶، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۴۸، صص ۱۹-۱۸ و ۴۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره شخصیت چنگیز و عدالتی که گاهی به او نسبت داده‌اند و اشاره به سروده‌های سعدی که با حاکمان وقت در پیوند است: "بررسی این مقدمات تاریخی، امکانات مناسبی برای تشخیص مقتضیات زندگی سعدی فراهم می‌سازد. فی‌المثل در مورد مرثیه قتل مستعصم و قصیده مدح هلاکو که ضمن آنها سعدی-البته به عقیده مدعیان - هم قائل و هم مقتول را ستایش و البته مخاطب نصیحت قرار داده ... (ص ۱۸).

۱-۲. بررسی حمله‌های مغول و نتایج آن و اشاره‌ای کوتاه به سعدی: "سال ۶۴۳ از نظر بیوگرافی سعدی جالب توجه است و چون در هیچ یک از آثار سعدی نشانه‌ای از برخورد وی با صحنه‌هایی از جنگ مغولان دیده نمی‌شود، می‌توان گفت که سعدی قبل از این

تاریخ از بغداد یا شام به شیراز مراجعت کرده بوده است ... سعدی بین سال‌های ۶۵۶ که تاریخ فتح بغداد است و ۶۵۸ هجری که سال درگذشت ابوبکر سعدبن زنگی است، دو مرثیه، یکی به عربی و یکی به فارسی " در زوال خلافت بنی‌عباس " سروده که مربوط به واقعه قتل ابواحمد عبدالله خلیفه المستعصم بالله است، در این مرثیه‌ها سعدی به توجیه سیاست اتابک ابوبکر بن سعدبن زنگی پرداخته، زیرا که اتابک موصوف در مقام اطاعت از حکومت مغول، برادرزاده خود محمدشاه بن سلغورشاه را با لشکری به مدد هلاکو فرستاده و با این تدبیر، سرزمین فارس را از هجوم مغول در امان نگاه داشته بوده است " (صص ۴۵-۱۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. تاریخ جهانگشای جوینی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. تاریخ مغول، اقبال (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که در سه بخش و سه شماره مجله رنگین‌کمان به چاپ رسیده است، برای اشاره این مقاله ر.ک. اشاره مربوط به بخش سوم و پایانی مقاله (رنگین‌کمان، شماره ۶۸، پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۴۸).

تاریخ دوره سعدی - از یاسای چنگیز تا نفرین غازان [۲] - رنگین‌کمان، شماره ۶۷، پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۴۸، صص ۱۸-۱۹ و ۲۸.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که بخش اول آن در شماره پیشین مجله (شماره ۶۶، پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۴۸، صص ۱۹-۱۸ و ۴۵) چاپ شده است.

۱-۱. نقل قصیده‌ای که سعدی در مرثیه مستعصم سروده با تأکید بر ارزش‌های تاریخی و هنری آن مرثیه و ادامه بررسی حکومت خاندان مغول (ص ۱۸) و تأکید بر اهمیت آگاهی از تاریخ مغول در شناخت درست از سعدی: " بررسی تاریخ مغول، فرینه‌هایی از اوضاع و احوال دوره سعدی به دست می‌دهد و در حقیقت با روشن کردن اطراف سعدی، خصوصیات اخلاقی و روحی وی را مشخص می‌سازد. علی‌الخصوص قصاید سعدی را بدون قراین تاریخی نمی‌توان مورد بررسی قرار داد ... قصاید سعدی و حتی قصیده مدح هلاکو، عموماً در اواخر عمر سعدی سروده شده و ماحصل معلومات و تجربیات و بینش او را شامل است و به عنوان ستایش و مدح جز چند بیت تحبیب و تحسین چیز دیگری ندارد " (ص ۱۹).

۱-۲. نقل عباراتی از کتاب " تاریخ مغول " در وصف فجایع حاکمان مغول و اشاره به شجاعت سعدی در اندرزگویی به این گونه حاکمان: " سعدی انصافاً زهره شیر داشته که در حضور چنین سردار خوفناکی حتی لب به سخن گشوده " (ص ۱۹).

۱-۳. توضیح درباره مفهوم " یاسا " چنگیز (ص ۲۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. تاریخ مغول، اقبال (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۲ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که در سه بخش و سه شماره مجله رنگین‌کمان به چاپ رسیده است. برای اشاره این مقاله ر.ک. اشاره مربوط به بخش سوم و پایانی مقاله (رنگین‌کمان، شماره ۶۸، پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۴۸).

تاریخ دوره سعدی - از یاسای چنگیز تا نفرین غازان - [۲] ، دکتر محمود کامیار رنگین‌کمان، شماره ۶۸، پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۴۸، صص ۸ و ۴۲.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته بخش سوم مقاله‌ای است که دو بخش اول و دوم آن، در شماره‌های پیشین مجله رنگین‌کمان (شماره‌های ۶۶ و ۶۷) چاپ شده بود.

۱-۱. ادامه توضیح درباره یاسای چنگیز و وصف عدالت چنگیز در آن یاساها از قول کتاب طبقات ناصری و نقل شروط وقف‌نامه سلطان محمود غازان‌خان در مقبره او به نقل از حبیب‌السیر (صص ۸ و ۴۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. طبقات ناصری (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. حبیب‌السیر (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله که در سه شماره مجله رنگین‌کمان (شماره‌های ۶۶ و ۶۷ و ۶۸) به چاپ رسیده انگیزه‌ها و شرح حمله‌های مغول به نقل از متون تاریخی بررسی شده است. اگر چه همه مضامین مطرح شده در این مقاله، پیش از این در متون تاریخی نقل شده، اما بازنگری این نوشته‌ها و طرح منظمی که از شروع حمله چنگیز تا تغییر روش و اصلاح رفتار جانشینان او در این مقاله مورد توجه بوده است، برای مخاطبان مقاله در مجله مذکور سودمند است و چنانچه برخی حشو و زواید مقاله کاسته می‌شد، به ایجاز آن می‌افزود.

۴-۲. نشانی برخی از مأخذ مقاله و نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

تاریخ دوره سعدی - پ، چ، ژ، گاف [۱] - دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶۲، پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۴۸، صص ۱۸-۱۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره قراین تاریخی برای آثار کهن: " علاوه بر قراین و آثار قدیمه، استفاده از موازین علوم زمین‌شناسی و بیولوژی نیز برای استدلال و استنتاج مسائل تاریخی ضروری به نظر می‌رسد " (ص ۱۸).

۱-۲. بررسی انگیزه‌های حمله مغول و نتایج آن (صص ۱۹-۱۸).

۱-۳. یادکرد عباراتی از متون مختلف تاریخی به نقل از " تاریخ مغول " نوشته اقبال درباره فجایع مغول (ص ۱۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. تاریخ مغول، اقبال آشتیانی (نشانی مأخذ مشخص نیست).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم و پایانی آن در شماره ۶۴ رنگین‌کمان (پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳ و ۴۵) چاپ شده است، برای اشاره این نوشته ر.ک. اشاره مربوط به بخش دوم مقاله.

تاریخ دوره سعدی - پ، چ، ژ، گاف [۲] - دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۶۴، پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳ و ۴۵.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته بخش دوم مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره پیشین مجله رنگین‌کمان (شماره ۶۳، پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۴۸، صص ۱۸-۱۹) چاپ شده است.

۱-۱. ادامه بررسی اوضاع اجتماعی زمان سعدی، حملات مغول به شهرهای ایران و قتل و غارت مردم به استناد متون تاریخی و برخی از اغراق‌های متون تاریخی از جمله تاریخ جهانگشای جوینی و تاریخ ابن اثیر (صص ۲۲-۲۳).

۱-۲. توضیح در مورد تحول خط و زبان فارسی با ورود حروف "پ، چ، ژ و گاف" به الفبای زبان فارسی در قرن هفتم که قبلاً به گونه "ب، ج، ز، ک" نوشته می‌شده است (صص ۲۳ و ۴۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. متون تاریخی از جمله تاریخ جهانگشای جوینی (نشانی مأخذ مشخص نیست).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله دو بخشی، با استفاده از متون تاریخی، بویژه "تاریخ مغول" و "تاریخ جهانگشا"، انگیزه‌ها و نتایج حمله مغول بررسی و برخی از اغراق‌های موجود در کتب تاریخی نقد شده است، می‌توان گفت بیشتر مطالب این مقاله نقل قول متون تاریخی است.

۴-۲. عبارات پایانی مقاله که به کوتاهی بیان شده، علاوه بر اغراق موجود در آن، هماهنگی لازم را نیز با بقیه مقاله ندارد. زیرا تمام مقاله درباره کشتار و فجایع مغول است، جز همین عبارت پایانی، و البته این جمله در محل تأمل و تعجب است که نگارنده نوشته‌اند: "یکی از عظیم‌ترین تحولات خط و زبان فارسی، یعنی اضافه شدن چهار حرف جدید پ، چ، ژ و گاف به الفبای فارسی در قرن هفتم صورت گرفته ... " (بخش دوم مقاله - ص ۲۳).

۴-۳. نشانی اکثر مأخذ مشخص نشده است.

تاریخ وفات سعدی، هزارپیشه، نشر زوار، ۱۳۲۶، صص ۷۸-۷۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به ماده تاریخی مشهور در وفات سعدی که در آن، سال ۶۹۱ هجری، سال وفات سعدی دانسته شده است.

۱-۲. اشاره به قول دو متن تاریخی (الحوادث الجامعه ... و تاریخ شیراز)، که تاریخ وفات سعدی را ۶۹۴ دانسته‌اند به نقل از عباس اقبال و جواد مجدزاده صهبا (ص ۷۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله‌ای از عباس اقبال در روزنامه شماره ۲۱ ایران (شهریور ۱۳۱۱). ۲-۲. مقاله‌ای از جواد مجدزاده در روزنامه شماره ۲۳ ایران (شهریور ۱۳۱۱).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه سخن تازه‌ای نیست، تنها به دو نظر درباره تاریخ وفات سعدی اشاره شده و درباره آنها هیچ توضیحی داده نشده است.

تبع در گلستان سعدی (۱)، احمد منزوی، وحید، دوره یازدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۱۶۷-۱۶۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بیان انگیزه پرداختن مقاله (ص ۱۶۷).

۱-۲. توضیح درباره موضوع مقاله: "من در کار خود تنها نام آثاری را می‌آورم که نگارندگان آنها در آن از "گلستان" پیروی کرده‌اند، و اینان را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد: نخست گروهی که در کار خود تقلید آشکار از سعدی کرده‌اند، حتی عبارات و جملاتی مشابه او آورده‌اند. گروه دوم در نگارش خود تنها ناظر بر "گلستان" بوده‌اند، اثری ساخته‌اند به نثر مسجع آمیخته به نظم و حکایت‌های پندآمیز، و خود اذعان دارند که خواسته‌اند چیزی به مانند گلستان بسازند ...

گروه سوم نگارندگانی هستند که به نحوی تحت تأثیر گلستان بوده‌اند، ولی خود به این امر معترف نیستند و شاید اینان ناخودآگاه تحت تأثیر "گلستان" بوده‌اند ... و این را باید به یاد داشت که شیوه نثر آمیخته به نظم همراه حکایت‌ها را پیش از سعدی، احمد غزالی در "سوانح العشاق" به کار برده است. بنابراین چنین نگارشی را نمی‌توان تقلیدی دانست، مگر که سعدی را نیز مقلد غزالی بدانیم" (صص ۱۶۹-۱۶۸).

۱-۳. یادکرد و شناسایی آثاری که به تقلید از سعدی نگاشته شده‌اند (صص ۱۷۷-۱۶۹).

۱-۳-۱. "نزهة الأرواح، از امیر حسینی هروی غوری، در گذشته ۷۱۸ یا ۷۱۹ ق ... نسخه‌های آن فراوان است و همه جا به نام "نزهة الأرواح" است. تا آنجا که من جستجو کردم در هیچ یک از نسخه‌ها نامی از گلستان را نبرده است ... شماره باب‌های آن بویژه سبک عرفانی آن موجب شده است که کسی امیر حسینی را از مقلدان سعدی به حساب نیاورد" (ص ۱۶۹).

۱-۳-۲. "نگارستان، از مولانا معین‌الدین، عارف اسفراینی یزدی ... در آغاز سده هشتم ... به سال ۷۳۵ ق.، به نثر و نظم عرفانی، در هفت باب نگاشته و پیش‌کش سلطان ابوسعید بهادرخان گورکانی کرده است" (ص ۱۷۵).

۱-۳-۳. "اخلاق الاشراف، از عبید زاکان، خواجه نظام‌الدین عیب‌الله قزوینی، در گذشته ۷۵۰ تا ۷۷۱ یا ۷۷۲ ق.، گفتاری است هزلی - انتقادی، به سال ۷۵۱ ق. در هفت باب" (ص ۱۷۳).

۱-۳-۴. "روضه خلد (خارستان)، از مجد خوافی، مجدالدین، از سده هشتم ... گفتاری است به نثر و نظم، در هیجده باب و ۴۲۰ حکایت، با سروده‌هایی از خود او، در بهار ۷۳۳، در دو ماه ساخته است و تا ۷۳۷، بدان دست می‌برده است" (ص ۱۷۴).

۱-۳-۵. "شکایت‌نامه، از محمود ذاتی از سده نهم ... گفتاری است به نثر مسجع آمیخته به نظم" (ص ۱۷۵).

۱-۳-۶. "عشق و محبت، از محمد فرزند شیخ‌علی بیدواری عبداللهی ملقب به رشید. در یک مقدمه و هفت اشاره" (ص ۱۷۵).

۱-۳-۷. "بهارستان، از جامی، عبدالرحمان فرزند احمد (۸۹۸-۸۱۷ ق) برای فرزندش ضیاء‌الدین یوسف ... و به نام سلطان حسین بایقرا به سال ۸۹۲ ق. در هشت آیین نگاشته است" (ص ۱۷۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی کتاب‌های مذکور در بخش مضامین اصلی. ۲-۲. فهرست نسخه‌های خطی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره آثاری است که به تقلید از گلستان پرداخته شده است).

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش ششم مقاله (تبع در گلستان سعدی ۶).

تبع در گلستان سعدی (۲)، احمد منزوی، وحید، دوره یازدهم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲، صص ۳۴۶-۳۴۱.

۱. **مضامین اصلی:** * ادامه بخش نخست مقاله که در شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۲ به چاپ رسیده بود و معرفی آثاری که متأثر از گلستان، ساخته شده‌اند.

۱-۱. "طریق الحقیقه، طریقه الحقیقه [؟] از ناشناس، از سعدی شیرازی دانسته شده است، ولی از او نیست. محمدبشیرحسین، نگارنده فهرست می‌افزاید: باید از سعدی لاهوری باشد" (ص ۳۴۱).

- ۱-۲. " نگارستان بی‌مانند، از ابن‌کمال پاشا، احمد فرزند سلمان، فقیه حنفی ترک، در گذشته در استامبول ۹۴۰ ق. این کتاب را به سال "از دهم صد مانده شصت و یک [شصت و یک سال مانده به آغاز سده دهم] به نام صدراعظم پاشا در هشت باب، در پند و اندرز و داستان‌های واقعی تاریخی که شماره آنها به چهارصد می‌رسد، نگاشته است " (صص ۳۴۲-۳۴۱).
- ۱-۳. " روضة‌العشاق، از خرمی تبریزی از سده دهم. به نام ابوالغازی عبدالعزیز بهادرخان، پادشاه بخارا، به سال ۹۶۴ ق. در یک مقدمه و هشت باب نگاشته است (صص ۳۴۳-۳۴۲).
- ۱-۴. " انیس‌العاقلین، از ملاقاری گیلانی کاشانی، که به سال ۱۰۱۶ ق. " نصاب‌الصیان " فراهی را گزارش کرده ... انیس‌العاقلین که حکایت‌هایی است به نثر و اخلاقی آمیخته به نظم، سروده‌ها از خود اوست و سعدی و دیگران ... در دیباچه نام کتاب و نگارنده و در پایان تاریخ انجام کتاب در سه شنبه ۲۳ محرم ۱۰۰۵ ق. آمده است " (صص ۳۴۵-۳۴۴).
- ۱-۵. " بلبلستان، از محمد فوزی، متخلص به مستاری، درگذشته ۱۱۶۰ ق. به نثر و نظم، در شش جلد و هر یک در هشت آیین. در آن از گلستان سعدی، بهارستان جامی و نگارستان کمال‌پاشا و سنبلستان شیخ شجاع پیروی کرده است " (ص ۳۴۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی کتاب‌های مذکور در بخش مضامین اصلی. ۲-۲. فهرست نسخه‌های خطی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره آثاری است که به تقلید از گلستان پرداخته شده است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. اشاره مربوط به بخش ششم مقاله (تبع در گلستان سعدی - ۶).

تبع در گلستان سعدی (۲) ، احمد منزوی، وحید، دوره یازدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۲، صص ۴۷۰-۴۶۵.

۱. **مضامین اصلی:** * ادامه بخش دوم مقاله که در شماره سوم مجله، خرداد ۱۳۵۲ به چاپ رسیده بود و معرفی آثاری که متأثر از گلستان ساخته شده‌اند.
- ۱-۱. " شکرستان، از منت دهلوی، میرقمرالدین حسینی اورنگ‌آبادی، زاده در شاه‌جهان‌آباد ۱۱۲۳ ق. و درگذشته ۱۱۹۳ یا ۱۲۰۸ ق. او خرقة نقشبندیه را از پدرش پوشیده است " (ص ۴۶۵).
- ۱-۲. " جامع‌الاسرار، از نورعلی‌شاه اصفهانی طبسی تونی، متخلص به دیوانه و نورعلی‌شاه، کشته در موصل ۱۲۱۲ ق. شاگرد معصوم علی‌شاه دکنی. به نثر و نظم، مسجع، درباره عشق و حسن و دیگر سخنان صوفیان، با حکایت‌هایی به روش گلستان " (ص ۴۶۶).
- ۱-۳. " سنبلستان، از محمود میرزا قاجار (۱۲۷۱ - ۱۲۱۴ ق). پسر فتحعلی‌شاه. به نام پدرش، به نثر و نظم، در چهار باب نگاشته است " (ص ۴۶۷).
- ۱-۴. " حجله خیال، از عبدالباقی موسوی اصفهانی، سده سیزدهم. به دستور میرزا رضی منشی تبریزی که وزیر فتحعلی‌شاه، در آذربایجان بوده است و به نام همان فتحعلی‌شاه [نگاشته شده است] " (ص ۴۶۷).
- ۱-۵. " پریشان، از قانچی، میرزا حبیب‌الله فرزند محمدعلی گلشن (۱۲۷۰ - ۱۲۲۲ ق) به نام محمدشاه قاجار، به نثر و نظم، به هنگامی که شاه برای گشودن هرات رفته بود، در سی و یک سالگی در ۲۰ رجب ۱۲۵۲ ق. به انجام رسانده است " (ص ۴۶۸).
- ۱-۶. " حکایات، از صاحب علی‌آبادی، میرزامحمدتقی فرزند محمدزکی مازندرانی، ملقب به صاحب‌دیوان، متخلص به ملالی و سپس صاحب، در گذشته ۱۲۵۶ ق. حکایت‌هایی است به شیوه مقامه و گلستان " (ص ۴۶۹).
- ۱-۷. " گنج شایگان، از ریاض بروجردی و سپس همدانی، میرزا جعفر، از روزگار میرزا تقی‌خان امیرکبیر، که پس از شهادت او در جوانی در همان سال ۱۲۶۸ ق. درگذشته است. سعید نفیسی در معرفی " گنج شایگان " از گفته هدایت یاد کرده، می‌افزاید: گویا مراد هدایت از " مقامات " که به روش بدیع‌الزمان و حمیدی نگاشته، همین " گنج شایگان " باشد که به پیروی " گلستان " است. ولی گمان ایشان درست نیست، چه، نسخه‌ای از " مقامات " او را در مجلس، ش ۴۸۹۰، دیده‌ام که برابر است با گفته هدایت ... تاریخ نگارش دانسته نیست، ولی از اینکه او در جوانی به سال ۱۲۶۸ ق. درگذشته است، تاریخ تقریبی آن پیداست " (صص ۴۷۰-۴۶۹).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی کتاب‌های مذکور در بخش مضامین اصلی. ۲-۲. فهرست نسخه‌های خطی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره آثاری است که به تقلید از گلستان پرداخته شده است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. اشاره مربوط به بخش ششم مقاله (تبع در گلستان سعدی - ۶).

تبع در گلستان سعدی (۴) ، احمد منزوی، وحید، دوره یازدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۲، صص ۵۵۶-۵۵۲.

۱. **مضامین اصلی:** * ادامه بخش سوم مقاله که در شماره چهارم مجله، تیر ۱۳۵۲، به چاپ رسیده بود و معرفی آثاری که متأثر از گلستان ساخته شده‌اند:
- ۱-۱. " گلستان، از شوریده شیرازی، عبدالوهاب فرزند علی‌اشرف، مشهور به مدرس زنده، در ۱۲۷۴ ق ... او جز شوریده شیرازی به نام محمد تقی فرزند عباس، در گذشته ۱۳۴۵ ق. است. نگارنده به سال ۱۳۷۴ ق. " کلیات سعدی " را گزیده به نام " نتایج‌الکلیات " ساخته است. در این گزیده منشأی هست به نثر و نظم، به روش گلستان سعدی " (ص ۵۵۲).
- ۱-۲. " شکرستان، از علی‌محمد منشی، متخلص به حکیم. آقای گلچین معانی درباره او می‌نویسد: از ادبا و سرایندگان روزگار قاجار بوده، ولی تذکره‌نویسان از او یاد نکرده‌اند. او جز علی‌محمد حکیم برادر صفای اصفهانی است. چه او تا پایان زندگی همسرش نگزید و نگارنده ما در یکی از حکایت‌های شکرستان از زن و فرزند و تجدید فراش که کرده است، سخن می‌گوید ... کتاب برای صدر اعظم میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان برنگاشته ... " (ص ۵۵۳).
- ۱-۳. " تضمین گلستان، از غالب دهلوی، میرزا اسدالله فرزند میرزا عبدالله بیگ، از ترکمانان دهلی - ۱۲۸۶-۱۲۱۲ ق. " (ص ۵۵۴).
- ۱-۴. " انجمن دانش، از وقار شیرازی، میرزا احمد فرزند میرزا کوچک وصال (۱۲۹۸-۱۲۳۲ ق.)، در یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه، به سال ۱۲۸۱ ق. نگاشته است " (صص ۵۵۵-۵۵۴).
- ۱-۵. " ریاض‌المحبین، از هدایت طبرستانی، رضاقلی‌خان (۱۲۸۸-۱۲۱۵ ق.) فرزند قلی‌خان، نگارنده "مجمع‌الفصحا " به نثر و نظم و حکایت‌هایی به نام ناصرالدین شاه و صدراعظم او، در یک مقدمه و دو مقاله نگاشته است " (ص ۵۵۵).
- ۱-۶. " نمکدان، از جیحون یزدی، محمد، ملقب به تاج‌الشعرا، زاده در یزد ۱۲۵۰ ق.، در گذشته در کرمان ۱۳۰۲ ق. " (ص ۵۵۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی کتاب‌های مذکور در بخش مضامین اصلی. ۲-۲. فهرست نسخه‌های خطی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره آثاری است که به تقلید از گلستان پرداخته شده است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. اشاره مربوط به بخش ششم مقاله (تبع در گلستان سعدی - ۶).

تبع در گلستان سعدی (۵) ، احمد منزوی، وحید، دوره یازدهم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۲، صص ۷۳۱-۷۲۷.

۱. **مضامین اصلی:** * ادامه بخش چهارم مقاله که در شماره چهارم مجله (مرداد ۱۳۵۲)، به چاپ رسیده بود و معرفی آثاری که متأثر از گلستان ساخته شده‌اند.
- ۱-۱. " نخلستان، از منشی لچمی نرایی، متخلص به شفیق اورنگ آبادی که " بساط الغنایم " را در تاریخ هند به سال ۱۲۱۴ ق. نگاشته است " (ص ۷۵۲).
- ۱-۲. " گلستان، از محمد شریف متخلص به حشمت، به نثر و نظم. در هشت باب، درست به مانند گلستان سعدی. در دیباچه سبب نگارش را می‌نویسد و از " بوستان " خود که به پیروی از بوستان سعدی سروده است، نام می‌برد و کتاب را به نام ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۱۶ ق.) می‌سازد " (صص ۷۲۸-۷۲۷).
- ۱-۳. " خارستان، بهارستان، جان جهان، از علی‌اکبر فراهانی (۱۳۲۹-۱۳۶۹ ق.) فرزند علی، فرزند ابوالقاسم، فرزند عیسی ... سه کتاب به نام‌های بالا از او در دست است و مانا " خارستان " و " بهارستان " مسوده " جان جهان " باشد " (ص ۷۲۸).
- ۱-۴. " ملستان، گلستان، از میرزا ابراهیم نگار تفرشی (۱۳۲۵-۱۳۸۰ ق.) ... این نسخه به نام گلستان است. چنانچه در دیباچه آن آمده است: به اسم سامی " گلستان " موسوم کردم، ولی در نسخه چاپی به نام " ملستان " است " (ص ۷۳۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی کتاب‌های مذکور در بخش مضامین اصلی. ۲-۲. فهرست نسخه‌های خطی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره آثاری است که به تقلید از گلستان پرداخته شده است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. رک. نقد و نظر مربوط به بخش ششم مقاله (تبع در گلستان سعدی - ۶).

تبع در گلستان سعدی (۶) ، احمد منزوی، وحید، دوره یازدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۲، صص ۸۷۰-۸۶۶.

- ۱- **مضامین اصلی:** * ادامه بخش پنجم مقاله که در شماره هفتم مجله، مهر ۱۳۵۲ به چاپ رسیده بود و معرفی آثاری که متأثر از گلستان ساخته شده‌اند.
- ۱-۱. " رضوان، از میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالحسین فرزند عبدالرحیم بردسیری (۱۳۱۴-۱۳۷۰ ق.) در یک مقدمه و چهار موسم و یک خاتمه ... به سال ۱۳۰۴ ق. در سعد آباد عثمانی نگاشته است " (ص ۸۶۶).
- ۱-۲. " خرابات فقیر، از فقیر اصطهباناتی شیرازی، میرزا علی فرزند میرزا محمدباقر واعظ، مشهور به معین‌الشریعه، در یک مقدمه و چهار باب و یک خاتمه، به نثر و نظم نگاشته است. به سال ۱۳۴۲ ق. و ۱۳۴۷ ق. چاپ شده است " (ص ۸۶۷).
- ۱-۳. " خارستان، از ادیب کرمانی، میرزا قاسم فرزند زین‌العابدین، در گذشته ۱۳۴۸ ق. به لهجه کرمانی و بافندگان آن سامان، به نثر و نظم، در یک اصل و دوازده فرع، نگاشته است " (ص ۸۶۷).
- ۱-۴. " چمن آرا، ناشناخته. داستان‌هایی است به نثر و نظم، به روش " گلستان " از روزگار محمدعلی‌شاه و فتحعلی شاه قاجار " (ص ۸۶۸).
- ۱-۵. " التفاصيل، از فریدون توللی، فرزند جلال، زاده در شیراز ۱۲۹۶ خ. بهترین اثر انتقادی به روش گلستان است و شناخته همگان " (ص ۵۹۶).
- ۱-۶. فهرست نام کتاب‌هایی که در بخش‌های ششگانه مقاله معرفی شده است (صص ۵۶۹-۵۷۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی کتاب‌های مذکور در بخش مضامین اصلی. ۲-۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (تمام مقاله درباره آثاری است که به تقلید از گلستان پرداخته شده است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله که در شش بخش و درشش شماره مجله وحید (اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، مهر و آبان ۱۳۵۲) به چاپ رسیده است. نخستین پژوهش گسترده‌ای است که به شناسایی و معرفی آثاری پرداخته که از گلستان پیروی شده‌اند (البته آثاری که از گلستان متأثر بوده ولی به این تأثیرپذیری اشاره نکرده‌اند، معرفی نشده است).
- در این پژوهش ۳۶ اثر بازنشاسی و معرفی شده است. ارزش کار مؤلف در این است که برای این کار علاوه بر مراجعه به فهرست نسخ خطی، به نسخه‌های مورد نظر، (معرفی شده)، نیز مراجعه کرده‌اند در این باره نوشته‌اند: " کار این ناچیز در این گفتار روی نگاشته‌هایی است که چاپ شده و یا نسخه‌هایی خطی آن در دست هست، وگر نه با تورق " کشف‌الظنون " و " الذریعه " پدرم و دیگر جاها، می‌توان به نام بسیاری دیگر از این گونه نگارش‌ها دست یافت ".
- اگر چه شناسایی آثار معرفی شده، در نوع خود بسیار ارزشمند است، اما چنانچه این آثار با بررسی مطالب و مقایسه با گلستان سعدی، کاویده می‌شدند و ارزش ادبی آنها و درجه کامیابی نویسندگان آنها در سنجش با گلستان باز نموده می‌شد، به جنبه علمی نوشته می‌افزود.
- ۴-۲. نشانی برخی از نقل قول‌ها مشخص نشده است، از جمله در بخش ۴ (شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۲، ص ۵۵۳) مأخذ نظر آقای گلچین معانی روشن نیست.
- ۴-۳. برخی از این آثار به گونه‌ای ناقص معرفی شده‌اند؛ از جمله در بخش ۵ (شماره هفتم، مهر ۱۳۵۲، ص ۷۲۷) در مورد " نخلستان " بر خلاف بقیه موارد، هیچ اشاره‌ای به نسخه‌های خطی یا چاپی آن نشده است.
- در بخش ۲ (شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲، ص ۲۴۱) شماره ۱۰ مربوط به " نگارستان بی‌مانند " از قلم افتاده است.

تجلی عرفان در غزل‌های سعدی ، صدرالدین محلاتی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۹۵-۲۸۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تعاریفی از عرفان، تصوف، علم و فلسفه (صص ۲۸۷-۲۸۵).
- ۱-۲. تقسیم اهل سلوک به چهار گروه: " بنابراین برای کسی که گام در راه می‌نهد یا فیضی به او می‌رسد چهار درجه است: ۱. یا مجذوب است... ۲. یا سالک است... ۳. یا مجذوب سالک است... ۴. یا آنکه بعد از آن که مقام سیر و سلوک را طی کرد مجذوب می‌شود " (ص ۳۸۵).
- ۱-۳. توضیح درباره عرفان سعدی و مراحل سلوک او: " شیخ سعدی از کسانی است که سالک مجذوب است، یعنی اول مراحل و سلسله‌ها را طی کرده و سپس مجذوب شده و به مقام پیری رسیده است. " (ص ۳۸۷).
- " شیخ سعدی پس از آنکه تحصیلات متداول آن روز را فرا گرفت، خود را سیراب نیافت ... دست به دامن پیر زد که او را از حصار صومعه بیرون کشند ... اعتراف به خطای خودپرستی خویش کرد ... در حلقه درویشان درآمد و راه پرمشقت ریاضت و خدمت خانقاه را پیشه خود ساخت و چون در این مرحله به حد کمال رسید، دست به دامن پیر زد و به همت او گام به گام مراحل سیر و سلوک را بیمود ...

تا به عالم جذب و فنا رسید و سپس برای ارشاد خلق مأموریت یافت ... وی آن چنان اسرار عاشقی و رموز عشق‌ورزی و نکات زیبایی را در جمله‌های پر سوز و گداز شوق و عشق و اشتیاق وصال در جمال طلعت دوست و مظاهر آن بیان کرده است که منظور حقیقی او نهان گردیده است " (صص ۲۹۰-۳۸۷).

۱-۴. بیان تفاوت سعدی و حافظ در سلوک: " فرق بین سعدی و حافظ همین است که سعدی سالک مجذوب بود ... ولی حافظ از اول مجذوب شده بود و معلوم نیست راه سیر و سلوک را پیش گرفته باشد " (ص ۳۹۱).

۱-۵. بیان چند غزل و ابیاتی از بوستان برای شاهد گفتار (صص ۳۹۵-۳۹۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نشده است) ۲-۲. در این مقاله به منابع و مأخذ دیگر مورد استفاده هیچ گونه اشاره‌ای نشده است.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۳ بار، بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. مقاله از این دیدگاه که تصوف سعدی با استناد به آثار او کاویده شده ارزشمند است، اما طرح سلوک سعدی بر پایه سروده‌های عاشقانه او نیز غریب می‌نماید آیا با استناد به بیت زیر می‌توان به این نتیجه رسید که: سعدی " زنار را از طوق گردن بیفکند و دل خود را به آتش ریاضت بگداخت و صیقلی کرد ... از آن دم سخنش پرتو نور الهی را منعکس ساخت و گفت:

لاجرم خلق جهانند مرید سختم که ریاضت‌کش محراب دو ابروی توام" (ص ۳۸۹)

۴-۲. نشانی مأخذ و منابع مورد استفاده و نیز نشانی آثار سعدی که به آنها استناد جسته شده مشخص نشده است.

۴-۳. نویسنده در ص ۳۸۷ - زیر عنوان " برای کسی که گام در راه می‌نهد یا فیضی به او می‌رسد چهار درجه است " از چهار گروه نام می‌برد (رک. ۱-۲) یا به سخن دیگر این چهار عنوان مربوط به چهار گروه است نه درجات یک شخص معین " که گام در راه می‌نهد" - البته نویسنده خود به این امر آگاه است، اما جمله عنوان این تقسیم بندی، معیوب است (شماره چهار از تقسیم‌بندی‌های چهارگانه نیز افتاده است).

۴-۴. عین مضامین این نوشته قبلاً در مقاله سه قسمتی " مکتب عرفان سعدی " (مجله مهر، سال یازدهم، شماره ۱، ۵ و ۷) و کتاب " مکتب عرفان سعدی " (انتشارات دانشگاه پهلوی، مهر ۱۳۶۴) از طرف نگارنده مقاله مطرح شده است.

تجلیل از بزرگان - به مناسبت گشایش آرامگاه سعدی - [۱] مجید موقر، مجله مهر، سال هشتم، شماره سه، خرداد ۱۳۳۱، صص ۱۲۰-۱۲۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به پیشینه " تجلیل از بزرگان " در سراسر جهان و یادآوری نمونه‌هایی از این‌گونه بزرگداشت‌ها در مصر (صص ۱۳۰-۱۲۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم و پایانی آن در مجله مهر (سال هشتم، شماره ۴، خرداد ۱۳۳۱، صص ۱۹۷-۱۹۳) چاپ شده است. برای اشاره، رک. بخش دوم مقاله.

تجلیل از بزرگان - به مناسبت گشایش آرامگاه سعدی - [۲] ، مجید موقر، مجله مهر، سال هشتم، شماره ۴، تیر ۱۳۳۱، صص ۱۹۷-۱۹۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و یادکرد نمونه‌هایی از بزرگداشت ایرانیان نسبت به بزرگان خود بویژه در ساخت آرامگاه‌ها و سپس به دلیل اقداماتی که برای بزرگداشت سخنورانی چون فردوسی و حافظ و خیام و ابوعلی سینا و ... انجام گرفته است (صص ۱۹۴-۱۹۳) و انتقاد از برنامه بزرگداشت شیخ سعدی: " ... درباره شیخ اجل کوتاهی کردند و این آرامگاهی که پس از هفت قرن انتظار بر تربت بلبل گلستان شیراز برافراشتند و این تشریفات خشکی که در گشایش این آرامگاه بجا آوردند وافی به ادای حق و در خور منزلت رفیع استاد اجل نبود.

چرا نباید در این جشن فرخنده که به یاد خسرو ملک سخن برگزار می‌شود، نمایندگان کلیه طبقاتی که فرمان پادشاهی او را به دیده منت دارند شرکت جسته باشند ... دریغ که هنوز ما ارج مقام و منزلت شاهنشاهی که جهان ادب فراخنای کشورستانی اوسیت، نمی‌دانیم و بیهوده ادعای حق‌شناسی و ادب دوستی می‌کنیم ... این بنای ناچیز و این فضای تنگ به هیچ وجه در خور شأن و مقتضی سعه صدر بلبل گلستان ادب فارسی نیست ... " (صص ۱۹۶-۱۹۵).

۱-۲. بیان چهار پیشنهاد برای آرامگاه سعدی، از جمله، توسعه فضای آن، تأسیس موزه، ایجاد مؤسسه آموزشی و فرهنگی از دبستان تا دانشگاه به نام سعدی و ساخت پرورشگاه برای یتیمان و خردسالان بی‌پناه و ... (صص ۱۹۷-۱۹۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تنها بخش پایانی این نوشته مربوط به مراسم بزرگداشت سعدی است که علاوه بر انتقاد از برنامه‌های مراسم بزرگداشت سعدی چند اقدام فرهنگی نیز پیشنهاد داده شده است. با آنکه نوشته یک نوشته علمی و تحقیقی نیست اما انتقادها و پیشنهادهای مطرح شده، مناسب و درخور توجه است.

تجلیل از سخنگوی شیراز در افغانستان ، مقتدری، آموزش و پرورش، سال ۲۶، شماره اول، دی ۱۳۳۱، صص ۵۳-۴۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح برنامه‌های بزرگداشت سعدی در افغانستان به مناسبت افتتاح آرامگاه شیخ سعدی در شیراز (صص ۵۰-۴۷).

۱-۲. متن پیام وزارت فرهنگ و دانشکده ادبیات وقت افغانستان (صص ۵۳-۵۱). در این متن بر مقام والای سعدی تأکید شده است.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته تنها شرح برنامه‌های یک مجلس بزرگداشت سعدی است که در افغانستان برگزار شده است.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به توضیح " فرزانه " درباره مصراع " شیر ناخورده طفل دایه هنوز " و تأکید بر صحت " دایه " بر اساس نسخ مختلف خطی (صص ۲۸۶-۲۸۵).
- ۱-۲. معرفی يك نسخه خطی از کلیات سعدی متعلق به کتابخانه چستر بیتی: " این نسخه که به نشان ۱۰۹ p تمیز داده می‌شود، مرکب از اوراقی است که به خط پنج کاتب مختلف در ازمنه متفاوت از حدود ۶۹۰ تا ۱۲۵۰ هجری کتابت شده است (ص ۲۸۶). در غزلیات (بدایع و طیبات) و در قصاید به هیچ وجه ترتیب الفبایی بر حسب قوافی اشعار رعایت نشده ... نکته بسیار مهمی که از این نسخه بر بنده معلوم گردید ... اینکه در اولین تحریر گلستان (در ۶۵۶) بعضی از عبارات و فصول و حکایات موجود نبوده است ... " (ص ۲۸۷).
- ۱-۳. اشاره به برخی نسخ خطی دیگر از کلیات سعدی در فرانسه و انگلستان (صص ۲۸۹-۲۸۸).
- ۱-۴. توضیح درباره نسخه‌ای که مأخذ میرزا عبدالعظیم قریب گرکانی در چاپ گلستان بوده (صص ۲۹۱-۲۸۹) و رد ادعای کاتب آن نسخه: " آنچه مسلم است اینکه، این نسخه‌ای که جناب آقای گرکانی دارند و مبنای چاپ خود قرار داده‌اند، نه خط عماد حسنی، معاصر شاه عباس است و نه از روی " نسخه اولیه " خط مصنف کتابت شده بوده است و از هیچ حیث امتیازی ندارد که اساس تحقیق درباره متن گلستان قرار داده شود. مادام که چاپ بهتری از گلستان نشده است، همان چاپ مرحوم فروغی بهترین چاپ‌ها است ... " (ص ۲۹۱).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. یغما، سال یازدهم، شماره ۸، ۲-۲. يك نسخه خطی از کلیات متعلق به کتابخانه چستر بیتی. ۲-۳. نسخه اساس تصحیح گلستان، عبدالعظیم قریب.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۳ بار، قطعات ۲ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. علاوه بر توضیح ابتدای مقاله درباره مصراع " شیر ناخورده طفل دایه هنوز "، بررسی و معرفی نسخه‌های خطی کلیات سعدی، بویژه نسخه کتابخانه چستر بیتی و نسخه اساس تصحیح گرکانی از نظر نسخه‌شناسی سودمند است. رد ادعای کاتب نسخه اساس گرکانی با ارائه دلیل از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این نوشته است.
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷.

تحقیق در آثار سعدی و حافظ و وجوه اختلاف میان آن دو از نقطه نظر " مذهب، جبر و اختیار و عرفان "، اکبر نرابی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره ششم، شماره ۴، اسفند ۱۳۲۳، صص ۴۸۷-۴۷۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقدمه - تأکید بر مقام والای سعدی و حافظ به عنوان دو شاعر جهانی و اشاره به وجوه اشتراک آنان با دکارت و پاسکال (صص ۴۸۰-۴۷۹).
- ۱-۲. بیان شرح حال سعدی و مسافرت‌های او (صص ۴۸۱-۴۸۰).
- ۱-۳. بیان شرح حال حافظ (صص ۴۸۲-۴۸۱).
- ۱-۴. مقایسه سعدی و حافظ و ذکر تفاوت‌های آنها:
- ۱-۴-۱. گفتار سعدی زاینده و محصول " خرد و دانش " اوست ولی غزلیات حافظ ناله‌های عاشقانه و شعله‌های دل وی می‌باشد (صص ۴۸۲-۴۸۳).
- ۱-۴-۲. سعدی مسافرت‌های فراوانی به عالم بیرون داشته ولی مسافرت‌های حافظ به عالم درونی بوده است.
- ۱-۴-۳. سخن سعدی اغلب از تجربه‌های گوناگون و سروده‌های حافظ به جهت یکنواختی زندگی، اغلب راجع به مطالب عرفانی، زیبایی و عشق است.
- ۱-۴-۴. " در میدان پر کشمکش حیات، سعدی فرد را به مبارزه و پایداری و شکیبایی می‌خواند، در حالی که حافظ روح بشر را متوجه عالم بالا می‌نماید و ... " (ص ۴۸۳).
- ۱-۵. اختلاف میان سعدی و حافظ از نظر مذهب:
- ۱-۵-۱. " سعدی و حافظ هر دو به معتقدات مذهب " سنت " معتقد، و از حقایق کلام‌الله مجید به خوبی مطلع بودند (ص ۴۸۴). معینا میان ایشان اختلاف بزرگی از نقطه نظر مذهب حکمفرماست: شیخ سعدی علاوه بر اینکه به مسلمانی خود مباهات می‌کند، برای نشر حقایق اسلامی و تبلیغ احکام و دستورات قرآن کوشیده، حتی به تدریس و تعلیم نیز در این راه پرداخته است ... سعدی فیلسوفی است کاملاً مذهبی... اما حافظ، با اینکه قرآن را حفظ داشته... اختلاف و تمایز ادیان و مذاهب در نظر وی اهمیت خود را از دست می‌دهند (ص ۴۸۵).
- اگر چه سعدی و حافظ، هر دو ظاهر سازی‌ها و ریاکاری‌ها را به باد انتقاد و سرزنش گرفته‌اند، ولی حافظ در این راه بسی جلوتر رفته... (ص ۴۸۶) می‌توان نتیجه گرفت: شیخ سعدی برخلاف خواجه حافظ، معتقد است که تار و پود سعادت و رستگاری بشر در روز جزا با " اعمال حسنه " وی در این جهان بافته می‌شود ... ولی خواجه شیراز، این رند آتش‌افروز ... از " سابقه لطف ازل ناامید نیست " و بدون کوچکترین پروا " سجاده خود را به می رنگین " می‌نماید و دور از قشریت و تعصبات از " می بی‌غش " ... و از " باده عشق " ... سرمست و شیدا می‌شود " (ص ۴۸۷).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی و غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته به برخی از تفاوت‌های سعدی و حافظ اشاره شده است. اما در مورد جبر و اختیار، نظر نویسنده محل تأمل است، نوشته‌اند: " حافظ برعکس سعدی، معتقد به جبر در مسئله " غفران " که بزرگ‌ترین وعده اغلب مذاهب است، می‌باشد " (ص ۴۸۶).
- در صورتی که هر دو شاعر سروده‌هایی دارند در جهت تأیید جبر و سروده‌هایی در جهت تأیید اختیار. و اگرچه در مورد " غفران " حافظ جبری‌تر است اما این دو شاعر را نمی‌توان از این نظر به طور مطلق در برابر هم نهاد.
- ۴-۲. شایسته بود شواهد مثال برای موارد مختلف ادعا، نوشته شود.

تحلیلی از اندیشه و هنر سعدی شیرازی، عبدالعلی دستغیب، نگین، سال سوم، شماره ۱، خرداد ۱۳۲۶، صص ۲۳-۲۰ و ۵۴-۵۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای کوتاه به اوضاع اجتماعی زمان سعدی (ص ۲۰).

۱-۲. توضیح درباره زندگی و شخصیت سعدی؛ از جمله: " سعدی، مردی سفر کرده، همه آفاق دیده، عاشق و ادیبی دانش‌دوست و نیک‌سخن و خوش‌محضر بوده. سعدی که خود صوفی آواره‌ای بود که بسیاری از نقاط آبادان جهان عصر خویش را سیر و سیاحت کرد و از هر خرمی خوشه‌ای اندوخت ... از واعظان دوره‌گرد بود ... به هیچ یار و دیار خاطر نمی‌داد. وی از صوفیان سهروردی (منسوب به شیخ شهاب‌الدین سهروردی ۶۲۲ مرده) بود ... و نیز از "ابوالفرج بن جوزی" (۶۵۶ مرده) دانش‌آموخته و به او و "نجم‌الدین کبری" (۶۱۸ مرده) ارادت‌ی تام داشته است ...

تأثیر سعدی در ادب اروپا نیز مهم بوده است. نوشته‌های او در زمره کتاب‌هایی است که مأخذ کتاب *Gesta Romanouun* به شمار آمده و این کتاب خود منبع بسیاری از افسانه‌ها و تمثیلات ادب غرب است " (ص ۲۱).

۱-۳. یادکرد ویژگی‌های بیان سعدی؛ از جمله: سادگی بیان (ص ۲۱) صنعت‌پردازی، توصیف، ترکیب‌سازی و هماهنگی ترکیب‌ها (ص ۲۲).

۱-۴. ادامه توضیح درباره شخصیت و آثار سعدی: " عشق سرچشمه جویبار شور و زیبایی است که بر اوراق دفترهای سعدی جاری است... سعدی چون عاشقی راستین است، درخاطر خواننده شور و هیجان برمی‌انگیزد ... تمایل به عشق‌بازی با هم جنس Homosexuality در گلستان (باب پنجم) و بوستان (باب سوم و باب هفتم) و بعضی غزلیات سعدی، دیده می‌شود ... بیان عشق در شعر سعدی هماهنگ و متناسب با نظر زیباپرستانه اوست. غالباً از عشق مادی آغاز می‌کند و طرح و تصویری از یک زن زیبا عرضه می‌دارد ... اما چند سطر بعد از گذر همین عشق به سوی عرفانی می‌رود و اشاره‌ای عرفانی را مکرر می‌کند... و گاهی چون صوفیان قشری و زاهدان، عشق‌ورزی را دگر و نفس‌پرستی را دگر می‌داند " (ص ۲۳).

۱-۵. اشاره به اوضاع اجتماعی زمان سعدی و رواج تصوف و خانقاه‌نشینی در آن زمان و توضیح درباره تصوف سعدی: (صص ۲۳، ۵۲).

" سعدی چون صوفیان قشری نیست که انزوا و اعتکاف کامل را می‌پسندند. او نشست و برخاست با دیگران و در جامعه بودن و کوشش کردن را می‌آموزد و اگر گاهی برای کمال نفسانی انسان را به گوشه‌گیری می‌خواند، منظورش این نیست که به طور کلی از جامعه دور شویم و در کوه‌ها به سر بریم ... مراحل سیر و سلوک از نظر سعدی، ده مرحله است. حال آنکه فریدالدین عطار در منطق‌الطیر هفت مرحله را ذکر کرده " (ص ۵۲).

۱-۶. اشاره به عقاید سعدی در برابر مسئله‌های اندیشه زمان: " عقاید سعدی در برابر مسئله‌های اندیشه زمان او بسیار متفاوت و گاه پربشاش است ... سعدی پیروی از دین پدران می‌کند و چون آدم رند سیاستمداری که مقتضای سیاست روز عمل می‌کند، عمل می‌کرد، ... درست است که سعدی از در نصیحت درآمد و امیران و قدرتمندان عصر را نصیحت کرده است ... ولی باید دانست که در عصر سعدی حکمرانان نیز ضعیف شده و قدرت ممدوحین عنصری و فرخی و ظهیر فاریابی را نداشته‌اند و به اضافه سعدی تکیه بر دین و تصوف داشته و منصب و عظ و خطابه داشته و می‌توانسته به حکمران بگوید که تو خود بنده درگاه خدا هستی. سعدی از عرفان دم می‌زند، ولی غالباً از روی اصطلاح، نه از روی تجربه‌های ذاتی و اندیشندگی (ص ۵۲). راه او از راه مولوی و سنایی و عطار دور است ...

سعدی روحیه خاص ایرانی دارد که در اثر شکست‌های پی‌درپی به نوعی تسلیم و طنز کشیده و قلباً به این نظر که " این نیز بگذرد " رسیده. گفته‌هایش سرشار از چاشنی طنز و ضحک است و داری تلخ اندرز را به شهد ظرافت بر آمیخته ... می‌توان گفت سعدی چون زمان خویش، تناقض‌های پرآمنه‌ای در خویش ذخیره کرده و هر لحظه به رنگی درآمده، از این رو به مردمان سرزمین خویش و به زمان خویش شباهت کامل یافته است " (ص ۵۴).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، چاپ علمی، ۱۳۳۳. ۲-۲. سبک‌شناسی، ملک‌الشعراي بهار، ۱۳۳۷.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۳۸ بار، غزلیات ۱۳ بار، بوستان ۷ بار، قصاید ۴ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. در این نوشته اوضاع اجتماعی زمان سعدی، سفرهای او و شخصیت اجتماعی - ادبی شیخ بر اساس آثارش بازشناسی شده است که هر چند برای شناسایی سعدی در سطح عمومی خالی از فایده نیست، اما در مسیر سعدی‌شناسی سخن تازه‌ای در این نوشتار عنوان نشده است و برخی از مطالب این مقاله با مطالبی که در مقاله " سعدی و تصوف " از نگارنده (پیام نوین، شماره ۸ - مسلسل ۹۲ - بهمن ۱۳۴۵، صص ۳۰-۳۲) آمده، مشترک است. و از مطالب قابل تأمل که بدون سند قابل استنادی بر آن پافشاری شده، دو عبارت زیر در دو مقاله مذکور است: " سعدی از صوفیان نقش‌بندی بود و از مجلس شیخ شهاب‌الدین سهروردی درک فیض کرد. سعدی این مرد را پیر خود دانسته ... سعدی به او و نجم‌الدین کبری که از قطب‌های بزرگ اهل خرقة و صوف در همه زمان‌هاست ارادت‌ی تام داشته ... " (سعدی و تصوف، ص ۲۳) " وی از صوفیان سهروردی بود و از مجلس " شهاب‌الدین سهروردی " درک فیض کرد. این مرد " پیر " سعدی بوده و سعدی او را در بوستان " پیردانا " نامیده است. و نیز از " ابوالفرج بن جوزی " دانش‌آموخته و به او و " نجم‌الدین کبری " (از قطب‌های بزرگ اهل خرقة و صوف) ارادت‌ی تام داشته است " (مقاله حاضر، ص ۲۱).

بدیع‌الزمان فروزانفر، پس از برشمردن برخی از تأثیرپذیری‌های سعدی از سهروردی می‌نویسد: " بی‌هیچ شبهت شیخ سعدی به معنی مصطلح، مرید شهاب‌الدین نبوده است و دلیل ما آن است که نظر شیخ سعدی در قسمتی از مبانی اخلاق و روش زندگی با عقاید سهروردی مخالف است ... " (سعدی و سهروردی، سعدی‌نامه، حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، ص ۸۸).

۲-۴. با آنکه نویسندگان تلاش کرده است نشانی مأخذ خود را در پایان مقاله معرفی کند، برخی از این موارد از قلم افتاده است، از جمله عبارتی که در ص ۵۲، س ۲۲-۲۱ (اینکه سعدی ذاتاً صوفی باشد ...) آمده است. و نشانی کامل نمونه‌های شاهد نیز مشخص نشده است.

تذکری به گستاخی آمیخته ، سید محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل‌ودوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره ۲، خرداد، ۱۳۵۲، صص ۱۵۳-۱۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به تذکر و توضیح پیمان یغمایی درباره بیت:

" که سعدی راه‌ورسم عشق‌بازی چنان داند که در بغداد تازی "

و پاسخ به او: " حالا خودمانیم و سومه بر ابروی کور مالیدن لطفی ندارد و اصلاح پیشنهادی ایشان [چنان داند که بغدادی و تازی] هم زیاد قابل قبول و دلپذیر به نظر نمی‌آید. مگر آنکه بتوانیم لااقل کلمه " فارسی " را به جای بغدادی " بگذاریم، که وزن هم چنین کاری را اجازه نمی‌دهد ... " (ص ۱۴۶).

۱-۲. نقل حکایتی از زبان " یار دیرینه " نگارنده که چون متوجه اشتغال نگارنده به بیت بالا از سعدی می‌شود، شیخ را به خواب می‌بیند که به او می‌گوید " ... شعری گفتم ولی نمی‌دانم در کجا و در چه حال و در چه وضع و روزگاری گفته‌ام، در صحرائ خشک عربستان، که مار پوست می‌اندازد و در آن باد گرم بغداد که جهنم را به یاد می‌آورد و آن آب گل‌آلود دجله و آن مردم سرو پا برهنه و زبان‌ندان از این بهتر نمی‌توان ساخت ... خودم متوجه ضعف کارم در آن مصرع صرع‌آمیز بودم ... " (صص ۱۵۱-۱۵۰).

۱-۳. نقل نظر دکتر علی‌اصغر حلبی درباره بیت یاد شده و پذیرش بخشی از آن نظر و رد بخشی دیگر از آن (ص ۱۵۱).

۱-۴. اشاره به سستی اندکی از سروده‌های سعدی: " من معتقدم که " کلیات سعدی، متضمن چند هزار بیت است و می‌توان ادعا کرد که لافل هشتاد درصد آن ابیات خوب و نغز و استوار و شیوا و دلغریب است، ولی آیا اگر کسی بگوید که در میان آن همه ابیات خوب و ممتاز و عالی تعداد بسیار بسیار قلیلی هم ممکن است ابیات سست و ضعیف باشد، آیا آن کس را واجب‌القتل باید دانست ... " (ص ۱۵۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۳ بار، گلستان ۳ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. سخن اصلی نگارنده، در این مقاله این است که بیت یاد شده بی‌تی سست است اما به دلیل سستی نمی‌توان آن را از سعدی ندانست. داستان خواب " یار دیرینه " نیز از شگردهای قلم توانایی جمالزاده است که به شیوایی ساخته و پرداخته شده و او را در مقصود خویش یاری داده است. اما آنچه از زبان سعدی در خواب، به " یار دیرینه " الهام شده، اعتبار آن در حد همان خواب است. آقای پیمان یغمایی به گونه‌ای گسترده به این نوشته محمدعلی جمالزاده پاسخ گفته‌اند که برای پرهیز از درازی سخن تنها به نشانی آن مقاله بسنده می‌شود، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنج، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۸۲-۲۷۶ - مقاله " نه بر حق‌گویی را گستاخ نامند ... ".

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. نه بر حق‌گویی را گستاخ نامند - به حق در ذکر حق گستاخ سعدی است، پیمان یغمایی، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنج، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۸۲-۲۷۶.

تربیت از نظر سعدی، دکتر علی شریعتمداری، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۲۳-۲۲۱.

چاپ‌های دیگر: ۱. روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. " آثار سعدی چه منظوم و چه منثور همه در برگزیده اندیشه‌های تربیتی این مربی بزرگ است. در بحث اخلاق تنها به موعظه نمی‌پردازد، بلکه تلاش او در این است که مفاهیم اخلاقی را روشن سازد " (ص ۳۲۳).

۱-۲. " سعدی در اشعار خود روی پرورش و نقش عقل تأکید می‌کند. " (ص ۳۲۶). " مفاهیمی چون همبستگی افراد آدمی و تعهد آنها در برابر یکدیگر، تأثیر محیط در رفتار انسان (ص ۳۲۷)، تأثیر وراثت، توجه به اختلافات فردی، لزوم تنبیه و پاداش در تعلیم، هماهنگی علم و عمل، توجه به بعد معنوی شخصیت آدمی و اندیشه‌های بلند عرفانی در اشعار سعدی فراوان است. " (ص ۳۲۳-۳۲۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۵ بار، بوستان ۲ بار، غزلیات ۲ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. سخن تازه‌ای در مقاله عنوان نشده است.

۴-۲. نشانی منابع و مثال‌ها ذکر نشده است و منابعی که در فهرست پایان مقاله آمده، نمودی در اصل مقاله ندارند، مثلاً علاوه بر کلیات سعدی از شرح بوستان خزائلی و گلستان خطیب رهبر (بدون مشخص کردن محل استفاده) نام برده شده و با توجه به اینکه در مقاله از ابیات شاهد تفسیر ویژه‌ای نشده، ذکر این مأخذ به گونه کلی سودی در بهبود مقاله ندارند - علاوه بر این، نویسنده نام سه کتاب از کتاب‌های خود را نیز تنها در فهرست مأخذ آورده‌اند، که مورد استفاده خود را روشن ن ساخته‌اند.

تربیت در سایه سعدی، ابوالحسن فروغی، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶،

صص ۹۷-۹۱.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۷۱۳-۷۰۷. ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۹۹-۹۲. ۳. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، ۱۳۶۳، صص ۲۰۰-۲۹۸ (بخشی از آن مقاله است).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش شخصیت و آثار سعدی، از جمله: " سخن از سعدی است یعنی از آن خداوندگار سخن که برتر ستایش او بردن نام اوست و خاموش ماندن از گفتگو (ص ۹۱) گفتگو از آن رازدار حقایق است که اگر در صدف صورت دین منظر ظاهر سخنش تنگی نماید، چون قدم در عالم عشق گذارد، به آن گوهر عرفان رسد که از لطف در دیده جان نیز به آسانی در نیاید و از بزرگی در صدف کون و مکان ننگد ... " (ص ۹۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نشده است)

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۵ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله تنها یک انشای ادیبانه است و هیچ نکته پژوهشی و تازه‌ای در بر ندارد و محتوای مقاله نیز با عنوان آن (تربیت در سایه سعدی) ارتباطی ندارد. نویسنده در پایان مقاله با تضمین ابیاتی از سعدی قصیده‌ای را با ۶۳ بیت پرداخته است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۳۸، صص ۹۹-۹۲. ۵-۲. متن کامل دیوان شیخ سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۵-۵. ۵-۳. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۲۵-۴. ۵-۴. گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۳۵.

ترجمه بوستان (به ترکی از م. سیدزاده)، حسین محمدزاده صدیق، راهنمای کتاب، سال پانزدهم، خرداد و تیر ۱۳۵۱، صص ۲۸۷-۲۸۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی و نقد نخستین ترجمه بوستان به زبان ترکی آذری که با نام " میزان‌العدالت " به وسیله میرعبدالوهاب حاجی میرآغاززاده متخلص به " سید زرگر " انجام گرفته است (ص ۲۸۱).

۱-۲. معرفی و بررسی ترجمه بوستان به زبان ترکی که به وسیله م. سیدزاده در سال ۱۹۵۸ و برای بار دوم با افزودن ترجمه گزیده‌ای از آثار سعدی در ۱۹۶۴ در باکو چاپ شده است: " به عقیده منتقدان و صاحب‌نظران از بهترین ترجمه‌های بوستان و از زیباترین و روان‌ترین آنهاست ... " (ص ۲۸۱).

۱-۳. گزینش نمونه‌هایی از ترجمه منظوم "م. سیدزاده" و مقابله و مقایسه بخشی از این ترجمه با ترجمه "سید زرگر": " هر دو مترجم ... در ترجمه، بخش‌هایی از بوستان را حذف کرده‌اند و بسیاری داستان‌ها و روایات در هر دو ترجمه مشترک است، و گاهی طرز بیان و شکل ترکیبات و الفاظ و جملات یکی است، لکن ترجمه سید زرگر چه بسا که برای رفع تکلیف و به اصطلاح زورکی و بی‌بو و بی‌خاصیت جلوه‌گر می‌شود و در مقابل ترجمه دومی به صورت اثری ارزنده می‌درخشد" (ص ۲۸۳).

۱-۴. بررسی و نقد ترجمه غزل‌ها، رباعی‌ها، قطعه‌ها و قصیده‌ها: " در ترجمه غزل‌ها کوشش شده که وزن و قافیه متن و اصالت سبک و بیان نگه داشته شود ... در این مورد اثرات ناتوانی در ترجمه رباعی‌ها و قطعه‌ها مشهود است. مترجم در این قسمت نه اینکه از وزن اصلی عدول می‌کند و رباعی‌ها را در اوزان هجایی می‌گنجاند، بلکه مضمون آنها را نیز تسلیم قافیه‌پردازی می‌کند و حس عمیق مسؤولیتی که در ترجمه بوستان به چشم می‌خورد، در این قسمت بخصوص می‌میرد" (ص ۲۸۵).

۱-۵. بررسی و نقد بخش‌های پایانی کتاب که شامل فهرست‌های مختلف است و نیز مقدمه کتاب که به قلم "اکرم‌جفر" نگاشته شده است و بازنمود برخی از اشکالاتی که در این بخش‌ها راه یافته است (صص ۲۸۷-۲۸۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان، ترجمه م. سیدزاده، با مقدمه و حواشی اکرم‌جفر، ۱۹۶۴. ۲-۲. بوستان، ترجمه میرعبدالوهاب حاج میرآغازده متخلص به سید زرگر، ۱۹۱۲.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۵ بار، گلستان ۱ بار، رباعیات ۱ بار، (تمام متن درباره بوستان است).

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته معرفی و نقد یک کتاب است که نگارنده با تیزبینی و رعایت انصاف ویژگی‌های مثبت و منفی کتاب را با ارائه نمونه‌هایی بازنموده است. مقابله و مقایسه دو ترجمه ترکی از بوستان، تحلیل واژگانی و موسیقایی این ترجمه‌ها با یادکرد نمونه‌ها و پرهیز از کلی‌گویی و رعایت ایجاز بایسته، از ویژگی‌های این نوشته است.

ترجیع‌بندهای سعدی و خواجوی کرمانی و انتقاد از روش سعدی در آن، دکتر محمود افشار، آینده، دوره چهارم، شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۴۰۸-۴۰۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ترجیع‌بندهایی از خاقانی، جمال‌الدین عبدالرزاق، خواجو و سعدی که هم وزن (بر وزن مفعول مفاعیلن فاعولن) سروده شده‌اند و نقل سخنی از قلمرو سعدی، (علی دشتی) در وصف ترجیع‌بند سعدی (ص ۴۰۶).

۱-۲. انتقاد از ترجیع‌بند سعدی که: "شاعر بهتر است یک موضوع معین یا اقلاً مرتبی را پیروی کند ... سعدی این کار را نکرده است. بندهای مختلف ترجیع‌بند او مشوش است. این پراکندگی اندازه‌ای است که حتی برای خواننده گاهی این اندیشه پیش می‌آید که آیا شاعر این ترجیع‌بند را در وصف زیبایی مرد سروده و یا زن ..." (ص ۴۰۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ترجیع‌بند سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ترجیع‌بند ۱۰ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. عنوان این نوشته با متن نوشته سازگاری کامل ندارد اولاً تنها درباره یکی از ترجیع‌بندهای سعدی صحبت شده است و باید به جای "ترجیع‌بندها"، "ترجیع‌بند" (بدون های جمع) به کار می‌رفت و ثانیاً هیچ بحث و توضیحی درباره ترجیع‌بند خواجو به میان نیامده است و همان‌گونه که به ترجیع‌بندهای خاقانی و جمال‌الدین عبدالرزاق اشاره شده به ترجیع‌بند خواجو نیز تنها اشاره‌ای شده است (با نقل یکی از بندهای ترجیع)، ولی عنوان مقاله موهم سنجش این ترجیع‌بندهاست.

۴-۲. نویسنده از ترجیع‌بند سعدی به جهت اینکه "بندهای مختلف ترجیع‌بند او مشوش است" (ص ۴۰۷) انتقاد کرده و برای استتشاف سخن خود تنها به این مورد سست، اشاره کرده است که: "آیا شاعر این ترجیع‌بند را در وصف زیبایی مرد سروده یا زن" [! در حالی که ترجیع‌بند مورد نظر از لحاظ یکدستی و وحدت موضوع یکی از هماهنگ‌ترین سروده‌های بلند سعدی است - به جهت بلندی این سروده از نقل آن معذوریم - تمام ابیات این ترجیع‌بند بدون استثنا در موضوع عشق و وصف معشوق سروده شده است و شیخ در این ترجیع‌بند بلند با "التفات"های ظریفی تأثیر سخن خود را به زیبایی صد چندان کرده است.

- با احترام فراوان به دست‌آوردهای ارزشمند پژوهشی نویسنده مقاله در تحقیقات ادبی باید گفت: انتقادهای ایشان در این مقاله به‌گونه‌ای است که خواننده گمان می‌کند او با سوابق شعر فارسی و زبان سعدی بیگانه بوده، از جمله در انتقاد از ترجیع‌بند سعدی می‌نویسد: "به چند شعر مخالف و مختلف آن اشاره می‌کنیم: یا چهره بیوش یا بسوزان بر روی چو آتشت سپندی که محققاً چهره پوشیدن کار زن بوده است" (ص ۴۰۷). آیا واقعاً این چهره پوشیدن یعنی مقنعه زنانه به سر کردن؟! و می‌افزاید: "ولی این سه شعر دیگر پنداری در وصف مرد است:

آن برگ گل است یا بناگوش یا سبزه به گرد چشمه نوش

من ماه ندیده‌ام کله‌دار من سرو ندیده‌ام قبا پوش

نازک بدنی که می‌نگنجد در زیر قبا چو غنچه در پوست."

هر چند وصف جمال پسران نوحه در شعر فارسی و سخنان دیگر سعدی سابقه دارد، اما در این سه بیت کدام واژه یا مضمون می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه معشوق شاعر مرد بوده است؟! - نویسنده در ادامه نظرات جالب [!] خود می‌افزاید: "همچنین تعریف از ساق پای زنان می‌کنند نه مردان که زیبایی ندارد، چنان که در این شعر فرماید:

بس دیده که شد در انتظارت دریا و نمی‌رسد به ساق"

(ص ۴۰۸)

و بالاخره آخرین اظهار نظر غریب نویسنده چنین است که: "در بند آخر آنجا که گوید:

شد موسم سبزه و تماشا برخیز و بیا به سوی صحرا

ظاهراً نظر به رفیق مردانه داشته، چه با توجه به وضع آن زمان بعید به نظر می‌آید به معشوقه‌ای خطاب شود: برخیز و بیا به سوی صحرا".

با توجه به اینکه نویسنده در این نوشته کوتاه، دو بار از شعر خود در مقایسه با سروده سعدی تعریف می‌کند، از جمله: "ترجیع‌بند شاعر بهتر است یک موضوع معین یا اقلاً مرتبی را پیروی کند ... من نیز در ترجیع‌بند خود چنین کرده‌ام ... سعدی این کار را نکرده است. بندهای مختلف ترجیع‌بند او مشوش است ..." (ص ۴۰۷). این سؤال پیش می‌آید که: آیا چگونه شاعر محقق بعد از مطالعه فراوان شعر کهن فارسی و مشاهده فراوان مضامین این سروده‌ها درباره مصرع "برخیز و بیا به سوی صحرا" صدور چنین حکمی را روا می‌دارد؟!.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب " گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی" و تأکید بر اهمیت این کتاب، با نقل عباراتی از مقدمه کتاب و جملاتی از مقاله " این گلستان همیشه خوش باشد" (از دکتر محمدجعفر یاحقی).
۱-۲. اشاره به ویژگی‌های کتاب یاد شده، از جمله: " سنجیدن همه نسخه‌ها در هر مورد و تصحیح متن بر پایه نسخه اساس و در عین حال اجتهاد ادبی و داوری بین ضبط نسخه‌ها و کاستی‌ها و یا لغزش‌های نسخه اساس را رفع کردن و در هر مورد دلیل خود را به اختصار در شرح نسخه بدله‌ها آوردن، از ویژگی‌های تصحیح جدید گلستان است. خلاصه آنکه خواننده متنی پیراسته و روشن و درست و دقیق از کتاب را پیش رو دارد، بی‌آنکه گرفتار حواشی نالازم باشد ... " (ص ۱۵۹).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸، ۲-۲. این گلستان همیشه خوش باشد، دکتر محمدجعفر یاحقی، نشر دانش، آذر و دی ۱۳۶۸.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد (همه مقاله معرفی کتاب گلستان سعدی به تصحیح و توضیح دکتر یوسفی است).

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوتاه تنها معرفی کتاب مورد نظر است، با پافشاری بر جنبه‌های سودمند آن کتاب. چنانچه این نوشته با نقد و بررسی و تحلیل نمونه‌ها همراه می‌شد، ارزش علمی می‌یافت. گفتنی است که چندین مقاله انتقادی، با بررسی و بازنمود نقاط ضعف و قوت کتاب مذکور به چاپ رسیده است و یکی از آنها مقاله " سیری در گلستان" از دکتر جواد شریعت است که نزدیک به صدینجاه مورد از توضیحات دکتر یوسفی را نقد و بررسی کرده است (رک. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌وسوم، شماره سوم و چهارم، پای یز و زمستان ۱۳۶۹، صص ۴۱۵-۳۹۱).

تصوف در نظر سعدی، بدیع‌الله دبیری نژاد، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۱۹۲-۱۷۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل نظر ابن‌الغوطی، امرسون و برخی دیگر از مستشرقین درباره سعدی (صص ۱۷۹-۱۷۷).
۱-۲. تأکید بر شهرت عالم‌گیر سعدی، با بیان اظهار ارادت شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی، مجدالدین بن همگر یزدی، همام تبریزی، و صاف و... (صص ۱۷۹-۱۸۰).
"در میان نوشته‌های بزرگان و ادبا و فضلا کمتر کسی دیده می‌شود که مانند سعدی اصول تصوف و عرفان را به زبان شیرین و ساده و محققانه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار داده باشد ... امتیازات اشعار سعدی به خصوص غزلیات شیخ بر قدما آن است که تصوف و عشق حقیقی را در پیرایه عشق مجازی ادا می‌کند." (صص ۱۸۱-۱۸۰).
۱-۳. نقل مطالبی از قول مجله " معلم " و مجله " تعلیم و تربیت" درباره سعدی: " از مطالعه بوستان و بعضی حکایات گلستان، می‌توان استنتاج و استدلال نمود که سعدی عقیده به تصوف داشته و مشرب عرفان را پسندیده و استادانی که در معارف و عرفان می‌شمارد از بزرگان صوفیه می‌باشند، مانند شیخ شهاب‌الدین سهروردی، بایزید بسطامی، عبدالقادر گیلانی و شیخ کرخی، لیکن در حقیقت سعدی را نمی‌توان یک صوفی مطلق یا مقید دانست." (ص ۱۸۲).
" تعالیم عرفانی تا آنجایی مورد پسند سعدی است، که برای تعدیل اخلاق اجتماعی نافع واقع شود ... (ص ۱۸۲). تصوف با آن که آزاد بوده و در هر قوم و اجتماعی در لباس سیاست یا دیانت رنگ‌های گوناگون به خود گرفته و به صور مختلفه در آمده، ولی پیدایش آن بر خلاف گمان بعضی در قرون وسطی نیست و سرچشمه آن را می‌توان در تاریخ‌های باستانی پیدا کرد." (صص ۱۸۴-۱۸۳).
۱-۴. بیان چگونگی تصوف سعدی: " سعدی به تصوف مایل و با حفظ آداب شریعت، سالک مراحل طریقت و در جست و جوی حقیقت بود و ... " (ص ۱۸۶).

" سعدی عزلت و کناره‌گیری از اجتماع را مردود شناخته و معاشرت را برای تهذیب عقول امری ضروری دانسته و عبادت مطلق و تعصبات خشک را مذموم دانسته ... منظور از خلقت و پیدایش کاینات را ترقی و تکامل دانسته است. او از اشخاصی است که با وجود ادراک انواع عشق که حکمای جدید شرح داده‌اند، مانند عشق طبیعی و عشق کنجاوی و عشق جنونی و عشق حبی، هیچ یک را غایت و هدف طلب خود ندانسته است.

تصوف در نظر سعدی صفای باطن و جمعیت خاطر و پاکی اخلاق است. نیوغ سعدی را در تصوف، می‌توان از لابه‌لای آثار شعری و اندیشه تابناک او جست و جو کرد." (صص ۱۹۰-۱۸۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مجمع‌الفصحاء، رضا قلی هدایت، چاپ تهران ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۴. ۲-۲. سعدی‌نامه یا بوستان، با مقدمه، محیط طباطبائی، تهران ۱۳۲۷. ۲-۳. سخن سعدی، قاسم توپسرکانی، تهران ۱۳۱۸. ۲-۴. ریحانه الادب فی تراجم‌المعروفین بالکنیه اولاللقب، شیخ محمدعلی مدرس، چاپ تهران ۱۳۶۸. ۲-۵. تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، دکتر ذبیح‌الله صفا، چاپ تهران ۱۳۳۴. ۲-۶. تاریخ ادبیات ایران - دکتر رضازاده شفق، چاپ تهران ۱۳۳۴. ۲-۷. سعدی‌نامه، حبیب یغمایی، ۱۳۱۶. ۲-۸. مکتب سعدی، کشاورز صدر، تهران ۱۳۲۸. ۲-۹. قلمرو سعدی، علی دشتی، تهران ۱۳۲۸.
۲-۱۰.

CH.DEFREMERY: GULESTAN partrerre de Roses par Sa'di. Paris

۲-۱۱

HENRI Masse-Essai sur Le Poete Sa'di, Paris ۱۹۱۹-۱۰۱ La Paris P. ۱۵۷

۲-۱۲

GEORGES FRILLEY-La perse litterailire, Paris P. ۱۵۷

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۰ بار، بوستان ۶ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بجز اشاره‌های آغاز مقاله، سخن تازه‌ای در این نوشته عنوان نشده است. می‌توان گفت این مقاله چکیده گفتار محمد جناب‌زاده است که تحت عنوان " تصوف در نظر سعدی " در بخش چهارم کتاب "تعلیم و تربیت در نظر سعدی" (سال ۱۳۲۸) و تعلیم و تربیت (شماره ۱۱ و ۱۲) چاپ شده است. نویسنده اگرچه در پانویس صفحه ۱۹۲ به منابع مورد استفاده خود اشاره کرده، اما اشکال در این است که محدوده نقل‌قول‌ها را به روشنی ننموده است.

۴-۲. نشانی هیچ کدام از شواهد مثال ذکر نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۳۸. ۵-۲. مآخذ اندیشه‌های سعدی ...، محمد غفرانی‌جهرمی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ۱۳۶۴، ص ۹۶. ۵-۳. تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، محمدکریم آزادی، راهگشا، ۱۳۷۳، صص ۱۹، ۵۶.

تصویری از شیخ سعدی (کار آقا رضا، نقاش معروف عهد صفوی)، عباس اقبال، مهر، سال هشتم، شماره ۸، آبان ۱۳۳۱، صص ۶۱۳-۶۱۰.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی، انتشارات خیام، ۱۳۵۰، صص ۶۱۷-۶۱۴ (با نام "کار آقا رضا، نقاش معروف عهد صفوی").

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به سفری که نگارنده مقاله به شهر وین پایتخت اطریش داشته و توضیح درباره مرقعی که "مشمول است بر چندین صفحه از خطوط بسیار زیبای خوشنویسان عهد صفوی و چند صفحه نقاشی رنگین و از آن جمله يك عده از آنها کار آقارضا کاشانی نقاش معروف عهد شاه عباس کبیر و شاه صفی است ... در میان صوری که به قلم ساحرانه آقارضا نقش شده صورت رنگین بسیار جالبی است از شیخ سعدی که نشسته به مطالعه کتابی اشتغال دارد ... " (ص ۶۱۰).

۱-۲. تأکید بر ارزش تصویر مذکور در بالا. "صورتی که اینک به طبع می‌رسد به عقیده نگارنده از کلیه صوری که تاکنون به خیال از سعدی ساخته شده دو امتیاز مسلم دارد: یکی اینکه بیش از سی‌صد سال به زمان شیخ نزدیک‌تر است، ... و هیچ بعید نیست که آقارضا نقاش هم آن را از روی صورتی قدیم‌تر برداشته باشد ... دیگر آنکه این صورت که بسیار جذاب و باحالت است، کار یکی از استادان مسلم نقاشی عهد صفوی است و یادگار نفیسی است که از آن هنرمند ظرافت‌کار به جا مانده است" (ص ۶۱۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مرقعی مشتمل بر چند صفحه خوشنویسی و چند تصویر در کتابخانه ملی شهر وین در اطریش. ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تازگی موضوع و دلایلی که در بخش مضامین اصلی (۱-۳) نوشته شد، ارزش این نوشته را نشان می‌دهد، بویژه اینکه همراه با نوشته، تصویر مذکور نیز در يك صفحه از مجله به چاپ رسیده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تصویر سعدی و توضیح اداره باستان‌شناسی، مجله مهر، سال ۸، شماره ۱۰، دی ۱۳۳۱، ص ۶۱۷.

تصویر سعدی و توضیح اداره باستان‌شناسی، مهر، سال ۸، شماره ۱۰، دی ۱۳۳۱، ص ۶۱۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مقاله "تصویری از شیخ سعدی" نگاشته عباس اقبال و اعتراض اداره باستان‌شناسی در خصوص دعوت از اقبال برای اظهار نظر در مورد نقاشی سعدی و توضیح کوتاهی درباره مأخذ تصویری که مجسمه سعدی از روی آن تصویر ساخته شده است: "مأخذ تصویری که آقای ابوالحسن صدیقی ترسیم و آن را ملاک عمل جهت تهیه مجسمه مورد سفارش انجمن آثار ملی ایران قرار داده‌اند، از روی تصویری است که در سال ۱۶۰۰ م. ۹۸۷/ق. یعنی تقریباً ۷۰ سال قبل از فوت استاد آقا رضا کاشانی پرداخته شده است..."

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله "تصویری از شیخ سعدی، عباس اقبال، مهر و آبان ۱۳۳۱"

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد. ۴. **اشاره:** ۴-۱. مطلب در خور توجهی که در این نوشته کوتاه مطرح شده، معرفی مأخذ تصویری است که آقای صدیقی مجسمه زیبایی سعدی را از روی آن ساخته و پرداخته‌اند.

تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، ؟، پیوند، شماره ۱۱۹، تیر، مرداد و شهریور ۱۳۶۸، صص ۷-۴ و ۱۱۶-۱۱۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره کوتاه به زندگی و آثار سعدی (ص ۴). ۱-۲. تأکید بر ارزش‌های ادبی، تربیتی و اخلاقی آثار سعدی (ص ۵). ۱-۳. توضیح درباره دیدگاه‌های سعدی در مورد تعلیم و تربیت؛ از جمله: "به عقیده سعدی در نهاد آدمی خیر و شر توأم است و انسان باید به وسیله عقل و خرد بر نیروی اهریمنی چیره شود... سعدی معتقد به وراثت است... بنابراین نیروی پرورش محدود است کسی را که فطرتاً شایسته است، تربیت مؤثر و سودمند افتد و کسی را که طبعاً مستعد نیست، تربیت بی‌اثر است (ص ۵). از کودکی به تهذیب اخلاق و تربیت طفل باید پرداخت ورنه کسی را که در کودکی تأدیب نکنند، در بزرگی تربیت او دشوار است... تنها کوشش و علم و کاردانی برای کامیابی و سعادت‌مندی کافی نیست، بلکه خواست خداوند، اتفاق و بخت نیز در این کار مؤثر است." (ص ۶).

۱-۴. توضیح درباره عقاید سعدی در باب آموزش و پرورش با استناد به سروده‌ها و سخنان سعدی (صص ۷، ۱۱۶ و ۱۱۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان و گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** گلستان ۲۳ بار، بوستان ۱۵ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. پیش از این نوشته، در مقاله‌ها و کتاب‌های مختلف، دیدگاه‌های سعدی در مورد مسائل تعلیم و تربیت بررسی شده است و با آنکه این نوشته برای خوانندگان عمومی مجله خالی از فایده نیست، اما سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است و نشانی نمونه‌های شاهد هم مشخص نشده است.

تعمیم صنعت طباق یا استفاده از عکس و نقض و عدم تقارن در شعر سعدی، عبدالکریم سروش، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۶۵-۲۵۷. چاپ‌های دیگر: ۱. روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۲، صص ۱۲ و ۱۸ (با عنوان "پارادوکس، عکس، نقض و عدم تقارن در شعر سعدی")

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اگر حافظ خداوند ایهام و مراعات‌النظیر است، سعدی را باید استاد صنعت طباق دانست. او از طباق ساده بهره بسیار جسته است، اما استادی او بیشتر در پارادوکس‌گویی و در عنایت به نسبت‌های نامتقارن و معکوس کردن قضایای مقبول عندالعرف است. " (صص ۲۶۰-۲۵۹).

۱-۲. ذکر نه مثال برای "نمونه‌هایی از پارادوکس‌های نظری"، ده مثال برای "پارادوکس‌های عملی" ده مثال برای "نسبت‌های نامتقارن" پانزده مثال برای "موارد عکس کردن مدعا یا موضوع قبل و یا خلاف عادت و تعجب‌آور" و شانزده مثال برای "موارد طباق ساده" (صص ۲۶۵-۲۶۰).

۱-۳. نتیجه‌گیری از مثال‌های بیان شده: " اگر حافظ، با میناگری‌ها و گوهر تراشی‌ها و مضمون‌پردازی‌هایش، خود نمونه‌ای اعجاب‌آور است، سعدی علاوه بر اینکه در این وصف با حافظ مشابه است، به نظر می‌رسد که از مکانیزم تولد تعجب در ذهن آگاهی داشته و آشکارا و فراوان، این صنعت را به کار می‌گرفته است." (ص ۳۶۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۵۹ بار، قصاید ۱ بار، بوستان ۱ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ویژگی این پژوهش در تازگی موضوع آن است. بررسی آمیزش ناسازها (پارادوکس) به عنوان یکی از عوامل رستاخیز کلام و دسته‌بندی کردن آنها - اگر چه در این مقاله بسیار اندک و ناقص انجام گرفته است - به عنوان یک نگاه جدید به این آرایش ادبی در اشعار سعدی، ارزشمند است. برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب باید بجز غزلیات، آثار دیگر سعدی نیز با دقت به گونه‌ای آماری کاویده و از نظر زیباشناسی تحلیل و بررسی شود.

۴-۲. نداشتن نشانی ابیات اشکال دیگر این مقاله است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی ... ، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶. ۵-۲. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶.

تعهد و مسؤولیت در شعر سعدی ، سیدمحمد ترابی، روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۲، صص ۶ و ۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به انگیزه و هدف مقاله حاضر (ص ۶).

۱-۲. معرفی کوتاه سعدی و تأکید بر ابعاد مختلف شخصیت او، از جمله: " وی شاعری بلیغ و توانا، نویسنده‌ای فصیح و سحرآفرین، متکلمی قادر و زبان‌آور، فقیهی عالم و ماهر، جامعه‌شناسی مجرب، عارفی آگاه و حکیمی ساینس بود و آثاری که از او باقی مانده است، گواهی صادق و شاهدهی راستین بر این سخن است ... " (ص ۶).

۱-۳. معرفی بوستان و اشاره به مضامین آن؛ از جمله: " به عقیده شیخ انسان فرهیخته نمی‌شود، مگر آنکه از این صفات بهره یابد، یعنی: پای‌بند تربیت باشد، احسان را وجهه همت خود سازد، در جایی که باید فروتن شود، به هستی و آفریدگار آن عشق ورزد، در برابر قضای الهی رضامندی و تسلیم را پیشه خود سازد، از قناعت جامه‌ای زیبا بر تن بدوزد، بر عافیتی که بدان دست یافته است، سپاسگزار باشد، در آنچه که پیش چشم دارد، جانب عدل و انصاف را فرو نگذارد و ... بوستان چیزی جز این خوب تربیت یافتن و خوب تربیت کردن نیست، هر کس که آراسته تربیت کند، بی‌شک " معتمد " است و هر کس که آراسته تربیت شود، بی‌تردید " معتمد " خواهد شد ... " (ص ۶).

۱-۴. توضیح درباره انتقادات و اعتراض‌های سعدی از حاکمان زمان، با یادکرد نمونه‌هایی از سروده‌های او: " حقیقت این است که اگر با کمی انصاف درباره سخنان شیخ به داور بی‌نشینیم و در سخنش دقیق شویم، تندترین خطاب‌ها و سخت‌ترین انتقادات و هشدارها را به مقام‌های بالای جامعه می‌بینیم. این خطاب‌ها بنا بر رسم و عادت هم مستقیم است و هم غیر مستقیم، هم به شخص فرمانروا و رئیس کشور است، هم به اطرافیان و یاران او ... " (ص ۶).

۱-۵. بررسی برخی از حکایت‌های گلستان که در آنها از ستمگری، آزمندی و افزون‌طلبی فرمانروایان حاکم انتقاد شده است (صص ۷-۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، امیرکبیر، ۱۳۶۲. ۲-۲. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، دکتر ذبیح‌الله صفا. ۲-۳. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۹. ۲-۴. گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهر، صفی‌علی شاه.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۱ بار، گلستان ۸ بار، قصاید ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. هدف کلی این نوشته، تأکید بر ویژگی ظلم‌ستیزی آثار سعدی است، که با نقل برخی از انتقادات سعدی از فرمانروایان حاکم مستند شده است. اما آنچه در این مقاله، به عنوان شاهد، مورد توجه بوده، تنها برخی از مواردی است که در آثار سعدی وجود دارد، از آن جمله، در قصاید و قطعات سعدی، نیز ویژگی مورد نظر نمود بسیاری دارد که در این نوشته چندان مورد توجه نبوده است.

۴-۲. یادکرد نشانی نمونه‌های شاهد و مأخذ نقل قول‌ها بر ارزش علمی مقاله افزوده است.

تکامل یک تصویر - در حاشیه حکایتی از بوستان سعدی - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم و چهارم، سال بیست و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، صص ۳۸۴-۳۹۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به تجربه‌های ادبی و تکامل آن در طول تاریخ ادبیات (صص ۳۸۵-۳۸۴).

۱-۲. یادکرد بیت زیر از حافظ و بررسی پیشینه تصویری که در شعر موجود است:

جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع که حکم آسمان این است اگر سازی و گر سوزی

از جمله: " به اعتبار انس و الفتی که حافظ با سعدی داشته است، بهتر آن است که بگویم حافظ این تصویر را، مستقیماً از شعر سعدی، و از این داستان بوستان گرفته است: شبی یاد دارم که چشمم نخفت ... " (ص ۳۸۶).

تصویری که سعدی از شمع و جدایی او از " یار شیرین " انگینش به گونه فرهاد داده است، به احتمال قوی متأثر است از این ابیات اثیرالدین اخیسکتی که در غزلی خطاب به شمع گفته است: ای شمع زرد روی، که با اشک دیده‌ای ... " (ص ۳۸۷).

" مولانا نیز، بدون در نظر گرفتن رابطه فرهاد و شیرین، بمانند حافظ، نفس جدایی از یار شیرین را، در این تصویر شمع مورد نظر داشته است: " آن شمع که می‌سوزد، گویم ز چه می‌گیرد ... " آیا مولوی تصویر خویش را از شعر اثیرالدین اخیسکتی گرفته است یا از جای دیگر، بر ما روشن نیست ... قدر مسلم این است که حدود یک‌صدوپنجاه سال قبل از تولد مولانا این تصویر در ذهن شاعران ایرانی وجود داشته است و قدیمی‌ترین جایی که اکنون به یاد دارم در شعری است از قاضی ابوالاحمد منصور هروی (متوفی ۴۴۰) که گفته است: انی لاشکو خطوباً لا اعینها ... مولانا خود به این دو بیت عربی در فیه مافیة تمثیل حسته ... می‌توانیم با اطمینان بگویم که مولانا این تصویر را از قاضی منصور هروی، شاعر نیمه اول قرن پنجم، گرفته است ... اگر سابقه این تصویر را ... تعقیب کنیم به چند قرن قبل از قاضی منصور هروی نیز می‌رسد ... " (صص ۳۹۰-۳۸۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸. ۲-۲. دیوان حافظ، دیوان اثیرالدین اخیسکتی، غزلیات شمس و فیه‌مافیة.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بازیافت پیشینه تصاویر شاعرانه برای نقد شعر و شناخت روشن‌تری از میزان خلاقیت شاعران بسیار سودمند است. در این نوشته یکی از تصاویر شایع، به کوتاهی در چند متن بازیابی و بررسی شده است و همان‌گونه که نگارنده اندیشمند مقاله اشاره کرده است، چنانچه این پژوهش با حوصله و بررسی گسترده‌تری انجام می‌گرفت، امکان داور شایسته‌تری نیز فراهم می‌آمد.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره "طریقه تازه در یافتن سبک شاعران" (صص ۵۵-۵۴).
- ۱-۲. اشاره‌ای به قصاید عنصری با نمونه‌هایی از سروده‌های او (صص ۵۹-۵۵).
- ۱-۳. اشاره‌ای به قصاید فرخی با نمونه‌هایی از سروده‌های او (صص ۶۰-۵۹).
- ۱-۴. توضیح درباره شیوه سخن و ویژگی سروده‌های منوچهری، عنصری، فرخی، خاقانی، مسعود سعد، ناصر خسرو، (صص ۶۱-۶۰) و نتیجه اینکه: "خلاصه سخن آن که رودکی و فردوسی و نظامی و عمیق و مولانا و چندین شاعر دیگر تکیه کلام‌هایی دارند ... عنصر اصلی و خمیرمایه بیان هر شاعر همین تکیه کلام‌های فکری و لفظی و موضوعی است ... (صص ۶۲-۶۱).
- ۱-۵. توضیح درباره سخن سعدی و پایه او در ادب فارسی: "اما پرواز سعدی، در آسمان دیگری است و افق فکر و قوت غالب ذهن و طبع بدیع آن مفتی ملت اصحاب نظر از جنس دیگر و از دست دیگر است ... من می‌گویم سعدی بزرگ‌ترین شاعر جهان است ... هر چند از اثبات آن عاجزم. و من نظیر همین اعتقاد را درباره سه شاعر دیگر فارسی زبان دارم و از عهده التیام دادن میان این چهار نظر به ظاهر متباین چگونه برمی‌آیم، چهار نظر این است که سعدی بزرگ‌ترین شاعر است و فردوسی و نظامی و مولانا نیز چنین مقامی دارند ... (صص ۶۳-۶۲).
- ۱-۶. نقل عباراتی از محمدعلی فروغی درباره ارزش و عظمت سخن سعدی (صص ۶۴-۶۳).
- ۱-۷. توضیح درباره تکیه کلام‌های سعدی، از جمله: "تکیه کلام شاعری که جمال‌پرست است و معلم و نصیحت‌گر و شجاع‌ترین نصیحت‌گر خلق است، از شاه تا گدا و سوگند بسیار یاد می‌کند. شاعری که بی‌خواب است و تشنه و به خود بسیار معتقد است و عشق او بعد از مرگ زائل نمی‌شود و حدیث مکرر او دوست است ... فکر او عشق است و مردمی‌دوستی و جمال‌پرستی، مدار سیر او توحید است و توجه به پروردگار ... (ص ۶۵).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. دیوان شاعران نامبرده شده در ۴-۱ از مضامین اصلی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.
۴. اشاره: ۴-۱. عنوان مقاله، عنوانی تازه و جالب توجه است اما متن نوشته با آن سازگاری چندانی ندارد: زیرا اگر چه عنوان مقاله "تکیه کلام سعدی" انتخاب شده اما از تمام ۱۵ صفحه مقاله، تنها ۴ صفحه درباره سعدی است. در این چند صفحه هم، به جای آنکه به بازیابی بسامد واژه‌های سعدی و تکیه کلام‌های او پرداخته شود، به اثبات عظمت سعدی پرداخته شده است.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷.

تلاقی حکمت و ادب در آثار سعدی، محمدتقی جعفری تبریزی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۹۰-۲۵۹. چاپ‌های دیگر: ۱. اطلاعات شنبه یازدهم و شنبه پانزدهم و یکشنبه شانزدهم دی ۱۳۶۲ در صفحه‌های ۶ روزنامه.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان عناصری به عنوان ارکان اساسی یک اثر (ص ۲۶۱).
- ۱-۲. بررسی سخن سعدی بر اساس ارکان یاد شده:
- ۱-۲-۱. الفاظ و به طور کلی شکل قالبی اثر ادبی: "هنر سعدی در این رکن اساسی شعر، در حد بسیار عالی نمودار گشته است، به طوری که با گذشت زمان تغییری در جذابیت و زیبایی الفاظ و شکل قالبی شعر از نظر استحکام جمله‌بندی و مراعات دستورات و قواعد ادب فارسی به وجود نیامده است" (ص ۲۶۲).
- تأکید بر ظرافت، دقت، زیبایی و استحکام در اشعار سعدی، با ذکر چند نمونه از غزلیات (صص ۲۶۵-۲۶۲).
- ۱-۲-۲. محتوا و معنای اثر ادبی: "... در جهان شعر هر اندازه که اتحاد میان شکل و محتوا شدیدتر بوده باشد، زیبایی و عظمت شعر عالی‌تر خواهد بود. اگر آثار شعری سعدی را با این قاعده در نظر بگیریم، با مقداری فراوان از اشعار عالی مواجه خواهیم گشت" (ص ۲۶۵).
- ۱-۲-۳. انگیزه و هدف از به وجود آوردن اثر ادبی: "با درک و دریافت هدف‌گیری کلی و مستمر یک شخصیت در سخن و عمل و طرز تفکر است که می‌توان تا حدود زیادی شخصیت وی را درک و دریافت نمود." (ص ۲۶۷).
- توضیح درباره مطالب حکمت آمیز سخنان سعدی و تناقض آن با هزلیات او: "چگونه روحی آراسته با این حکمت‌های بسیار سازنده به خود اجازه می‌دهد هزلیات رکیک بگوید: ... توجیه یکم این است که بگوئیم هزلیات و محتویات باب پنجم گلستان از امواج فکری سعدی در دوران جوانی بوده ... توجیه دوم این است که گفته شود سعدی هنرمند است و زشتی‌ها و زیبایی‌ها برای شخص هنرمند از دیدگاهی مطرح می‌شود که برای دیگران قابل طرح نمی‌باشد ... به نظر می‌رسد توجیه یکم منطقی‌تر است ... اگر کسی یا کسانی توجیه یکم را نپذیرند و توجیه دوم هم برای آنان قابل قبول نباشد، غیر از احتمال چند شخصیتی بودن این گونه شخصیت‌ها چیز دیگری نمی‌ماند. خلاصه بحث این است که درک انگیزه و هدف‌گیری شخصیت‌هایی در ردیف سعدی با تضادی که در آثارشان دیده می‌شود، کاری است بسیار دشوار، زیرا انگیزه و هدف‌گیری‌های مقطعی و زودگذر نمی‌توانند بازگو کننده عناصر اصلی شخصیت بوده باشند و انگیزه‌ها و هدف‌گیری‌های کلی این شخصیت‌ها به جهت تضاد آشتی‌ناپذیر در محتوای آثارشان، کاملاً واضح و قابل شناخت نخواهد بود" (صص ۲۶۹-۲۶۸).
- ۱-۲-۴. به وجود آورنده اثر ادبی:
- "الف: سعدی از دیدگاه خویشتن - سعدی این معنی را دریافت کرده بود که جوامع متعددی آثار وی را با لذت و پذیرش استقبال می‌کنند و شهرت خود را در میان جوامع فهمیده بوده است ... می‌دانست که سخنش بسیار شیرین و دل‌پسند و اشعارش بسیار لطیف و پر محتوا است، ولی این عظمت را به رخ نکشیده است، مگر در برخی موارد که رایحه کبر از آنها بر می‌آید ... (ص ۲۷۰).
- "ب: عوامل حاکم بر روحیه و تقسیم آنها به عوامل ثابت و عوامل متغیر - مهم‌ترین عاملی که می‌توان گفت بر روحیه سعدی حاکم بوده، اعتدال روانی در برابر محیط و فرهنگ جامعه دوران خود بوده است ... به نظر می‌رسد ارتباط و الفت سعدی با مردم اقوام و ملل بوده است که در درون وی نوعی اعتدال روانی به وجود آورده و در نتیجه احساس تنهایی که حافظ در خود احساس می‌کرده است، نداشته است." (ص ۲۷۱) عامل دوم که بر روحیه سعدی حاکم است، خوش‌بینی و مدارا با انسان‌هاست (ص ۲۷۲) می‌توان کل عوامل حاکم بر روحیه شخصیت‌های ادبی را بر دو قسم مهم تقسیم کرد: عوامل ثابت و عوامل متغیر ... شاید بتوان گفت که عوامل متغیر در درون سعدی به طوری که در درون او دگرگونی عمیق ایجاد نماید بسیار اندک بوده یا وجود نداشته است، مگر انصراف از هزلیات و مقداری از مطالب باب پنجم که با روحیه عرفانی و حکمی به هیچ وجه سازش ندارد" (ص ۲۷۳).

"ج: تعهد و عدم تعهد سعدي در برابر ارزش‌هاي انساني و الهي ... سعدي قطعاً يك شخصيت ادبي بي‌بند و بار نبوده است و آن همه تسلط او بر آيات قرآني و احاديث نبوي و مطالب حكمي و مذهبي و عرفاني كه بيان مي‌كند، دليل آن است كه سعدي در حدود توانايي علمي و ارادي خود مي‌دانسته است كه از كجا آمده است و براي چه آمده است و به كجا مي‌رود اما اينكه درجه تعهد وي در اين جريان و گذرگاه پرمعني در چه حد بوده است، نمي‌توان اظهار نظر قطعي نمود" (صص ۲۷۴-۲۷۳).

"د: تاثير سعدي از محيط اجتماعي و فرهنگ حاكم بر جامعه‌هاي كه در آن زندگي مي‌كند - اگر منظور از محيط اجتماعي و فرهنگي حاكم بر جامعه‌هاي كه سعدي در آن زندگي كرده است، همان سطوح معمولي و فرهنگ متداول عام بوده باشد ... سعدي با نرمش و ملاطفت خاصي با آنها در ارتباط بوده ولي تفكرات و احساسات عالي او بدون ترديد مافوق آن ميانيگن مقبول بوده و از آموزندگي و سازندگي عالي برخوردار بوده است." (ص ۲۴۷).

"ه: هماهنگي احساسات و تعقل در اثر شعري و نثري وي - اين هماهنگي در همه آثار نظمي و نثري سعدي ديده نمي‌شود ... زيرا يقيناً همچنان احساساتي به طور فراوان سطوح رواني او را فرا مي‌گيرد." (ص ۲۷۵).

"و: معلومات سعدي ... اين شاعر بسيار توانا از معلومات كلاسيك دوران خود در حد عالي برخوردار بوده است. البته دانش‌هاي مربوط به عالم طبيعت و طرز تفكرات فلسفي در آثار سعدي بندرت ديده مي‌شود ولي از اطلاعات قرآني و ضرب‌المثل‌ها و شناخت فرهنگ جاري در جامعه و از درك مطالب حكيمانه و عارفانه در حد عالي برخوردار بوده است." (ص ۲۷۵).

"ز: موارد تلاقي حكمت و ادب در آثار سعدي ... در آثار نثري و شعري سعدي سه درجه از حكمت ديده مي‌شود كه ما آن را حكمت عرفانيه، حكمت عاليه و حكمت جاريه اصطلاح مي‌كنيم. حكمت عاليه همان است كه حيات آدمي را تصعيد نموده و به مرحله "حيات معقول" مي‌رساند كه شكوفاي شدن ذات انساني در جاذبه كمال نتيجه عالي آن است. حكمت جاريه عبارت است از شناخت و به كار بستن اصول و ارزش‌هاي عالي انساني تثبيت شده در جامعه كه ... مقدمه‌اي براي وصول به حكمت عاليه بوده باشد." (ص ۲۷۷).

۱-۳-۲. بيان و تحليل پنج حكايه و عبارت از گلستان كه نمونه‌هايي از حكمت جاريه در آثار سعدي هستند (صص ۲۸۰-۲۷۷). با توضيح اين مطلب كه: " اين نوع حكمت در آثار سعدي، چه در گلستان و بوستانش و چه در قصايد و غزلياتش، فراوان است، و شايد مقبوليت عامه آثار سعدي مرهون همين الزام به بيان حكمت جاريه است كه عرف عام از آن استقبال مي‌كند و به جاي حكمت عاليه كه دستش به آن نمي‌رسد، آن را مي‌پذيرد و از آن لذت مي‌برد." (صص ۲۷۸-۲۷۷).

۱-۳-۳. بيان و تحليل بيست و دو نمونه از سروده‌هاي سعدي كه متضمن مضمون حكمت عاليه هستند (صص ۲۸۱-۲۸۱). با توضيح اين مطلب كه حكمت عاليه در آثار سعدي به وفور ديده مي‌شود. " نهايت امر اين مسئله احتياج به تحقيق و دقت بيشتري دارد كه آيا روح سعدي با آن حكمت عاليه كه ابراز داشته است، آميخته است يا نه؟ و به اصطلاح رسمي آيا سعدي واقعاً حكيم به وسيله آن حكمت عاليه شده است كه در آثارش ديده مي‌شود؟ ما چون توانايي پاسخ قاطعانه به اين مسئله را نداريم، لذا مي‌پردازيم به بيان نمونه‌اي از حكمت عاليه كه در آثار سعدي مشاهده مي‌شود" (ص ۲۸۰).

۱-۳-۴. بيان و تحليل پنج نمونه از سخنان و سروده‌هاي سعدي كه متضمن حكمت عرفانيه هستند (صص ۲۸۶-۲۸۸). با توضيح اين مطلب كه: حكمت عرفانيه ... عبارت است از حصول نور هستي در درون و نفوذ آن در روح آدمي كه شايستگي لقاءالله و رضوانالله را در ايامالله به انسان مي‌بخشد. چون ... ما واقعاً نمي‌دانيم كه سعدي با اين همه معلومات و معارف انساني كه داشته است، چه مقدار و با چه كيفيتي از گرديدن بهره‌مند شده است، لذا اتصاف سعدي را به حكمت عرفانيه مطرح نمي‌كنيم، بلكه سخنان نغز و لطيف او را در اين موضوع بسيار با اهميت مي‌آوريم" (صص ۲۸۷-۲۸۶).

۱-۴. تذكر دو نکته در پايان مقاله:

۱-۴-۱. " همه داستان‌هايي را كه سعدي در آثار خود آورده است، صحت آنها را نمي‌توان به همان شكل و كميت اثبات نمود ... به عنوان مثال در كتاب بوستان تحت عنوان تواضع، داستاني را درباره اميرالمؤمنين (ع) نقل كرده است كه هيچ سندي ندارد." (ص ۲۸۸).
۱-۴-۲. ذوق ادبي سعدي در حد اعلي فعاليت نموده و معلومات و اطلاعات لازم را براي به فعاليت واداشتن چنان ذوق عالي دارا بوده است. به همين جهت مي‌توان گفت: مقام ادبي سعدي در رديف اول از ادبائي اسلامي ايران، بلكه همه جوامع اسلامي است" (ص ۲۸۹).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. كليات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. گلستان، انتشارات اقبال، مهر ماه ۱۳۴۲.

۲. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. غزليات ۲۹ بار، گلستان ۱۲ بار، قصايد ۶ بار، بوستان ۲ بار، رسائل نثر ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. اين مقاله يكي از مقاله‌هاي مستدل و مستند به آثار سعدي است كه در آن انواع حكمت در سخنان سعدي كاويده شده و نقد و بررسي گرديده است.

تحليل و نقد برخي از عبارت‌ها و حكايه‌ها (از جمله: صص ۲۸۹-۲۷۸ و ۲۸۹-۲۸۸) بر ارزش علمي مقاله افزوده است.
نويسنده با آنكه براي اثبات حكمت عملي در آثار سعدي بيش از بيست مثال بيان داشته است (صص ۲۸۴-۲۸۱) اما بدون شتاب‌زدگي در قضاوت (آن‌گونه كه ويژگي بسياري از نويسندگان است) با صراحت و شهامت، ترديد خود را ابراز مي‌دارد: " اين مسئله احتياج به تحقيق و دقت بيشتري دارد كه آيا روح سعدي با آن حكمت عاليه‌اي كه ابراز داشته است، در آميخته است يا نه؟ و به اصطلاح رسمي آيا سعدي واقعاً حكيم به وسيله آن حكمت عاليه شده است كه در آثارش ديده مي‌شود؟ ما چون توانايي پاسخ قاطعانه به اين مسئله نداريم، لذا مي‌پردازيم به بيان نمونه‌اي از حكمت عاليه‌اي كه در آثار سعدي مشاهده مي‌شود." (ص ۲۸۰).
در صفحه ۲۸۶ درباره حكمت عرفانيه نيز با همين وضع روبرو هستيم: " ما واقعاً نمي‌دانيم كه سعدي با اين همه معلومات، معارف اسلامي كه داشته است، چه مقدار و با چه كيفيتي از گرديدن بهره‌مند بوده است، لذا اتصاف سعدي را به حكمت عرفانيه مطرح نمي‌كنيم." (ص ۲۸۷).

۴-۲. تعريف عرفانيه در پاراگراف دوم صفحه ۲۷۷ از قلم افتاده است اگر چه در صفحه ۲۸۶ (شماره ۳ - حكمت عرفانيه) با توضيح مجدد جبران شده است.

۴-۳. ذكر نشاني عبارات و ابیات شاهد ناقص است: نشاني برخي از مثال‌ها در بخش يادداشت‌ها و منابع آمده است (صص ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۸، ...) و برخي بدون ذكر نشاني رها شده‌اند (صص ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۲ (...)) البته در بخش يادداشت‌ها و منابع نيز ذكر نشاني‌ها دقيق نيست (مثلاً شماره ۱ و ۲ و ۴ و ۷ به گونه‌اي متفاوت بيان شده‌اند و مأخذ موارد شماره ۵ و ۷ و ۸ و ... روشن نيست).

۴-۴. با آنكه در كتاب ذكر جميل سعدي اشتباهات چاپي بسيار اندك است در اين مقاله تعدادي اشتباه چاپي رخ داده است، از جمله: ص ۲۸۲، س ۱۲: كس (كسي) و صفا در او (در او صفا) و ص ۲۸۳، س ۱۴: وجود (جود) و

تنوع اوزان در غزليات خواجه، حافظ و سعدي، روح‌الله هادي، رشد آموزش ادب فارسي، سال هفتم، زمستان ۱۳۷۰، شماره مسلسل ۲۷، صص ۶۳-۵۶.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره وزن شعر و روش پژوهش در اين مقاله (ص ۵۶).

۱-۲. بررسی دیوان اشعار خواجه بر اساس اوزان و بحر استفاده شده با تعیین تعداد اوزان با تفکیک هر کدام و مقایسه تعداد آنها با موارد مشابه در دیوان حافظ و سعدی با محاسبه درصد کاربردها در دیوان هر سه شاعر و تنظیم آنها در جدول‌های ویژه (صص ۶۳-۵۷) از جمله: " بحر رمل - ۳۶۷ غزل خواجه در این بحر است ... او از سعدی و حافظ تعلق خاطر بیشتری به این بحر داشته است ... سعدی از ۹ وزن (زحاف) این بحر سود جسته است (ص ۵۷). بحر هزج - خواجه ۱۹۱ غزل خویش را در این بحر سروده ... او در تتبع این بحر به سعدی مانده است، چرا که سعدی نیز پس از رمل بیشترین غزل‌هایش را در بحر هزج سروده ... (ص ۵۸). بحر مجتث - ... این بحر در غزل‌های خواجه و سعدی سومین مقام را دارد، در حالی که در غزل‌های حافظ اهمیت بیشتری یافته است (ص ۵۸).

بحر مضارع - ۱۰۹ غزل خواجه در این بحر است، او در مقام استفاده از این بحر در مقایسه با سعدی و حافظ مقام سوم را داراست ... (ص ۵۸).

بحر خفیف - پنجمین بحر عروضی دیوان خواجوی کرمانی ... پای‌بندی سعدی به بحر خفیف بیش از دو شاعر دیگر است زیرا ۵/۴ درصد غزل‌های وی در این بحر است. بر خلاف سعدی، حافظ تنها ۸ غزل در این بحر سروده است ... (ص ۵۹).

۱-۳. ادامه مقایسه غزل‌های خواجه، حافظ و سعدی در میزان کاربرد اوزان بحر رجز، متقارب، منسرح، سریع، متدارک و مقتضب (صص ۶۳-۵۹).

۱-۴. نتیجه‌گیری: " از مقایسه ۴۹ وزن غزل‌های خواجه با ۲۹ وزن انتخابی سعدی و ۲۵ وزن مورد پسند حافظ می‌توان چنین گفت: خواجه جدا از بهره‌مندی‌های دیگر از غزل سعدی، در اوزان غزل نیز تا حدی به وی نظر داشته است، زیرا که همانند سعدی به بحر هزج، خفیف، رجز و منسرح بیش از حافظ تعلق خاطر نشان داده است." (ص ۶۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. دیوان اشعار خواجوی کرمانی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری. ۲-۲. دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیرازی، با شرح ابیات و ... به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر، انتشارات سعدی، ۱۳۶۸. ۲-۳. دیوان غزلیات حافظ شیرازی، با شرح ابیات و ... به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر. ۲-۴. المعجم فی معاییر اشعارالعجم، مدرس رضوی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بجز شمارش اوزان غزل‌های سعدی رویکرد مستقیمی به آثار سعدی نداشته است.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله برای نخستین بار به گونه‌ای آماری کاربرد وزنی غزل‌های خواجه، سعدی و حافظ را با هم مقایسه کرده و در جدول‌های منظمی سامان داده است. هر چند محور پژوهش غزل‌های خواجوی کرمانی است، اما نویسنده با مقابله و مقایسه آنها نسبت به غزلیات سعدی و حافظ امکان بهره‌وری بیشتر خواننده را از این پژوهش فراهم آورده است.

۴-۲. بعد از شمارش و تنظیم اطلاعات یافته شده، بهتر بود نویسنده یک تحلیل منطقی‌تری از کاربرد اوزان در دیوان این سه شاعر را به دست دهد.

نتیجه‌گیری کوتاهی که در پایان مقاله آمده است، نمی‌تواند تحلیل منطقی این پژوهش باشد، در این نتیجه‌گیری آمده: " خواجه جدا از بهره‌مندی‌های دیگر از غزل سعدی، در اوزان غزل نیز تا حدی به وی نظر داشته است زیرا که همانند سعدی به بحر هزج، خفیف، رجز و منسرح بیش از حافظ تعلق خاطر نشان داده است " (ص ۶۳). بی‌گمان باید دلیل استفاده خواجه را از وزن‌های مذکور در عوامل دیگری جز " نظر داشتن به سعدی " جستجو کرد. به نظر می‌رسد خواجه به خاطر نظر داشتن به سعدی وزن غزل‌های خود را انتخاب نکرده است، بلکه موضوع شعر، فضای حاکم بر آن و عوامل درونی شاعر (بویژه در غزل) وزن را در شعر او جاری کرده است.

توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس (سیر توحید در آثار شاعران)، احمد خوانساری، سروش، شماره ۲۸۲، فروردین ۱۳۶۴، صص ۲۰ و ۲۱ و ۶۴ و ۶۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر مضامین توحیدی و معنوی سعدی (ص ۳۰).

۱-۱-۱. " سعدی خود قبول خاطر و آوازه بلندی را که در اقطار عالم یافته و نیز دست‌به‌دست شدن سخن شهدآسا و شکربارش را مرهون اتصال و بلکه اتحاد به عالم قدس می‌داند ... شیخ اجل برپیشانی بوستان که متضمن آموزش‌های اکثرا اخلاقی و تربیتی است، ابیاتی به عنوان مدخل آورده ... که هم سعدی و هم خواننده را به این نکته که مشیت کارسازی بر همه ارکان عالم حکومت دارد متوجه و متذکر می‌سازد ... اگر چه به یک معنا مجموعه غزل‌هایی را که به نام شیخ اجل در دیوان او مضبوط است، می‌توان یکسر بیان پیوستگی و قرب شاعر به حق تلقی کرد، اما برخی در این میان از درخشش چشم‌گیرتری برخوردارند (ص ۳۱) سعدی دو قصیده بلند و بی‌نظیر دارد که حاوی اشارات لطیف به آثار لطف و رحمت منتشره الهی است.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۶ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته بر بعضی از مضامین توحیدی سعدی با استناد به برخی از سروده‌های او (بدون ذکر نشانی مأخذ) تأکید شده که اگر چه برای مطالعه عمومی خالی از فایده نیست، اما به دلیل اینکه سخن تازه‌ای در این نوشته بیان نشده فاقد ارزش پژوهشی و علمی است.

توضیح چند مشکل و تشخیص معنی و صورت صحیح برخی از ترکیبات و واژه‌های گلستان، خلیل خطیب رهبر، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۱۷۵-۱۴۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بررسی و شرح واژه‌ها و ترکیب‌هایی مانند موارد زیر: شرط نیست، قصب‌الجیب، دوحه، فرش بوقلمون، عزنصره، دروغ مصلحت‌آمیز، پیسه، نهال، بند فاخر، برکه کلاسه، طفل دایه، مازحه، حکمرانداز، ملموح، مخیط، خلافت و جلافت، مدفون و مدفون، دوست روی، پای تشنه، لقمه ادرار، دیوار مکاره، مقامر را سه شش باید و ... (صص ۱۷۵-۱۴۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مجله سخن دوره چهاردهم. ۲-۲. دیوان خاقانی، تصحیح دکتر سجادی. ۲-۳. دیوان فرخی سیستانی، تصحیح دبیرسیاقی. ۲-۴. بوستان سعدی، تصحیح فروغی. ۲-۵. حدودالعالم، تصحیح دکتر ستوده. ۲-۶. نفایس‌الفنون، تصحیح شعرانی. ۲-۷. دیوان ناصرخسرو، تصحیح تقوی. ۲-۸. دیوان ناصر خسرو، تصحیح مهدی محقق. ۲-۹. چهارمقاله، تصحیح دکتر معین. ۲-۱۰. گلستان، تصحیح عبدالعظیم قریب. ۲-۱۱. قطوف‌الربیع، حاج شمس‌العلما. ۲-۱۲. فرهنگ‌های لغت، از جمله: حواشی دکتر معین بر برهان قاطع، لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ آندراج، منتهی‌الارب و ...

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۵۳ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. علاوه بر توضیحات مفید، از نقاط قوت این مقاله، یکی تصحیح واژه‌هایی است مانند مطموح به جای ملموح، مدفون به جای مدفون ... و دیگر اشاره به برخی از معانی ابهامی است چون "هوایی‌خوش" و "آواز حزین". البته توضیحات زاید نیز در این مقاله راه یافته است، از جمله توضیح در مورد واژه طلا " در بیت:

"پرنیان و نسیم بر نااهل لاجورد و طلاست بردیوار"

که بدون توضیحات نویسنده محترم نیز معنی " طلا " به آسانی برای هر کس قابل دریافت است و با عنوان مقاله (توضیح چند مشکل و تشخیص معنی) سازگاری ندارد.

توضیح يك بيت سعدي ، محمد قزويني، آموزش و پرورش، دوره چهارده، شماره ۹، آذر ۱۳۲۳، صص ۶۱۲-۶۱۳.

۱. **مضامين اصلي:** * این نوشته، بخشی از متن يك نامه است که علامه قزوینی نوشته است و مخاطب نامه مشخص نیست.
۱-۱. توضیح درباره بیت زیر از گلستان:

امروز دو مرده پیش گیرد مرکن فردا گوید تربی از اینجا بر کن
" ... سرکار خیال کرده‌اید [این سروده] به زبان شیرازی قدیم است، من گمان نمی‌کنم چنین باشد، بلکه به همین زبان فارسی معمولی است. منتهی حاق مقصود از آن به نحو قطع و یقین معلوم نیست و در هر صورت از شعرهای خیلی عالی شیخ نیست ... معنی تقریبی به نظر اینجانب چنین می‌آید که می‌خواهد بگوید شخص متقلب بد قول امروز که محتاج است و می‌خواهد از تو چیزی قرض بکند يك مرکن دو مرده (یعنی تغار بزرگی را که آذوقه دو مرد را جا می‌گیرد) پیش گیرد یعنی پیش تو می‌آورد و پیش تو نگاه می‌دارد که این را پرکن از آذوقه ... فردا که می‌خواهی مطالبه طلب خود بکنی می‌گوید يك ترب (یعنی پست‌ترین و بی‌قیمت‌ترین چیزها را که لابد آن وقت ترب بوده است در شیراز) از این زمین بکن و عوض طلبت ببر " (صص ۶۱۲-۶۱۳).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخشی از یکی از نامه‌های علامه قزوینی است که در آن بیت مورد نظر شرح و توضیح داده شده و لهجه شیرازی بودن آن رد شده است.

توضیح ديگر ، سيد محمدعلي جمالزاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۲، صص ۲۹۸-۳۰۵.

۱. **مضامين اصلي:** * این نوشته پاسخی است به انتقاد آقای پیمان یغمایی از مقاله " رواج شعر و شاعری - دنباله قسمت هشتم " به قلم آقای جمالزاده مندرج در مجله ارمغان (دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، فروردین ۱۳۵۲، شماره ۱، صص ۱۶-۵).

۱-۱. اعتراض به توضیحات پیمان یغمایی و تأکید بر وجود عنصر مطایبه، طنز و هزل در آثار سعدي، با یادکرد نمونه‌هایی از این‌گونه سخنان (صص ۲۹۸-۳۰۵).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلي فروغی. ۲-۲. انتقاد ادبی، پیمان یغمایی، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۸۷-۱۸۴.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۹ بار، غزلیات ۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته ضمن انتقاد از نظرات پیمان یغمایی در مقاله یاد شده، بر وجود عنصر مطایبه و هزل در آثار سعدي تأکید شده است. همچنان که مرحوم جمالزاده توضیح داده‌اند، نمی‌توان بسیاری از سخنان سعدي را به حوزه عرفان برد و آنها را آسمانی و عرفانی معنی کرد. در غیر این صورت باید برای بسیاری از سخنان و سروده‌های سعدي توجیحات غیرمنطقی و نامناسب تراشید.

توضیح ديگر درباره بغداد و تازي ، منوچهر اسکندري (منو)، ارمغان، دوره چهل و سوم، سال پنجاه و هشتم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۸۶-۸۳.

۱. **مضامين اصلي:** * این نوشته پاسخی است به مقاله " باز تذکری درباره " بغداد و تازي " در شعر شیخ اجل شیراز، سعدي، از محمدعلي جمالزاده (ارمغان، دوره چهل و سوم، سال پنجاه و هشتم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۸۶-۸۳).

۱-۱. یادکرد نظر جمالزاده درباره معنی بیت سعدي (که سعدي راه و رسم ...) و تأیید آن نظر و اشاره به توضیحات سیدابوالقاسم انجوي در مقاله یاد شده (صص ۸۴-۸۳).

۱-۲. توضیح معنی بیت با استناد به گفته‌های عبدالعظیم قریب، از جمله: " ... زبان عربی که زبان علمی آن دوران بود با فصاحت و به اصطلاح لفظ قلم در آنجا [بغداد] تکلم می‌شد و جان کلام شیخ اجل در همین جاست و نمی‌خواهد بگوید که در بغداد، زبان عربی را با تمام ریزه‌کاری‌ها و فصاحت تکلم می‌کند و در پایان مقال [استاد عبدالعظیم قریب] سطرې مرقوم داشت و در پیش روی من گذاشت و فرمود: آقاجان بخوان ... وقتی خواندم دیدم يك (را) به آخر مصراع دوم اضافه کرده و با همین (را) که باید مفتاح رمزش خواند، معنی شعر کاملاً روشن شده بود؛ که سعدي راه و رسم عشق‌بازی چنان داند که در بغداد تازي (را) یعنی زبان عربی را و در این صورت با نهایت معذرت می‌خواهم عرض کنم که بر خلاف فرموده استاد مکرر، نه این شعر سعدي سست و بی‌معنی است و نه در زمان جوانی و اوان شاعری ساخته ... "

۱-۳. انتقاد از نظر سید ابوالقاسم انجوي درباره شرح برخی ابیات حافظ (صص ۸۶-۸۵).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. مقاله " باز تذکری درباره بغداد و تازي ... "، محمدعلي جمالزاده، ارمغان، اردیبهشت ۱۳۵۲.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته پاسخی است به مقاله محمدعلي جمالزاده، (رك. مضامين اصلي). نگارنده معنی بیت سعدي را از قول عبدالعظیم قریب نقل کرده است.

هرچند در پایان شرح بیت نوشته‌اند: " یقین دارم که حضرت استاد، جمالزاده، خود همچنانکه در ابتدای مقال فرموده‌اند، بر صحت معنی واقفند ... " (ص ۸۵). اما دریافت جمالزاده با دریافت نگارنده که از قول مرحوم قریب گرکانی نقل شده متفاوت است. به نظر جمالزاده معنی بیت چنین است: " که سعدي راه و رسم عشق‌بازی را به همان خوبی می‌داند و می‌شناسد که در بغداد مردم آن زبان عربی را می‌دانند " (ص ۸۳). در حالی که به نظر منوچهر اسکندري (از قول قریب) معنی بیت به گونه‌ای دیگر است: " که سعدي راه و رسم عشق‌بازی چنان داند که در بغداد تازي را، یعنی زبان عربی را " (ص ۸۵) و بعید به نظر می‌رسد که سعدي هنر عشق‌بازی خود را با درجه عربی‌دانی خود آن هم در بغداد (که مرکز علوم زمان بوده) هم‌سنگ کرده باشد.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. باز توضیح و تذکری درباره بغداد و تازي در شعر سعدي - هر دم از این باغ بری می‌رسد، سید محمدعلي جمالزاده، ارمغان، دوره چهل و سوم، سال پنجاه و هشتم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۳، صص ۲۱۴-۲۰۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی برخی از ممدوحین سعدی.
۱-۲. توضیح درباره شیوه مدح سعدی، از جمله: " شیوه سعدی این بوده که پس از ذکر نام و تمجیدی در آن حد که معمول زمان برای رعایت سنت بوده، حاکم و امیر را رها کرده و در سراسر متن به آنچه که از تألیف و تصنیف اثر منظور داشته، بپردازد ... او حتی از رفتن به خدمت و اقامت در زاویه دربار اکراه دارد ... اصلاً نمی‌توان او را با شاعران دروغ‌پرداز و چاپلوسی مقایسه کرد که علت‌العلل انشای شعر و تصنیف اثرشان، کسب اعتبار و رزق و روزی بوده است ... سعدی از این بابت درست در مقابل آنان قرار دارد و مدح در آثارش، واسطه پند و اندرز و اخلاق است، نه چاپلوسی و دروغ‌بافی ... اگر بتوانیم اصطلاح رندی را در مورد سعدی به کار ببریم، آن وقت می‌توان گفت که سعدی، رندانه، بلافاصله پس از مدح و تمجید - و بعضی مواقع حتی قبل از مدح و ثنا - به پند و اندرز می‌پردازد و نصایح جانانه و شیوایی را عرضه می‌دارد ... از دیگر تیزهوشی‌ها و ابتکارهای شیخ شیراز، باید به اقدام و در تدوین کتاب نصیحة‌الملوک و رساله‌ای با عنوان " در تربیت یکی از ملوک " اشاره کرد. کتاب نصیحة‌الملوک در واقع یک منشور کامل و جامع در زمینه آداب و رسوم حکومت و اداره امور مردم است. سعدی در ۱۵۱ پند اخلاقی، مسائل و مواردی را مطرح می‌کند که بیانگر عقیده راسخ او در ضرورت ارائه پند و اندرز و نصیحت به ملوک است ... "

۱-۳. توضیح درباره " رسم نامیدن کتاب به نام امیر " و حاکم وقت در زمان‌های پیشین و بررسی وضع خاص اتابکان فارس.
۱-۴. نتیجه‌گیری نهایی درباره مدایح سعدی: " سعدی در مدیحه‌سرایی نیز به دو گونه جالب رفتار کرده است، از طرفی بنا به قول مشهور، تخلص شعری خود را از نام پادشاه زمانش، سعدبن ابوبکر، می‌گیرد و این نام را در بیش از ۷۰۰ غزل و ده‌ها قصیده خود تکرار می‌کند و از سوی دیگر آنقدر رند و فهیم و آگاه است که یک مداح سرسپرده نیست که با مدایح خودش شاه را در انجام اشتباهات و مظالم و بدرفتاری‌هایش ترغیب و تشویق کرده و یا آنها را توجیه نماید ... "

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی. ۲-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۳. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۴. با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۱۳ بار، بوستان ۶ بار، گلستان ۵ بار، رسائل نثر ۲ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. درباره ممدوحان سعدی و شیوه او در مدح، تاکنون نوشته‌های متعددی پدید آمده است (رک. فهرست مقاله‌ها در همین مجموعه). این نوشته نیز بر انگیزه‌ها، هدف‌ها و شیوه‌های شایسته سعدی در مدح با استناد به سروده‌های او، تأکید ورزیده است. اما در مجموع سخن تازه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

ج

جدال با مدعی ، دکتر اسماعیل خوبی و ضرابی، برگرفته شده از کتاب جدال با مدعی، انتشارات جاویدان، آذر ۱۳۵۶ (چاپ دوم) - چاپ اول ۱۳۵۱، صص ۱۰۹-۱۰۷.

۱. مضامین اصلی: * کتاب " جدال با مدعی " متن مصاحبه‌ای است که شخصی به نام ضرابی با آقای دکتر اسماعیل خوبی انجام داده و پرسش و پاسخ‌هایی است درباره فلسفه و ادبیات. در صص ۱۰۷-۱۰۹ درباره سعدی مطالبی گفته شده، که جالب توجه است:

خوبی: " باشه. وقتی طرحی بسیار کلی از یک دوران، یا از کل تاریخ ادبیات یک جامعه، به دست می‌دیم، چنان که گفتم، معمولاً تنها برجسته‌ترین شخصیت‌ها به اندیشه‌مون می‌آن - که بی‌گمان، انگشت‌شمارن. وقتی می‌گیم: " شاعران ممتاز ایران "، بی‌گمان، کسانی به یادمون می‌آن مثل فردوسی ...

ضرابی: حافظ ...

خوبی: مولوی، خیام، حافظ و ... سعدی. و هر کس دیگه‌ای که به یادمون بیاد بعد از اینا می‌آد.

ضرابی: ولی، آقای خوبی، شما مگه سعدی رو شاعر می‌دونین؟

خوبی: آگه دقت کرده باشین، گفتم " و ... سعدی - و اون " و " رو به کمی کشیدم. گمان می‌کنم بار معنوی این پرسش شما اینه که خودتون سعدی رو واقعاً شاعر نمی‌دونین: در اون معنا که مثلاً حافظ و مولوی شاعرن.

ضرابی: مسلماً. من سعدی رو ناظم می‌دونم.

خوبی: من هم با شما در این زمینه هم‌اندیشه‌م. خود حافظ می‌گه که ...

ضرابی: استاد سخن سعدی‌ست.

خوبی: " حدیث عشق ز حافظ شنو، نه از سعدی اگر چه صنعت بسیار در عبارت کرد "

آره، سعدی در شعر و در سخن، به صنعت‌گره، و نه یک شاعر، در اون معنا که حافظ شاعره، و نه یک اندیشمند، در اون معنا که مولوی یک اندیشمند و نه یک فیلسوف، در اون معنا که خیام فیلسوفه، و نه یک انسان ممتاز، در اون معنا که فردوسی یک انسان ممتاز.

ضرابی: انسان حماسی ...

خوبی: بگیم: " انسان حماسی " ... سعدی، از نظر روحیه شاعرانه، آدم متوسطی‌س، و ...

ضرابی: محافظه‌کار. خیلی ...

خوبی: و آدمی‌ست، از نظر معنوی، سازشکار، معمولی، پذیرنده شرایط زمانی‌مکانی خودش.

ضرابی: بله.

خوبی: مرتجع، آخوندصفت، و ...
ضرابی: درسته. واقعاً آخوند صفته ... و موعظه‌گر.
خوبی: و موعظه‌گر در معنای کاسبکارانه‌اش، یعنی موعظه‌های سعدی به درد يك انسان ممتاز نمی‌خوره ...
ضرابی: درسته.

خوبی: ... به درد آدمای بازاری و ... در معنای کنونیش، بورژوا، می‌خوره، سعدی به هیچ وجه شاعر و اندیشمند انسان‌های والا نیست، بلکه شاعر و اندیشمند آدمای متوسط و کاسبه.
ضرابی: بله

خوبی: از نظر محتوای شعری، سعدی به هیچ وجه قابل مقایسه با حافظ و مولوی نیست ...
ضرابی: مسلماً.

خوبی: به هیچ وجه. اما عیب او رو جمله بگفتیم، هنرش رو نیز بگیم: از نظر زبان چنان که حافظ می‌گه: " استاد سخن سعدی است نزد همه کس...".
ضرابی: " اما " ...

خوبی: " اما " هم نداره. خب، اینم باز پراتزی بود. و همین جا می‌بندیمش ... " (صص ۱۰۹-۱۰۷).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این پرسش و پاسخ چنان سطحی، غیرمستند و بی‌انصافانه است که هر کودک دبستانی این ویژگی‌ها را در آن می‌یابد. با هیچ معیاری نمی‌توان سعدی را از حوزه شاعران بلند مرتبه خلاق بیرون آورد. اگر پرسش‌گر و پاسخ‌گو تنها چند غزل از سعدی را بررسی کرده بودند، عظمت او را در آفرینش هنری می‌یافتند. اما آیا می‌توانستند؟! کاملاً برخلاف آنچه ایشان انگاشته‌اند، تصنع در کار سعدی از همه شاعران کمتر است و ویژگی " سهل و ممتنع " از مشهورترین ویژگی‌های سخن سعدی است. شگفت است که آقای اسماعیل خوبی برای اثبات نظر نادرست خود تا آنجا پیش می‌رود که شعر حافظ را هم مطابق میل خود تغییر می‌دهد: (حدیث عشق ز حافظ شنو، نه از سعدی " به جای " حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ").

نادرستی عبارت‌های سراسر این گفت‌وگو آشکارتر از آن است که به پاسخ‌گویی و نقد آن نیازی باشد. هر کدام از نوشته‌های اندیشمندان ادیبی چون محمد قزوینی، فروزانفر، مجتبی مینوی، عبدالحسین زرین‌کوب، غلامحسین یوسفی و ... را درباره سعدی در همین مجموعه نگاه کنیم، پ اسخ خود را خواهیم یافت. راستی که درباره بزرگان، نوشته‌های ما چقدر از افراط و تفریط پر است؟! البته آقای اسماعیل خوبی در مقدمه کتاب با حمله شدید و توهین به پرسش‌گر این مصاحبه از این گفتگو اظهار تأسف و شرمندگی کرده‌اند و پرسش‌گر را گمراه دانسته و به بیراهه رفتن خود اعتراف کرده‌اند: " ناروا نیست، پس، اگر " مدعی " [ضرابی] را " نادانک نامرد " می‌دانم و می‌خوانم.

و همین جا بگویم که، در این " جدال " به چند تن دیگر از شاعران برجسته این روزگار نیز بی‌حرمتی شده است. و من شرمنده‌ام. و از همه این بزرگواران پوزش می‌خواهم. کانت گفته است که پرسنده گمراه پاسخ‌گو را به بیراهه می‌کشاند.
همین که پرسش‌گر، که من او را چون يك دوست در خانه خود پذیرفته بودم، دهان به پرسش گشود، بوی لجن شنیدم، گند ادعا بود، نه عطر دانش‌دوستی، که مشام جانم را از خود آکند ... دانستم که قصد او، نه گشودن مشکلی، بلکه تنها " وا کردن مشت " [!] من است ... " (صص ۱۲-۱۳).

در پایان پرسشی که برای خواننده کتاب همچنان بی‌پاسخ می‌ماند این است که اگر آقای اسماعیل خوبی به نظر خودشان در پاسخ‌گویی به بیراهه رفته‌اند، چرا نظرات غلط خود را دست‌کم در پاورقی کتاب خود تصحیح نکرده‌اند؟ و چنانچه برای چاپ اول این فرصت دست نداده است، چرا کتاب را دوباره در سال ۱۳۵۶ بدون اصلاح نظرات خود چاپ کرده‌اند و از شرمساری خود که در مقدمه کتاب اشاره کرده‌اند، نکاسته‌اند؟!

جدال مدعی با سعدی (۱) ، سید محمد محیط طباطبایی، ارمغان، دوره سی‌وششم، شماره ۹، آذر ۱۳۴۶، صص ۴۷۰-۴۶۵.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته در پاسخ به پرسش‌هایی بوده که در روزنامه اطلاعات درباره سرنوشت زبان و خط فارسی مطرح شده بوده است.

۱-۱. توضیح درباره ابراهیم پورداوود و بازگویی خاطراتی از او مبنی بر دین‌ورزی، آزادی‌خواهی و میهن‌دوستی‌اش (صص ۴۶۸-۴۶۵).

۱-۲. پاسخ به نظرات پورداوود درباره حذف زبان عربی در برنامه مدارس و پرهیز از استعمال واژه‌های عربی (صص ۴۷۰-۴۶۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته که هیچ ارتباطی با سعدی ندارد بخش نخست مقاله‌ای است که بخش دوم آن در شماره ۱۰ از دوره سی‌وششم مجله ارمغان (دی ماه ۱۳۴۶، صص ۴۹۵-۴۸۹) به چاپ رسیده است. ر.ک. اشاره بخش دوم مقاله.

جدال مدعی با سعدی (۲) ، سید محمد محیط طباطبایی، ارمغان، دوره سی و ششم، شماره ۱۰، دی ۱۳۴۶، صص ۴۹۵-۴۸۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اعتراض به گفتار پورداوود درباره سعدی و اسلوب تحریر گلستان، از جمله: " نقد تعرض‌آمیزی که نسبت به سعدی و اسلوب تحریر گلستان او بر زبان قلم آقای پورداوود رفته، خیلی دور از انصاف بلکه جسارت‌آمیز است (ص ۴۸۹). آقای پورداوود خیال کرده‌اند که مردم شیراز زمان سعدی مانند شیرازیان امروز به زبان فارسی دري سخن می‌گفته‌اند و هر چه سعدی می‌گفته، چون مفهوم همگنان بوده است ... سعدی برای اینکه زبان اثر منثور خود را جان‌شین لهجه متداول محلی کند، دست به دامن نثر موزون و مسجع زده ... سعدی با این عمل خود شالوده نثر ادبی زبان فارسی را بر اساس مطلوب جدیدی طرح کرد که بعدها در عهد صفویه و قاجاریه کمال یافت ... " (صص ۴۹۰-۴۸۹).

۱-۲. توضیح درباره دو بیت از گلستان (ای کریمی که از خزانه ...) که مورد اعتراض پورداوود بوده و پاسخ به آن اعتراض (صص ۴۹۳-۴۹۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. سخنان ابراهیم پورداوود درباره زبان فارسی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که در دو بخش و دو شماره از مجله ارمغان به چاپ رسیده، در واقع پاسخننامه‌ای است به نظرات ابراهیم پورداوود درباره زبان فارسی و اعتراض او به شیوه نثر گلستان سعدی، اما درباره سعدی سخن تازه‌ای که جنبه تحقیقی داشته باشد، بیان نشده است. ضمناً نشانی مأخذ گفته‌های پورداوود نیز معلوم نیست.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. این نوشته واکنشی است به یک سخنرانی که در یک گردهم‌آیی علمی ارائه شده است (سخنرانی ناصر پورپیرار با عنوان " آیا سعدی یک جهانگرد بود " - در همایش علمی فارسی‌شناسی) نگارنده در سراسر این نوشتار بر ارزش اخلاقی و معنوی سخن سعدی پای فشرده و با طنز و طعنه بر سخنران یاد شده تاخته و با استناد به سخنان سعدی در پی پاسخ‌گویی برآمده است.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست). ۲-۲. متن سخنرانی ناصر پورپیرار در همایش علمی فارسی‌شناسی ۱۳۷۵.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۱ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته تنها پاسخی است که نگارنده به عنوان اعتراض به برخی از گفته‌های ناصر پورپیرار (بدون ذکر نام او) داشته و سخن تازه‌ای که جنبه تحقیقی داشته باشد، در آن بیان نشده است. نگارنده نظرات خود را به سخنان سعدی بدون ذکر نشانی آنها مستند کرده است.

جستجویی برای بهترین غزل سعدی، مسعود فرزاد، خرد و کوشش، دوره دوم، دفتر دوم، مرداد ۱۳۴۹، صص ۲۰۴-۲۸۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل حکایتی درباره مجمر و ادعای او در سرایش غزل در حد سعدی: " شنیدم که یک وقت مجمر شاعر دربار فتحعلی شاه ادعا کرد که می‌تواند به خوبی سعدی غزل بسازد. به جرم این بی‌ادبی او را به زندان افکندند. از زندان برای ادبای وقت پیغام فرستاد که بهترین غزل سعدی را انتخاب کرده، برای او بفرستند تا جواب آن را بگوید. غزل سعدی که انتخاب کردند و غزلی که مجمر در جواب آن ساخت چنین است: سعدی: هر کسی را هوس می‌... مجمر: " تو اگر صاحب نوشی و اگر ... " (صص ۲۸۸-۲۸۶).

۱-۲. تأکید بر دشواری انتخاب ده غزل به عنوان بهترین غزل‌های سعدی به دلیل کمال بسیاری از غزل‌های او (صص ۲۸۸-۲۸۹).

۱-۳. یادکرد ده ویژگی برای انتخاب بهترین غزل‌ها (ص ۲۸۹).

۱-۴. مقایسه غزل‌های سعدی و حافظ از نظر میزان استقلال بیت‌ها: " میزان استقلال بیت غزل سعدی بیشتر است تا غزل حافظ " ... (ص ۲۹۰).

۱-۵. گفتاری کوتاه زیر عنوان " مطلب مرکزی غزل " و نقل فهرستی از مطلع غزل‌های سعدی که از نظر نگارنده دارای مطلب مرکزی هستند (صص ۲۹۱-۲۹۰).

۱-۶. نقل مطلع ۲۹ غزل به عنوان غزل‌های برتر سعدی (صص ۲۹۳-۲۹۲).

۱-۷. نقل ۲۵ غزل از سعدی به عنوان غزل‌های درجه اول (صص ۳۰۴-۲۹۳).

۱-۸. نتیجه‌گیری نهایی: " بالاخره اگر از من خواسته شود در میان همین بیست و پنج غزل آن یکی را که به میزان خاصی دوست می‌دارم، نشان بدهم، خواهم گفت: من چه در پای تو ریزم که خورای تو بود ... " (ص ۳۰۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان کامل سعدی، دکتر مظاهر مصفا، ۱۳۴۰.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۸۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته، نگارنده بنابر سلیقه شخصی خود و با تعیین چند معیار، برای تشخیص بهترین غزل‌های سعدی، جستجو کرده و بالاخره ۲۵ غزل را برتر از غزل‌های دیگر یافته و آنها را نقل کرده است. از آنجایی که این گونه از گزینش‌ها، بیشتر مبتنی بر ذوق و سلیقه است، درباره غزل‌های منتخب سخنی نمی‌گویم، اما بی‌گمان غزل‌های سعدی که با معیار نگارنده دارای مطلب مرکزی هستند، بسیار بیش از ۲۷ غزلی است که در جدول ص ۲۹۱ به آنها اشاره شده است.

جشن هفت‌صدمین سال تألیف گلستان سعدی، پیام نوین، سال اول، شماره ۱، مهر ۱۳۲۷، صص ۴۵-۲۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مراسم بزرگداشت سعدی در اردیبهشت ۱۳۱۶ و جشنی که در سال ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷ ش.) به مناسبت هفت صدمین سال تألیف گلستان (به حساب سال‌های شمسی) در شوروی برپا شده است.

۱-۲. شرح برنامه‌های مراسم جشن و سخنرانی‌ها:

۱-۲-۱. سخنران نخست: تورسن‌زاده، نویسنده تاجیک، ایشان بر عظمت سعدی و اثر جاودان او، " گلستان " تأکید کردند و جنبه‌های ظلم ستیزی، نصیحت‌گری، میهن‌دوستی، عقل‌گرایی، و جهانگردی سعدی را مورد توجه قرار دادند (صص ۳۵-۳۲).

۱-۲-۲. سخنران دوم: آقای براگینسکی، ایشان با تأکید بر ارزش والای گلستان به علاقه و احترام گوته و پوشکین نسبت به سعدی اشاره کردند و جنبه‌های جهانگردی، درستی‌گری، اندیشه‌ورزی، بشردوستی، ظلم‌ستیزی، نصیحت‌گری، شجاعت و صراحت لوجه و نفوذ در اجتماع را از ویژگی‌های سخن سعدی دانستند، از جمله: " در سال‌های جنگ عظیم میهنی کلام با شهامت سعدی الهام‌بخش جنگاوران تاجیکستان و جمهوری‌های دیگر آسیای میانه و مشوق آنان برای فداکاری بود. حبیب یوسفی، شاعر خوش قریحه تاجیکستان که در میدان‌های جنگ دوم جهانی دلیرانه جان نثار کرد ... در نامه‌های خود از جبهه می‌نوشت که همیشه کنایه از اشعار سعدی را در جیب روی سینه خود دارد و همه جنگجویان آتشبار او با اشعار سعدی آشنا هستند و پیش از هر نبرد اشعار سعدی را برای آنان می‌خواند. یوسفی در اشعار خود، که در آن ترغیب به جنگ میهنی می‌کند چند بیت از اشعار سعدی را وارد کرده است:

آن نه من باشم، که روز جنگ بینی پشت من آن منم، کاندرا میان خاک و خون بینی سری ...

همین یک حقیقت برای سنجش و تعیین ارج سعدی، خیلی پیش از بحث لغوی بیهوده درباره کلام او اهمیت دارد ... (صص ۳۸-۳۷) شاهکار غزلیات سعدی غزل " کاروان " است که سعدی در آن، درد جانکاه هجران یار را بیان کرده است ... ولی متأسفانه نقل آن در ترجمه با آن حد کمال مقدور نیست (ص ۴۰). گلستان همیشه هم کتاب تعلیم زندگی بوده و هم کتاب تفریحی. راز تأثیر این اثر سحرانگیز هم در خوانندگان همین است. لیکن حیرت‌انگیزتر این که قسمت اعظم مضامین و کلمات قصار در حکایات سعدی تا کنون هم قاطع و مبرهن است " (ص ۴۲).

۱-۲-۳. سخنران پایان نشست، آقای مصطفی سمیعی، با تشکر از برگزار کنندگان جلسه بر عظمت و ماندگاری سخن سعدی تأکید کردند و جنبه‌های تعلیمی و جهانی آن را مورد توجه قرار دادند (صص ۴۴-۴۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۸ بار، بوستان ۷ بار، غزلیات ۲ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در واقع گزارشی از مراسم جشن بزرگداشت هفت صدمین سال تألیف گلستان سعدی است که در سال ۱۳۳۷ ش. در مسکو برپا شده است.

چکیده متن سه سخنرانی، بویژه سخنرانی براگینسکی، عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان و تأکیدات او بر جنبه‌های مختلف شخصیت و سخن سعدی (رک. ۱-۲-۲ همین مقاله) برای پی بردن به گسترش و نفوذ سعدی در افکار ملل دیگر بسیار سودمند است. تأکید یک اندیشمند روسی بر تأثیر سخنان سعدی در ایجاد شور و انگیزه مبارزه در جنگاوران تاجیکستان و جمهوری‌های دیگر آسیای میانه (رک. ۱-۲-۲ همین مقاله) بی‌گمان در شناخت ارزش سخن سعدی بسیار مؤثر است.

جلوه‌ علی «ع» در آسمان اندیشه سعدی (قسمت اول)، دکتر صالحی، رنگین کمان، سال پنجم، شماره دهم، هیجدهم تا بیست و پنجم آذر ۱۳۵۰، صص ۹، ۲۹ و ۳۶.

۱. مضامین اصلی ۱-۱. تأکید بر ارزش اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و معنوی، آثار سعدی (ص ۹).

۱-۲. اشاره به ارزش مقام سعدی در نزد سخن‌سرایان دیگری چون: مجد همگر، امیر خسرو دهلوی، همام تبریزی، حافظ و... (ص ۹).

۱-۳. تأکید بر گسترش آوازه سعدی در جهان معاصر خود (ص ۲۹).

۱-۴. تأکید بر تسلط و تبحر سعدی در علوم اسلامی؛ از جمله: "بی‌اغراق رواست بگویم که سعدی پیش از آن که شاعر باشد فقیهی است محقق و صاحب‌نظر... فقه و کلام و تفسیر و حدیث در سرتاسر گفتار سعدی چون آب در آینه نمایان است... سعدی از خطبای بی‌رقیب عصر خود بوده و در این فن بخصوص در معنی کسی به پای او نمی‌رسیده... " (ص ۲۹).

۲. منابع اصلی ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است)

۳. رویکرد به آثار سعدی ۳-۱. غزلیات ۹ بار، قصاید ۴ بار، گلستان ۴ بار، بوستان ۳ بار.

۴. اشاره ۴-۱. رک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

جلوه‌ علی «ع» در آسمان اندیشه سعدی (قسمت سوم)، دکتر صالحی، رنگین کمان، سال پنجم، شماره دوازدهم، دوم تا نهم دی ۱۳۵۰، صص ۱۴ و ۱۵.

۱. مضامین اصلی ۱-۱. توضیح درباره زندگی حضرت علی (ع) و ارتباط ایشان با حضرت پیامبر (ص) و تأکید بر شیفتگی سعدی به حضرت علی و مقام بلند حضرت علی در نزد سعدی؛ از جمله:

" سعدی راهی را که به نام امت اسلام پیموده شد و طی آن علی از خلافت محروم گشت ناصواب و ترجیح مرجوح بر راجح را خلاف رای اولوالالباب می‌داند (ص ۱۴) سعدی دو موضوع اعتقادی بسیار با اهمیت را با قاطعیت و صراحت بیان می‌دارد که اولی شفاعت انبیا و اولیا در روز حساب است و دومی اعتقاد به عصمت آنان " (ص ۱۵).

۲. منابع اصلی ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است)

۳. رویکرد به آثار سعدی ۳-۱. قصاید ۸ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره ۴-۱. رک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

جلوه‌ علی «ع» در آسمان اندیشه سعدی (قسمت چهارم)، دکتر صالحی، رنگین کمان، سال پنجم، شماره سیزدهم، نهم تا شانزدهم دی ۱۳۵۰، صص ۲۹ و ۳۱.

۱. مضامین اصلی ۱-۱. توضیح درباره مقام ولایت حضرت علی (ع) و تأکید بر اعتقاد سعدی به ولایت حضرت علی؛ از جمله: " این که می‌بینیم سعدی مکرر بعد از نام علی، کلمه ولی را ذکر می‌کند، برای آن است که ولایت منصب انحصاری و خاصی است که پیامبر گرامی این افسر افتخارآمیز را بر فرق همایون علی نهاد و او را صاحب اختیار جان و مال مسلمانان نمود " (ص ۲۹).

" آیا سعدی برای فرار از سرنوشتی که فردوسی دچار آن شد از اظهار عقیده باطنی خویش در ملأ عام و در محافل خودداری نمی‌کرده است؟ " (ص ۲۹).

۱-۲. نقل قصیده‌ای با مطلع «منم کز جان شدم مولای حیدر - امیرالمؤمنین آن شاه صفر» (ص ۳۱).

این قصیده از کتاب «خلاصه المناقب» نورالدین جعفر بدخشی نقل شده است. در کتاب یاد شده، این قصیده به سعدی نسبت داده شده است.

۲. منابع اصلی ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲-۲. خلاصه المناقب، نورالدین جعفر بدخشی.

۳. رویکرد به آثار سعدی ۳-۱. قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره ۴-۱. بنای این مقاله چهار قسمتی بر اثبات تشیع سعدی است. نگارنده مقاله با فرض اولیه تشیع سعدی، تلاش کرده است برخی از سخنان سعدی را به نفع فرضیه خود توجیه کند. البته عشق کامل سعدی، نسبت به حضرت علی (ع) موضوعی بسیار روشن و بدیهی است و انطباق برخی از باورهای سعدی با آرای ویژه شیعه نیز درست است؛ اما با این همه نمی‌توان بر بنیاد دلایل مطرح شده در این مقاله، سعدی را شیعه دانست. گفتنی است که نویسندگان دیگری، از جمله صدرالدین محلاتی، نیز بر تشیع سعدی تأکید ورزیده‌اند. برای آگاهی بیشتر، رک. مقدمه همین کتاب.

۴-۲. نسخه مورد استفاده نگارنده معلوم نیست. به همین دلیل دانسته نیست که بیت " غیر از علی که لایق پیغمبری بدی... " از نسخه مأخذ نگارنده است، یا خود او این تصور را کرده است. این بیت در کلیات سعدی مرحوم فروغی به صورت " غیر از عمر که لایق پیغمبری بدی... " ضبط شده است.

۴-۳. به جز گسستگی برخی از مطالب و نداشتن نشانی شواهد، اشتباهات فراوان چاپی نیز در این مقاله به چشم می‌خورد؛ برای نمونه در بخش سوم مقاله (ص ۱۵)، ستون سوم، در یک پاراگراف، چندین اشتباه دیده می‌شود: کرا (کس را)، هل لوتی (هل اتی)، لمر یکن (لم یکن)، نقت (منقبت)، امیرالمؤمنین (امیرالمؤمنین) و...

جلوه‌های شاعرانه قصص اسلامی در شعر سعدی، دکتر جعفر یاحقی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۱۶-۲۹۹. چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۲۸-۲۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به عوامل توفیق "تی.اس.البوت" و تأکید بر این که شاخص‌ترین امتیاز او مربوط به استفاده درخور و هنرمندانه‌اش از موارث قصه‌ها و سمبل‌ها و سرمایه‌های ادبی و فرهنگی جهان است (صص ۳۰۲-۳۰۱).
۱-۲. بررسی قصه‌ها و افسانه‌ها در آثار سعدی: "حقیقت این است که سعدی با توجه به قابلیت‌های فرهنگی و معرفت عمومی جهان خویش پیروز است و در عرصه به کارگیری قصص و تاریخ و افسانه کامیاب. از آن میان سهم قصص اسلامی، که حاصل معرفت دینی و جهان‌بینی سرشار مذهبی شاعر نیز هست، در ایجاد مضامین و مجموعه اندیشگی وی چشم‌گیرتر می‌نماید (ص ۳۰۲). آنچه که سعدی از این قصه‌ها دریافته و در عاطفه شاعرانه خویش احساس کرده، مجموعه زنده‌ای است، که وی به عنوان انسانی معتقد به جهان‌بینی اسلامی، هر کدام از آنها را راه‌گشای گوشه‌ای از زندگی عملی انسان‌ها یافته و با این گمان، از پاره‌ای از این قصه‌ها در حوزه‌های مختلف شعری سود جسته است (ص ۳۰۳). پرتنوع‌ترین عرصه‌های شعر سعدی از نظر استفاده‌های شاعرانه از قصص اسلامی، پهنه غزل اوست که باید گفت، شعرترین اشعار وی نیز هست." (ص ۳۰۴).
۱-۳. اشاره به گسترش دامنه خیال شاعرانه سعدی در قصه‌ها: "تعبیر عزیز مصر چمن و یوسف گل، در ابیات زیر از این گسترش‌پذیری که لازمه زندگی و سرشاری نیز هست، حکایت دارد، چنان که زلیخای صبا در بیت دوم نیز همین فضای باز را در چشم‌انداز خواننده قرار می‌دهد.

عزیز مصر چمن شد جمال یوسف گل صبا به شهر درآورد بوی پیرهنش

پاره گرداند زلیخای صبا صبحدم بر یوسف گل پیرهن ...

توانایی خدا داده سعدی برای خلق مضامین غزلی و رنگ و بوی عارفانه‌ای که فضای بسیاری از اشعار وی را دلپذیر کرده، بدان پایه است که نام وی را زینده "استاد غزل" فارسی می‌کند" (صص ۳۰۸-۳۰۷).
"عرصه شعر اجتماعی سعدی با سرگذشت پیشینیان و علی‌الخصوص قصص سرشار از عبرت و اخلاق اسلامی پیوندی مضاعف یافته است ... جلوه‌های گوناگونی که با استفاده از سرگذشت این افراد در شعر سعدی پیدا شده، بیش از هر جا در مواعظ و قصاید حکمت‌آمیز او پیداست، که در عین کمال معنوی از جمال هنری برخوردار است (صص ۳۰۹-۳۰۸). زبان گویای سعدی وقتی با قلم نقش‌آفرین او همراه می‌شود، تصویرها را می‌تواند از لوازم قصه‌ها بردارد ... و رنگ و بوی سخن را از جلوه‌های معنوی آنها بجوید و توأمان در قالب یک مفهوم بریزد" (ص ۳۱۳).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. قرآن کریم، ۲-۲. کلیات سعدی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. غزلیات ۳۲ بار، قصاید ۱۰ بار، گلستان ۷ بار، قطعات ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. بررسی کیفیت بهره‌جویی شاعرانه از قصص اسلامی و داستان‌های کهن در آثار سعدی از پژوهش‌های مفید و لازم برای بازیابی مآخذ اندیشه‌های سعدی است. در این مقاله که به همین امر پرداخته شده، توجه اساسی نویسنده به غزلیات و تا حدودی قصاید است، در صورتی که این ویژگی را در بوستان سعدی نیز به گستردگی می‌توان دید و نمود. برای شناخت بهتر هنر سعدی در این موضوع، باید زیبایی‌شناسی این بهره‌جویی‌ها را با حوصله و دقت بیشتری کاوید.
۲-۴. نشانی مراجع و شواهد مثال به روشنی در بخش یادداشت‌ها نوشته است.